

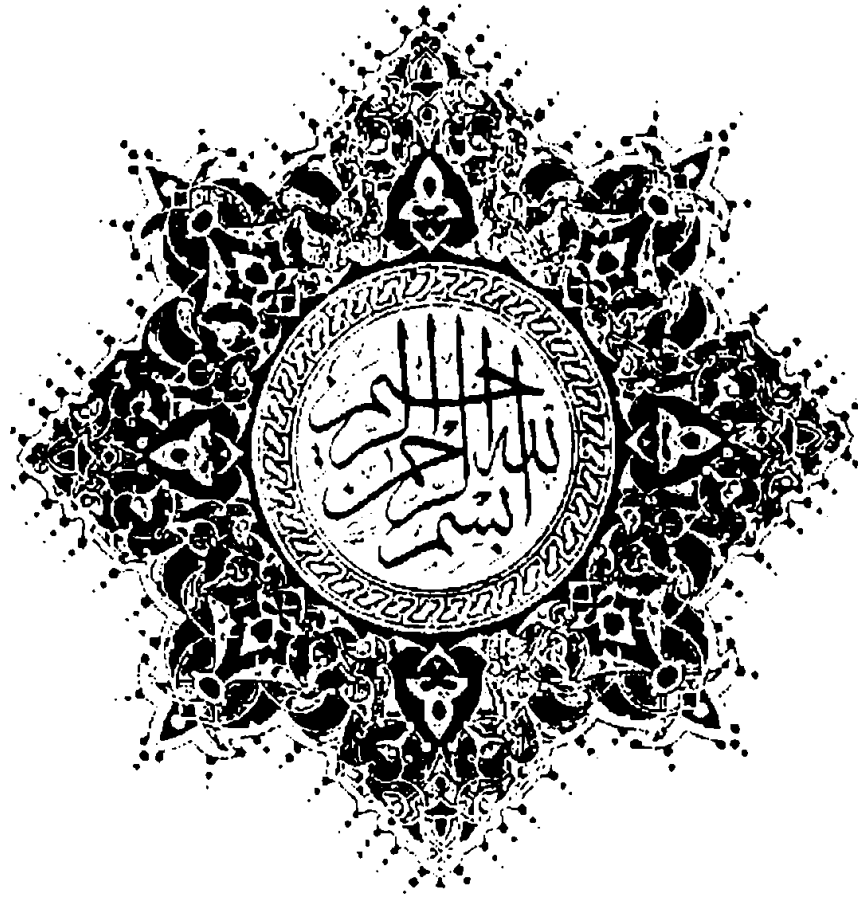
گذری بر

رویداد‌های معاصر ایران

و

پیدایش انقلاب اسلامی

مهر علی لطفی



گذری بر  
رویدادهای معاصر ایران  
و  
پیدایش انقلاب اسلامی

نویسنده: مهر علی لطفی

ویراستار: محمد ملکی

لطفی، مهر علی، ۱۳۴۶ -

گذری بر رویدادهای معاصر ایران و پیدایش انقلاب اسلامی / تألیف مهر علی لطفی.  
ویراستار محمد ملکی - - قم: پرهیزکار، ۱۳۷۹.  
۲۰۶ ص.

ISBN 964 - 92816 - 1 - 4      ۹۵۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

۱. ایران - - تاریخ - - انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ - - مطالعات تطبیقی. ۲. ایران - - سیاست و حکومت - - قرن ۱۳. ۳. ایران - - سیاست و حکومت - - قرن ۱۴. الف. عنوان.  
گگ ۴ / ۱۵۵۳ / DSR

۹۵۵/۰۸۳

۱۷۷۲۶ - ۷۹ م

کتابخانه ملی ایران

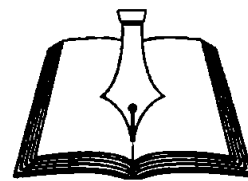
#### شناسنامه کتاب

نام کتاب: ... گذری بر رویدادهای معاصر ایران و پیدایش انقلاب اسلامی  
نویسنده: ..... مهر علی لطفی  
ویراستار: ..... محمد ملکی  
صفحه آرا و حروف نگار: ..... صفا مرغی  
ناشر: ..... پرهیزکار - قم  
شمارگان: ..... ۲۰۰۰  
نوبت چاپ: ..... اول  
تاریخ چاپ: ..... زمستان ۱۳۷۹  
چاپخانه: ..... فاضل  
قطع و صفحه: ..... ۲۰۸ صفحه، وزیری  
بها: ..... ۹۵۰ تومان

شابک: ۹۶۴ - ۹۲۸۱۶ - ۱ - ۴

ISBN: 964 - 92816 - 1 - 4

\* حق چاپ محفوظ و متعلق به ناشر است \*



مؤسسه انتشاراتی

پرهیزکار

قم: خیابان صفائیه

کوچه ۲۴ - انتهای افخم

پلاک ۱۵۶

ص. پ: ۱۱۱۹ - ۳۷۱۳۵

تلفن: ۷۴۶۱۸۲

همراه: ۰۹۱۱۲۵۱۳۳۲۵

تقدیم به:

روح ملکوتی سعمار انقلاب عظیم اجتماعی قرن  
و روان پاک منادیان وقایع معاصر ایران  
و پدیده شگفت انگیز قرن.

لطفی



## فهرست

۱۵	پیشگفتار
۱۷	مقدمه
۲۱	<b>بخش اول: مباحث مقدماتی</b>
۲۳	<b>فصل اول: تبیین و تشریح مفاهیم</b>
۲۳	معنای لغوی انقلاب:
۲۳	معنای اصطلاحی انقلاب:
۲۴	تعریف انقلاب و نظریه دو فیلسوف بزرگ:
۲۴	افلاطون
۲۴	ارسطو،
۲۵	تشریح مفاهیم کودتا، شورش و اصلاح:
۲۶	تفاوت و تمایز انقلاب از کودتا:
۲۹	<b>فصل دوم: انقلاب از دیدگاه مکاتب و اقسام آن</b>
۳۰	انقلاب از دیدگاه مکاتب
۳۰	اقسام انقلاب:
۳۰	انقلاب اجتماعی
۳۰	انقلاب فردی
۳۰	انقلاب اسلامی یا اسلام انقلابی
۳۲	پی نوشت ها
۳۳	<b>بخش دوم: مباحث پایه</b>
۳۵	<b>فصل اول: تئوریهای انقلاب</b>

۳۵	نظریه انقلاب مارکس یا مبارزه طبقاتی
۳۶	مدل انقلاب از دیدگاه مارکس
۳۷	نقد و بررسی
۳۸	نظریه کارکردگرا و ساختاری چالمرز جانسون
۳۹	مدل انقلاب
۳۹	نقد و بررسی
۴۰	نظریه آیت الله سید محمدباقر صدر در مورد انقلاب:
۴۰	مدل انقلاب:
۴۰	ارزیابی:
۴۱	نظریه استاد شهید مطهری در مورد انقلاب
۴۱	مدل انقلاب از دیدگاه شهید مطهری
۴۱	علل انقلاب با استفاده از آیات قرآن کریم
۴۳	پی نوشت ها:
۴۵	<b>فصل دوم:</b> زمینه های فکری انقلاب اسلامی:
۴۵	۱. قرآن مجید به عنوان قانون انقلاب اسلامی:
۴۶	الف) نفی ظلم و ستم:
۴۷	ب) اصل خلافة اللہی:
۴۷	ج) تشکیل امت واحده و حکومت واحد جهانی:
۴۸	د) اصل نظارت همگانی:
۴۹	ر) اصل شوری:
۵۰	ز) اصل نفی سبیل:
۵۰	س) اقامه عدل و توسعه قسط:
۵۱	۲. لزوم تشکیل حکومت اسلامی:
۵۱	الف) ضرورت تشکیل حکومت - اسلامی - از دیدگاه عقلا:
۵۲	ب) سیره پیامبر اکرم و ائمه اطهار:
۵۲	ج) لزوم استمرار اجرای قوانین اسلامی:
۵۳	۳. شیعه و حرکتهای سیاسی آن:
۵۴	الف) مفهوم شیعه:



ب) تاریخچه و عوامل پیدایش شیعه:.....	۵۵
ج) مبانی پیدایش شیعه:.....	۵۶
نیاز مستمر بشر به هدایت الهی:.....	۵۶
تعیین و نصب امام از جانب خداوند:.....	۵۷
پیامبر اکرم سرنوشت رسالت خویش را رها نکرد:.....	۵۷
د) مهم‌ترین خصوصیات و ویژگیهای شیعه و حرکتهای سیاسی آن:.....	۵۹
د) ۱. اصل امامت:.....	۵۹
د) ۲. اصل تقیه و رازداری:.....	۶۰
د) ۳. قیام امام حسین و مکتب عاشورا:.....	۶۱
د) ۴. انتظار فرج یا آرمان بشری:.....	۶۲
نقش انتظار:.....	۶۳
الف) اعتراض دائمی، خودسازی و همیاری اجتماعی:.....	۶۳
ب) ایجاد امید و حل نشدن در محیط فساد:.....	۶۳
د) ۵. اصل مرجعیت و رهبری فقیه - ولایت فقیه:.....	۶۴
پی نوشت‌ها.....	۶۶
<b>فصل سوم:</b> زمینه‌های تاریخی انقلاب اسلامی.....	۶۹
۱. جریان پیروی از تمدن غرب و جریان احیا و بازسازی تفکر دینی.....	۷۰
جریان پیروی از تمدن غرب، از غرب‌گرایی تا غرب‌زدگی - تجدد:.....	۷۰
جریان احیا و بازسازی تفکر دینی از بنیادگرایی تا رادیکالیسم اسلامی.....	۷۲
بنیادگرایی دینی:.....	۷۲
رادیکالیسم اسلامی:.....	۷۲
۲. سیدجمال الدین اسدآبادی و اندیشه‌های سیاسی و اصلاحی وی:.....	۷۳
اندیشه‌های سیاسی سیدجمال:.....	۷۳
علل انحطاط مسلمین از دیدگاه سیدجمال:.....	۷۵
راههای درمان انحطاط مسلمین از دیدگاه سیدجمال:.....	۷۵
اقدامات و تلاش سیدجمال در جهت وحدت اسلامی بین تفکر تشیع و تسنن:.....	۷۶
۳. قیام تنباکو:.....	۷۷
الف) زمینه‌های واگذاری امتیاز تنباکو و متن فرمان اعطای امتیاز آن:.....	۷۸

ب) علل قیام و مقاومت مردم:	۷۹
ب - ۱. ماهیت استعماری قرارداد:	۸۰
ب - ۲. عامل اقتصادی:	۸۰
ب - ۳. عامل فرهنگی و اجتماعی:	۸۰
ب - ۴. عامل نظامی و امنیتی:	۸۱
ب - ۵. تنافی امتیاز تنباکو با حکم صریح قرآن و احکام اسلام:	۸۱
ج) مقاومت مردم در شهرها و اندیشه تحریم:	۸۲
د) صدور فتوای تحریم تنباکو مبنی بر لغو امتیاز آن و پیروزی نهضت:	۸۲
ارزیابی قیام تنباکو:	۸۴
پی نوشت ها	۸۶
<b>فصل چهارم: نهضت مشروطیت</b>	۸۹
الف) زمینه‌های داخلی:	۹۰
۱. نهضت تنباکو:	۹۰
۲. ظلم و استبداد پادشاهان قاجار:	۹۰
۳. فقر و بیچارگی مردم:	۹۱
۴. تلاش علما و روحانیون:	۹۱
۵. روشنفکران غرب‌گرا:	۹۲
ب) زمینه‌های خارجی:	۹۳
۱. سلطه اقتصادی بیگانگان در ایران:	۹۳
۲. نقش جنبشهای آزادی‌خواهی و مشروطه‌طلبی در جهان:	۹۳
۳. نقش و توطئه انگلیسی‌ها:	۹۴
ج) عوامل فکری و نظری:	۹۶
د) عوامل شتاب‌زا یا جرقه‌های نهضت:	۹۷
ه) تحولات و حوادث بعد از عوامل شتاب‌زا:	۹۸
ز) صدور فرمان مشروطیت و پیروزی نهضت:	۱۰۰
ح) نیروهای درگیر و حوادث بعد از مشروطیت	۱۰۱
۱. نیروهای درگیر:	۱۰۱
۲. حوادث بعد از مشروطیت:	۱۰۱

۱۰۳	ارزیابی:.....
۱۰۳	الف) ضعفها و تبعات آن:.....
۱۰۴	ب) علت‌های شکست و انحراف مشروطیت.....
۱۰۴	۱. بقای رژیم سلطنتی (سلسله قاجار):.....
۱۰۴	۲. خیانت و رودست زدن روشنفکران غرب‌گرا.....
۱۰۵	۳. خدعه‌های استعمارگر پیر انگلیس:.....
۱۰۶	۴. بحران رهبری.....
۱۰۶	۵. نداشتن استراتژی مشخص.....
۱۰۶	۶. سوء استفاده از آزادی.....
۱۰۸	پی‌نوشت‌ها.....
۱۱۱	<b>فصل پنجم: ماهیت سلسله پهلوی</b> .....
۱۱۱	حکومت رضاخان.....
۱۱۴	حکومت محمدرضا شاه:.....
۱۱۴	الف) دوره اول (۱۳۳۲-۱۳۲۰).....
۱۱۵	ب) دوره دوم، (۱۳۵۷-۱۳۳۲).....
۱۱۵	۱. مبارزه همه جانبه با اسلام.....
۱۱۷	۲. فساد اقتصادی.....
۱۱۸	۳. فساد سیاسی.....
۱۲۱	پی‌نوشت‌ها.....
۱۲۳	<b>بخش سوّم: مباحث اصلی</b> .....
۱۲۵	<b>فصل اوّل: روند پیدایش انقلاب اسلامی</b> .....
۱۲۶	۱. درگذشت آیت‌الله بروجردی و کاشانی و اقدامات شاه.....
۱۲۷	۲. تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و واکنش امام خمینی.....
۱۲۹	۳. اصلاحات آمریکایی شاه و رفراندوم شش بهمن ۱۳۴۱.....
۱۳۱	۴. فاجعه مدرسه فیضیه و واکنش امام خمینی.....
۱۳۲	۵. محرم ۱۳۴۲ و سخنرانی مهم امام خمینی در روز عاشورا.....
۱۳۳	۶. قیام پانزده خرداد و پیامدهای آن.....
۱۳۵	۷. کاپیتولاسیون و آغاز مرحله جدید مبارزه و نقش امام خمینی در این مرحله.....

۱۳۷	۸. مبارزه در تبعید .....
۱۳۹	ویژگی های مبارزه امام خمینی علیه شاه .....
۱۴۱	پی نوشت ها .....
۱۴۳	<b>فصل دوم: عوامل شتاب زای انقلاب اسلامی</b> .....
۱۴۴	۱. شهادت حاج آقا مصطفی خمینی، آغاز مرحله جدید انقلاب اسلامی .....
۱۴۴	۲. قیام ۱۹ دی قم .....
۱۴۵	۳. قیام ۲۹ بهمن تبریز .....
۱۴۶	۴. اربعین ها و تداوم نهضت .....
۱۴۶	۵. عید فطر ۵۷ و شتاب انقلاب .....
۱۴۷	۶. هفده شهریور ۱۳۵۷ ه ش .....
۱۴۹	۷. هجرت امام به فرانسه .....
۱۴۹	۸. محرم ماه پیروزی خون بر شمشیر .....
۱۵۱	۹. ورود امام خمینی به ایران و پیروزی انقلاب اسلامی .....
۱۵۳	پی نوشت ها .....
۱۵۵	<b>فصل سوم: بررسی تطبیقی نظریه های انقلاب اسلامی با پدیده انقلاب اسلامی</b> .....
۱۵۵	الف) نظریه توطئه .....
۱۵۵	۱. توطئه انگلیسی ها: .....
۱۵۶	۲. توطئه آمریکایی ها: .....
۱۵۷	ارزیابی .....
۱۵۷	ب) فرضیه مدرنیزاسیون .....
۱۵۸	ارزیابی .....
۱۵۸	ج) فرضیه اقتصاد، عامل انقلاب .....
۱۵۹	ارزیابی .....
۱۵۹	د) فرضیه مذهبی عامل انقلاب .....
۱۶۰	ارزیابی .....
۱۶۰	ه) فرضیه سیاسی عامل انقلاب .....
۱۶۱	ارزیابی .....
۱۶۲	ز) نتیجه گیری .....

۱۶۶	پی نوشت ها
۱۶۹	<b>فصل چهارم: مقایسه انقلاب اسلامی ایران با انقلاب های بزرگ دنیا</b>
۱۶۹	شرایط اقتصادی
۱۶۹	الف) فرانسه
۱۷۰	ب) روسیه
۱۷۱	ج) ایران
۱۷۲	شرایط نظامی و حمایت بین المللی
۱۷۲	الف) فرانسه
۱۷۲	شرایط نظامی:
۱۷۲	حمایتهای بین المللی:
۱۷۳	ب) روسیه
۱۷۳	شرایط نظامی:
۱۷۴	حمایتهای بین المللی:
۱۷۵	ج) ایران
۱۷۵	شرایط نظامی:
۱۷۵	حمایتهای بین المللی:
۱۷۷	شرایط سیاسی:
۱۷۷	الف) فرانسه:
۱۷۸	ب) روسیه:
۱۷۹	ج) ایران:
۱۸۰	مشارکت مردمی
۱۸۰	الف) فرانسه:
۱۸۱	ب) روسیه:
۱۸۲	ج) ایران:
۱۸۳	رهبری و ایدئولوژی
۱۸۳	الف) انقلاب فرانسه:
۱۸۳	رهبری:
۱۸۴	ایدئولوژی:

۱۸۴	.....	ب) انقلاب روسیه:
۱۸۴	.....	رهبری:
۱۸۵	.....	ایدئولوژی:
۱۸۶	.....	ج) انقلاب اسلامی ایران:
۱۸۶	.....	رهبری:
۱۸۶	.....	ایدئولوژی:
۱۸۸	.....	پی‌نوشت‌ها
۱۹۱	.....	<b>فصل پنجم: آفات انقلاب اسلامی</b>
۱۹۱	.....	۱. نفوذ فرصت طلب‌ها
۱۹۳	.....	۲. کم رنگ شدن ارزش‌ها و رو آوردن به ضد ارزش‌ها
۱۹۴	.....	۳. تحجر و مقدس‌نمایی
۱۹۵	.....	۴. انفعال پذیری، خودباختگی و تجددگرایی افراطی
۱۹۶	.....	۵. تجمل‌گرایی
۱۹۶	.....	۶. عدم مواجهه با آزادی و سوء استفاده از آن
۱۹۷	.....	۷. عدم تحمل سیاسی و نداشتن روحیه انتقاد پذیری
۱۹۸	.....	۸. عدم رعایت قوانین و حاکمیت روابط به جای ضوابط
۱۹۸	.....	۹. سرپیچی از فرامین رهبری و تضعیف آن
۱۹۹	.....	۱۰. خستگی نیروهای انقلابی
۲۰۰	.....	پی‌نوشت‌ها
۲۰۱	.....	کتابنامه

## پیشگفتار

کتاب حاضر، به عنوان گذری بر رویدادهای معاصر ایران و علل پیدایش انقلاب اسلامی به پژوهشگران، دانشجویان و دیگر علاقمندان به این مباحث، تقدیم می‌شود.

بررسی هر واقعه و یا انقلاب و شناخت آن از دو طریق میسر است: اول، از طریق شناخت اضداد آن، که اصطلاحاً آن را شناخت جدلی می‌نامند. دوم، شناخت از طریق علل و عوامل و ریشه‌های آن، که این نوع شناخت را اصطلاحاً برهانی و تام می‌گویند. از طرفی ناگفته نماند، که هر حادثه و پدیده‌ای دارای علل و عواملی است که در پیدایش آن نقش مستقیم و یا غیر مستقیم دارد و انقلاب اسلامی ایران نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست. از جانی دیگر، اگر بخواهیم شناخت کافی و آگاهی صحیحی از انقلاب اسلامی داشته باشیم، باید به علل و عواملی که در پیدایش آن نقش داشته‌اند پردازیم؛ زیرا بدون شناخت زمینه و علل پیدایش انقلاب اسلامی، شناخت اصل آن ممکن نیست.

بنابراین، با توجه به فرصت و امکان بررسی، به برخی از علل و عوامل و زمینه‌های انقلاب اسلامی که از اهمیت بیشتری برخوردارند و دخالت مستقیم در پیدایش آن داشته‌اند می‌پردازیم.

گرچه، بحث اصلی این کتاب در مورد علل و زمینه‌های پیدایش انقلاب اسلامی است؛ اما به عنوان پیش‌درآمدی بر این واقعه و یافتن ارتباط منطقی آن با موضوع، گذری هرچند اجمالی به حوادث و رویدادهای مهم معاصر ایران خواهیم داشت. زیرا این رویدادها از نظر زمینه‌های تاریخی انقلاب که در شکل‌گیری این نهضت تأثیر داشته است، قابل بررسی است.

تدوین این کتاب محصول گفتگو، پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه‌های علامه طباطبائی (ره) و شهید بهشتی تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی و فنی واحد مرکزی تهران، دانشگاه واحد علوم و تحقیقات پونک تهران، دانشگاه آزاد اسلامی قم و اراک در سال‌های متمادی تدریس و ثمره تلاش‌های علمی نگارنده پیرامون آن می‌باشد.

در ادامه از همه کسانی که، نگارنده را در تدوین و نگارش این کتاب یاری نمودند تقدیر و تشکر می‌شود. به ویژه از راهنمایی معاونت امور اساتید نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، همکاری و حمایت همه جانبه آقای سید محمدحسین دریاباری و دیگر عزیزانی که از محضرشان استفاده برده‌ام، قدردانی و سپاسگزاری می‌شود.

در ضمن از لطف و راهنمایی برخی از اساتید این رشته، که با دقت نظر و تذکراتشان، سبب ارتقای علمی این متن شده‌اند، تقدیر و تشکر می‌شود همچنین از زحمات و تلاش ویراستار محترم، جناب آقای محمد ملکی که در ویرایش این اثر، متحمل زحماتی شده‌اند و نیز، از سرکار خانم صفا مرغی که با صفحه‌آرایی و تایپ این اثر، موجب شدند که این کتاب به زیور طبع آراسته گردد، قدردانی و سپاسگزاری می‌شود.

در پایان از همسر و فرزندانم به جهت خویشتن‌داری و همیاری، که در به ثمر رسیدن این کتاب سهم به سزایی داشته، تقدیر و تشکر می‌کنم.

خدایان یار، دلتان گنجینه اسرار باد.

مهرعلی لطفی

قم پاییز ۱۳۷۹



### مقدمه: کلیات

حدیث انقلاب، روایت سپیده‌دمی است که در نخستین بامداد به هنگامه گفتگوی خداوند و فرزندان آدم با لبان محبت و زبان دوستی بسته آمد و نیز حکایت عاشقانی است که بر آن میثاق باقی ماندند و جام هستی را به تیرگی شرک، تباهی کفر و سیاهی ستم نیالودند. همچنین روایت قهرمانانی است که در معرکه شهادت پیمان‌ه و وجود خود را به باده وصول گلگون ساختند و از سر خویش برخاستند و به قلمرو حضرت دوست، بار یافتند<sup>۱</sup>.

انقلاب اسلامی ایران (تشکیل جمهوری اسلامی)، یکی از شگفت‌انگیزترین پدیده‌های تاریخ ایران و اسلام است از طرفی این انقلاب، در عصری شکل گرفت که نظام جهانی به دو قطب؛ یعنی غرب لیبرالیسم و شرق کمونیسم تقسیم شده بود و فضای حاکم بر این دو نظام نیز مملو از شعارها و اندیشه‌های مادی بود، بدین سبب مذهب و معنویت جایگاهی در عرصه سیاسی و اجتماعی این دو قطب نداشت.

بنابراین، شکل‌گیری هر نهضتی خارج از حیطه سیاسی این دو قطب، محکوم به فنا و نابودی بود؛ لذا با توجه به نظام جهانی حاکم بر عصر وقوع انقلاب اسلامی، که شکل‌گیری هر حرکت ضد استبدادی و ضد استعماری، در قالب شرق کمونیسم و هر حرکت سنت‌گرایز و نوگرایی، در قالب غرب لیبرالیسم قرار می‌گرفت. انقلاب اسلامی ایران، از ورای همه معادلات جهانی آن روزگار، طلوع کرده و به لطف

خداوند متعال و رهبری امام خمینی (ره)، مجاهدت و حمایت همه جانبه مردم متدین ایران از این نهضت، فضا و اندیشه حاکم جهانی را در هم ریخته و نظام سیاسی مبتنی بر شریعت را در این کشور برپا کرد.

بنابراین، انقلاب اسلامی ایران، یک انقلاب عظیم اجتماعی است که نظام ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را سرنگون کرد و در پی آن، نظامی نوین و بی سابقه در تاریخ تفکر شیعه و ایران به وجود آورد. پس شناساندن تاریخ انقلاب و ارزش‌های آن به نسل جوان به ویژه در جایگاه خاص و چون دانشگاه که نقش حساسی در کشور دارد، وظیفه‌ای انقلابی، اسلامی و ملی است و به قول امام خمینی (ره): «نقش دانشگاه در هر کشوری ساختن انسان است؛ لذا ممکن است از دانشگاه انسانی خارج شود که یک کشور را نجات بدهد و ممکن است یک انسان درست شود که کشور را به هلاکت بکشاند، این نقش مهم از دانشگاه می‌باشد.»<sup>۲</sup>

بدون تردید انقلاب اسلامی یکی از بزرگ‌ترین حوادث تاریخ معاصر جهان و ایران است؛ لذا اظهارات برخی از معاندین این انقلاب در متن زیر گویای این امر است. به عنوان نمونه، کیسینجر سیاستمدار آمریکایی می‌گوید: «بزرگ‌ترین حادثه‌ای که بعد از جنگ جهانی دوم اتفاق افتاده، پیروزی انقلاب اسلامی ایران بوده.» و یا مناخیم بگین نخست وزیر وقت اسرائیل، می‌گوید: «... که با انقلاب اسلامی ایران، دوران تاریکی در اسرائیل پیش آمده»<sup>۳</sup> و همچنین اظهار نظرهای دیگری که در این جا مجال بیان آنها نیست. پس تحلیل و ارزیابی این معجزه عصر برای هر پژوهشگر و با هر گرایشی، یک ضرورت علمی است و از لحاظ عملی نیز آشنایی با انقلاب اسلامی (ریشه‌ها، علل و اهداف آن) در جهت حراست از انقلاب و مبارزه با آفات آن از ضرورت اولیه می‌باشد. وانگهی، حراست از هر سرمایه‌ای دشوارتر از بدست آوردن آن است و حفاظت از هر دستاوردی نیز، توقف بر آگاهی از ارزش و جایگاه، و بهایی که برای آن پرداخته شده، دارد.

به هر حال برای بالندگی و حفظ انقلاب نیاز به حرکت و سازندگی، شناخت و آگاهی است. بدین سبب سازندگی، مسئولیت را می‌طلبد و مسئولیت درختی است که زمینه‌اش شناخت می‌باشد؛ اما خود مسئولیت از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ می‌توان گفت: هرکس به اندازه نعمت و سرمایه‌ای که دارد، به همان میزان مسئولیت بزرگتر خواهد داشت. پس ابتدا باید داده‌های حق را در راه او مصرف کرد

و هم در جهت نیاز خلق و در مسیر کمالشان به کار انداخت؛ اما باید دانست که شناخت و آگاهی هم به تنهایی برای حرکت و سازندگی کافی نیست؛ لذا نیاز به تمرین و ممارست دارد. ولی در هر صورت گام اول شناخت است و این شناخت در جهت پی بردن به استعدادها، مسئولیت و رسالتی است که بر دوش روشنفکران متعهد دیندار می باشد.

به هر حال، این که مسئولیت رسالتی را بر دوش ما می گذارد، راستی ما چه رسالتی در قبال آنهایی که خونشان را برای اهداف الهی و استقلال کشور دادند داریم؟ اگر نسل جوان ما نا آشنا نسبت به حوادث انقلاب و روند مبارزات دوران حاکمیت ستم شاهی باشند، بار مسئولیت خود را احساس نخواهند کرد. در حالی که ما نسل پرمسئولیتی هستیم؛ چرا که وارث خون شهیدانی هستیم که حیاتشان یعنی عزیزترین هستی شان را برای ما هدیه کردند. پس ما نباید مانند کسانی باشیم که با کوچکترین ناراحتی، انقلاب را زیر سؤال برده و از آن ناراضی می شوند؛ بلکه باید انقلاب را که ثمره خون بهترین فرزندان این دیار و امید میلیون ها مسلمان سراسر جهان می باشد، بشناسیم و در حفظ آن کوشا باشیم.

به هر حال نسل جوان و دانشجوی امروزه باید حساس تر، مسئولیت پذیرتر و متعهدتر از گذشته باشد؛ زیرا اگر دیروز روز مبارزه بود، امروز روز ساختن است و این حاصل نمی شود، مگر با شناخت و آگاهی نسبت به فرآیند انقلاب اسلامی و مبانی فکری و نظری آن.

در نتیجه می توان گفت که: با مطالعه گذرا در زمینه ریشه ها، اهداف و علل رخدادهای انقلاب اسلامی و بازتابی که این نهضت در کشورهای اسلامی و جهان کنونی داشته است، نه تنها حادثه بزرگ قرن است؛ بلکه از مهم ترین فرازهای تاریخ اسلام و ایران و پدیده شگفت انگیز دنیای معاصر محسوب می شود. در نتیجه، بنا به گفته فوکو - اندیشمند پسامدرن فرانسوی - انقلاب اسلامی را باید با گفتمان مخصوص به آن بررسی نمود، نه در قالب ثوری و اندیشه دیگری.

به هر حال مطالب این کتاب شامل یک مقدمه و سه بخش است، در مقدمه از ضرورت پژوهش کتاب و کلیات آن بحث شده است و در بخش های سه گانه کتاب از مباحثی همچون: مفهوم انقلاب در لغت و اصطلاح، مفاهیم کودتا و شورش و اصلاح و تمایز انقلاب با کودتا، مطالبی پیرامون انقلاب از دیدگاه مکاتب و اقسام آن

و مفهوم انقلاب اسلامی و اسلام انقلابی، بحث شده است. و در ادامه از مباحث پایه‌ای که خود شامل: تئوری‌های انقلاب و مقایسه تطبیقی آن با انقلاب اسلامی و علل و عوامل انقلاب در قرآن و زمینه‌های فکری، تاریخی انقلاب در عناوین مختلف و ماهیت سلسله پهلوی سخن رفته است و در بخش پایانی به روند شکل‌گیری و شتاب‌زایی انقلاب اسلامی، بررسی تطبیقی نظریه‌های انقلاب اسلامی با پدیده انقلاب اسلامی و مقایسه آن با انقلاب‌های فرانسه و روسیه اشاره رفته است و در پایان به آفات انقلاب اسلامی نیز پرداخته شده است.

#### پی‌نوشت‌ها

۱. حدیث پیمان، حمید پارسانیا، معاونت امور اساتید، قم ۱۳۷۶، ص ۱۳.
۲. صحیفه نور، امام خمینی، ج ۵، ص ۹۴.
۳. همان.

# بخش اول

مباحث مقدماتی



## فصل اول

### تبیین و تشریح مفاهیم

واژه انقلاب در رشته‌های مختلف علوم، اعم از اجتماعی، سیاسی، فلسفی، اقتصادی، تجربی و اسلامی؛ معانی خاص خودش را دارد. لذا نخستین گام در مطالعه پدیده انقلاب مفهوم‌بندی آن است؛ بنابراین ما در این جا هم به معنای لغوی انقلاب و هم به معنای اصطلاحی آن اشاره خواهیم کرد:

#### معنای لغوی انقلاب:

الف) در زبان عرب لفظ «الثوره» به معنای انتقام و خونخواهی استفاده شده است.

ب) در زبان انگلیسی و فرانسه از واژه «Revolution» و رولوسیون این معنا استفاده می‌شود که به معنای حرکت دورانی و عقبگردی است، که کنایه از بازگشت به افتخارات یونان باستان است.

ج) از کلمه انقلاب تعبیر دیگری هم از قبیل: دگرگون شدن؛ برگشتن؛ تغییر و تحول؛ تغییر کامل و مشخص در چیزی؛ چرخش دورانی، دوره‌ای از تغییرات دورانی که بازگشت به نقطه اول دارد؛ یعنی یک دور چرخش در افلاک و ستارگان را که در یک دایره و منحنی مشخص که بازگشت به نقطه مرکزی؛ نیز کرده‌اند.

#### معنای اصطلاحی انقلاب:

الف) در اصطلاح فلسفه سیاسی، انقلاب در عناصر، به معنای تبدیل صورتی به صورت دیگر (کون و فساد) می‌باشد.<sup>۱</sup>

## تعریف انقلاب و نظریه دو فیلسوف بزرگ:

افلاطون، از نظر افلاطون علت بروز نافرمانی، شورش و انقلاب، در حکومت مطلوب (مدینه فاضله) را عدم وجود تعلیم و تربیت روحی می‌داند، بدین سبب تعلیم و تربیت در ثبات سیاسی نقش عمده‌ای دارد، وی همچنین حس طمع و تجمل پرستی افراد را بزرگ‌ترین بلا و ایجاد کننده جنگ و انقلاب می‌داند.

ارسطو، از نظر ارسطو علل انقلاب دو دسته‌اند: علل خصوصی (بستگی به نوع حکومتها دارد، که از بحث ما خارج است) و علت‌های عمومی که این به به دو علت اصلی و فرعی تقسیم کرده است.

علت اصلی انقلاب: به نظر ارسطو، آرزوی برابری و رفع نابرابری همیشه سرچشمه انقلابها بوده است.

علت فرعی انقلاب: این علت تقویت کننده علت اصلی است. که عبارت‌اند از:

۱. نفع طلبی و سودجویی فرمانروایان.
۲. گستاخی و تجاوز به اموال دیگران و خزانه ملی.
۳. محروم شدن مردم از حرمت و آبرو و کسب جاه و جلال بی‌هنران و محرومیت هنرمندان از آن.
۴. نیرو و نفوذ یک یا چند شهروند به طوری که با سازمان حکومت و قوانین سازگار نباشد.
۵. ترس دو گروه از علل انقلاب است، یکی ترس بزهکاران و دیگری ترس عده‌ای که ستمی بر آنان رسیده و به دفع آن بر می‌خیزند.
۶. حکومت را خوار و کوچک دیدن.
۷. وسعت و رشد بی‌اندازه بخشی از سازمان حکومت.
۸. سهل‌انگاری و بی‌توجهی به قانون اساسی.
۹. حملات خارجی.

۱۰. جنگها...<sup>۲</sup>

ب) در اصطلاح جامعه‌شناسی، انقلاب به معنای یک تغییر ریشه‌ای و بنیادی در جامعه و ساختار اجتماعی به ویژه زمانی که به صورت ناگهانی و اغلب با خشونت باشد بیان شده است و در جامعه‌شناسی، انقلاب را دارای سه عنصر دانسته‌اند:

۱. عمل ارادی که در آن دخیل باشد. ۲. عامل تقدیس و تعالی در آن نهفته باشد.



بدین صورت هر دگرگونی را که جنبه سقوط و نقص داشته باشد، انقلاب نمی‌گویند.  
۳. عنصر نفی و انکار در آن دخالت داشته باشد.

استاد شهید مطهری انقلاب را چنین تعریف نموده است: «انقلاب عبارت است از: طغیان و عصیان مردم یک ناحیه و یا یک سرزمین علیه نظم حاکم موجود برای ایجاد نظمی مطلوب»<sup>۳</sup>.

ساموئل هانتینگتون می‌نویسد: «انقلاب یک حرکت مردمی در جهت تغییر سریع و بنیانی در ارزشها و باورهای مسلط - نهادهای سیاسی، ساختار اجتماعی، رهبری، روشها و فعالیتهای حکومتی یک جامعه که همراه با خشونت داخلی باشد». بر اساس این تعریف یک انقلاب سیاسی کامل می‌تواند شامل ویژگی‌های ذیل باشد: مردمی؛ سریع و ناگهانی؛ همراه با خشونت؛ تغییر ارزشهای مسلط؛ واژگونی سیستم سیاسی حاکم.<sup>۴</sup>

ج) در اصطلاح فرهنگ سیاسی: انقلاب به معنای تغییر نهادهای سیاسی نظام و سمبلهای حاکمیت معنا شده است و به تعبیر دیگر: شورش عده‌ای برای واژگونی نظام سیاسی موجود و ایجاد حکومتی نو و یا قیام عمومی را انقلاب معنا کرده‌اند.<sup>۵</sup>

#### تشریح مفاهیم کودتا، شورش و اصلاح:

الف) کودتا، Coup Coupdatat اقلیتی مسلح و مجهز به نیروی نظامی در مقابل اقلیت دیگر که حاکم بر اکثریت جامعه هستند، قیام کرده و وضع موجود را به نفع خود درهم می‌ریزد و خود جای گروه قبلی را اشغال می‌کند، این کار اغلب با اشاره قدرت‌های بزرگ خارجی در کشورهای زیر سلطه انجام می‌گیرد. در کودتا هیچ توجهی به صالح بودن یا نبودن، مقبول بودن یا نبودن، حق بودن یا نبودن کودتاگران نمی‌شود؛ بلکه تنها معیار کودتاگران جز رسیدن به اریکه قدرت و خدمت به اربابان خود چیز دیگری نیست.

ب) شورش، Insurrection یا Rebeltion عبارت است از: بروز امواج نارضایتی در میان قشر یا اقشاری از جامعه علیه بخشی از نظام حاکم که ممکن است موجب تغییراتی در بخشی از سیاستهای نظام حاکم و احتمالاً نهادهای سیاسی شود. ولی در آن حد نیست که ساخت و ارزشهای سیاسی و اجتماعی را تغییر دهد.

و دیگر این که هدف شورش نفس تغییر است بدون آنکه جایگزینی مورد توجه

باشد؛ یعنی صرفاً خواستار تغییر دولت یا برکناری یکی از وزرا و مسئولین هستند و همین که به خواستشان پاسخ مثبت داده شد، خود را پیروز دانسته و به همین مقدار راضی می‌شوند، دیگر در این فکر نیستند که چه کسی رفته و چه کسی جایگزین آن شده است، چه بسا شخص دوم ممکن است به مراتب بدتر از قبلی باشد.

ج) اصلاح، Reforming reform کوشش برای تغییر محتاطانه در ساخت سیاسی و اجتماعی جامعه از سوی سیاستمداران حاکم، که در عین حال اجتناب از خشونت می‌باشد را اصلاح می‌نامند.

در یک جمع‌بندی با توجه به توضیحاتی که از مفاهیم مذکور بیان گردید، می‌توان گفت که: انقلاب یک دگرگونی عمیقی است که با حرکت و قیام هم‌جانبه، تمام سازمان‌ها و احزاب و سطوح جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از حمایت‌های کامل اکثریت مردم برخوردار است و به دنبال آن یک نظام و رژیم را سرنگون نموده و حکومت جدیدی را با اندیشه و فکر فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نوین به جامعه عرضه می‌نماید. در نتیجه با توجه به این معنا، شورش و کودتا و اصلاح از تعریف انقلاب خارج خواهد شد؛ زیرا اگر حرکتی بدون جایگزین صورت گیرد و تنها خواستار تحول سطحی سازمانها و نظام، بدون ایجاد یک حکومت جدید باشد، انقلاب نخواهد بود.

#### تفاوت و تمایز انقلاب از کودتا:

گرچه کودتا از جهاتی شبیه انقلاب است، یعنی همان‌گونه که انقلاب موجب سقوط حکومتی و جایگزین شدن حکومت دیگر می‌گردد و سران حکومت را برکنار نموده و افراد دیگری زمام امور را در دست می‌گیرند و در پی آن بسیاری از قوانین جای خود را به قوانین جدید می‌دهد، کودتا نیز در این جهات تا حدودی همانند انقلاب بوده و تغییراتی در شئون جامعه ایجاد می‌کند. ولی بین انقلاب و کودتا تفاوت زیادی وجود دارد که عبارت‌اند از:

۱. انقلاب مردمی است و از متن جامعه برخاسته و بار آن بر دوش ملت‌هاست، ولی کودتا در اکثر موارد به دست افراد معدود نظامی یا غیرنظامی انجام می‌گیرد، چون اغلب کودتاها ریشه مردمی ندارد غالباً از حمایت قدرت‌های خارجی برخوردار است.

۲. در جامعه انقلابی تغییر اساسی و بنیادی صورت می‌گیرد؛ لذا همه شئون جامعه انقلابی تحت تأثیر انقلاب قرار می‌گیرد. برخلاف کودتا که احیاناً تغییراتش در سطح رهبران و کارگزاران اصلی حکومت و همچنین در سطح قوانینی که به نفع آنان نیست؛ زیرا هدف اصلی کودتاگران اصلاح جامعه نبوده تا نیازی به تغییر اساسی و همه جانبه باشد؛ بلکه هدف بیرون راندن حکام قبلی و جایگزین کردن خودشان به جای آنهاست و این هدف با رسیدن به حکومت و تغییر قوانینی که به نفع آنان نیست دست می‌آید.

۳. در انقلاب مسئله رهبری و انتخاب آن از طرف مردم به طور مستقیم و غیرمستقیم مطرح است. ولی در کودتا چون اساس آن به زور و قلدری است آنچه ابداً به حساب نمی‌آید رای مردم است و این کودتاگرانند که صاحب رای و نظرند، مردم وظیفه‌ای جز تبعیت و حمایت از آنان ندارند و مخالفت مردم با آنان به نابدی مردم می‌انجامد.

۴. در انقلاب، مانند انقلاب اسلامی؛ آنچه از همه مهم‌تر است شرایط و خصایص رهبری است؛ زیرا رهبری باید واجد یک سلسله اوصاف کمالیه باشد و از سایرین از نظر کمالات انسانی، از قبیل آگاهی، مدیریت، عدالت بینش سیاسی، شجاعت و... برتر و برجسته‌تر باشد. ولی در کودتا آنچه که ابداً مورد توجه قرار نمی‌گیرد، مسئله شایستگی و لیاقت کودتاگران است؛ زیرا در کودتا اساس بر لیاقت و کفایت استوار نبوده؛ بلکه معیار، خدمت بیشتر به اربابان و خیانت بیشتر به ملت و مملکت خود می‌باشد. نظیر حکومت رضاخان و پسرش که شاهد بر این مدعا است.

۵. در انقلاب، رهبران انقلاب در تعقیب اهداف مقدسی از قبیل بدست آوردن آزادی، خروج از زیر سلطه بیگانه، مبارزه با ظلم ظالم، احیای تفکر دینی و امثال اینهاست و برای تأمین اهداف عالی‌شان نمی‌خواهند از هر وسیله ممکن، حتی خیانت فساد و... استفاده نمایند، ولی در کودتا هدف رسیدن به قدرت و حکومت و زیر سلطه درآوردن ملت است و این هدف با هر وسیله ممکن که حاصل شود مقبول کودتاگران خواهد بود.<sup>۶</sup>



## فصل دوم

### انقلاب از دیدگاه مکاتب و اقسام آن

#### انقلاب از دیدگاه مکاتب

الف) نظر و تحلیل غرب از انقلاب، ملاک کهنه و نو بودن است؛ لذا حرکت و دگرگونی را باید در رشد جامعه به سمت مدرنیزه شدن جستجو کرد و مدرنیزه شدن از نظرگاه غرب عبارت است از تحولات جامعه در مسیر صنعتی شدن، توسعه دموکراسی، سکولاریزم، جایگزینی نهادها و تشکیلات جدید به جای مؤسسات کهنه و... مانند: انقلاب صنعتی، ارتباطات سبز، پزشکی و فرهنگی.

ب) انقلاب از نظر مارکسیسم، مفهوم ایدئولوژیک دارد و با تحولات اقتصادی همزاد است. به عقیده مارکس انقلاب برخاسته از تکامل نیروهای مولد جامعه و تضاد آن با روابط و قالب سیاسی و اجتماعی موجود است، هنگامی که این قالب و روابط مانع رشد تولید می شود بحران تشدید می گردد و انقلاب های اجتماعی آغاز می شود.<sup>۷</sup>

ج) انقلاب در دیدگاه اسلام به واسطه عقیده به مکتب و آرمان خواهی، شکل می گیرد و انقلاب در فرهنگ سیاسی اسلام در جهت منافع مستضعفان و محرومان است، اما مخاطب خود را فطرت انسانی قرار می دهد، که هم استثمارگر و هم استثمار شونده را به حق، عدالت و ارزش های الهی فرا می خواند. انقلاب های پیامبرگونه، ارتباط با فطرت انسانی و آزادی درونی انسانها را جستجو می کند.<sup>۸</sup>

در قرآن کریم (سوره آل عمران، آیات ۱۴۴ و ۱۷۴) انقلاب به مفهوم زیرورو شدن آمده است.<sup>۹</sup>

### اقسام انقلاب:

انقلاب در بدو امر به دو قسمت تقسیم شده است، انقلاب اجتماعی و انقلاب فردی و هر یک از آنها به اقسام دیگری قابل تقسیم‌اند.

### انقلاب اجتماعی

عبارت از تغییر و تحولی است که در سطح جامعه پدید می‌آید خواه در بُعد سیاسی، صنعتی و... یا در ابعاد گوناگون، مانند: انقلاب فرانسه در بُعد سیاسی و انقلاب صنعتی انگلستان.

### انقلاب فردی

به معنای تغییر و دگرگونی در یکایک افراد و آن نیز بر دو قسم است، مادی و معنوی و به تعبیر دیگر حیوانی و انسانی. انقلاب فردی به منزله علت و زیربنای انقلاب اجتماعی است، انقلاب اجتماعی هم در اصل تحقق و هم در بقا، استمرار و در جهت‌گیری نیز دایر مدار انقلاب فردی است.

به موجب آیه کریم «ان الله لا یغیروا ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم»<sup>۱۰</sup> انسان مسئول ایجاد تغییر و تحول است، ولی در ایجاد تغییر آزاد و مختار است و وی تنها عامل ایجاد دگرگونی است. تا زمانی که در فکر و اندیشه بشر تحول ایجاد نشود تغییر در اجتماع امکان ندارد.<sup>۱۱</sup>

### انقلاب اسلامی یا اسلام انقلابی

هر انقلابی معلول یک سلسله نارضایتی‌ها است ولی باید توجه داشت که صرف نارضایتی برای ایجاد یک انقلاب کافی نیست؛ پس برای ایجاد انقلاب علاوه بر نارضایتی، روحیه پرخاشگری و طرد و انکار نیز لازم است. هرگاه دو شرط نارضایتی و پرخاشگری تحقق پیدا کند انقلاب صورت می‌گیرد.

نقش مکتبها در این‌گونه موارد از جمله اسلام این است که به پیروانش حس پرخاشگری، مبارزه، طرد و نفی وضع نامطلوب را آموزش دهد لذا مکتب اسلام بر اساس اصل امر به معروف و نهی از منکر و اصل جهاد، به پیروان خود دستور می‌دهد تا آنجا که در توان دارد، تسلیم ستم و ستمگران نشود، تا جایی که رهبران دین گفته‌اند «افضل الجهاد کلمه عهد عند امام جائز» برترین مبارزه سخن عدل در پیشگاه حاکم ستمگر است.

پس اسلام با انقلاب پیوند ناگسستنی دارد و بذراقتلاب در تعالیم و فرامین عالیه اسلام نهفته است، اینک جای این سؤال است: انقلابی که در ایران به رهبری امام خمینی (ره) و حمایت بی دریغ مردم به وقوع پیوست، انقلاب اسلامی بود یا اسلام انقلابی؟ زیرا بین این دو واژه فرق اساسی و بنیادی وجود دارد. در انقلاب اسلامی هدف انقلابیون رسیدن به اسلام واقعی و پیاده کردن اهداف عالیه اسلام است. ولی در اسلام انقلابی، اصالت از آن مبارزه، طرد و نفی نظام حاکم است و اسلام تنها در حد یک وسیله برای برانداختن نظام حاکم، مورد استفاده قرار می‌گیرد. به تعبیر بهتر در انقلاب اسلامی هدف اسلام است و مبارزه وسیله؛ ولی در اسلام انقلابی هدف مبارزه است و اسلام به عنوان وسیله مورد استفاده قرار می‌گیرد.<sup>۱۲</sup>

## پی‌نوشت‌ها

۱. تحلیلی بر انقلاب اسلامی، منوچهر محمدی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۰، ص ۲۸.  
پیرامون انقلاب اسلامی، مرتضی مطهری، صدرا، تهران، بی‌تا، صص ۸۴-۸۵ و انقلاب، هانا آرنت، ترجمه عزت‌الله فولادوند، خوارزمی، تهران، ۱۳۶۱، ص ۵۷.
۲. سیری در نظریه‌های انقلاب، مصطفی ملکوتیان، قومس، تهران، ۱۳۷۲، صص ۱۸-۳۴.
۳. پیرامون انقلاب اسلامی، مرتضی مطهری، صدرا، تهران، بی‌تا صص ۸۲-۸۶.
۴. تحلیلی بر انقلاب اسلامی، منوچهر محمدی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۰، صص ۲۸-۳۲ و انقلاب و بسیج سیاسی، حسین بشریه، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۴، صص ۲-۵ و تئوریهای انقلاب، آلون استانفورد کوهن، ترجمه علیرضا طیب، قومس، تهران، ص ۲۶.
۵. تحلیلی بر انقلاب اسلامی، منوچهر محمدی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۰، ص ۲۹.
۶. تحلیلی بر انقلاب اسلامی، منوچهر محمدی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۰، صص ۲۹-۳۲ و انقلاب و ریشه‌ها، حبیب‌الله طاهری، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۶۹ صص ۱۵-۱۷.
۷. همان ماخذ صص ۲۲-۲۶.
۸. انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، عباسعلی عمید زنجانی، نشر کتاب سیاسی، تهران، ۱۳۶۹.
۹. پیرامون انقلاب اسلامی، مرتضی مطهری، صدرا، تهران، بی‌تا، ص ۸۲.
۱۰. سوره رعد (۱۳)، آیه (۱۱).
۱۱. پیرامون انقلاب اسلامی، مرتضی مطهری، صص ۸۵-۸۷ و پیرامون جمهوری اسلامی، مرتضی مطهری، صدرا، تهران، ۱۳۷۰، صص ۱۴۳-۱۴۴.
۱۲. پیرامون جمهوری اسلامی، مرتضی مطهری، صص ۱۴۵-۱۴۶ و انقلاب و ریشه‌ها، حبیب‌الله طاهری، صص ۱۸-۲۰.



# بخش دوم

مباحث پایه



## فصل اول

### تئوریهای انقلاب<sup>۱</sup>

در مورد علل وقوع انقلاب نظرات گوناگون و بعضاً متضادی از سوی اهل نظر ارائه شده است و این اختلاف دیدگاهها از یک سو، ناشی از ماهیت پدیده‌های اجتماعی و پیچیدگی آنها و از سوی دیگر، متأثر از عدم دقت کافی در نظریه‌پردازی و بلکه نگرش آن از زوایای فکری خاص است. به هر حال، در مورد علل وقوع انقلاب نظریات مختلفی از قبیل نظریه مارکس یا نظریه مبارزه طبقاتی، نظریه کارکردگرا و ساختاری چالمرز جانسون، نظریه جامعه توده‌وار هانا آرنست، نظریه نامتوازن ساموئل هانتینگتون، نظریه روانشناسانه انقلاب با تاکید جیمز دیویس، دیدگاه الکسی دو توکویل، دیدگاه شهید صدر و دیدگاه استاد شهید مطهری مطرح می‌باشد؛ لذا برای رعایت اختصار به بررسی برخی از نظریه‌ها می‌پردازیم:

### نظریه انقلاب مارکس یا مبارزه طبقاتی

یکی از نظریاتی که در مورد چرایی انقلاب مطرح شده است نظریه مارکس است، که غالباً از آن به عنوان مبارزه طبقاتی یاد می‌شود. مارکس امور اجتماعی را به زیربنای اقتصادی و روبنای حقوقی، سیاسی، مذهب و دولت تقسیم کرده است و می‌افزاید: «هرگاه میان زیربنا و روبنا ناهماهنگی باشد انقلاب رخ خواهد داد.» برخی از نویسندگان در تبیین این نظریه بیانی دارند و آن این‌که: عامل اساسی تحولات اجتماعی، نزاع طبقاتی و علت اصلی آن تحولات اقتصادی می‌باشد، که در درجه اول تغییرات وسایل و روابط تولیدی است. هرگاه وسایل و روابط تولید به صورت جمعی درآید، زیربنا، مالکیت خصوصی و حقوق نیز، تغییر خواهد کرد.

از دیدگاه مارکس، عامل اقتصادی موجب از خودبیگانگی انسان شده و در نتیجه به مذهب و مانند آن روی می آورد. او همچنین دولت را ابزار دست طبقه مسلط اقتصادی دانسته و معتقد است اصل در روابط اجتماعی بر تضاد است؛ لذا می گوید: سراسر تاریخ یک رشته مبارزات طبقاتی است.

مارکس تاریخ را به پنج مرحله تقسیم می کند و انقلاب را انتقال از یک مرحله به مرحله دیگر می داند که عبارت اند از: کمون اولیه، برده داری، فئودالی، سرمایه داری، سوسیالیسم و کمونیسم و در مرحله کمونیسم دیگر تخصم طبقاتی نیست؛ زیرا مالکیت فردی، دولت و تقسیم کار وجود ندارد. به عقیده مارکس تاریخ را واقعیت های مادی و شرایط از پیش تعیین شده می سازند و نه اندیشه ها و انسان نیز به ناچار در مسیر حرکت تاریخ و در نزاع طبقاتی دست به فعالیت می زند. مارکس می گوید: در نظام سرمایه داری انسان به شیء تبدیل شده و از خود بیگانه می گردد و این وضع پیوسته ادامه دارد، وقتی کارگر می بیند مدام انسانیت خود را از دست می دهد و به همراه سایر همکارانش فقیرتر می شود و به دنبال آن بورژوازی، ثروتمندتر می گردد، کارگر به آگاهی طبقاتی می رسد؛ لذا ابتدا به ایجاد اتحادیه مباردت می کند و برای رشد فنی تلاش می کند تا در مراکز عظیم صنعتی متمرکز شوند و سپس دست به مبارزه می زنند.

وقتی پرولتاریا، نظام سرمایه داری را فرو ریخت، ابتدا دیکتاتوری پرولتاریا ایجاد می شود که این امر یک مرحله انتقالی است و در این جا سوسیالیسم دولتی برقرار می گردد؛ لذا برای رسیدن به مرحله کمونیسم باید ترقیات و فنون به حداکثر برسد و این موجب وفور اقتصادی می گردد. در این جا دیگر دین، دولت، مالکیت فردی و... از میان خواهد رفت؛ زیرا دیگر طبقه ای نیست تا دولت ابزار دست او باشد و نیروی بیگانه ای نیست تا دین پرتو آن باشد؛ لذا در این جامعه انسان ها یک انضباط داوطلبانه خواهند داشت و تقسیم کار نیز از بین خواهد رفت؛ زیرا انسان آزاد است هر لحظه و هر روز، کاری که خواست انجام بدهد؛ لذا در مرحله کمونیسم دیگر خصومت وجود نخواهد داشت.<sup>۲</sup>

### مدل انقلاب از دیدگاه مارکس

مجموعه شیوه تولید + ساختار روابط اجتماعی + طبقه حاکم، طبقه

کارگر + از خود بیگانگی + آگاهی طبقاتی = انقلاب

### نقد و بررسی

اول این که، چنین نیست که اقتصاد زیربنا باشد؛ زیرا به قول دورکهایم هیچ چیز بی ثبات تر از منافع اقتصادی نیست و به قول انگلس، کل تاریخ را معلول اسباب اقتصاد محض دانستن، علم فروشی و فکر خام است.

دوم این که، مارکس دین را ناشی؛ از خودبیگانگی انسان می داند، در حقیقت خلط میان انگیزه و انگیزه کرده است؛ گرچه انسان پریشان به سراغ دین می رود و یکی از کارکردهای دین نیز ارضای نیازهای فکری و روانی بشر است. اما این بدین معنا نیست که بگوییم: دین، ناشی از این است که بشر آن را به خاطر ابتلا به از خود بیگانگی تأسیس کرده است، مضافاً این که، اگر این سخن درست باشد دین را تنها باید در میان طبقات خاص اقتصادی جستجو کرد.

سوم این که، مارکس دولت را ابزار دست طبقه مسلط اقتصادی می داند، این هم به عنوان یک نظریه پذیرفته نیست؛ زیرا حکومت پیامبر ۶ در مدینه، حکومت حضرت علی ۷ قطعاً در دست طبقه مسلط اقتصادی نبوده است؛ این مطلب تا حدودی نیز بر حکومت اسلامی ایران صادق است و برخی از اهل نظر نسبت به حکومت یونان باستان نیز چنین عقیده‌ای دارند.

چهارم، مارکس می گوید: تاریخ را عوامل مادی می سازند نه اندیشه‌ها، در حالی که برعکس این اندیشه‌ها هستند که تاریخ را می سازند. به عنوان مثال آغاز قرن ۲۰ با افکار مارکس پیوند خورد؛ اما با افکار امام خمینی (ره) فرو پاشید.

پنجم، مارکس انقلاب‌ها را ناشی از مبارزات طبقاتی می داند؛ در حالی که انقلاب اسلامی ایران ماهیت اسلامی داشت و از سوی طبقات مختلف حمایت و پشتیبانی می شد و همچنین انقلاب مشروطیت و نهضت تنباکو در ایران، انقلاب الجزایر و نهضت‌هایی که در اروپا شکل گرفته‌اند. اما این که مارکس می گوید، در مرحله کمونیسم دیگر نخاصم نیست؛ چون مالکیت وجود ندارد، پس چرا کمون اولیه به برده‌داری انجامید؟

علاوه بر این، مارکس خود مشوق ایجاد نظام سرمایه‌داری است؛ زیرا به نظر او باید تلاش کرد که نظام سرمایه‌داری در جامعه حاکم شود تا کارگران استثمار شوند و پس از آن مرحله انقلاب فرا برسد.<sup>۳</sup>

### نظریه کارکردگرا و ساختاری چالمرز جانسون

برخلاف نظریه مارکس که تضاد را چهره اساسی جامعه می‌دانست، از دیدگاه کارکردگرایان، چهره اساسی جوامع تعادل و رضایتی است و تضاد خلاف اصل است؛ لذا اولین وظیفه‌ای که باید در مورد انقلاب مورد توجه قرار گیرد، در ارتباط با نظام اجتماعی خاصی است که آن را احاطه کرده که باید بررسی گردد. زیرا ایجاد نظم و ثبات و تعادل در هر جامعه‌ای به طرز خاصی صورت می‌گیرد؛ به عبارت دیگر فهم چگونگی فروپاشی نظم اجتماعی، در درجه اول مستلزم شناخت مبانی آن نظم است که همان ارزشهایی است که اکثریت اعضای جامعه بر آن توافق کرده‌اند.

عامل بنیادین انقلاب از دیدگاه جانسون عبارت است از: برهم خوردن تعادل در جامعه؛ زیرا تا زمانی که در جامعه تعادل وجود داشته باشد، انقلابی رخ نخواهد داد. وی می‌افزاید: هرگاه میان اندیشه‌ها و شرایط محیطی سازگاری باشد، نظام اجتماعی دارای تعادل خواهد بود، هرگاه در یکی از این دو یا هر دو تغییر ایجاد شود تعادل نیز از میان خواهد رفت.

منابع تغییر یاد شده چهار دسته‌اند:

اول: منابع بیرونی تغییر اندیشه‌ها، مانند: وسایل ارتباط جمعی، بروز انقلاب در کشور همسایه و فعالیت سازمان‌های بین‌المللی و...

دوم: منابع داخلی تغییر ارزشها، نظیر عادات و عقاید جدید؛ مثلا آمدن پادشاهان به جای حاکمان مذهبی و...

سوم: منابع خارجی تغییر محیط، مانند وارد کردن دانش پزشکی از خارج که باعث رشد جمعیت و افزایش نیازها می‌شود.

چهارم: منابع داخلی تغییر محیط از قبیل اختراعات صنعتی که به تغییرات محیطی می‌انجامد. جانسون می‌گوید: در چنین صورتی، حالتی از کارکرد نامناسب در جامعه، شبیه وضعیت بدن یک موجود زنده است که از بیماری‌های مختلف رنج می‌برد. در چنین وضعیتی نخبگان سیاسی یکی از دو راه را به طور جایگزینی در پیش دارند، یا با فشار یا تقاضا برای تغییر، همراهی کنند چه بسا تنش اجتماعی کاهش یابد، گرچه ممکن است موقعیت خود آن گروه دشوارتر گردد. اما اگر مقاومت نمایند باید برای حفظ موقعیت خود هر چه بیشتر از زور استفاده کنند و این همان رکود قدرت است. اگر گروه نخبگان نتوانند به تقاضا، یا فشار برای تغییر

خاتمه دهند، توده مردم استفاده از زور را غیرمشروع تلقی خواهند کرد؛ بنابراین سرسختی و مصالحه ناپذیری را می‌توان توأمان به عنوان شرایط لازم انقلاب به حساب آورد. اما شرط کافی یا عامل شتاب‌زا عبارت است از عدم توانایی نخبگان مصالحه ناپذیری در زمینه حفظ پشتیبانی ابزارهای اجبار: مانند ارتش سرکوب‌گر و...

### مدل انقلاب

کارکرد نامناسب و عدم تعادل یا عامل بنیادین (عامل اصلی) + مصالحه‌ناپذیری نخبگان (شرایط لازم) + عامل شتاب‌زا یا شرایط کافی (ارتش سرکوب‌گر) = انقلاب.<sup>۴</sup>

### نقد و بررسی

در مرحله اول نتیجه شرط اول (عامل بنیادین یا اصلی) این خواهد بود که در رژیم‌هایی که دارای ثبات هستند، ارزشهای عمومی و محیط سیاسی با هم هماهنگ‌اند؛ در حالی که برعکس، علیرغم تضاد میان ارزشها و محیط سیاسی در نظام پهلوی تا سال ۱۳۵۶، این رژیم در حال ثبات به سر می‌برد، تا جایی که در این زمان از ایران به عنوان جزیره ثبات یاد می‌شد؛ بنابراین علاوه بر لزوم وجود تعارض بین ارزشها و محیط سیاسی برای انقلاب، اراده مردم برای تحقق ارزشها نیز لازم است. به عبارت دیگر تنها نارضایتی از وضع موجود کفایت نمی‌کند؛ بلکه مردم برای از بین بردن آن باید دارای اراده قوی نیز باشند.

مرحله دوم: در مورد شرط لازم (انعطاف‌پذیری نخبگان) باید گفت آن گونه نیست که انعطاف همواره از بروز انقلاب جلوگیری کند؛ بلکه این به عوامل متعددی از قبیل نوع عقاید عمومی و فرهنگ عامه، جایگاه حکومت در میان مردم و سابقه تاریخی آن، تجربیات مردم در رابطه با رژیم سیاسی و همچنین به انعطاف به موقع بستگی دارد؛ لذا در سال ۱۳۵۷ با آن که شاه به حسب ظاهر انعطاف‌هایی مانند تغییر مکرر نخست‌وزیران، دستور تشکیل دولت آشتی ملی، فضای باز سیاسی، سخنرانی شاه مبنی بر توبه و شنیدن پیام مردم و فرار به خارج از کشور و... از خود نشان داده بود، نه تنها این انعطاف‌ها اثر نبخشید، بلکه بر سرعت انقلاب افزود.

سوم اینکه: در مورد عوامل شتاب‌زا نیز هرگاه میان ارزشها و محیط سیاسی

تعارض فاحش ایجاد شود رژیم شدیداً در معرض عوامل شتاب‌زا قرار می‌گیرد و در نتیجه استحکام و وحدت نیروهای نظامی و کنترل کامل رژیم بر آنها امری بسیار دشوار می‌نماید؛ چنانچه در جریان انقلاب علیرغم وجود ارتشی قوی منسجم شاه این وحدت و استحکام از هم پاشید و حمله به سربازان گارد در رستوران لویزان در ظهر عاشورای ۱۳۵۷ مویید این امر می‌باشد.<sup>۵</sup>

#### نظریه آیت‌الله سید محمدباقر صدر در مورد انقلاب:

شهید صدر با استناد به آیه «ان الله لا یغیروا ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم»<sup>۶</sup> عنوان می‌کند که تغییر در سرنوشت ملتها وابسته به تغییر در اراده آنان است. ایشان می‌گویند: پیوند و رابطه‌ای که در میان زیربنا؛ یعنی محتوای درونی انسان و روبنا یعنی وضع و حال جامعه وجود دارد، نوعی رابطه علّیت است. شهید صدر آرمان‌های بشر را به سه دسته تقسیم نموده و انقلاب را در جهت رسیدن به آرمان پاک و بلند الهی قلمداد می‌نماید:

اول: آرمان‌های پست یا ناشی از عوامل روانی و داخلی است، مانند انس، عادت، تنبلی، بطالت. تقلید و یا ناشی از عوامل خارجی است مانند سلطه و حاکمیت طاغوتها.

دوم: آرمان‌هایی که محصول آرزوهای جامعه است و تا حدودی آینده‌نگری دارد، چون برخاسته از خواسته‌ها و آرزوهای محدود است؛ لذا بُرد آن نیز محدود است، مثل آنچه که غرب از آزادی در ذهن دارد و آزادی را آرمان خود می‌داند در حالی که آزادی وسیله است نه هدف.

سوم: آرمان‌های پاک و بلند الهی که محصول ذهن بشر نیست؛ بلکه در نفس الامر وجود دارد و انسان در پی تحقق آن است.<sup>۷</sup>

#### مدل انقلاب:

تغییر در محتوای درونی انسانها یعنی، اندیشه و آرمان + اراده = انقلاب

#### ارزیابی:

گرچه اساس نظریه مرحوم صدر مورد قبول است اما کیفیت تغییر و تحول و جهت آن نامشخص است، همچنین عامل تغییر و تحول محتوای درونی و مدت



زمانی برای ایجاد تحول و این که نقش عوامل دیگر از جمله تباهیهای رژیم حاکم، داشتن ایدئولوژی و طرح تخریب و سازندگی به ویژه نقش رهبری باهوش و ذکاوت نادیده گرفته شد.

### نظریه استناد شهید مطهری در مورد انقلاب

با توجه به تعریفی که شهید مطهری از انقلاب ارائه دادند، ایشان در مورد علل انقلاب می‌فرماید: «انقلاب مبتنی بر نارضایتی و خشم از وضعی و طلب وضعی دیگر است و در پی آن طلب و جستجو برای وضعی دیگر هم باید باشد؛ زیرا ممکن است نارضایتی و حتی خشم باشد، اما مقرون به سکون» خواهد بود.

### مدل انقلاب از دیدگاه شهید مطهری

نارضایتی از وضع موجود + حس پرخاشگری و روحیه طرد ظلم + تلاش برای ایجاد وضعی بهتر = انقلاب<sup>۸</sup>

### علل انقلاب با استفاده از آیات قرآن کریم

علل و عوامل انقلاب با استفاده از آیات قرآن کریم را می‌توان، به طور خلاصه در سه نکته بیان نمود:

نکته اول: به موجب آیات قرآن اصل در روابط انسان‌ها مبتنی بر رضایت و اتحاد است و درگیری یک امر حادثی و خلاف اصل است.

نکته دوم: این که: برای وقوع انقلاب عواملی لازم است، مانند: خروج جامعه از حالت تعادل، ارسال رهبر از سوی خداوند و همراه با قانون، همچنین ابزار لازم به منظور اعاده وضع مطلوب و رفع اختلاف؛ به عبارت دیگر برای تحقق انقلاب علاوه بر رهبری و قانون کامل، زمینه نهضت هم لازم است.

نکته سوم: از قرآن کریم برای تحقق انقلاب چهار مرحله استنباط می‌شود: مرحله اول: ظلم و ستم در ابعاد گوناگون. دوم: ظهور مصلح همراه با درگیری با نظام حاکم. سوم: نابودی و سرنگونی نظام حاکم. چهارم: ایجاد نظام جدید و تشکیل حکومت الهی<sup>۹</sup>.

در یک جمع بندی: با توجه به مطالبی که بیان گردید می‌توان گفت: که غرب بر اساس نگرش اجتماعی خویش انقلاب را ویرانگر، وحشتناک و تخریب کننده می‌بیند. بدین سبب، هر انقلابی در این نگرش منفور و محکوم است. اما در نگرش

شرق کمونیسم، بر اساس اعتقاد به تضاد در چهره اساسی جامعه و روابط اجتماعی، پدیده انقلاب را خوب و لازم می‌دانند، به شرطی که برآمده از تفکرات سوسیالیسم و مارکسیسم باشد. در این صورت، اساس و ریشه همه حرکت‌های اجتماعی را نیز مبتنی بر زمینه‌های مادی و اقتصادی می‌دانند. در صورتی که از دیدگاه اسلام، درگیری و اختلاف امر حادث و خلاف اصل است و اصل در روابط انسان‌ها مبتنی بر رضایت و اتحاد است، که از سرشت و فطرت پاک الهی انسان‌ها بر می‌خیزد. بدین سبب، جامعه انسانی که از فطرت پاک الهی عدول نماید و از حالت تعادل نیز خارج شود. در این صورت با وجود زمینه نهضت و ابزار لازم به منظور اعاده وضع مطلوب، وقوع انقلاب را لازم می‌داند.

## پی‌نوشت‌ها:

### ۱. Revolution Theories

۲. تئوریهای انقلاب، آلوین استانفور کوهن، صص ۶۵ - ۸۳ و سیری در نظریه‌های انقلاب، مصطفی ملکوتیان، صص ۴۵ - ۶۵ و انقلاب و بسیج سیاسی، حسین بشریه،...، صص ۲۱ - ۳۲ و جزوه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، مصطفی ملکوتیان، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
۳. سیری در نظریه‌های انقلاب، مصطفی ملکوتیان، صص ۱۳ - ۱۴ و جزوه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، مصطفی ملکوتیان.
۴. تئوریهای انقلاب، کوهن، صص ۱۲۸ - ۱۴۹ و سیری در نظریه‌های انقلاب، مصطفی ملکوتیان، صص ۱۰۹ - ۸۷ و جزوه کارشناسی ارشد علوم سیاسی مصطفی ملکوتیان.
۵. سیری در نظریه‌های انقلاب، مصطفی ملکوتیان، صص ۱۱۰ - ۱۱۱ و جزوه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، مصطفی ملکوتیان.
۶. قرآن کریم، سوره رعد، آیه ۱۱.
۷. انسان مسئول و تاریخ‌ساز از دیدگاه قرآن، سید محمدباقر صدر، ترجمه محمد مهدی فولادوند، بنیاد قرآن، بی‌جا، ۱۳۵۹، صص ۳۹ - ۴۰ و ۶۴ - ۷۱ و سیری در نظریه‌های انقلاب، مصطفی ملکوتیان، ص ۱۹۶.
۸. پیرامون انقلاب اسلامی، مرتضی مطهری، صص ۲۹ - ۳۱ و سیری در نظریه‌های انقلاب، مصطفی ملکوتیان، صص ۲۰۴ - ۲۰۹.
۹. قرآن کریم، سوره بقره، ۱۹۵ - ۲۰۵ و سوره انبیاء ۹ و سوره قصص ۵۷ و سوره آل عمران ۱۱۷ و سوره مائده ۳۶ و سوره نحل ۱۲۵ و انسان مسئول و تاریخ‌ساز از دیدگاه قرآن، سید محمدباقر صدر.



## فصل دوم

### زمینه‌های فکری انقلاب اسلامی:

هیچ نهضتی بدون داشتن مبانی فکری و ایدئولوژی قابل تحقق نبوده و به پیروزی نخواهد رسید. داشتن مبانی فکری ضمن آن که آینده روشنی را نیز فراروی انقلابیون قرار می‌دهد، برای بسیج گروه‌های مختلف لازم است. بدیهی است که هر مقدار آینده روشن‌تر باشد، دل‌بستگی به نهضت و تلاش برای پیروزی بیشتر خواهد بود و انقلاب اسلامی نیز از این قاعده کلی مستثنا نیست. بنابراین باید ایدئولوژی انقلاب اسلامی (فلسفه سیاسی اسلامی) را بشناسیم تا به کارکرد آن در شرایط مختلف پی ببریم.

### ۱. قرآن مجید به عنوان قانون انقلاب اسلامی:

قرآن کریم گاهی به طور غیرمستقیم و با نقل یک واقعه و یا بیان سنت خداوند در نظام آفرینش، انسان را به حرکت فرا می‌خواند و گاهی نیز با خطاب مستقیم از پیروانش می‌خواهد که زندگی سیاسی اجتماعی‌شان را، چگونه سامان دهند. بر این اساس آیات بی‌شماری از قرآن به بیان مسائل سیاسی و اجتماعی اختصاص یافته است از قبیل: اصل امامت، اطاعت از رهبری، پرهیز از اختلاف، دعوت به اتحاد و تشکیل امت واحده، اصل خلافت، ایثار و جهاد، هجرت و شهادت، قتال با کفار و مشرکین و براءت از آنان، نفی سلطه کفار، اصل مقابله به مثل، نفی ظلم و ستم، اصل تعاون و همکاری، اصل نظارت همگانی، اصل شورا، لزوم داشتن آمادگی دفاعی، بیان دو حزب سیاسی و نظامی تحت عنوان حزب الله و جندالله، استکبار زدایی، حمایت از مستضعفین، فقرزدایی و مانند آن<sup>۱</sup>. در اینجا برای رعایت اختصار به توضیح چند مورد پرداخته می‌شود:

## الف) نفی ظلم و ستم:

در قرآن کریم آمده است که، زشت‌ترین خصلت بشر در نزد پروردگار، ظلم و بیدادگری نسبت به بندگان خداست. از لحاظ آثار وضعی، ظلم از کفر بدتر است، به همین منظور تاکید احادیث بر ثبات و پایداری نظام سیاسی مبنی بر عدم ظلم، گویای این امر است. «الملك یبقی مع الکفر و لایبقی مع الظلم»<sup>۲</sup> و یا توصیه پیامبر اکرم ﷺ که به مهاجرین اولیه فرمود: به حبشه سفر کنید؛ زیرا در آنجا پادشاه دادگر است که در آن به کسی ظلم نمی‌شود. همچنین در قرآن آیات متعددی با عبارات مختلف به تشریح قبح ظلم و مبارزه با ستمگران پرداخته است و در قبح ظلم و ظالم چنین آمده است که، ذره‌ای تمایل به ستمگران پیدا نکنید که آتش شما را در بر خواهد گرفت: ﴿وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَسْكُمُ النَّارُ﴾<sup>۳</sup> و در جای دیگر قرآن آمده است: خداوند نه تنها ذره‌ای به انسانها ظلم نمی‌کند؛ بلکه حتی نسبت ظلم هم نباید به خداوند داده شود. ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ﴾<sup>۴</sup> ﴿إِنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ﴾<sup>۵</sup>؛ زیرا ظلم یا ناشی از عجز و عقده حقارت است و یا ریشه در هوای نفس دارد و شأن خداوند اجل از این نواقص است. به همین دلیل خداوند ستمگران را دوست ندارد. ﴿وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ﴾<sup>۶</sup> و به بندگان فرموده نه خود ظلم کنید و نه زیر بار ظلم دیگران بروید. ﴿لَا تَظْلَمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾<sup>۷</sup> بلکه وظیفه همه مسلمانان سلطه بر ستمگران است.<sup>۸</sup>

با توجه به آثار وضعی ظلم که بدتر از کفر می‌باشد و زشت‌ترین اعمال بشر در نزد خداوند ظلم و بیدادگری نسبت به همنوع خودش قلمداد گردیده و همچنین قبح و زشتی آن نیز در آیات و روایات بیان شده است. از این رو، اقتضا دارد که مسلمانان عموماً و مردم متدین ایران خصوصاً، بر اساس اعتقادات اسلامی و تاکید مکرر متون اسلامی مبنی بر مبارزه علیه ظلم و بیدادگری، علیه رژیم‌هایی که بر مبنای ظلم و بیدادگری شکل گرفته و در طول زمامداری‌اش بر این امر اصرار می‌ورزید، قیام کنند و آن را سرنگون نمایند. پس می‌توان گفت: که یکی از عوامل قیام مردم ایران علیه رژیم پهلوی به جهت روحیه ظلم ستیزی دین اسلام و مذهب شیعه است، که عنوان انگیزش فکری و ایدئولوژی انقلاب مردم ایران علیه رژیم پهلوی محسوب می‌شود.

**(ب) اصل خلافة‌اللهی:**

از دیدگاه قرآن، انسان خلیفه خدا در زمین و عهده‌دار استقرار حاکمیت خداوند و وارث نهایی زمین و حکومت در آن است. او موظف است ویژگی‌ها و شرایط لازم را برای احراز این مسئولیت بزرگ کسب کند و از همه امکانات خدادادی در تحقق این هدف بزرگ بهره‌گیرد؛ لذا خداوند متعال، ضمن آنکه اراده خود را بر تحقق خلافت بشر بیان کرد، شرط نیل به آن و وظیفه خلیفه را متذکر شده است. ﴿و اذ قال ربك للملائكة اني جاعل في الارض خليفه...﴾<sup>۹</sup>، ﴿وعدا لله الذين امنوا منكم و عملوا الصالحات ليستخلفنهم في الارض﴾<sup>۱۰</sup>، ﴿يا داود انا جعلناك خليفه في الارض فاحكم بين الناس بالحق...﴾<sup>۱۱</sup> پس خلیفه خداوند باید مظهر صفات باری تعالی باشد.

بنابراین خداوند متعال هنگامی به انسان، مسئولیت خلیفه خود در زمین و عهده‌داری حاکمیت خویش و وارث نهائی زمین را واگذار می‌کند، که شرایط و ویژگی‌های واگذاری این مسئولیت بزرگ را داشته باشد، لذا کسی شایستگی و بایستگی عهده‌داری این مسئولیت را دارد که شرط نیل و وظیفه خلیفه را داشته باشد. پس در اندیشه اسلامی، یک مسلمان زمانی از فرمان حکومت یا حاکمی پیروی می‌نماید که واجد شرایط این جایگاه باشد؛ بنابراین در صورت عدم شایستگی حاکم و یا حکومتی، وظیفه اسلامی حکم می‌کند که برای ایجاد حکومتی قیام کنند که حاکم آن دارای شایستگی استقرار حاکمیت الهی در روی زمین باشد. به هر حال، این اندیشه دینی در قیام مردم ایران علیه رژیم پهلوی نیز مؤثر بوده است و به عنوان یکی از زمینه‌های فکری و ایدئولوژی این انقلاب محسوب می‌شود.

**(ج) تشکیل امت واحده و حکومت واحد جهانی:**

گرایش به وحدت، یکپارچگی و حاکمیت قانون واحد بر همگان، همواره در میان بشر وجود داشته است. تشکیل سازمانهای بین‌المللی و تدوین منشور ملل متحد نیز در همین راستا قرار دارد.<sup>۱۲</sup> قرآن کریم، علاوه بر آن که مسلمانان را امت واحد می‌داند، همه افراد بشر را نیز به وحدت و یکپارچگی فرا می‌خواند، از دیدگاه قرآن اصل بر وحدت و یکپارچگی است و اختلاف، استثنا و مخالف اصل است. ﴿ما كان الناس الا امه واحده فاختلّفوا﴾<sup>۱۳</sup>، برخلاف نظریه مارکسیستی که اصل را بر

تضاد می‌داند. به همین دلیل خداوند پیامبران را با ابزار لازم برای رفع اختلاف فرستاده است.<sup>۱۴</sup> از سویی قرآن نوید می‌دهد که پیروزی و آینده درخشان از آن دین خدا و متقیان است.<sup>۱۵</sup>

بنابراین، پیروان قرآن ضمن آن که همواره نسبت به آینده امیدوار و خوشبین هستند، وظیفه دارند تا زمینه تحقق آن را فراهم کرده و با ستمگران و طاغوتیان که مانع این هدف هستند به ستیز برخیزند. در نتیجه مردم مسلمان ایران با توجه به این اصل، علیه رژیم طاغوت پهلوی که مانع ایجاد وحدت و یکپارچگی مردم مسلمان و تشکیل امت واحد بود، قیام نموده و خواستار حکومتی بودند که جامعه اسلامی را به وحدت و یکپارچگی برساند.

#### د) اصل نظارت همگانی:

یکی از مهم‌ترین خصوصیات مسلمانان که آنان را از دیگر ملت‌ها متمایز می‌گرداند اصل نظارت همگانی است. نقش هر مسلمان در تعیین سرنوشت جامعه‌اش و بازتابی که اعمال دیگران در سرنوشت او دارد و تعهدی که باید در پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی داشته باشد، ایجاب می‌کند که وی ناظر و مراقب همه اموری باشد که در اطراف او می‌گذرد. بر اساس این اصل که تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد، موجب می‌شود که فعالیت سیاسی و اجتماعی هر شخص جزئی از مجموعه تلاشهای زندگی اجتماعی هر مسلمان باشد. قرآن کریم ضمن معرفی مسلمانان به عنوان برترین امت، استدلال می‌کند که شما امر به معروف و نهی از منکر را انجام و به خداوند ایمان داشته باشید. ﴿کنتم خیر امه اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله...﴾<sup>۱۶</sup> اهمیت این مسئله و نقش آن در سالم نگه داشتن روابط اجتماعی تا آنجا است، که این وظیفه پیش از ایمان به خدا بیان شده است. بر این اساس مسلمانان وظیفه دارند از هرگونه انحراف و کجروی، با رعایت اهم و مهم جلوگیری کرده و در صورت لزوم به جهاد و مبارزه برخیزند، همچنان که امام حسین علیه السلام برای ایجاد این اصل قیام نمود.

بنابراین، تظاهرات و قیام مردم مسلمان ایران علیه رژیم پهلوی به جهت نابودی عامل فساد و منشاء ظلم در جامعه اسلامی، به عنوان یک وظیفه اسلامی و اعتقادی بوده است؛ لذا عمل به این وظیفه دینی، در جهت ایجاد روابط اجتماعی



سالم و جلوگیری از کجروی‌ها و انحرافات فردی و اجتماعی، با وجود رژیم فاسد و طاغوتی امکان ندارد، بدین سبب اقتضا دارد که حکومت فاسد و طاغوت سرنگون شده و به دنبال آن نظامی ایجاد شود که در صدد سالم‌سازی اجتماعی و جلوگیری از کجروی‌ها و انحرافات فردی و اجتماعی باشد. به هر حال این اصل قرآنی به عنوان یکی از زمینه‌های مهم فکری و نظری انقلاب مردم مسلمان ایران علیه رژیم پهلوی محسوب می‌شود.

### (ر) اصل شوری:

خداوند متعال در قرآن یکی از ویژگی‌های مهم جامعه با ایمان را حرکت و عمل بر اساس تبادل و شور مشترک معرفی می‌کند. «وامرهم شوری بینهم...»<sup>۱۷</sup> همچنین به دلیل اهمیت و نقش مشورت در زندگی و رشد انسان‌ها، به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز دستور می‌دهد که از این شیوه پیروی کرده و با پیروانش مشورت کند. «وشاورهم فی الامر...»<sup>۱۸</sup>. بدیهی است پیامبر نه در امر نبوت و نه در مسائل خصوصی مخاطب این آیه نیست؛ بلکه در مسئله حکومت و اداره جامعه باید مشورت نماید و این امر به جهت احترام به آرای دیگران، دخالت عموم مردم در تصمیم‌گیری اجتماعی و آماده نمودن آنان در مسئولیت‌پذیری می‌باشد، بدین سبب دشواری و کراهت اطاعت از رهبری در کنار مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌ها آسان می‌گردد.

بنابراین، با توجه به این اصل مردم مسلمان ایران حق مشارکت و حضور در عرصه تصمیم‌گیری، اداره جامعه و مسائل مربوط به سرنوشتشان را دارند. اما در صورتی که نظام‌های مستبد و دیکتاتوری مانند رژیم پهلوی، هیچ‌گونه حق دخالت و حضوری برای مردم در عرصه تصمیم‌گیری و... قائل نبوده و از مردم وظیفه‌ای جز تبعیت و حمایت از آنها و خواسته‌هایشان انتظار ندارند؛ در نتیجه می‌توان گفت: که رژیم پهلوی، بنابه اعتقاد و شیوه عملکردش هیچ‌گونه هماهنگی با اصول قرآنی و جامعه با ایمان ندارد. بدین سبب این رژیم از لحاظ اعتقادی و نظری مورد پذیرش مردم مسلمان ایران نبوده و قیام مردم ایران نیز برای بدست آوردن حق مشارکت و دخالت در عرصه تصمیم‌گیری و اداره جامعه و در نهایت، ایجاد جامعه‌ای با ایمان بوده است.

**(ز) اصل نفی سبیل:**

اراده تشریحی خداوند بر این تعلق گرفته است که مسلمانان زیر سلطه کفار نروند و جهت‌گیری قوانین اسلام هم در این راستا تنظیم شده است. بر همین اساس، هر اقدام و یا تعهدی که موجب شود کفار بر مسلمانان مسلط شوند، باطل بوده و ارزش حقوقی ندارد. این اصل در تاریخ معاصر نیز کاربرد به‌سزایی داشته است؛ مثل مبارزه با اعطای امتیاز تنباکو و موضع‌گیری امام خمینی (ره) در برابر کاپیتولاسیون در سال ۱۳۴۳ مبتنی بر همین اصل بود. به هر حال این آیه قرآن کریم نیز ﴿ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا﴾<sup>۱۹</sup> مصداق بارز این امر است.

بنابراین با توجه به اصل نفی سبیل، راه و خط مشی که سبب سلطه کفار بر مسلمانان شود و یا به واسطه آن هرگونه قرارداد یا معاهده‌ای در این زمینه ایجاد گردد، از نظر قوانین اسلامی و اصول قرآنی، فاقد ارزش حقوقی و باطل می‌باشد. با این وجود، رژیم مستبد دیکتاتوری محمدرضا پهلوی به سبب عدم جایگاه مردمی و به منظور حفظ چند صباحی از تاج و تخت خودش، معاهده‌ای با دولت‌های بیگانه استعماری و کفار ایجاد نمود، که ماحصل آن، سبب سلطه بی‌چون و چرای امریکای جهان‌خوار بر مردم با فرهنگ و متمدن و مسلمان ایران شد، بدین سبب چنین رژیمی از لحاظ اعتقاد نمی‌تواند مورد پذیرش مردم مسلمان باشد، در نتیجه قیام مردم مسلمان ایران علیه رژیم مستبد پهلوی به منظور خروج از زیر سلطه کفار و دولت‌های استعماری و عمل به قوانین اسلامی و اصول قرآنی محسوب می‌شود.

**(س) اقامه عدل و توسعه قسط:**

در قرآن کریم آمده است که هدف اصلی پیامبران، تربیت انسان‌ها و تهذیب آنهاست؛ اما شرط لازم آن اقامه قسط و اجرای عدالت است. به گونه‌ای که انتظار پاکی و عبادت خداوند در محیط آلوده و در فضای آکنده از بی‌عدالتی به منزله کوبیدن بر آهن سرد است. به همین منظور خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿لقد ارسلنا رسلنا بالبينات وانزلنا معهم الكتاب والميزان ليقوم الناس بالقسط...﴾<sup>۲۰</sup>

بنابراین، یکی از وظایف مسلمانان نیز تلاش در جهت اجرای قسط و عدل است و از دیدگاه قرآن، تقوا به عنوان بهترین توشه سفر آخرت است<sup>۲۱</sup> و نزدیک‌ترین اعمال به تقوا نیز همان عدالت است<sup>۲۲</sup>.

در نتیجه، پیروان قرآن ضمن آن که امیدوار و خوشبین به محیط پاک و عاری از آلودگی هستند، وظیفه دارند که زمینه تحقق آن را فراهم نمایند و با ستمگران که مانع ایجاد عدالت و قسط و رسیدن به این هدف هستند به مبارزه برخیزند. بدین سبب مردم مسلمان ایران با توجه به این اصل، علیه رژیم ستمگر پهلوی که عامل تبعیض و بیدادگری و مانع ایجاد قسط و عدل در جامعه اسلامی است، قیام نموده و خواستار نظامی بودند که مبتنی بر قسط و عدل باشد. پس این اصل قرآنی، به عنوان یکی از زمینه‌های فکری و ایدئولوژی انقلاب مردم مسلمان ایران علیه رژیم پهلوی محسوب می‌شود.

## ۲. لزوم تشکیل حکومت اسلامی:

یکی از علل عمده انقلاب اسلامی آرمان تشکیل حکومت اسلامی بود، که بخشی از طرح ابتدایی آن، در تاریخ معاصر ایران، توسط شیخ فضل‌الله نوری و آیت‌الله نائینی و سرانجام طرح تکمیلی آن به وسیله امام خمینی (ره) ریخته شد. گرچه با مطالعه و دقت در ماهیت قوانین اسلام و آیات قرآن، لزوم تشکیل حکومت اسلامی امری بدیهی است و نیاز به استدلال ندارد؛ اما برای اتقان بیشتر و پاسخ به برخی از شبهاتی که در این زمینه وجود دارد، مواردی جهت روشن شدن مسئله ذکر می‌شود.

### الف) ضرورت تشکیل حکومت - اسلامی - از دیدگاه عقلا:

انسانها خواه بر اساس فطرت - برآوردن نیازهای فطری - یا به دلیل غریزه استخدام و بهره‌کشی از دیگران و یا بر مبنای قرارداد و تأمین نیازهای متقابل - با توجه به دیدگاههای مختلف - لزوماً به صورت اجتماعی زندگی می‌کنند.<sup>۲۳</sup> از سویی، جامعه متشکل از افراد فراوان با سلیقه‌های گوناگون و بعضاً متضاد است، مضافاً بر این که انسان‌هایی هستند که افزون خواه و زیاده طلبند که هیچ‌گاه به حقوق خود قانع نیستند. شکی نیست برآوردن همه این نیازها به صورت آزاد و بدون حد و مرز، نه تنها مستوجب تجاوز به حقوق ضعیفا خواهد شد؛ بلکه به هرج و مرج و بی‌نظمی می‌انجامد که در نهایت هیچ‌کس به ضروری‌ترین نیاز خود دست نخواهد یافت. بر این اساس زندگی اجتماعی، نیازمند داشتن مقررات و چارچوب‌هاست. پیداست که قانون هر چند کامل و مترقی باشد، به تنهایی برای

تأمین هدف یاد شده و رفع مشکل کارساز نخواهد بود؛ لذا اجرای قانون نیازمند داشتن ضمانت اجرایی قوی و نیرومند است که همان حکومت و دولت می باشد. با توجه به مطالب یاد شده، هرگاه قانون را خود انسان وضع کند، مجری آن را نیز می تواند خود تعیین نماید؛ اما اگر قوانین توسط خداوند وضع شود به تناسب حکم و موضوع، مجری و حاکم نیز باید از سوی خداوند تعیین گردد و یا شرایط آن در شرع بیان شود که هر کس واجد شرایط باشد، به انتخاب یا انتصاب، زمام امور را در دست گیرد. قابل ذکر است که این امر در زمان حضور، بر عهده پیامبر ﷺ یا امام معصوم علیه السلام است و در زمان غیبت، فقیه جامع شرایط عهده دار آن خواهد بود. مسئله تشکیل حکومت اسلامی برای مسلمانان صدر اسلام آن چنان بدیهی و روشن بود که علی رغم سؤال هایی که آنان در زمینه های گوناگون و بعضاً جزئی مطرح می کردند، در این خصوص هیچ شبهه ای نداشتند و حتی، پس از رسول خدا ﷺ نیز اختلاف مسلمانان در خصوص حاکم و خلیفه بود و گرنه، در اصل حکومت اسلامی کمترین اختلافی با هم نداشتند. از این روست، که امام رضا علیه السلام می فرماید: «انا لانجد فرقه من الفرق و لامله من الملل بقوا وعاشوا الا بقیم و رئیس لما لا بد لهم فی امر الدین والدنیا» ما هیچ گروه و ملتی را نیافتیم که زندگی کنند و دوام یابند؛ مگر آن که در برآوردن نیازهای دین و دنیایشان قیم و رئیس داشته باشند.<sup>۲۴</sup>

#### ب) سیره پیامبر اکرم و ائمه اطهار:

بررسی سیره و روش سیاسی و عملی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام نشان می دهد که آن بزرگواران اهتمام ویژه ای به امر حکومت داشتند، علاوه بر آن که خود آن حضرت به تشکیل حکومت پرداخته و به اجرای قوانین و حدود الهی، عزل و نصب قضات و والی و فرماندهان اقدام می کرد و برای پس از خود نیز به فرمان خداوند، حاکم و جانشین تعیین کرده است و حضرت علی علیه السلام به عنوان حاکم و جانشین نیز، مدتی عهده دار حکومت اسلامی بودند و مبارزات ائمه اطهار علیهم السلام با حکام جور و غاصب و شهادت آن بزرگواران نیز در همین راستا قرار می گیرند.

#### ج) لزوم استمرار اجرای قوانین اسلامی:

مقررات اسلام به منظور ترسیم راه و رسم جنبه های مختلف زندگی بشر وضع شده اند و هر دلیلی که مستلزم ضرورت وضع قانون باشد، عیناً ضرورت اجرای آن

را نیز دلالت خواهد داشت.

وگرنه، وضع قانون، کاری بیهوده و ارتکاب آن از سوی هر عاقلی قبیح خواهد بود. از سوی دیگر، مقررات اسلام از یک سری ویژگی‌هایی برخوردارند که جز، با تشکیل حکومت قابل اجرا نخواهند بود. به عبارت دیگر، بیشتر مقررات اسلام یا زمینه‌سازی و پشتوانه یک حکومت نیرومند و مقتدر هستند و یا تنها با داشتن اقتدار و حکومت قابلیت اجرا خواهند داشت. از قبیل: احکام مالیاتی اسلام، قوانین جزایی، مقررات مربوط به دفاع ملی و مانند آن<sup>۲۵</sup>.

بنابراین، احکام و دستورات الهی در تمام ابعادش اعم از عبادی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و... تا قیام قیامت باقی است؛ لذا همان طور که بقای این دستورات برای بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مستلزم وجود امام و مقام امامت بود، تا دین خدا از دستبرد اجانب در امان بماند. بقای آن در زمان غیبت نیز، مستلزم حکومت و ولایتی است که، آن احکام و دستورات را از خطرات و دستبرد اجانب حفظ و به موقع، اجرا نماید. در نتیجه، قیام مردم مسلمان ایران علیه رژیم طاغوت پهلوی، ابتدا به جهت سرنگونی این رژیم و تشکیل حکومت اسلامی برای اجرای مقررات و احکام الهی بوده و ثانیاً حکومت اسلامی برای اجرای مقررات نیاز به حاکمی دارد که نسبت به قانون و شریعت اسلام آگاهی کامل داشته باشد و شرایط حاکم اسلامی مندرج در متون اسلامی را نیز دارا باشد.

### ۳. شیعه و حرکتهای سیاسی آن:

از روزی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علی (ع) و شیعیانش را گروه رستگاران نامید و در ذیل آیه «اولئک هم خیر البریه» فرمود: (والذی نفسی بیده ان هذا وشیعته هم الفائزون یوم القیامه)<sup>۲۶</sup>، «سوگند به کسی که جانم بدست اوست، این شخص و شیعیانش در قیامت رستگار خواهند بود.» و مبارزانی همچون سلمان، مقداد، ابوذر، حجر بن عدی و دیگران به نام شیعه و پیروان علی علیه السلام شهرت یافتند. تشیع به صورت مکتبی انقلابی پرچم و رسالت مبارزه و جهاد علیه ظلم و خودکامگی را بر دوش گرفت و در مقابل حکام مستبد نیز در صدد نابودی و قلع و قمع شیعیان برآمدند تا آن جا که امروز کمتر جایی را می‌توان یافت که شهیدی از سلاله امام مجتبی امام سجاد، امام کاظم و دیگر ائمه علیهم السلام در آن دفن نشده باشد. چنانچه امام

محمد باقر علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «شیعیان ما در هر شهر و دیاری کشته می‌شوند، دستها و پاهایشان به خاطر گمانی بریده می‌شود و هر کس یادی از دوستی ما کند، یا زندانی می‌شود و یا مالش به تاراج می‌رود و یا خانه بر سرش خراب می‌شود»<sup>۲۷</sup> به هر حال، انقلاب اسلامی در کشوری به وجود آمده است که از یک سو، مرکز رقابت قدرتهای استعماری شرق و غرب بوده و از سوی دیگر، مرکز شیعیان و پیروان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشد - که خود از خصوصیات برخوردارند که سبب بالندگی و با نشاط در صحنه‌های سیاسی و نیز فعال‌تر و موفق‌تر از پیروان دیگر مذاهب اسلامی می‌باشند - لذا بدون آشنایی نسبت به مفهوم شیعه و مبانی پیدایش آن، ویژگی‌ها و حرکت‌های سیاسی شیعه، دستیابی به زمینه‌های فکری انقلاب اسلامی غیرممکن خواهد بود.

به همین منظور اظهارات نویسنده غربی به نام ویلیام وات در این زمینه، موضوع را بیشتر آشکار می‌نماید: اندیشه سیاسی در ایران از تشیع متأثر است و بدون شناخت آن نمی‌توان به زمینه‌های فکری این انقلاب دست یافت و قیام امام حسین علیه السلام، اعتقاد به امامت و مسئله انتظار، از جمله ویژگی‌های تشیع است که در اندیشه سیاسی شیعه، نقش مهمی را ایفا می‌کند و همچنین افزایش تأثیر اندیشه علمای دینی در ایران را با توجه به شدت و ضعف و فراز و نشیب‌های آن از دوره صفوی تا پهلوی، بعلاوه تمرکز نهاد مرجعیت و... را در همین راستا بیان می‌کند<sup>۲۸</sup>.

#### الف) مفهوم شیعه:

لفظ شیعه در لغت به معنای تابع و پیرو است و در اصطلاح در موارد ذیل بکار رفته است.

اول: گاهی لفظ شیعه به پیروان حضرت علی علیه السلام اطلاق می‌شود که از دسته‌بندی‌های زمان خلیفه سوم و پس از آن به وجود آمده است - در مقابل شیعه، پیروان آل ابی سفیان - که به موجب این دیدگاه تشیع یک حزب سیاسی است که به مرور زمان شکل دینی پیدا کرده است.

دوم: گاهی واژه شیعه در مورد محبان و دوستان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله به کار می‌رود. بر این اساس - بجز نواصب و خوارج - شیعه اطلاق می‌شود؛ زیرا به این خاندان ارادت دارند. تشیع به این معنی تنها یک مسئله اخلاقی و عاطفی خواهد بود.

سوم: گاهی منظور از شیعه کسانی‌اند که معتقد به خلافت علی علیه السلام و امامت آن حضرت و فرزندان معصوم آن بزرگوار می‌باشند، بنابراین شیعه و تشیع یک مکتب کلامی و اعتقادی خواهد بود<sup>۲۹</sup>. قابل ذکر است که منظور ما از تشیع، معنای اخیر آن می‌باشد.

### ب) تاریخچه و عوامل پیدایش شیعه:

در مورد مبنای پیدایش آیین شیعه، نظرات متفاوتی ارائه شده است. برخی آن را ساخته و پرداخته عبدالله بن وهب بن سبای یهودی - معروف به ابن السودا - دانسته‌اند، طبری نخستین و تنها کسی است که داستان ابن سبا را وارد تاریخ نموده است. محققان و نویسندگان معاصر - اعم از شیعه و سنی - ابن سبا را فردی موهوم می‌دانند که تنها در تاریخ طبری مطرح شده است...<sup>۳۰</sup> و گروهی تشیع را ناشی از انتقام‌جویی ایرانیان از اعراب دانسته و برخی نیز آن را نشأت یافته از پیوند خویشاوندی امام حسین علیه السلام با ایرانیان می‌دانند<sup>۳۱</sup> و عده‌ای هم تشیع را مولود حکومت آل بویه در بغداد و سیاست صفویه در ایران دانسته‌اند.

چنانچه ملاحظه می‌گردد، در تمام نظرات یاد شده، تاریخ پیدایش شیعه به زمانهای پس از صدر اسلام مربوط می‌شود، گویا بالا بودن آمار اهل سنت نسبت به شیعه، آنان را وا داشته تا تصور کنند که اصل در اسلام، همان تسنن است و تشیع یک استثنا و خلاف قاعده است؛ لذا به دنبال انگیزه و عوامل پیدایش آن رفته و در نتیجه عوامل خارجی و توطئه‌ها، پدید آورنده آن دانسته‌اند. گروهی نیز معتقدند که پیدایش شیعه از زمان پیامبر اکرم (ص) بوده است، برای مثال، در کتاب درالمنثور جلال الدین سیوطی آمده است که: پیامبر (ص) در ذیل آیه «اولئک هم خیرالبریه» علی (ع) و شیعیانش را گروه رستگاران نامید. مبارزانی همچون سلمان، مقداد، ابوذر، حجر بن عدی و دیگران به نام شیعه و پیروان علی (ع) شهرت یافتند.

بدون تردید، حقیقت و روح تشیع همان اعتقاد به خلافت علی علیه السلام و امامت آن حضرت و فرزندان معصوم آن بزرگوار است، که برخاسته از متن قرآن و بخشی از سنت خداوند در هدایت بشر بوده و نیز مولود طبیعی اسلام است<sup>۳۲</sup>.

### ج) مبانی پیدایش شیعه:

نیاز مستمر بشر به هدایت الهی:

بشر به اقتضای آفرینش خود، علاوه بر هدایت تکوینی نیاز به هدایت تشریحی نیز دارد. خداوند متعال به وسیله قرآن کریم و تعیین و نصب امام، متکفل بر آوردن این نیاز است. ﴿قال ربنا الذی اعطى کل شیء خلقه ثم هدی. ۳۳ هدی للناس، هدی للمتقین﴾<sup>۳۴</sup>

در قرآن کریم، ضمن بیان مطلب یاد شده، شرایط امام و فلسفه جعل امامت نیز تصریح شده است.<sup>۳۵</sup>

لذا در جریان حجه الوداع - که شیعه و سنی آن را به تواتر نقل کرده‌اند - ضمن تاکید بر ابلاغ مأموریت توسط رسول خدا ﷺ و برابر دانستن آن با اساس رسالت ﴿یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته والله یعصمک من الناس ان الله لایهدى القوم الکافرین﴾<sup>۳۶</sup> به تناسب حکم و موضوع، تعیین خلافت جنبه عقیدتی پیدا کرده است؛ لذا در آیه‌ای که پس از واقعه غدیر نازل شد ضمن بیان این که کفار از این پس، از دین شما مأیوس گشتند. پس از آنان نترسید؛ بلکه از من بترسید و دیگر خطر خارجی شما را تهدید نمی‌کند؛ بلکه از درون تهدید می‌شوید و فرمود: اینک دین شما را کامل و نعمت خودم را بر شما تمام کردم.<sup>۳۷</sup> پیداست منظور از نعمت در این جا همان نعمت امامت است. ﴿ذلک بان الله لم یک مغیرا نعمه انعمها علی قوم حتی یغیروا ما بانفسهم﴾<sup>۳۸</sup> واضح است هدایت در این تقریب، همان راهنمایی و ارائه طریقی است که فلسفه بعثت تمام پیامبران الهی را نیز دربرمی‌گیرد.

پروفسور هانری کربن، در مورد شیعه مطلب قابل توجهی بیان می‌دارد: «به عقیده من تشیع تنها مذهبی است که رابطه هدایت الهی را میان خدا و خلق برای همیشه نگه داشته و این امر با استمرار و پیوستگی ولایت و امامت است که آن را زنده و پابرجا می‌دارد. مذهب یهود نبوت را که رابطه‌ای است واقعی میان خدا و عالم انسانی در حضرت کلیم ختم کرده و نصارا نیز در حضرت مسیح متوقف شده و اهل سنت از مسلمین نیز در حضرت محمد توقف کرده و تنها تشیع است که نبوت را با حضرت محمد ختم شده می‌داند ولی ولایت را که همان رابطه هدایت و تکمیل می‌باشد، بعد از آن حضرت و برای همیشه زنده می‌داند.»<sup>۳۹</sup> بنابراین شیعه، در



حقیقت همان اعتقاد به استمرار این هدایت توسط امام معصوم است.

### تعیین و نصب امام از جانب خداوند:

پس از آزمودن حضرت ابراهیم علیه السلام به انواع امتحانات، خداوند به عنوان بالاترین درجه - بالاتر از مقام نبوت و رسالت - فرمود: من تو را امام قرار دادم، ابراهیم علیه السلام پرسید: از ذریه من هم؟ خداوند در پاسخ به ابراهیم نفی مطلق نکرد؛ بلکه فرمود: عهد من به ستمگران نمی‌رسد.<sup>۴۰</sup> بنابراین؛ تعیین امام بر عهده خداوند است و اختصاص به زمان خاصی ندارد. دیگر این که ظالمان - به معنای عام خود - استحقاق نیل به آن را ندارند و این مقام هم در میان برخی از فرزندان ابراهیم علیه السلام استمرار خواهد داشت؛ لذا در آیه دیگر فرمود: ﴿و جعلنا منهم ائمه یهدون بامرنا لما صبروا و كانوا بایاتنا یوقنون﴾<sup>۴۱</sup> برخی از فرزندان ابراهیم را امام قرار دادیم، آنهایی که صبر پیشه کرده و به مرحله یقین به آیات الهی رسیده‌اند، تا به امر ما هدایت کنند. در این صورت امامت همواره استمرار دارد و کسی صلاحیت نیل به این مقام را داراست که از عصمت الهیه برخوردار باشد و این همان چیزی است که در آیات یاد شده و دیگر آیات قرآن و برهان عقلی و روایات فراوان از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله نیز به آن دلالت داشته و شیعه بر این اعتقاد و باور است. بدیهی است، اگر بناست امامت پس از رسول خدا نیز ادامه پیدا کند کسی جز علی علیه السلام چنین شایستگی را ندارد. به عبارت دیگر، امام چون منصوب خداوند است، خداوند نیز می‌داند چه کسی را به این مقام برگزیند و دلائل مختلف به ویژه آیات قرآن ثابت می‌کنند که علی علیه السلام برای این مقام برگزیده شد.

### پیامبر اکرم سرنوشت رسالت خویش را رها نکرد:

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در شبه جزیره عربستان نهضتی را پدید آورد که هدف آن تبدیل انسان جاهلی به انسان اسلامی بود. از سویی، هر چند رسول خدا صلی الله علیه و آله در مدت کوتاه تشکیل جامعه اسلامی در مدینه، موفقیت‌های چشمگیری کسب کرده بود؛ اما راه بسیار طولانی بود که قطعاً باید ادامه می‌یافت. از سویی دیگر، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیشاپیش، در سال دهم هجری در جریان حَجَّة الوداع از مرگ خود خبر داد، حال سؤال این است که آیا آن حضرت آینده رسالت و سرنوشت امتش را بلا تکلیف و مبهم گذاشت، یا آن را به تصمیم شورا و بزرگان مهاجر و انصار واگذار

کرد و یا خود شخصاً به تعیین جانشین پرداخت؟ دلایل مختلف فرض اخیر را ثابت می‌کنند.

فرض اول باطل است؛ زیرا مبهم گذاشتن آینده رسالت و سرنوشت امت یا ناشی از عدم احساس خطر است و یا ناشی از بی‌تفاوتی پیامبر ﷺ نسبت به سرنوشت امت اسلامی است هر دو فرض باطل است.

چون خطرهایی که از فقدان رهبری و خلاء ناشی از آن، تا جایی که برخی مانند خلیفه دوم ابتدا مرگ پیامبر را انکار می‌کرد از طرفی هم توده امت اسلامی نیز از رشد چندانی برخوردار نبودند و هنوز بسیاری از تعصبات جاهلی در میان مسلمانان وجود داشت. دیگر این که خطر منافقین و تازه مسلمانان که، پس از فتح مکه از روی ناچاری و چه بسا به صورت تظاهر، زیر ماسک اسلام گرد آمده بودند به طور کامل از بین نرفته بود آیا این خطرات بر پیامبر ﷺ پوشیده بود؟

چطور خلیفه اول احساس خطر می‌کرد و جانشین تعیین نمود و خلیفه دوم نیز پس از مجروح شدن برای پس از خود، تعیین تکلیف کرد، با آنکه اوضاع در زمان آن دو، به مراتب آرام‌تر از زمان پس از رحلت پیامبر ﷺ بود؛ اما پیامبر چنین خطری را احساس نمی‌کرد؟ اگر گفته شود که پیامبر خطر را احساس می‌کرد؛ اما کاری به آن نداشت و فقط در صدد بود در زمان حیاتش اوضاع روبراه باشد، چنین سخنی در مورد یک ایدئولوگ معمولی قابل تصور نیست؛ چه رسد به شخص رسول خدا ﷺ. مضافاً بر اینکه آن حضرت در لحظه احتضار وقتی به هوش می‌آمد پیوسته تجهیز جیش اسامه را یادآوری می‌کرد، در حالی که، هدف این لشکر در مقایسه با اصل رسالت و ادامه آن بسیار جزئی بود. همچنین آن حضرت در همان حال فرمود: «قلم و دواتی بیاورید تا چیزی بنویسم که پس از این گمراه نشوید»، می‌بینم آن حضرت هم خطر را احساس می‌کردند و هم کاملاً نسبت به آن حساس بودند.

فرض دوم باطل است؛ زیرا اگر بنا بود خلافت به شورا واگذار شود پیامبر باید تمرین عملی می‌داد تا سابقه ذهنی برای مسلمانان ایجاد شود. به ویژه این که تعیین رهبری به صورت شورایی هیچ سابقه‌ای در آن زمان نداشت. علاوه بر این که جانشین پیامبر باید به هدایت مردم و ادامه رسالت بپردازد، آیا اعضای شورا می‌توانند چنین رسالتی را ایفا کنند؟ از همین رو می‌بینیم خلیفه اول برای تعیین

جانشین به شورا متوسل نشد و خلیفه دوم را نصب کرد و خلیفه دوم نیز می‌گفت اگر یکی از دو نفر - سالم مولی ابی حذیفه و یا عبیده جراح - زنده بودند من امر حکومت را به عهده آنان وا می‌گذاشتم، چون آنها نبودند شورا تعیین کرد. بنابراین، تنها راه باقی مانده پیش روی رسول خدا ﷺ همان تعیین جانشین پس از خود از طریق انتصاب شد و شیعه چیزی جز این نمی‌گوید، از این رو تشیع استمرار و مولود طبیعی اسلام است.<sup>۴۲</sup>

#### (د) مهم‌ترین خصوصیات و ویژگیهای شیعه و حرکتهای سیاسی آن.

«یکی از ویژگی‌های ذاتی تشیع، از آغاز تاکنون، مقاومت و قیام در برابر دیکتاتوری و ظلم است که در تمامی تاریخ شیعه به چشم می‌خورد.»<sup>۴۳</sup>

در این قسمت از بحث به مهم‌ترین خصوصیات و ویژگی‌هایی از مکتب شیعه می‌پردازیم که در حرکتهای سیاسی و روحیه انقلابی پیروان این مکتب، در طول تاریخ مؤثر بوده است. در نتیجه این روحیات و ویژگی‌ها در سرزمینی مثل ایران - که بیش از ۹۰٪ از جمعیت آن معتقد به این مکتب هستند - تأثیر به‌سزایی داشته است و از بُعد اعتقادی و اندیشه سیاسی نیز انگیزه بسیاری از قیام‌ها و مبارزات ضد استبدادی و ضد استعماری در تاریخ معاصر و گذشته کشور، به ویژه حرکت انقلاب اسلامی ایران بوده است.

#### (د) ۱. اصل امامت:

همان‌طور که بیان شد، اساسی‌ترین خصوصیات تشیع، اعتقاد به اصل امامت است و بر اساس بینش اسلامی، هیچ‌گاه خداوند جامعه را خالی از حجت نمی‌گذارد.<sup>۴۴</sup> و اقامه حجت خدا بر مردم، یک سنت الهی در هدایت انسان‌هاست، ﴿لئلا یكون للناس علی الله حجه بعد الرسول﴾<sup>۴۵</sup> که جز با تعیین امام از جانب خدا تحقق نمی‌یابد. ﴿ان الحجه لا تقوم الله علی خلقه الا بامام حتی یعرف﴾<sup>۴۶</sup> و کسی که بدون شناخت صحیح امام زمان خود بمیرد، با مرگ جاهلیت از دنیا رفته است. ﴿من مات ولم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة﴾<sup>۴۷</sup> با توجه به آیات متعددی از قرآن و روایات پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت طاهرین او، امامت استمرار رسالت بوده و همان ولایت خداوند است که از جانب خداوند تعیین شده است - ﴿ولایتنا ولایة الله التي لم یبعث نبیاً قط الا بها﴾<sup>۴۸</sup> و همان ویژگی‌های علم و عصمت پیامبر ﷺ در جانشین او نیز

باید وجود داشته باشد. «افمن یهدی الی الحق احق ان یتبع امن لایهدی الا ان یهدی.»<sup>۴۹</sup> امامت در فرهنگ اسلامی به آن نوع رهبری گفته می‌شود که بر اساس آیین الهی و ارزش‌های اسلامی همه روابط انسان‌ها را تحت پوشش بگیرد و امام نیز به آن انسان کاملی اطلاق می‌گردد که علاوه بر آن که خود از همه بندها رهیده، ساریان کاروان حرکت انسانی می‌باشد که امت را از آن چنان نظام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... برخوردار می‌سازد، که امت برای تحول و تکامل هر چه بیشتر و سریع‌تر طبق موازین الهی آماده گردد. بدین سان رهبری در نظام امامت، دارای بار اعتقادی و انقلابی بوده و با سکون و ایستایی سازگار نیست.

از سوی دیگر، اصل امامت و اعتقاد به آن، که شیعه به آن پایبند است. پیوسته آنان را به اعتراض و جبهه‌گیری در برابر گروه حاکم و می‌دارد. به عقیده شیعه هر حکومتی غاصب و ظالم است، مگر آن که امام معصوم علیه السلام و یا نایب آن (فقیه عادل) زمام حکومت را در دست گیرد. به همین دلیل، شیعه در طول تاریخ به طور مداوم در یک جریان انقلابی به سر می‌برد و قیام مردم ایران علیه رژیم پهلوی نیز در این راستا قرار دارد.

#### (د) ۲. اصل تقیه و رازداری:

شیعه در طول تاریخ با شیوه رازداری و تقیه، سخت‌ترین شرایط را تحمل کرده و در برابر طوفان‌های سهمگین و باگذشتن از گذرگاه شهادت همواره قد برافراشته است. تقیه و پوشش دادن به شکل مبارزه و استتار اهداف و عملکرد و شیوه برخورد و کتمان اسرار نهضت و مبارزه؛ از چنان اهمیتی برخوردار است که در روایات اسلامی از آن به عنوان اساس دین و علامت دینداری یاد شده است و فاش کردن اسرار ائمه مورد لعنت قرار گرفته است.

علت این که تقیه به عنوان یکی از خصوصیات شیعه مطرح شده است عبارت‌اند: الف) فشارها و تهدیدهایی است که از سوی حکومت‌ها بر علیه شیعه و به منظور نابودی و قلع و قمع آنان صورت می‌گرفت، آنان ناچار به کتمان عقیده خویش و استتار آن بودند. ب) شیعه از همان آغاز به تبعیت از رهبران خود، حکام را، غاصب دانسته و مبارزه با ظلم و ستم را سرلوحه برنامه خود قرار داده است. چنانچه امام خمینی (ره) می‌فرماید: «یکی از ویژگی‌های ذاتی تشیع از آغاز تاکنون

مقاومت و قیام در برابر دیکتاتوری و ظلم است که در تمامی تاریخ شیعه به چشم می‌خورد.<sup>۵۰</sup>

این مسئله مسلم است که: هر مبارزه‌ای نیاز به استتار و پوشش دارد که همان تقیه است؛ البته حکم تقیه با توجه به شرایط سیاسی و خطرات جانی و مالی فرق می‌کند، هرگاه برای اظهار نظر و دفاع در مورد احکام فرعی، خطر جانی، مالی و یا آبروی داشته باشد، تقیه واجب می‌شود؛ اما اگر اساس دین در خطر باشد در این صورت تقیه حرام است و باید حتی با نثار جان و مال، از دین دفاع کرد. چنانچه امام حسین علیه السلام به همین خاطر قیام کرد و نهضت عظیم عاشورا به وجود آمد. امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرماید: تقیه مربوط به فروع است، لذا اگر اصول و حیثیت اسلام در خطر باشد تقیه حرام است.<sup>۵۱</sup>

در نتیجه رژیم منفور پهلوی می‌خواست، با استفاده از این اصل، روحانیون درباری را به عنوان ابرزاری، برای مهار و کنترل حرکت انقلابی مردم مسلمان ایران به کارگیرد؛ اما با هوشیاری امام خمینی (ره) به جهت دفاع منطقی از این اصل و ذکر ارتباط مستقیم قیام امام حسین علیه السلام با آن، این حربه را از دست رژیم فاسد پهلوی گرفت. به هر حال اصل تقیه و رازداری به عنوان یکی از اصول فکری و ایدئولوژی مبارزه مردم مسلمان ایران علیه رژیم پهلوی محسوب می‌شود.

#### د) ۳. قیام امام حسین و مکتب عاشورا:

قیام امام حسین علیه السلام علاوه بر آن که درس بزرگی به همه آزادی خواهان جهان آموخت، انسان‌های بی‌شماری با الهام از این قیام فداکاری‌ها کردند و نهضت‌های گسترده‌ای را ترتیب دادند، چنانچه گاندی به این مطلب تصریح کرده است. بزرگداشت این قیام در ایام عاشورا نیز، یک مکتب دائمی و همگانی تعلیم و تربیت است، که هر سال میلیون‌ها انسان به طور داوطلبانه و بدون هیچ‌گونه تشریفاتی در این بزرگداشت شرکت می‌کنند و برای مظلومیت آن امام، اشک می‌ریزند. گویندگان به تبیین مسائل دینی، سیاسی و اجتماعی مسلمانان می‌پردازند و این خود همواره حضور شیعه را در صحنه‌های مختلف حفظ می‌کند.

دکتر رینو شرق‌شناس فرانسوی می‌نویسد: «شیعه با عزاداری و قبول مخارج آن در ایام عاشورا به صورت داوطلبانه، توانسته است خود را به همه ملت‌ها و کشورها

معرفی کند و انسان‌ها را از نقاط مختلف دنیا با خود همراه سازد؛ زیرا هرکس به طبع و فطرت خود طرفدار مظلوم است. علاوه بر این به کمک همین مجالس و عزاداری‌ها است که شیعه از سایر فرقه اسلامی به عقاید خود آشناتر است و در هیچ جامعه‌ای از مسلمین، به اندازه شیعه زمینه ترقی علمی، صنعتی و اقتصادی فراهم نیست.<sup>۵۲</sup>

تأثیر قیام امام حسین علیه السلام و بزرگداشت عاشورا در سقوط رژیم شاه و قیام ملت ایران برکسی پوشیده نیست؛ چنانچه محرم سال ۱۳۴۲ و سخنرانی تاریخی امام در عصر عاشورای آن سال به ظهور و گسترش نهضت منتهی شد و همچنین راهپیمایی‌های میلیونی عاشورا و تاسوعای ۵۷ بود که عملاً رژیم شاه را سرنگون کرد. بی‌جهت نیست که قلم به دستان مزدوری همچون، فتحعلی آخوندزاده با تمام قوا در صدد تضعیف این سنت دینی و سیاسی برآمدند و آن را یک عمل بیهوده؛ بلکه بی‌فایده قلمداد می‌کردند.<sup>۵۳</sup> و همین طور مبارزه همه جانبه سلسله بهلوی با عزاداری و ممنوع کردن آن نیز در همین راستا بود.<sup>۵۴</sup>

#### (د) ۴. انتظار فرج یا آرمان بشری:

اندیشه دولت واحد و اعتقاد به ظهور یک منجی جهانی یکی از آرمان‌های بشر بوده و هست...؛ یهودیان، زرتشتیان، هندیان، برهمنیان، ارمنیان، چینیان و مصریان در عهد باستان چنین اعتقادی داشته‌اند.<sup>۵۵</sup> در غرب نیز چنین اندیشه‌ای به صورت‌های مختلف وجود داشته و دارد، که یا به صورت اعتقاد به یک مهدی و یا به صورت یک مکتب انتظار فلسفی خود را نشان داده است.<sup>۵۶</sup> و بالاخره اندیشه دولت واحد و آرمان بشری به صورت یک تلاش عملی و سازمان یافته در اعلامیه جهانی حقوق بشر و یا تشکیل سازمان ملل متحد توجیه پذیر است.<sup>۵۷</sup>

﴿تعالوا الی کلمه سواء بینا و بینکم﴾<sup>۵۸</sup>: قرآن کریم ضمن معرفی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان پیامبر تمام بشر، به او دستور می‌دهد تا همگان را پیرامون یک نقطه اشتراک همگانی (اعتقاد به خدا) دعوت نماید. ﴿هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله﴾<sup>۵۹</sup>: در عین حال اسلام را به عنوان دین پیروز و غالب معرفی کرده است. ﴿و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین﴾<sup>۶۰</sup> و تصریح می‌کند که عاقبت از آن پیروان خدا و مستضعفان

است. بر این اساس ظهور حضرت مهدی (عج) ضمن آن که یکی از آرمان‌های دیرینه بشر است ریشه در قرآن کریم نیز دارد.

امام خمینی (ره) پس از بیان این نکته که هدف مشترک همه پیامبران اجرای عدالت در سراسر عالم است، می‌فرماید: «قضیه غیبت مسائلی را به ما می‌فهماند، از جمله آن که تاکنون در میان بشر کسی نبوده که عدالت واقعی را در تمام دنیا اجرا کند و خداوند مهدی موعود را ذخیره کرده برای یک همچون رسالتی.»<sup>۶۱</sup>

### نقش انتظار:

انتظار یکی از حالات نفسانی است که هم می‌تواند سازنده باشد و هم مخرب؛ برخی با استناد به حدیث معروف «یَمَلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجُورًا»<sup>۶۲</sup> همه اصلاحات و فعالیت‌های سازنده قبل از ظهور را محکوم به شکست می‌دانند و می‌گویند: ما نه تنها نباید در ایجاد اصلاح بکوشیم؛ بلکه وظیفه داریم زمینه ظهور را با دامن زدن به انحرافات و فحشا آماده نمائیم؛ در حالی که: چنین برداشت و تفکری خلاف مسلمات اسلام است، چون مسئله امر به معروف و نهی از منکر با این عقیده در تعارض است. به علاوه، این روایت، سند صحیحی ندارد که: امامی می‌آید که دنیا را با توحید و معنویت پر می‌کند، بعد از آنکه با کفر و فحشا پر شده باشد؛ بلکه می‌گوید: پر از عدل و داد می‌کند، پس از آنکه پر از ظلم و جور شده است. به هر تقدیر، نقش سازنده انتظار را می‌توان به وجوه ذیل بیان کرد.<sup>۶۳</sup>

### الف) اعتراض دائمی، خودسازی و همیاری اجتماعی:

انتظار به حالت کسی گفته می‌شود که از وضع موجود ناراضی و برای ایجاد وضع بهتر تلاش می‌کند. از این رو انتظار، مرکب از دو عنصر سلبی و ایجابی است، عنصر سلبی عبارت از نارضایتی از وضع موجود و تلاش به منظور از بین بردن آن و ترک هرگونه همکاری با عوامل ظلم و فساد و عنصر ایجابی عبارت است از خودسازی فردی، مادی و معنوی برای شکل گرفتن حکومت واحد جهانی امام زمان (عج).

### ب) ایجاد امید و حل نشدن در محیط فساد:

زندگی بدون امید محکوم به مرگ است و هیچ حرکتی در آن صورت نمی‌گیرد،

حتی گفته می‌شود که مادر بدون امید به بچه‌اش شیر نمی‌دهد. انتظار، ایجاد امید می‌کند و در نهایت حرکت و جنبش را در پی دارد؛ لذا منتظران فرج، هر چند در اقلیت باشند - نه آن که همه افراد بشر فاسد شده باشند - به دلیل امیدی که دارند؛ نه تنها جذب محیط و مرعوب ستمگران نمی‌شوند؛ بلکه برای ایجاد وضع بهتر تلاش می‌کنند. جلال آل احمد در این زمینه می‌نویسد: «انتظار فرج برای شیعه؛ یعنی انتظار روزی که دنیا پر از عدل و داد خواهد شد... آیا این خود نطفه یک ایده آل جهانی نیست در دل... هر عامی و مستمسکی نیست تا هر کدام ما... تسلیم نشویم و در انتظار روزی بهتر باشیم، به هر صورت این اصل اعتقادی نوعی سکوی پرش ذهنی است برای هر شیعه که از آن به دنیای آرزوها برسد و حقارت آنچه در دست دارد او را از عدل جویی باز ندارد...»<sup>۶۴</sup>

با توجه به این که اندیشه دولت واحد و اعتقاد به ظهور یک منجی جهانی، یکی از آرمان‌های بشر بوده و هست، قرآن کریم نیز به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور می‌دهد که به عنوان پیامبر تمام بشر، همگان را پیرامون یک نقطه اشتراک همگانی دعوت نماید و به دنبال آن تصریح می‌نماید که عاقبت از آن پیروان خدا و مستضعفان است. بر این اساس ظهور حضرت مهدی (عج) و انتظار، ضمن آن که یکی از آرمان‌های دیرینه بشر است، ریشه در قرآن کریم نیز دارد؛ لذا انتظار به حالت کسی گفته می‌شود که از وضع موجود ناراضی و برای ایجاد وضع بهتر تلاش می‌کند. از این رو، منظور از انتظار، عبارت از نارضایتی از وضع موجود و تلاش به منظور از بین بردن آن و ترک هرگونه همکاری و هماهنگی با عوامل ظلم و فساد است.

بنابراین، یکی از انگیزه‌های اعتقادی قیام مردم مسلمان ایران علیه رژیم ستم‌شاهی پهلوی، با استعانت از این اصل بود، که انقلاب اسلامی را به وجود آورد. در نتیجه یکی از انگیزه‌های مهم این انقلاب، برای زمینه‌سازی جهت ایجاد دولت واحد جهانی که همان ظهور منجی عالم بشریت؛ یعنی حضرت مهدی (عج) می‌باشد.

#### (د) ۵. اصل مرجعیت و رهبری فقیه - ولایت فقیه:

از آنجا که مکتب اسلام اختصاصی به زمان و مکان معین ندارد و در زمان غیبت نیز، دسترسی به امام معصوم علیه السلام و رفع مشکل دینی و سیاسی از این طریق ممکن



نیست؛ لذا همان بزرگواران، فقها را به مردم معرفی کردند تا آنان در حوادث و شرایط روزگار بتوانند حکم اسلام را، از فقهای آگاه به شرایط زمان و مکان و آشنا به منابع شرعی دریافت کنند؛ چنانچه امام صادق علیه السلام فقها را مرجع و حاکم مردم قرار داده و قبول نکردن آنان را برابر عدم قبول خداوند و در حد شرک خدا دانسته است.<sup>۶۵</sup> از سوی دیگر بر اساس بینش اسلامی و نظام امامت، این مقام در زمان غیبت بر عهده فقیهان جامع شرایط است، مردم و همچنین سایر فقها موظف‌اند به فرمان فقیه جامع شرایط که همان فرمان امام معصوم و خداوند است گردن نهند و یکی از دستاوردهای شیعه در تاریخ معاصر که پیوسته آنان را در برابر انواع دسیسه‌های استعمارگران حفظ کرده و در جریان پیروزی انقلاب و پس از آن نیز ملت ایران از برکات آن بهره‌مند شده‌است، مسئله نهاد مرجعیت به ویژه ولایت فقیه می‌باشد. که حل همه مشکلات مسلمین در هر زمان و مکان به خاطر مفتوح بودن باب اجتهاد است که پیوسته احکام اسلام را زنده نگه می‌دارد.<sup>۶۶</sup>

بنابراین، با توجه به اهمیت و جایگاه رهبری در اندیشه اسلامی و نقش نهاد مرجعیت و رهبری فقیه در عصر غیبت، بی‌تردید یکی از ارکان انقلاب اسلامی چه قبل و بعد از پیروزی آن رهبری بوده است؛ لذا شخصیت برجسته رهبری انقلاب (امام خمینی) به عنوان مرجع تقلید، همراه با مقبولیت عمومی و دیدگاه پویای ایشان از اسلام، نوع جدیدی از رهبری مذهبی در فقه اسلامی را تحقق بخشید که تا این تاریخ نمونه نداشته است.

به هر حال، ویژگی خاص امام خمینی (ره) به عنوان رهبر انقلاب، در آن بود که وی خود را با توده‌های مردم یکی می‌دانست و خواسته‌های آنان را با زبان و اصطلاحات خود مردم مطرح می‌کرد. بی‌تردید امام خمینی (ره) دارای ویژگی‌های منحصر به فردی بود که با همین ویژگی‌ها توانست انقلابی به این عظمت را در ایران با آن سابقه و تمدن بزرگی که دارد، برپا کند. که برخی از آن ویژگی‌ها عبارت‌اند از: قیام برای خدا؛ عشق به مردم؛ بعد از خدا تکیه‌گاه ایشان به مردم؛ توجه و تاکید خاص به وحدت کلمه و همگرایی، شناخت اسلام در همه ابعاد (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و...) شناخت دشمن و آشتی‌ناپذیری در برابر آن؛ پای‌بندی به صل نه شرقی و نه غربی و پذیرفتن آرای مردم و...<sup>۶۷</sup>.

## پی‌نوشت‌ها

۱. انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، عمید زنجانی، ... صص ۶۳ - ۸۴.
۲. حدیث.
۳. قرآن کریم، سوره هود، آیه ۱۱۳.
۴. قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۴۰.
۵. قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۱۸۲.
۶. قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۵۷.
۷. قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۲۷۹.
۸. ﴿انما سبیل علی الذین یظلمون الناس﴾، سوره شوری، آیه ۴۲.
۹. قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۳۰.
۱۰. قرآن کریم، سوره نور، آیه ۵۵.
۱۱. قرآن کریم، سوره ص، آیه ۲۶.
۱۲. حقوق بین‌الملل اسلامی، خلیل خلیلیان، ج ۱، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۲، صص ۱۱۲ - ۱۱۳.
۱۳. قرآن کریم، سوره یونس، آیه ۱۹.
۱۴. ﴿کان الناس امه واحد فبعث الله النبین مبشرین ومنذرین... لیحکم بین الناس فیما اختلفوا فیہ...﴾ سوره بقره، آیه ۲۱۳.
۱۵. ﴿هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله﴾، سوره توبه، آیه ۳۳ و سوره فتح، آیه ۲۸ و سوره صف، آیه ۹.
۱۶. قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۱۱۰.
۱۷. قرآن کریم، سوره شوری، آیه ۳۸.
۱۸. قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.
۱۹. قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۱۴۱.
۲۰. قرآن کریم، سوره حدید، آیه ۲۵.
۲۱. ﴿فان خیر الزاد التقوی﴾، سوره بقره، آیه ۱۹۷..
۲۲. اعدلوا هو اقرب للتقوی، مائده، آیه ۸.

۲۳. جامعه و تاریخ، مرتضی مطهری، صدرا، تهران، بی تا، صص ۱۲ - ۱۳.
۲۴. علل لشرايع، شيخ صدوق، ج ۱، ص ۱۸۳.
۲۵. كتاب البيع، امام خميني (ره) ج ۲، مطبع مهر، قم، بی تا، ص ۴۶۱.
۲۶. جلال الدين سيوطي، درالمنثور، ج ۶، ص ۳۷۹.
۲۷. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحديد، ج ۳، ص ۱۵.
۲۸. ماخذشناسی توصیفی، ...، ج ۱، ص ۳۲، نقل از: اصول گرایي اسلام و مدرنیسم، ویلیام وات.
۲۹. شخصیت های اسلامی شیعه، مهدی پیشوایی، پیشگفتار.
۳۰. تشیع مولود طبیعی اسلام، سید محمدباقر صدر، ترجمه علی حجتی کرمانی، نشر پژوهشهای اسلامی، بی مکان، بی تا، صص ۱ - ۲۲.
۳۱. ظهور شیعه، سید محمدحسین طباطبائی، مرصاد، تهران، بی تا، صص ۱۰ - ۱۱ و شخصیت های اسلامی شیعه، مهدی پیشوایی، پیشگفتار و ریشه های انقلاب ایران، کدی، ...، ص ۳۹.
۳۲. ظهور شیعه، سید محمدحسین طباطبائی، صص ۱۰ - ۱۱ و شخصیت های اسلامی شیعه، مهدی پیشوایی، پیشگفتار.
۳۳. قرآن کریم، سوره طه، آیه ۵۰.
۳۴. التمهیدین فی علوم القرآن، محمد هادی معرفت، ج ۳، صص ۱۹۹ - ۲۰۳.
۳۵. ﴿وجعلنا منهم ائمه يهدون بامرنا لما صبروا وكانوا بآياتنا يوقنون﴾، سوره سجده، آیه ۲۴.
۳۶. سورة مائده (۵) آیه (۶۷).
۳۷. ﴿... اليوم ينس الذين كفروا امن دينكم فلا تخشوهم واخشون، اليوم اكملت لكم دينكم واتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الاسلام ديناً﴾، سوره مائده، آیه ۳.
۳۸. قرآن کریم، سوره انفال، آیه ۵۳.
۳۹. ظهور شیعه، محمدحسین طباطبائی، صص ۵ - ۶.
۴۰. الميزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، اسماعیلیه، قم، ص ۲۷۸، ﴿واذ ابتلى ابراهيم ربه بكلمات فاتمهن قال انى جاعلك للناس اماما قال ومن ذريتى قال لاينال عهدى الظالمين﴾، سوره بقره، آیه ۱۲۴.
۴۱. قرآن کریم، سوره سجده، آیه ۲۴.
۴۲. تشیع مولود طبیعی اسلام، سید محمدباقر صدر، صص ۲۱ - ۸۰.
۴۳. امام خمینی (ره) صحیفه نور، ج ۴، ص ۱۸۸.

۴۴. لا تخلقوا الارض من حجه، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۶.
۴۵. قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۱۶۵.
۴۶. اصول کافی، همان، ج ۱، ۱۳۵.
۴۷. بحار الانوار، همان، ج ۲۳، ص ۷۶.
۴۸. اصول کافی، همان، ج ۱، ص ۳۶۲.
۴۹. قرآن کریم، سوره یونس، آیه ۳۵.
۵۰. صحیفه نور، همان، ج ۲، ص ۱۷۳.
۵۱. حکومت اسلامی، امام خمینی (ره)، بی جا و بی تا، ص ۲۰۰.
۵۲. پرتوی از عظمت حسین، لطف الله صافی گلپایگانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۷، ص ۳۱۴.
۵۳. مقدمه فکری نهضت مشروطیت، علی اکبر ولایتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۸، ص ۴۲.
۵۴. انقلاب یا بعثت جدید، اکبر هاشمی رفسنجانی، یاسر، قم، بی تا، ص ۱۷.
۵۵. مهدی انقلاب بزرگ، مکارم شیرزای، صص ۱۰۴ - ۱۰۶.
۵۶. همان، صص ۱۱۹ - ۱۲۲.
۵۷. حقوق بین الملل اسلامی، صص ۱۱۱ - ۱۱۴.
۵۸. قرآن کریم.
۵۹. قرآن کریم، سوره توبه، آیه ۳۳.
۶۰. قرآن کریم، سوره قصص، ۵.
۶۱. آئین انقلاب اسلامی گزیده‌ای از اندیشه و آراء امام خمینی، صص ۱۰۴ - ۱۰۶.
۶۲. حدیث
۶۳. قیام و انقلاب مهدی، مرتضی مطهری، صدرا، تهران، ۱۳۵۷، صص ۶۸-۶۰.
۶۴. در خدمت و خیانت روشنفکران، آل احمد، ص ۶۵ و ۶۶ و مقدمه فکری نهضت مشروطیت، علی اکبر ولایتی، ص ۱۳۳.
۶۵. وسایل الشیعه، همان، ج ۱۸، باب صفات قاضی.
۶۶. در خدمت و خیانت روشنفکران، جلال آل احمد، صص ۵۹ - ۶۰.
۶۷. در تنظیم و دسته‌بندی مطالب این فصل، از روش کتاب پژوهشی نو پیرامون انقلاب اسلامی اثر جناب آقای حمید دهقان، ص ۷۵ - ۴۹ استفاده شد.

## فصل سوم

### زمینه‌های تاریخی انقلاب اسلامی

هیچ حادثه‌ای بی ارتباط با حوادث دیگر به وقوع نمی‌پیوندد، بر این اساس؛ پس از بررسی اجمالی برخی از نظریه‌های انقلاب و بیان مبانی نظری و فکری انقلاب اسلامی، لازم است مروری بر زمینه‌های تاریخی آن نیز داشته باشیم؛ لکن برای پرهیز از به درازا کشیدن کلام، تنها به بررسی چند وقایع مهم تاریخ معاصر ایران، که در بیداری ملت نقش به‌سزایی داشته و منشأ عبرت‌های زیادی بوده است می‌پردازیم.

در توضیح اجمالی این بحث می‌توان گفت: که نسبت به نغمه تاریخی انقلاب اسلامی نظرگاه واحدی ارائه نشده است. اما به نظر نگارنده نغمه و جرقه این حرکت زمانی آغاز شد که کشورهای اسلامی از جمله ایران و امپراتوری عثمانی از قرون ۱۸ میلادی نسبت به پیشرفت زمان خویش متوقف شده و در توسعه و پیشرفت جامعه خود، از جمله در اداره امور سیاسی و اجتماعی جامعه و در عرصه بین‌المللی نیز، بازمانده بودند. مزید بر آن، شکست پی در پی سربازان ایرانی در برابر قوای روس و توقف نیروهای عثمانی در محاصره وین موجب این سؤال شد که افول آنها بر چه اساس و عواملی می‌باشد؟!

از طرفی کشورهای غربی، به پیشرفت فوق‌العاده‌ای دست یافته بودند، به همین منظور، برخی معتقد شدند که از جمله علل شکست نیروهای ایران و عثمانی، به جهت دستیابی کشورهای غربی به تسلیحات و فنون پیشرفته می‌باشد؛ بنابراین

واکنش‌های مختلفی نسبت به این امور بروز داده شد که اهم آنها عبارت‌اند از:

### ۱. جریان پیروی از تمدن غرب و جریان احیا و بازسازی تفکر دینی

#### جریان پیروی از تمدن غرب، از غرب‌گرایی تا غرب‌زدگی - تجدد:

این جریان در قرون هیجده و نوزده میلادی در میان اقشار تحصیل کرده و مقامات کشوری ایران به وجود آمد. بدین سبب پیشرفت فوق‌العاده غرب، این سؤال را در ذهن رجال سیاسی و افراد تحصیل کرده به وجود آورد که علت پیشرفت غرب چیست؟ در واقع شکست مکرر قوای ایرانی از قشون روس و شکست امپراتوری عثمانی در محاصره وین، سؤال مزبور را به وجود آورد.

با توجه به سؤال‌های یاد شده، نتیجه بررسی که در این زمینه انجام گرفت، این گونه وانمود می‌کند که علت شکست آنها به جهت دستیابی کشورهای غربی به تسلیحات پیشرفته و فنون جدید می‌باشد و برای مقابله با آنها باید به سلاح و فنون آنها دسترسی پیدا کرد؛ اما در عمل برای دسترسی به فنونشان موفق نگردیدند؛ لذا به دنبال اصلاحات در امور اداری و نظام آموزشی رفتند و مدارس جدید و دانشگاه‌ها را به وجود آوردند. با توجه به این نگرش در مرحله‌ای دیگر، اقدام به اصلاحات صوری در زمینه سیاسی نمودند، که همراه با این تغییرات، اقشار جدیدی با افکار جدید، برخاسته از فرهنگ غرب به وجود آمد که در مصادر امور قرار گرفتند. به همین منظور در افکار جدید برخاسته از فرایند و سیر در حال گذر، با ملاحظه به توسعه و پیشرفتی که در فرهنگ مادی و معنوی غرب به وجود آمده بود، ضدیت با غرب کم کم از بین رفت و حتی استعمار غرب را نیز نادیده گرفتند و مجذوب غرب شدند. اینها معتقدند که: برای توسعه و پیشرفت، باید به سمت غرب حرکت کرد؛ زیرا غرب در عمل نشان داد که با این فرهنگ می‌توان به رشد و توسعه و رفاه دست یافت. با توجه به خصوصیتی که بیان شد، معتقدین به این افکار را، می‌توان تجددگرا و غرب زده نامید.<sup>۱</sup>

در توضیح اجمالی این بحث می‌توان گفت که، با وقوع رنسانس و انقلاب فرهنگی در غرب، کشورهای مشرق زمین نیز از تأثیر آن مصون نماندند و مزید بر آن با وقوع انقلاب صنعتی در غرب و نیاز مبرم آنها به نیروی کار ارزان و منابع اولیه و بازار مصرف، سرمایه‌داران غربی با حمایت همه جانبه زمامدارانشان، با تهاجم

گسترده فرهنگی به سوی شرق رفتند. در همین راستا، نیز فلسفه غرب با مبنای خاص خود از قبیل انسان‌مداری، اصالت علم، اصالت خرد (عقل)، اصالت فرد، اصل جدایی دین از سیاست (سکولاریسم)، لیبرالیسم اقتصادی، سیاسی، اخلاقی و اعتقادی که اساساً مخالف فرهنگ اسلام است، از محورهای گوناگون و توسط عوامل مختلف دهها سال قبل از شروع نهضت مشروطیت و وارد ایران شد.<sup>۲</sup>

مروّجان فرهنگ غرب در ایران روشنفکرانی نظیر: آخوندزاده، میرزا ملکم خان، طالب‌اف تبریزی، میرزا آقاخان کرمانی، سیدحسن تقی‌زاده و همفکران آنها با تشکیل فراموشخانه در زمان ناصرالدین شاه و انجمن سری، نشر روزنامه و درج مقالات در آن، به ترویج فلسفه سیاسی غرب می‌پرداختند<sup>۳</sup> که اوج تأثیر آن را می‌توان در واپسین روزهای مشروطیت خصوصاً پس از پیروزی؛ مشاهده نمود، که جای تأمل و اندیشه است.

در این جا ذکر این نکته ضروری است که، به دو مورد از مبانی تجددگرا؛ یعنی علم‌گرایی و عقل‌گرایی که با برخی از جنبه‌های اندیشه اسلامی، با توجه به ارزش و جایگاه رفیع آنها در متون اسلامی، موافقت دارد اشاره می‌شود: به عنوان مثال، در متون اسلامی به طور مکرر بر کسب علم و کاوش در طبیعت (علم تجربی) تأکید دارد. که حدیث معروف اطلبوا العلم...، نزول قرآن؛ یعنی کلام الهی با کلمه شریف اقرء به پیامبر اکرم ﷺ و همچنین توجه به طبیعت و نظم موجود در آن، به عنوان یکی از راههای خداشناسی، اشاره به برخی از نکات متون اسلامی در این زمینه است. از طرفی برخی از دانشمندان اسلامی از جمله ابوریحان بیرونی در زمینه علم تجربی هم کار کردند و در علم تجربی پیشرو، محسوب می‌شوند.

اما اسلام با اصالت علم و نفی دین مخالف است. همین طور مسئله عقل‌گرایی یا اصالت خرد، که در متون اسلامی، از عقل به عنوان پیامبر درونی تعبیر شده و انبیا را به عنوان پیامبر بیرونی یا ظاهری معرفی کرده است و از طرفی اصول دین را باید با عقل پذیرفت و عقل نیز یکی از راههای استنباط احکام اسلامی می‌باشد. ولی اسلام با اصالت عقل؛ یعنی عقل‌گرایی مطلق و هر چه که عقل می‌گوید صحیح است و نیازی به دین نیست، مخالفت دارد.

### جریان احیا و بازسازی تفکر دینی از بنیادگرایی تا رادیکالیسم اسلامی

بنیادگرایی دینی: این جریان در مقابل انحطاط داخلی مسلمانان، معتقدند که برای رهائی از این انحطاط باید به اسلام اصیل و اولیه و سلفیه برگشت کرد و می‌گویند که خرافات و بدعت‌هایی که به دین وصل شده، باید زدوده شود و هر چه تا قرن اول و دوم هجری (صدر اسلام) به وجود آمده است، صحیح است ولی بعد از آن هر تغییری که بوجود آمد، خلاف و انحراف از واقعیت و حقیقت است. این دسته که به عنوان اصحاب نقل نامیده می‌شوند عبارت‌اند از: اهل حدیث، اشعری، حنبلی، غزالی، ابن تیمیه و ابن عبدالوهاب، این گروه با استفاده از شعار، زدودن خرافات و بدعت‌ها، می‌خواهند وحدت مسلمانان را محقق سازند؛ زیرا معتقدند که مکاتب و مذاهب گوناگون در صدر اسلام وجود نداشت و بعداً به وجود آمد، موجب پراکندگی مسلمانان گردید. این گروه بسیار قشری، ضد عقل، ضد اختیار و آزادی... هستند و در برخورد با غرب، به طور کلی غرب را رد می‌کنند؛ زیرا که به اعتقاد آنها در آنجا فساد و فحشاء و... وجود دارد و این سرآغاز بنیادگرایی است؛ یعنی برگردیم به زمان اولیه بدون پذیرش تغییراتی که در گذر زمان به وجود آمدند. در رابطه با این مسئله ذکر این نکته ضروری است که اصولاً همه تغییرات و پدیده‌هایی که در گذر زمان به وجود آمده‌اند بار منفی ندارند از جمله: علوم و فنون و تکنولوژی جدید، که بدون آنها زندگی فعلی غیرممکن است؛ اما برخی بنیادگرایان از جمله وهابیان حتی تکنولوژی جدید را رد می‌کنند؛ زیرا در صدر اسلام وجود نداشت.<sup>۴</sup>

رادیکالیسم اسلامی: این گروه ضمن این که خواهان بازگشت به اسلام راستین هستند، ولی در محتوا با بنیادگرایان تفاوت دارند. سرشاخه رادیکالیسم اسلامی سید جمال‌الدین اسدآبادی است. گروهی از اندیشمندان؛ رادیکالیسم اسلامی را مدرنیسم اسلامی هم می‌نامند؛ زیرا به اصولی که اینها اعتقاد دارند، این اصول در مدرنیسم هم وجود دارد. این گروه ضمن این که خواهان بازگشت به اسلام هستند به غرب هم توجه دارند، وانگهی به لحاظ ارزش‌ها و ساختاری، مخالف وضع موجود هستند. این گروه اسلام را دین عقل می‌دانند و ضدیتی هم با فلسفه ندارد و چون که خود قرآن و روایات دعوت به مطالعه در طبیعت می‌کند و اینها اعتقاد جدی به اختیار و آزادی فرد دارند و نوگرا هستند و به همین خاطر به این روش مدرنیسم



اسلامی می‌گویند و همچنین اعتقاد دارند که بر اساس کتاب و سنت و با استفاده از عقل و اجتهاد می‌توان به نیازهای انسان در هر زمان پاسخ گفت. این دیدگاه میان حب وطن و اسلام مغایرتی نمی‌بیند؛ هر چند که اسلام و ناسیونالیسم دو چیز متفاوت هستند. اینان در شکل دادن به هویت و وحدت اسلامی پیشرو و موفق بودند و در برخورد با غرب اساساً متفاوت از بنیادگرایان هستند و معتقدند که ما با فساد و فحشا موجود در غرب مخالفیم و با استعمار غرب نیز مبارزه می‌کنیم، ولی از جنبه‌های مثبت غرب رویگردان نیستیم. یعنی نه پذیرش مطلق و نه رد مطلق.<sup>۵</sup>

## ۲. سیدجمال الدین اسدآبادی و اندیشه‌های سیاسی و اصلاحی وی:

شناخت و تاریخچه سیدجمال، شناخت تاریخ جهان اسلام در قرون معاصر است. افکار سیدجمال کاملاً نیمه دوم قرن نوزدهم را پوشش می‌دهد. وی در سال ۱۲۱۷ - ۱۸۳۸ م به دنیا آمد و در سال ۱۳۷۶ - ۱۸۹۷ درگذشت. ایشان شخصیتی پیچیده داشت، لذا هم سنتی‌ها و هم روشنفکران با وی در ستیز بودند، اما ایشان در تمام دوران فعالیتش سعی داشت سنتی‌ها و تجددگرایان را به هم نزدیک نماید. سیدجمال همواره سعی داشت که ماهیت اصلی مذهب و قومیت وی آشکار نشود، به همین خاطر خود را افغانی، هندی و ایرانی می‌نامید. بدین طریق او توانست در سطح کشورهای اسلامی که جنگ شدیدی میان شیعیان و سنی‌ها وجود داشت فعالیت نماید.

### اندیشه‌های سیاسی سیدجمال:

سیدجمال بنیانگذار نهضت اسلامی در جهان اسلام است. او با سفرهای متعدد و اقامت در کشورهای مختلف، در این کشورها تأثیر به‌سزای گذاشت. مصر و هندوستان دو کشوری هستند که به شدت مورد توجه سیدجمال قرار داشت، او در این دو کشور با انگلستان استعمارگر به مبارزه برخاست.

سیدجمال در هندوستان ابتدا در صدد برآمد تا مسلمانان و هندوها را، بر علیه دشمن مشترک، یعنی انگلستان متحد سازد، به همین منظور بسیاری از رجال سیاسی، دینی و روشنفکران این کشور تحت تأثیر او قرار گرفتند. او به هندی‌ها چگونگی انتشار روزنامه و روزنامه‌نگاری را آموزش داد و در این کشور نشریه‌ای منتشر ساخت، بنابراین انگلستان به حضور سیدجمال حساس شد و همیشه

مراقب اعمال و حرکات او بود.

سید جمال در مصر نیز بیشترین تأثیر را گذارد و به اعتقاد بسیاری از روشنفکران و متفکران عربی، وی منادی آزادی در بلاد عربی بود. ایشان در مصر روشنفکران را تشویق به ایجاد نشریات کرد و خود نیز در نشریات مصری مقاله می‌نوشت. سید جمال در ابتدا سعی کرد به خدیو، پادشاه مصر نزدیک شود و اصلاحات لازم را ایجاد نماید، ولی استبداد و فساد درباری و نفوذ گسترده انگلستان اصلاحات را غیرممکن ساخت.

او در مصر وارد تشکیلات فراماسونری شد و این نکته مورد بحث بسیاری است. اما سید جمال از فراماسونری هم اخراج شد. در واقع سید جمال از روی کنجکاوی و به خاطر این که از مسائل و تشکیلات فراماسونری مطلع شود، وارد این تشکیلات شد، اما در آن حل نشد. ناگفته نماند که در قرن ۱۹ فراماسونری چهره مثبتی داشت و شعارشان آزادی، برابری و برادری بود و این تشکیلات نقش مثبتی در توسعه اروپا داشت. ولی مدعیان فراماسونری در جهان سوم، مسیر خود را عوض کردند و به دنبال تأمین منافع غرب برآمدند؛ لذا با عملکرد نامناسبشان چهره منفی در جهان سوم به جای گذاشتند.

سید جمال بعد از اخراج از فراماسونری، انجمن مخفی حزب الوطنی را تأسیس کرد که چهل نفر از روشنفکران مصری در آن عضویت داشته‌اند. اعضای این انجمن نشست‌های مفصلی داشتند و در این نشست‌ها، درباره علل انحطاط مسلمین بحث می‌کردند. از جمله اهداف این انجمن، تحریم اجناس انگلیسی، کمک به مستمندان، عیادت از مریضان... بود. کار انجمن آن چنان بالا گرفت که سفیر انگلیس در مصر به بریتانیا نوشت که در صورتی کار انجمن متوقف نشود ما باید بساط خود را از مصر برچینیم؛ لذا انجمن تعطیل گردید و سید جمال از مصر اخراج شد.

سید جمال در غرب به عنوان یک متفکر دینی آشنا با غرب شناخته شده بود و با روشنفکران برجسته اروپائی همچون ارنست رنان، کلمانسو... نشست و برخاست داشت. وی معتقد بود که در حال حاضر تکنولوژی در غرب لانه گزیده است و باید از تکنولوژی غرب استفاده کرد، از این رو ایشان غرب را کاملاً طرد نمی‌کرد؛ بلکه با استثمار و استعمار غرب مخالف بوده و مبارزه می‌کرد و آثار مکتوب سید جمال از قبیل: تاریخ افغانستان، نشریه عروة الوثقی، مقالات جمالیه و رساله نیچریه که در

مورد هندوستان نوشته شده است از وی به جا مانده است.<sup>۶</sup>

### علل انحطاط مسلمین از دیدگاه سیدجمال:

با توجه به دیدگاه سیدجمال، علل انحطاط مسلمین را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱. فاصله گرفتن از اسلام اصیل و نفوذ خرافات، بدعتها و پیرایه‌ها در عقاید مسلمین.
۲. ترک فضایل اخلاقی و رسوخ اوصاف رذیله.
۳. جهل و بی‌خبری و عقب‌ماندگی علمی و تمدنی.
۴. رد و انکار ضمنی دنیا، اقتصاد، عقل علم و عمل از موضع و بنام دین و تقلید محض از گذشتگان.
۵. جدائی دین از سیاست و مقام علم و اجتهاد از مقام اجرا و حکومت.
۶. علیت‌گرایی و تعصب‌های دینی و نژادی.
۷. استبداد حکام خودکامه در کشورهای اسلامی (بحران مشروعیت).
۸. از خودبیگانگی و خودباختگی در برابر غرب و غربزدگی (بحران هویت).
۹. استعمار خارجی.
۱۰. فرقه‌گرایی، تفرقه و جدائی میان مسلمین و مذاهب اسلامی و همچنین میان علما و زمامداران.<sup>۷</sup>

### راههای درمان انحطاط مسلمین از دیدگاه سیدجمال:

دیدگاه سیدجمال را نسبت به درمان انحطاط مسلمین، می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱. مبارزه با خودکامگی فرمانروایان مستبد.
۲. مجهز شدن به علوم و فنون جدید.
۳. اشاعه فرهنگ و بینش اصیل در پیوستگی دین و سیاست.
۴. بازگشت به قرآن و احیای سنت سلف صالح و خرافات ستیزی و بدعت‌زدایی.
۵. طرح اسلام به عنوان یک مکتب جامع که می‌تواند مسلمانان را از عقب‌ماندگی نجات دهد.

۶. مبارزه همه جانبه با استعمار و نفوذ دول بیگانه.
۷. ایجاد وحدت و همبستگی در جهان اسلام و تشکیل جبهه واحد از فرق اسلامی در برابر دشمنان مشترک مهاجم.
۸. دمیدن روح جهاد در کالبد بی جان جامعه اسلامی در برابر روحیه مهاجم صلیبی.
۹. مبارزه با خودباختگی در برابر غرب<sup>۸</sup>

### اقدامات و تلاش سیدجمال در جهت وحدت اسلامی بین تفکر تشیع و تسنن:

با صرف نظر از میزان تأثیر افکار سید جمال در نهضت‌های تجدید طلبانه سده اخیر، این نکته را نمی‌توان انکار کرد که اندیشه‌های سیاسی او، پل ارتباطی بین تفکر جدید سیاسی دو مکتب شیعه و سنی محسوب می‌شود. تلاش وی برای ایجاد وحدت اسلامی که یکی از مهم‌ترین اهداف آرمانی او بود، در نزدیک کردن مایه‌های انقلابی و اندیشه‌های سیاسی شیعه و سنی سهمی به سزا داشت و تقارب فکری بین دو مذهب عمده اسلام موجب گردیده که اجتهاد در مذهب تشیع که اصالت و اهمیت ویژه‌ای دارد، به تفکر سیاسی تسنن منتقل گردد و اندیشه‌های سیاسی شیعه نیز به نوبه خود از مایه‌های سیاسی سنی چون اجماع و بیعت و تکیه بر آراء متأثر گردد.

گرچه سیدجمال هر دو حوزه تفکر اسلامی را درک کرده بود، ولی بیشتر اندیشه‌های او رنگ و بوی شیعی داشت، به همین دلیل بود که اندیشه‌های سید در کشورهای اسلامی - نزد عامه مردم و حتی علمای اهل سنت - تازگی داشت و از جاذبیت خاصی برخوردار بود.

اندیشه سیاسی کردن توده‌های مردم و نیز کسب دستمایه‌های مبارزه سیاسی از افکار و عقاید مذهبی عامه، در تفکر سیاسی اهمیت ویژه‌ای داشت. برای این منظور تماس با علما در هر منطقه و کشور برای وی جنبه حیاتی به خود گرفته بود. افکار سید در جذب روشنفکران و ملی‌گرایان کشورهای مختلف اسلامی موفق بود؛ زیرا آنان، آرمان‌های تجدید طلبانه خود را در فکر سیاسی و مذهبی سید متجلی می‌دیدند. وقتی که او اسلام را دین اختیار می‌شمرد و تصویر عامه را در مورد تسلیم و قضا و قدر نفی می‌کرد. آنها الگوئی از دموکراسی را که مشارکت همگانی مردم در

سرنوشت سیاسی است، در اندیشه دینی باز می‌یافتند. سخنان سید در اجتهاد و نفی تقلید برای آنان مفهوم آزادی فکر و عقیده را داشت، که مهم‌ترین ارمغان رنسانس بود. وی اجماع و بیعت را به گونه‌ای تفسیر می‌کرد که روشنفکران، عناصر اصلی دموکراسی را که عمدتاً بر افکار عمومی و قرارداد اجتماعی بود در آن می‌یافتند. بدین ترتیب سید جمال در قانع کردن روشنفکران مسلمان به این اصل، که اسلام یک ایدئولوژی قابل انطباق با شرایط دنیای جدید است، توفیق حاصل کرد. سید جمال با ایجاد یک جریان تاریخی، توانست ضمن راه‌اندازی تفکر تجدیدطلبی اسلامی در کشورهای مسلمان و بسیج مردم و علما در مبارزه سیاسی، دو نوع حرکت ریشه‌دار سیاسی را که در تاریخ دو حوزه تفکر سنی و شیعه استمرار داشت، به یکدیگر نزدیک و مرتبط نماید و با بهره‌گیری به موقع از دستمایه سیاسی وحدت اسلامی، تلاش بر آن داشت که با مرتبط کردن این دو جریان بزرگ تاریخ اسلام، نهضت و مبارزه را همگانی و جهانی کند و امت اسلامی را در مسیر واحد سیاسی قرار دهد.<sup>۹</sup>

### ۳. قیام تنباکو:

در نیمه دوم قرن نوزدهم، حوادث و اتفاقاتی در ایران رخ داد که چهره آینده کشورمان را تا حدودی متحول و دگرگون کرد. هر یک از این حوادث، برگهای زرینی در صفحات تاریخی این مرز و بوم به وجود آورد که هر کدام درخشنده‌گی خاص خود را دارند.

به همین منظور، رهبر کبیر انقلاب اسلامی در این زمینه گویند: «در صد سال اخیر حوادثی اتفاق افتاده است که هر کدام در جنبش امروز ملت تأثیر داشته است. انقلاب مشروطیت، جنبش تنباکو و... قابل اهمیت فراوان است.»<sup>۱۰</sup>

بنابراین، نهضت تنباکو از یک سو، اولین تجربه مبارزه با ماهیت اسلامی، علیه استعمار بود و از سوی دیگر، در اوج استبداد داخلی پادشاهان قاجار (ناصرالدین شاه) به وقوع پیوست و پرده ظلمانی ترس و وحشت را از دل ملتی که شاهد چپاول و غارت ثروتهای مادی و معنوی خود بود، بیرون انداخت.

در نتیجه، این قیام امت اسلامی به رهبری مرجع بزرگ، آیت‌الله العظمی میرزا حسن شیرازی علیه توطئه مشترک داخلی و خارجی، ضربه محکمی به پیکر استبداد

داخلی و استعمار خارجی وارد کرد، تا امتیازی که نفوذ کفار را در کشور اسلامی ایران توسعه می داد، لغو کنند. حمایت بی دریغ و همه جانبه مردم ایران از حکم عالمی بزرگ، ثابت کرد که اسلام و روحانیت نفوذ عمیقی در دل‌های مردم مسلمان ایران داشته و قادر به مقاومت در برابر هر توطئه‌ای می‌باشند.

در حدود صد سالی که درگیریه‌های گوناگون با استعمارگران داشته‌ایم هر یک از آن موفقیت‌ها و شکست‌ها در ذهنیت ملی و در خاطره عمومی مردم ما اثری بر جای گذاشته است و ملتی جدای از آن ذهنیات گذشته و تجربیات اندوخته شده دیرین، وجود ندارد.<sup>۱۱</sup>

به هر حال، قیام اسلامی تنباکو را می‌توان اولین نهضت بیداری مردم ایران برای بدست آوردن حقوق خود از بیگانگان و استبداد پادشاهان ایران دانست که خود طلیعه نهضت مشروطیت شد، نهضتی که باعث تحولات سیاسی و اجتماعی چشمگیری در تاریخ ایران گردید.

#### الف) زمینه‌های واگذاری امتیاز تنباکو و متن فرمان اعطای امتیاز آن:

استعمال توتون و تنباکو از زمان صفویه به ویژه از زمان شاه عباس کبیر در ایران رواج پیدا کرد. وی هر چند می‌خواست استفاده از آن را منع کند، اما موفق به این کار نشد. از آن زمان کم‌کم تعداد معتادان به توتون و تنباکو افزایش پیدا کرد تا این که در زمان ناصرالدین شاه به چند میلیون نفر رسید.<sup>۱۲</sup>

ناصرالدین شاه در سال ۱۲۶۸ ش. ۱۸۸۹ میلادی برای سومین بار تصمیم گرفت، به بهانه بازدید از پیشرفت کشورهای اروپایی، از طریق خاک روسیه عازم اروپا شود. روسها ابتدا اجازه چنین سفری را از خاک خود نمی‌دادند، اما با گرفتن امتیازاتی اجازه عبور به هیأت ایرانی داده شد. انگلیسی‌ها اصرار داشتند که این سفر انجام شود، هدف آنها گرفتن امتیازات بیشتر از شاه ایران بود و به همین علت از شاه و همراهانش به ویژه امین‌السلطان (وزیر اعظم) استقبال و پذیرایی کردند و بزرگ‌ترین نشانه‌های رسمی انگلستان را به آنها اهدا کردند. در این سفر انگلیسی‌ها پیشنهادهای زیادی به شاه ایران دادند که از جمله آنها امتیاز توتون و تنباکوی ایران بود.<sup>۱۳</sup>

دولت انگلستان مانند سایر امتیازات برای مصونیت از خطرهای احتمالی، خود

به طور مستقیم دخالت نکرد؛ بلکه یکی از افراد تبعه خودش بنام ماژور تالبوت را به عنوان طرف معامله به ایران معرفی کرد. تالبوت با پیشنهاد رشوه به شاه و صدراعظم، موافقت آنها را جلب کرد، ناصرالدین شاه قبول کرد که پس از برگشت؛ وی را به ایران دعوت کند.<sup>۱۴</sup> حکومت ناصرالدین شاه امتیازات فراوانی به بیگانگان داد، از جمله اعطای امتیاز تنباکو به ماژور تالبوت می‌باشد که فرمان آن به شرح زیر از سوی شاه صادر شد:<sup>۱۵</sup>

«منوبل، انحصار خرید و فروش و ساختن کل توتون و تنباکو در داخل که در ممالک محروسه ایران به عمل آورده می‌شود. تا انقضای مدت ۵۰ سال از تاریخ امضای این انحصار نامه به ماژور تالبوت و شرکای خودشان مشروط به شرایط زیر مرحمت فرمودیم. حق الامتیاز سالی ۱۵ هزار لیره پرداخت شود، هیچ‌گونه مالیات و عوارض گمرکی به دولت ایران پرداخت نکنند، ولی یک چهارم از عواید را هم علاوه بر حق الامتیاز پرداخت نمایند. مدت امتیاز ۵۰ سال است و هیچ‌کس بدون اجازه کمپانی حق هیچ‌گونه معامله‌ای را نسبت به توتون و تنباکو و انفییه و مشتقات آن ندارد والا مجازات سخت خواهد شد. مردم مکلف‌اند محصول موضوع امتیاز را فقط به کمپانی بفروشند، حمل و نقل توتون و تنباکو در ممالک محروسه بدون اجازه این امتیاز ممنوع است، مگر آنچه که مسافری برای استعمال یومیه خودشان همراه داشته باشند».<sup>۱۶</sup>

### ب) علل قیام و مقاومت مردم:

در خصوص علل مخالفت مردم و ریشه‌های قیام تنباکو اظهار نظرهای گوناگونی بیان شده‌است، برخی آن را ناشی از تحریک و توطئه روسها می‌دانند.<sup>۱۷</sup> عده‌ای تحریک روسها و عثمانی را مؤثر در نهضت دانسته‌اند.<sup>۱۸</sup> گروهی به توجیه اقتصادی آن پرداخته و حمایت از بورژوازی را عامل اصلی نهضت برشمردند.<sup>۱۹</sup> حقیقت این است که اساس قیام و مقاومت مردم را باید در عوامل مختلفی جستجو کرد: عامل اقتصادی، سیاسی، مذهبی، کارنامه سیاه سلسله قاجار، به ویژه ناصرالدین شاه، خیره سربهای انگلیسی‌ها، خیانت آنان به ایران و شیوه عملکردشان در هند، ماهیت استعماری قرار داد و مخالفت آن با حکم صریح قرآن و احکام اسلام و مانند آن، که برای رعایت اختصار به چند مورد اشاره می‌کنیم.

**ب - ۱. ماهیت استعماری قرارداد:**

دادن امتیاز خرید و فروش همه توتون و تنباکوی کشور - چه در داخل و چه خارج - به یک شرکت خارجی به مدت ۵۰ سال، در قبال دریافت ۱۵ هزار لیره حق الامتیاز در سال و ۲۵٪ سود خالص سالانه، این در حالی بود که ۲۰٪ مردم ایران در آن زمان به کارکشت و خرید و فروش تنباکو و توتون اشتغال داشتند و سالانه ۲۳۵ تن از این مواد تنها به کشورهای ترکیه، هند و افغانستان صادر می‌شد. سود کمپانی را در هر سال پانصد هزار لیره تخمین می‌زدند. علاوه بر این کمپانی حق داشت جمیع وسایل و آلات لازم را بدون پرداخت مالیات وارد سازد و از این راه هم سود سرشاری می‌برد.

در ضمن، اگر قرارداد یاد شده؛ با امتیازی که دولت عثمانی در این مورد داده بود مقایسه شود، با آن که توتون و تنباکو در عثمانی کمتر از ایران بود و تنها امتیاز فروش در درون کشور به یک کمپانی انگلیسی واگذار شده بود، صاحب امتیاز موظف گردیده بود، سالانه هفتصد هزار لیره به علاوه ۲۰٪ سود خالص به دولت عثمانی بپردازد.<sup>۲۰</sup>

**ب - ۲. عامل اقتصادی:**

از جنبه اقتصادی، تجار و پیشه‌وران احساس خدعه و چیره شدن در معامله کرده و در آستانه ورشکستگی قرار گرفتند. کشاورزان به شدت در تنگنا واقع شدند؛ زیرا پیش از آن در خرید کالا، میان مشتریان رقابت بود؛ ولی از آن پس، بیش از یک مشتری در اختیار نداشتند و هر قیمتی که کمپانی پیشنهاد می‌کرد، آنان مجبور به فروش بودند، جنسها را به قیمت ارزان می‌فروختند و سپس با قیمت گران می‌خریدند. به هر تقدیر، امتیاز تنباکو بسیار زودتر از سایر امتیازات مورد اعتراض همه جانبه مردم قرار گرفت؛ زیرا تنباکو کاملاً برای مردم شناخته شده بود و بیشتر آنان با آن سر و کار داشتند خواه به عنوان تولید، فروش، خرید و یا استعمال آن.<sup>۲۱</sup>

**ب - ۳. عامل فرهنگی و اجتماعی:**

انگلیسی‌ها به بهانه اجرای قرارداد، در مدت کوتاهی حدود بیست هزار شهروند آن کشور را وارد ایران کردند. مأموریت عمده این گروه تبلیغ آیین مسیحیت، تضعیف اعتقادات مردم نسبت به فرهنگ بومی، ترویج و اشاعه فساد، تبلیغ علیه



اسلام، تشیع و روحانیت بود. مهمان‌های ناخوانده به فحاشی و تحقیر شخصیت مردم و هویت ملی و مذهبی آنان می‌پرداختند. زنان مسلمان را به عنوان مستخدم در منازل خود به کار می‌گمارند. و...<sup>۲۲</sup>

#### ب - ۴. عامل نظامی و امنیتی:

با آن که انگلیسی‌ها در زمان قاجار بخش‌های زیادی از خاک کشور را مورد اشغال نظامی قرار داده و قسمت‌هایی از ایران را نیز تجزیه نمودند، اما در جریان امتیاز تنباکو وقاحت را تا آنجا پیش برده بودند که، عملاً شهرها و پایتخت کشور به صورت قلعه‌های نظامی بریتانیا در آمده بود. در مراکز شهرهای بزرگ به تهیه ساختمان و ذخیره‌سازی سلاح و مهمات جنگی در آن پرداخته بودند و این همه نشان می‌داد که آنها در صدد اجرای برنامه هند شرقی در ایران بوده و قرارداد تنباکو بهانه‌ای بیش نبود؛ بنابراین، کمپانی رژی نیز پوششی بود که در پشت آن دولت بریتانیا قرار داشت و اهدافش را دنبال می‌کرد؛<sup>۲۳</sup> لذا در قسمتی از اعلامیه یکی از علمای تهران در توصیف اهداف استعماری بریتانیا از این قرارداد، چنین آمده: «... مستأجر تنباکو را چه واداشته که همچو بنای عظیمی به اسم محل تنباکو در باغ ایلخانی (خیابان فردوسی) که مشرف بر تمام شهر و ارگ و سایر نقاط این کشور است، بنماید. قریب چهار زرع دیوار از گچ و آجر ساخته‌اند، - مانند کشتی زره‌پوشی که توپ بر او گردش کند - از کجا معلوم تهیه این همه تجهیزات به اشاره دولت آنها نباشد. از کجا می‌توان اطمینان کرد که در کنار قماش و تنباکو و غیره. توپ و تفنگی به این محل حمل نمایند، که در مقام حاجت به کار برند و تمام شهر را در آن واحد خراب و منهدم سازند.<sup>۲۴</sup>

#### ب - ۵. تنافی امتیاز تنباکو با حکم صریح قرآن و احکام اسلام:

اعطای امتیاز تنباکو به انگلیسی‌ها و الزام کشاورزان مبنی بر فروش محصولات به آنان، مزید بر آن، خیره‌سری‌ها و ترویج فساد و فحشاء نیز اساساً مخالف نفی سبیل<sup>۲۵</sup> و اصل<sup>۲۶</sup> تسلیط بوده و بر عموم مسلمانان واجب بود که با آن به مبارزه برخیزند؛ بنابراین در قسمتی از پیام اول مرحوم میرزای شیرازی خطاب به شاه چنین آمده است: «اجازه مداخله اتباع خارج در امور داخله مملکت و تردد آنها با مسلمین و اجرای عمل بانک، تنباکو، راه آهن و غیره از جهاتی منافی حکم صریح قرآن مجید

و نوامیس الهیه، موهن استقلال دولت و مخل نظام مملکت و موجب پریشانی عموم رعیت است...» و در پیام دوم ایشان خطاب به شاه تأکید شده که: «این امور قابل انفاذ نیست و نخواهد شد، هر چند منجر به اتلاف نفوس شود.»<sup>۲۷</sup>

### ج) مقاومت مردم در شهرها و اندیشه تحریم:

اولین نمایندگان کمپانی پس از استقرار در تهران راهی شیراز شدند که با مقاومت شدید مردم به رهبری روحانی پیرمرد سید علی اکبر فال اسیری روبرو شدند. حاکم فارس ضمن تبعید سید علی اکبر به سامرا، مردم شهر را که به عنوان اعتراض به تبعید سید، در حرم حضرت احمد بن موسی (شاه چراغ) گرد آمده بودند، به گلوله بسته و تعدادی را به شهادت رساندند و از این طریق خواستند زهر چشمی از مردم شهرهای دیگر بگیرند.<sup>۲۸</sup> پس از سرکوب مقاومت مردم شیراز، نمایندگان کمپانی به سمت تبریز رفتند اما مقاومت سرسختانه مردم تبریز، به رهبری میرزا جواد آقا مجتهد موجب شد تا شاه و کمپانی موقتاً از آن خطه صرف نظر کنند. پس از تبریز، مقاومت مردم اصفهان به رهبری آقا نجفی، شکل مبارزه منفی به خود گرفت، مردم تهران نیز به رهبری عالم بزرگ میرزا محمدحسن آشتیانی به مقاومت برخاستند که منجر به بازداشت عده‌ای از مردم، از جمله میرزا رضا کرمانی شد. که وی به مدت چهار سال و نیم در قزوین زندانی شد.

به هر حال، به دنبال جوابهای سربالای شاه و اولیای امور به خواست‌های مردم و سرکوب آنان توسط حکام، مردم حملات خود را متوجه کمپانی کرده و به مقاومت منفی و تحریم تنباکو پرداختند. نخست در اصفهان آقا نجفی فتوای تحریم تنباکو را صادر کرد. که مورد استقبال گرم مردم اصفهان قرار گرفت و در پی آن بسیاری از مردم شهرهای دیگر نیز تنباکو را آتش زدند.<sup>۲۹</sup>

### د) صدور فتوای تحریم تنباکو مبنی بر لغو امتیاز آن و پیروزی نهضت:

مردم و علمای شهرهای ایران که از اقدامات خود نتیجه قطعی نگرفته بودند، دست کمک به سوی میرزا محمدحسن شیرازی، مرجع تقلید وقت شیعیان جهان که در سامرا بود، دراز کردند. وی از طریق روحانیون و زائران، همچنین نامه‌ها و تلگرافهایی که از ایران به ایشان می‌رسید، بخصوص درخواست علی اکبر فال اسیری و نامه سید جمال‌الدین اسدآبادی، به زیانها و خسارتهای دولت و ملت ایران آشنا

شدند. ابتدا از طریق مسالمت‌آمیز و ارسال چند نامه، لغو این امتیاز را از ناصرالدین شاه تقاضا کردند، اما وقتی که از این کار نتیجه‌ای حاصل نشد. سرانجام فتوای مشهور خود را در سال ۱۲۶۷ ه‍.ش / ۱۸۹۱ میلادی در رابطه با منع استعمال دخانیات بدین شرح اعلام کردند:

«بسم الله الرحمن الرحيم، اليوم استعمال تنباکو و توتون بای نحو کان، در حکم محاربه با امام زمان است عجل الله فرجه» (حرره الاحقر محمد حسن الحسینی) <sup>۳۰</sup>

امت مسلمان ایران که هر لحظه در انتظار چنین حکمی بودند، پس از دریافت آن با هر وسیله‌ای که در اختیار داشتند در پخش آن اقدام کردند؛ زیرا چنین کاری را وظیفه شرعی خود می‌دانستند. استقبال از چنین حکم بی‌نظیر بود. مردم ایران از پیر و جوان، زن و مرد، کشاورز و کارگر، تاجر و کاسب، همه بدون چون و چرا از آن اطاعت کردند، قلیانها و چپقها را شکستند و توتونها، تنباکوها و سیگارها را به آتش کشیدند و حاضر نشدند حکم عالم و مرجع خود که استعمال تنباکو را در حکم جنگ با امام زمان (عج) می‌دانست، نقض کنند. نفوذ این حکم آن قدر گسترده و وسیع بود که حتی دربار و حرمسرای ناصرالدین شاه را نیز فرا گرفت. ناصرالدین شاه و دربار او که به عمق و گستردگی نفوذ این حکم پی برده بودند، قصد داشتند با جعلی خواندن این فتوا و تفرقه و فشار به مردم و روحانیون، به ویژه میرزا حسن آشتیانی، اثر آن را خنثی کنند؛ اما وقتی به بی‌اثر بودن توطئه‌های خود پی بردند، تصمیم گرفتند که با لغو امتیاز داخلی آنها را تسلیم کنند، ولی هوشیاری و تداوم نهضت و حضور مردم در صحنه و اعلام جهاد از سوی میرزای شیرازی که اساس سلطنت استبدادی ناصرالدین شاه را به مخاطره انداخته بود، وی تصمیم گرفت که امتیاز را لغو کند و با اعلام رسمی لغو امتیاز از سوی دولت ایران و شرکت رژی، مبارزه پیروزمند تنباکو، پس از ۵۵ روز خاتمه یافت و حکم تحریم لغو شد. <sup>۳۱</sup>

شرکت رژی که مبالغ هنگفتی به شاه و صدر اعظم و درباریانش رشوه داده بود. خواستار غرامت از ایران شد. که پس از مذاکراتی پانصد هزار لیره به شرکت پرداخت شد. این مبلغ از بانک شاهنشاهی ایران که سهام آن متعلق به انگلیس بود، به صورت وام با بهره شش درصد تأمین شد، که این نخستین وام دولت ایران بود. <sup>۳۲</sup>

### ارزیابی قیام تنباکو:

نهضت تنباکو زمانی به پیروزی رسید، که خفقان سراسر مملکت را فرا گرفته بود. نیروی استبداد اجازه تفکر را به مردم نمی داد و سیاست دولتهای استعماری به شدت بر ایران سایه افکنده و گرفتن امتیاز به صورت رقابت بی پایان درآمده بود. گرچه نهضت تنباکو محدود بود؛ اما با توجه به زمان وقوع آن و نوع اقداماتی که انجام گرفت، آثار زیادی داشت. به مردم جرات داد تا در برابر دیو استبداد بایستند، و نظر قاطع خود را ابراز دارند، طلسم استعمار را بشکنند، هشدار می بود به همه آنها که به استقلال می اندیشیدند و از وضع اسفبار روز متأثر بودند؛ اما ابزار کار را نداشتند. مذهب و مرجعیت دینی و روحانیت شیعه<sup>۳۳</sup> در این نهضت قدرت خود را در همبستگی ملت و بسیج آنان به وضع بارزی نشان داد. کارایی دین در صحنه سیاست و در دست گرفتن هدایت و رهبری مردم کاملاً آشکار شد.

قیام تنباکو ثابت کرد که شاه نه تنها، مشروعیت دینی ندارد؛ بلکه از مشروعیت مردمی نیز برخوردار نیست و رژیم سلطنتی نیز در روی ولایت و نظام امامت قرار گرفت - محاربه با امام زمان عج - و از این پس شمارش معکوس زوال حکومت قاجار شروع شد. بالاخره همین نهضت مقدمه‌ای شد برای انقلابی بزرگتر، که نهضت مشروطیت باشد.

دکتر طولوزان (پزشک مخصوص شاه) می نویسد: ما تاکنون معنی این مقاله اسلامیان را که در مقام دعا از جمله طلب فرج می کنند، نفهمیده بودیم؛ اما در این واقعه (تحریم تنباکو) درست فهمیدیم که معنی و مقوله فرج چیست و این چنین امری غیرممکن چگونه به وقوع خواهد رسید.<sup>۳۴</sup>

سفیر روس با دعوت از سفرای اروپایی به سفارت این کشور اظهار داشت: «... اگر این مرد، مسلم القول بنویسد که تمام امتعه و اجناس که از فرنگستان حمل و نقل می شود به ایران، حالش همین و استعمالش روانیست... تجارت تمامی دول اروپا از این رهگذر سد خواهد گردید و اگر این شخص بزرگ نافذ الکلمه، حکم بدهد که بر مسلمانان حتم و لازم است که تمامی فرنگیانی که در بلاد اسلام منتشرند همگی را باید قتل و اعدام نمود، هیچ می دانید آنگاه چه خواهد شد... من امروز خفتگان شما را بیدار نمودم تا فردا هیچ یک از شما نزد متبوعه خود عذری نداشته باشید.»<sup>۳۵</sup>

با وجود آن که دوستان و دشمنان زبان به تحسین قیام گشودند و به تقبیح امتیاز پرداختند. میرزا آقاخان کرمانی<sup>۳۶</sup> با این استدلال که امتیاز تنباکو هم به سود دولت و هم به نفع زارع است، از آن حمایت کرده و قیام مردم را مورد نکوهش قرار داد. مؤلف کتاب رهبران مشروطه، قیام تنباکو را به تحریک روسها مستند کرده و میرزای آشتیانی را حامی منافع روسها دانسته، اضافه می‌کند این قیام به نفع روسها و بر ضرر ایران تمام شد. مارکسیستها در تحلیل خود می‌گویند روحانیت به منظور حمایت از بورژوازی رهبری قیام را در دست گرفت.<sup>۳۷</sup>

فریدون آدمیت، در مورد قیام تنباکو می‌نویسد: «حرکت مردم شیراز به ابتکار و کوشش تجار آغاز شد و ملایان که در اول کار، بی‌حرکت بودند و از همکاری پرهیز می‌جستند، تحت فشار افکار عام به صحنه مخالفت با رژی کشانده شدند». وی ادامه می‌دهد: «پیش درآمد طغیان آذربایجان تالی حادثه فارس بود، گرچه پی درآمد آن تفاوت کلی داشت، بدین معنی که در تبریز نخست تجار با همراهی مردم به معارضه آمدند و ملایان یکسره دامن فراچیدند، تا این که در برابر تهدید مردم به صحنه کشانده شدند».<sup>۳۸</sup>

اما کسروی<sup>۳۹</sup> ابتدا می‌نویسد: «در همه جا علما پیشگام بودند: میرزا جواد آقا مجتهد، در تبریز، آقانجفی در اصفهان و میرزای آشتیانی در تهران...؛ سپس می‌افزاید این اگرچه با دست علما بود.. و باید در تاریخ یاد آن بماند».<sup>۴۰</sup>

## پی‌نوشت‌ها

۱. جنبش‌های اسلامی معاصر، سید احمد موثقی، سمت، تهران، ۱۳۷۴، صص ۹۵-۱۰۲ و استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، سید احمد موثقی، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۰، صص ۲۸۹-۲۹۲ و جزوه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، سید احمد موثقی، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۶.
۲. انقلاب و ریشه‌ها، حبیب‌الله طاهری، همان‌جا، صص ۹۸-۱۳۵.
۳. ریشه‌های انقلاب ایران، نیکی کدی، همان‌جا، صص ۱۲۰-۱۴۹ و ۳۱۷-۳۴۲.
۴. همان‌جا، صص ۱۴۳-۱۸۷ و همان‌جا، صص ۲۹۲-۲۹۷.
۵. همان‌جا، صص ۱۰۲-۱۴۲ و همان‌جا، صص ۲۹۲-۲۹۷.
۶. نقش سید جمال‌الدین در بیداری مشرق زمین، محمد طباطبائی، ...، صص ۱-۱۴ و ۲۳-۲۸ و استراتژی وحدت، سید احمد موثقی، صص ۲۹۷-۲۹۸ و جزوه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، ...
۷. استراتژی وحدت، سید احمد موثقی، ...، صص ۲۹۸-۳۱۲ و نقش سید جمال‌الدین در بیداری مشرق زمین، محمد طباطبائی، ...، صص ۹۴-۱۱۰ و جزوه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، ...
۸. استراتژی وحدت، سید احمد موثقی، ...، صص ۳۱۲-۳۲۴ و انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، عمید زنجانی، ... و جزوه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، ...
۹. جزوه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، ... و انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، عمید زنجانی، ...
۱۰. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۴، ص ۱۸۸.
۱۱. سید علی خامنه‌ای، مجله پیام انقلاب، بهمن ۱۳۶۱.
۱۲. تحریم تنباکو، اولین مقاومت منفی در ایران، ابراهیم تیموری، کتابهای حبیبی، تهران، ۱۳۶۱، صص ۹-۲۲.

۱۳. همان ماخذ، ص ۲۳ - ۲۴.
۱۴. همان ماخذ، ص ۲۴.
۱۵. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ...، ۱۳۶۱، ص ۲۷ و تاریخ سیاسی مشروطه ایران، ...، تهران، ۱۳۵۹، ص ۱۵.
۱۶. تاریخ بیداری ایرانیان، ناظم الاسلام کرمانی، ج ۱، بی جا، بی تا، ص ۳۸.
۱۷. رهبران مشروطه، ابراهیم صفایی، جاویدان، تهران، ۱۳۶۱، ص ۱۷۴.
۱۸. تاریخ مشروطه ایران، کسروی، ...، ص ۱۷.
۱۹. مقدمه فکری نهضت مشروطیت، علی اکبر ولایتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۸، ص ۱۰۰.
۲۰. تاریخ مشروطه ایران، کسروی، ص ۱۵ و تاریخ معاصر ایران، مدنی، ج ۱، ص ۲۴.
۲۱. مقدمه فکری نهضت مشروطیت، ولایتی، ص ۱۲۴.
۲۲. همان ماخذ، ص ۱۰۸ - ۱۱۰.
۲۳. تاریخ معاصر ایران، مدنی، ج ۱، ص ۲۴.
۲۴. تاریخ بیداری ایرانیان، ص ۳۸ و تاریخ مشروطه ایران، احمد کسروی، ص ۱۵.
۲۵. لن يجعل الله الكافرين على المؤمنين سبيلا.
۲۶. الناس مسلطون على اموالهم.
۲۷. مقدمه فکری نهضت مشروطیت، ولایتی، ص ۱۱۸ و تاریخ بیداری ایرانیان، ناظم الاسلام کرمانی، ص ۲۴.
۲۸. مقدمه فکری نهضت مشروطیت، ولایتی، ص ۱۳۸.
۲۹. اندیشه تحریم در تاریخ سیاسی ایران، موسی نجفی، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۱، صص ۳۰ - ۳۱.
۳۰. تاریخ بیداری ایرانیان، ناظم الاسلام کرمانی، ج ۱، ص ۱۹.
۳۱. تحریم تنباکو، محمدرضا زنجانی، بی جا، بی تاریخ، صص ۱۰۱ - ۱۰۵.
۳۲. تحریم تنباکو، اولین مقاومت منفی در ایران، تیموری، صص ۱۳۳ - ۱۳۵.
۳۳. تاریخ مشروطه ایران، احمد کسروی، ص ۱۷ و تاریخ معاصر ایران، مدنی، ج ۱، ص ۳۰.
۳۴. در خدمت و خیانت روشنفکران، ...، صص ۶۶ - ۶۷ و تاریخ مشروطه ایران، احمد کسروی، صص ۱۶ - ۱۷. ریشه‌های انقلاب ایران، نیکی آر. کدی، ترجمه

عبدالرحیم گواهی، ص ۱۲۵.

۳۵. مقدمه فکری نهضت مشروطیت، ولایتی، ص ۱۳۳.

۳۶. تاریخ بیداری ایرانیان، ناظم الاسلام کرمانی، ص ۴۳.

۳۷. خانم کدی می نویسد: آقای کرمانی که در ابتدا بابی بود و اکنون ملحد شده بخشی از جریان بود که در میان روشنفکران قرن بیستم رشد کرد. وی در ضمن مقالاتی به شدت، فرهنگ اسلام و احکام دین را مورد حمله قرار داد و از ایرانیت منهای اسلام دفاع می کرد. افکار افراطی ضد عرب و ضد اسلامی کرمانی را تعدادی از نویسندگان و روشنفکران ایران در قرن بیستم گسترش دادند که از جمله آنها صادق هدایت و احمد کسروی می باشند. در خدمت و خیانت روشنفکران، آل احمد، ج ۲، صص ۸۰-۸۳ و ریشه های انقلاب ایران، کدی، ص ۳۲۹.

۳۸. مقدمه فکری نهضت مشروطیت، ولایتی، ص ۱۰۰. در خدمت و خیانت روشنفکران، آل احمد، ج ۲، ص ۶۷.

۳۹. مقدمه فکری نهضت مشروطیت، ولایتی، ص ۱۳۵.

۴۰. نیکی آر. کدی در مورد کسروی می نویسد: احمد کسروی تبریزی یکی از روشنفکران ماجراجویی بود که پیوسته به مذهب و روحانیت حمله کرده و از ایران قبل از اسلام دفاع می کرد. وی با گسترش یک ناسیونالیسم ضد شیعی کمک کرد و تعدادی از افراد در زمره پیروان کسروی در آمدند. برخی نیز وجهه غالب کسروی را ادعای پیامبر از سوی وی ذکر کردند. او در آخر، در جلسه علنی دادگاه در سال ۱۳۲۵ به وسیله یکی از فدائیان اسلام به قتل رسید. ریشه های انقلاب ایران، کدی، ص ۳۴۲ و مقدمه فکری نهضت مشروطیت، ولایتی، ص ۳۴۲.



## فصل چهارم

### نهضت مشروطیت

در سراسر تاریخ پرفراز و نشیب ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران، به ویژه در زمان قاجار، شاه همیشه قدرت مطلق و یگانه مرجع رسیدگی به مسائل کشوری و لشکری بود، هیچ چیز خارج از اراده او انجام نمی پذیرفت، پس از او شاهزادگان بودند که هر کدام در گوشه‌ای از کشور فرمان می دادند و خواست و اراده مردم هیچ جایگاهی نداشت.

نهضت مشروطیت از جهت کاهش قدرت استبدادی پادشاه، جایگاه ویژه‌ای در تاریخ سیاسی معاصر ایران دارد؛ چراکه توانست پایه‌های این قدرت بی پایان را فرو ریخته، آن را به پادشاهی مشروطه تبدیل کند. از این رو، تحول در ساختار سیاسی اجتماعی ایران محسوب می شود.

در مورد علل نهضت مشروطیت دو دیدگاه وجود دارد: عده‌ای آن را به طور کلی تحولی می دانند که از خارج کشور، به ویژه انگلستان سرچشمه گرفته است. عده‌ای آن را نهضتی، ملی و مردمی می دانند که از زمینه‌های آن در داخل ایران فراهم شد. از آن جا که هیچ تحول و نهضتی بدون فراهم شدن زمینه‌های داخلی نمی تواند رخ دهد، در این بخش ابتدا زمینه‌های داخلی نهضت مشروطیت را مورد بررسی قرار داده، آنگاه به زمینه‌های خارجی آن پرداخته و در نهایت به عوامل فکری و نظری و... آن اشاره می شود.

## الف) زمینه‌های داخلی

## ۱. نهضت تنباکو:

یکی از مهم‌ترین زمینه‌های داخلی نهضت مشروطیت، قیام تنباکو است. زمانی که ظلم و استبداد سراسر ایران را فرا گرفته و حکومت استبدادی ناصرالدین شاه قاجار بر مردم ایران سایه افکنده بود و به دنبال واگذاری امتیاز توتون و تنباکوی ایران به یک شرکت انگلیسی به نام «رژی»، مردم در سراسر ایران دست به اعتراض زدند و با رهبری و هدایت علما و روحانیون، مبارزه ریشه‌داری را آغاز کردند. شاه و اطرافیان او که با دریافت رشوه‌های کلان، این امتیاز را به بیگانگان اعطا کرده بودند، قصد داشتند به هر وسیله‌ای که شده نهضت تنباکو را سرکوب کنند، اما مردم پس از صدور فتوای آیت‌الله العظمی میرزای شیرازی، یکپارچه از آن اطاعت کردند و رژیم ناصرالدین شاه به ناچار تسلیم خواست مردم شد و امتیاز را لغو کرد.<sup>۱</sup>

پیروزی نهضت تنباکو از یکسو باعث فرو ریختن ترس از استبداد پادشاهان و زوال مقام و عظمت آنها شد و از سوی دیگر مردم ایران فهمیدند که با وحدت کلمه و تکیه بر مبانی ارزشی اسلام و رهبری روحانیت، می‌توان در مقابل هرگونه استبداد به مقاومت پرداخته، آن را به زانو درآورد. این مسئله یکی از موارد مهم زمینه‌های داخلی نهضت مشروطیت و الهام‌بخش این نهضت بود.

## ۲. ظلم و استبداد پادشاهان قاجار:

پادشاهان قاجار همانند سایر پادشاهان ایران، یگانه قدرت مطلق کشور بودند و قدرت آنها از طریق سلسله مراتب به حاکمان، شاهزادگان، خوانین، اربابان محلی و مقامهای دولتی می‌رسید. مال، مقام و دارایی شاهان از هرگونه تجاوزی مصون بود. در حالی که جان، مال و ناموس مردم، هیچ‌گونه تضمین و تامینی در مقام قدرت آنها نداشت و حتی نمی‌توانست خارج از اراده پادشاهان باشد. شاه در واقع نقش قوه مقننه، قضائیه و مجریه را داشت و به راحتی می‌توانست دست به هر اقدامی زده و از مردم به زور مالیات و خراج گرفته، آنها را زندانی یا اعدام کند.<sup>۲</sup>

دوره طولانی پادشاهی ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه، به دلیل امتیازات و واگذاری منابع کشور به بیگانگان و سفرها و ولخرجیهای آنها به اروپا از یکسو، امتیاز توتون و تنباکو و پرداخت خسارت به شرکت رژی از سوی دیگر، خالی شدن

خزانه کشور و در نتیجه موجب افزایش فشار به مردم شد. همچنین فساد و رشوه‌خواری و آزادی عمل کارمندان دولت و حاکمان محلی برای دریافت مالیات و خراج بر مشکلات مردم افزود. این در حالی بود که مردم و علما و روشنفکران هر روز نسبت به این وقایع آگاه و آگاه‌تر می‌شدند و تحمل این همه ظلم و ستم و استبداد را نداشتند و علیه آنها دست به اعتراض می‌زدند.<sup>۳</sup>

### ۳. فقر و بیچارگی مردم:

سیاستهای استعماری روس و انگلیس در ایران که به واسطه اعطای امتیازات، منابع مهم مالی، معدنی و اقتصادی ایران را در اختیار گرفته بودند از یکسو، مشکلات طبیعی و فقدان وسایل حمل و نقل داخلی و بلایای آسمانی از سوی دیگر، باعث سقوط و زوال اقتصاد ایران در زمان قاجار شده بود. در نتیجه، در این برهه از تاریخ ایران، مردم در فقر و بیچارگی دست و پا می‌زدند و عده زیادی هر سال برای پیدا کردن کار به کشورهای دیگر می‌رفتند.<sup>۴</sup>

ایران از نظر تجارت خارجی تا این زمان از وضعیت خوبی برخوردار بود؛ اما به علت پیشرفت علم و صنعت در اروپا، افزایش تولید انبوه و نیاز به بازارهای جدید، صادرات کالاهای اروپا به ایران، در حالی بود که کالاهای داخلی قابل رقابت با آنها نبود. از این رو، تعادل صادرات و واردات ایران از میان رفته و صنایع داخلی رو به رکود و ضعف نهاده، از رونق افتاد. عده‌ای که در گذشته از این راه امرار معاش می‌کردند، بیکار شده، به تعداد بیکاران و بیچارگان افزوده شد. این فقر و فلاکت همراه با عیاشی‌ها و خوشگذرانی‌های پادشاهان، درباریان و والیان، زمینه‌های مساعد و مناسب را برای مشروطیت آماده کرد.<sup>۵</sup>

### ۴. تلاش علما و روحانیون:

بدون هیچ شک و تردیدی باید گفت که: نقش اساسی و کلیدی در نهضت آزادی خواهانه و ضد استبدادی مشروطه، بر عهده علما و روحانیون بود. آنها با نفوذ روحانی و معنوی خود در جامعه مذهبی ایران توانستند نهضتی را علیه حکومت ظالمانه قاجاریه به راه اندازند، که بعدها باعث تحولات زیادی در ساختار سیاسی و اجتماعی ایران شد.<sup>۶</sup>

بزرگ‌ترین و مهم‌ترین چهره‌های روحانی مشروطه خواه را می‌توان: سید جمال

الدین اسدآبادی، شیخ فضل‌الله نوری، آخوند خراسانی، حاج شیخ عبدالله مازندرانی، سید محمد طباطبائی، سید عبدالله بهبهانی، ملک المتکلمین و میرزا محمد حسین نائینی نام برد.

هر کدام از اینها به شکل خاصی مخالف حکومت استبدادی و خواهان نظام حکومتی مشروطه بودند، بعضی از این علما و روحانیون بزرگ با نوشتن کتابها و مقاله‌ها، زمینه‌های حکومت فکری مشروطیت را فراهم کرده و بعضی دیگر با شرکت و هدایت و رهبری نهضت مشروطیت، نقش به‌سزایی در پیروزی و تداوم آن داشتند.<sup>۷</sup>

### ۵. روشنفکران غرب‌گرا:

یکی دیگر از زمینه‌های فکری نهضت مشروطیت، روشنفکران آزادی خواه و غرب‌گرا بودند. نفوذ افکار غرب‌گرایی در ایران از نظر تاریخی به زمان شاهزاده عباس میرزا بر می‌گردد؛ زیرا در این زمان به علت پیشرفت‌های علمی و صنعتی، تحولات مهمی در اروپا صورت گرفته بود. عباس میرزا و پیشکارش میرزا ابوالقاسم قائم مقام به این نتیجه رسیدند که اگر بخواهند با کشورهای اروپایی مقابله کنند، باید از نظر نظامی و صنعتی، دست به نوسازی بزنند به همین دلیل در سال ۱۱۹۰ هـ ش / ۱۸۱۱ م، عده‌ای دانشجو به انگلستان اعزام کردند.<sup>۸</sup> بعدها پس از تأسیس دارالفنون توسط امیرکبیر، عده بیشتری جهت فراگیری علوم و تکنولوژی جدید به اروپا اعزام شدند. این عده علاوه بر یادگیری علوم و فنون جدید، با نوع حکومت و سیستم سیاسی آنجا نیز آشنا شده، پس از بازگشت به ایران، افکار جدید آزادی خواهی و روشنفکری غرب را در ایران رواج دادند. یکی از همین افراد روشنفکر و تحصیل کرده غرب به نام میرزا صالح شیرازی برای اولین بار در سال ۱۲۱۸ هـ ش ژ ۱۸۱۹ م، نخستین روزنامه فارسی و چاپخانه را در ایران تأسیس کرد.<sup>۹</sup> از دیگر روشنفکران غرب‌گرا که در اوج افکار آزادی خواهی، ضد استبدادی صدر مشروطیت ایران نقش مهمی داشتند، می‌توان: میرزا حسن خان سپهسالار، میرزا فتحعلی آخوندزاده، یوسف خان مستشارالدوله، میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله و عبدالرحیم طالب‌اف را نام برد.<sup>۱۰</sup>

(ب) زمینه‌های خارجی:

۱. سلطه اقتصادی بیگانگان در ایران:

اقتصاد سنتی ایران از دوران گذشته تا زمان قاجار به ویژه ناصرالدین شاه متکی بر کشاورزی، صنایع دستی و مبادلات بازرگانی بود و وابستگی زیادی به خارج نداشت؛ اما تحولات و ترقی اروپائیان و رقابتهای روس و انگلیس در ایران باعث وابستگی اقتصادی ایران به بازارهای جهانی و بین‌المللی شد. در نتیجه، بازارهای محلی از بین رفت و صنایع دستی و کشاورزی سنتی کم‌کم نابود گردید و تجارت و بازرگانی خارجی، به صورت یک طرفه رشد سریعی پیدا کرد و کالاهای خارجی وارد بازار ایران شد. در مقابل، مصرف کالاهای تولید داخلی به علت قابل رقابت نبودن با نوع خارجی خود، روز به روز کاهش یافت و بر عکس مصرف کالاهای خارجی، بیش از پیش افزایش پیدا کرد.<sup>۱۱</sup>

آزادی تجاری بیگانگان در ایران از یکسو و سیاست غارت منابع و بدهکار کردن ایران به وسیله اعطای وام‌هایی با بهره زیاد به وسیله روس و انگلیس از سوی دیگر، در زمان ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه باعث سقوط و انحطاط اقتصاد سنتی ایران شد. این روند بر وابستگی ایران به بیگانگان و تسلط آنان بر شریان حیاتی کشور افزود.

وابستگی اقتصادی ایران به کشورهای بیگانه، علاوه بر این که باعث بیکاری عده زیادی از دارندگان صنایع دستی داخلی شد، بر مشکلات توزیع کالا از طریق بندرهای جنوب به شهرهای مرکزی و شمالی نیز به علت مشکلات حمل و نقل افزوده شد. این مسئله به شکل چشمگیری بر نارضایتی و فشار مردم افزود و زمینه‌های لازم داخلی را برای نهضت مشروطیت فراهم کرد.<sup>۱۲</sup>

۲. نقش جنبشهای آزادی‌خواهی و مشروطه‌طلبی در جهان:

قبل از شروع نهضت مشروطه‌خواهی در ایران و همزمان با آن، جنبش‌های آزادی‌خواهی و مشروطه‌طلبی در سایر نقاط جهان به ویژه در کشورهای همسایه نیز آغاز شده بود، که کشور ایران نمی‌توانست از آنها بی‌تأثیر باشد. به طور مسلم، مردم ایران نیز تحت تأثیر این جریان آزادی‌خواهی جهانی بوده‌اند. از این رو، می‌توان گفت: مشروطه ایران از نظر خارجی متأثر از جنبش‌های مشروطه‌خواهی بود که در

بسیاری از کشورهای جهان آن زمان، در حال گسترش و وقوع بود. در قرن نوزده به ویژه در نیمه دوم آن و اوایل قرن بیستم، جنبش‌ها و نهضت‌های زیادی در سایر کشورهای دنیا در حال شکل‌گیری یا پیمودن مراحل نهایی و پیروزی خود بودند، که از جمله آنها نهضت دهقانان در روسیه و مشروطه در عثمانی، و... بودند. روند جنبش‌های آزادی‌خواهی در دو کشور همسایه ایران، یعنی روسیه و عثمانی تأثیر بسزایی در ایران داشت؛ زیرا مردم ایران از گذشته‌های دور روابط نزدیک سیاسی و تجاری با این دو کشور و روشنفکران زیادی از ایران در این کشورها ساکن یا در حال تردد بودند. آنها روزنامه‌هایی نیز در آنجا منتشر می‌کردند که بعضی از آنها به طور مخفی یا آشکار وارد ایران می‌شد. در این نشریات، ایرانیان مقیم این کشورها با الهام از آزادی‌خواهی و مشروطه‌طلبی، مطالبی را نوشته و جهت اطلاع مردم به ایران می‌فرستادند که تأثیر زیادی در ایران داشت و مهم‌ترین آنها از عثمانی، مصر و هند وارد ایران می‌شد.<sup>۱۳</sup>

### ۳. نقش و توطئه انگلیسی‌ها:

برخی از نویسندگان بر این عقیده‌اند که: انگلیسی‌ها یا به انگیزه توسعه نفوذ خود در ایران و به دست آوردن مقام مقدم، در میدان سیاست و خارج ساختن رقیب شمالی (روسها) از عرصه رقابت، یا به انگیزه نوع دوستی، به طراحی نهضت و تضعیف یا سقوط حکومت قاجار پرداخته و با اعطای رشوه به شماری از علمای طراز اول ایران و نجف، آنان را به این اقدام ترغیب نمودند. این گروه از تاریخ‌نگاران علاوه بر این که آقای سیدمحمد بهبهانی را حامی انگلیس معرفی کردند، در مقابل، شیخ فضل‌الله نوری را حافظ منافع روسها تلقی نموده‌اند؛ چنانچه برخی دیگر، میرزا حسن آشتیانی را در جریان تنباکو عامل روسها بشمار آورده‌اند.<sup>۱۴</sup>

در بررسی این نظریه نشان می‌دهد که طرفداران آن به دلیل عدم شناخت ملت ایران، این ملت را کمتر از آن می‌دانند که بتواند در برابر بیدادگری‌ها به مقاومت برخیزد. علاوه بر این برجسب‌های یاد شده به علمای اسلام، ادامه جریانی است که طی یک صد سال اخیر، بر علیه روحانیت به کار گرفته شده است. چنانچه امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرماید: «یکی از توطئه‌های انگلیسی‌ها در جدا کردن روحانیت از مردم این بود که آنان را وابسته به انگلیس معرفی کنند، برای این که

مردم را خواب نمایند که دین اصلش تخدیر است و روحانیت هم عامل انگلیسی‌ها هستند و قلم به مزدان هم به این اتهام دامن می‌زدند»<sup>۱۵</sup> حقیقت این است که نه تنها منافع انگلیسی‌ها در ایران و منطقه به آنان اجازه نمی‌داد که چنین نهضتی را ترتیب بدهند و یا حداقل از آن حمایت کنند؛ بلکه بررسی نشان می‌دهد که آنان پیوسته به کارشکنی علیه ملت و علما پرداخته و همین امر عامل عمده شکست و انحراف مشروطیت به شمار می‌آید؛ زیرا که انگلیسی‌ها در ایران منافع زیادی داشتند، امتیازات فراوانی می‌گرفتند، به راحتی در عزل و نصب کارگزاران دولتی اعمال نظر می‌کردند و قسمت‌های زیادی از کشور بزرگ ایران را تجزیه کردند...، پیداست انجام تمام این امور، تنها در بستر ناآگاهی مردم میسر خواهد بود؛ بنابراین، آنها هیچ‌گاه نمی‌آیند به مردم آزادی بدهند که نتیجه‌اش بیداری مردم و متعاقب آن مبارزه با سلطه جویی‌های استعمارگر پیر باشد.

دیگر این که: پیشاپیش نهضت، علمای طراز اول ایران و نجف قرار داشتند که انگلیس در جریان تنباکو، پی به قدرتشان برده بود، حال چگونه می‌شود که بریتانیا برای رسیدن به موقعیت احتمالی به چنان خطری دست زند؟

گذشته از این، از بُعد منطقه‌ای، منافع انگلیس ایجاب می‌کرد که ایرانی‌ها همچنان در بستر آرمیده و در خواب گران غفلت، بسر ببرند؛ چرا که بیداری آنان به ناچار بر مردم هند، که همچون برده در چنگال انگلیسی‌ها بودند، تأثیر می‌گذاشت، بسیار طبیعی بود که بریتانیا با هر عاملی که به بیداری مردم هند می‌انجامید، مقابله کند.<sup>۱۶</sup>

به علاوه انگلیسی‌ها به یک حرکت مردمی و نهضت فراگیر روی خوش نشان نمی‌دادند و... البته هنگامی که دیدند حرکت مردم جدی است و ارکان استبداد را به لرزه درآورده است، بیکار ننشستند و به ایجاد شکاف در صفوف مبارزان پرداختند و آنها را از مسیر اصلی منحرف ساختند. (که همان جریان بست نشینی عده‌ای از مردم در سفارت انگلیس می‌باشد)؛<sup>۱۷</sup> بنابراین می‌توان گفت که انگلیس بعد از شکل‌گیری نهضت مشروطیت، به علت ضد استبدادی بودن آن که در واقع مخالفت ضمنی با روسیه بود، با آن همراه شد و از مشروطه‌خواهان حمایت کرد. لذا انگلیسی‌ها تمایل داشتند تا حکومت قاجاریه که مورد حمایت روسها بود، تضعیف شده و نیروهای تحصیل کرده لیبرال و روشنفکران وابسته به سیاست‌های

انگلیس قدرت را در دست گیرند.<sup>۱۸</sup>

هدف دولت انگلیس نسبت به حمایت از نهضت مشروطه طلبی در ایران این بود که ضمن کاهش نفوذ روسیه در ایران، موقعیت خود را به عنوان قدرت برتر در سیاست ایران، تثبیت کند. دولت استعمارگر انگلیس در راستای این هدف از نهضت مشروطه حمایت کرده، که نمود بارز آن حمایت و تشویق مردم از تحسن در سفارت انگلیس در تهران و در اختیار قرار دادن امکانات لازم برای آنها بود.<sup>۱۹</sup>

### ج) عوامل فکری و نظری:

هر نهضتی برای شروع و ادامه، نیازمند ایدئولوژی و مبانی فکری است، هر چه ایدئولوژی قوی تر باشد، زایایی آن و قدرت انسجام نیروها و تحریک آنها توسط ایدئولوژی بیشتر خواهد بود. نهضت مشروطیت ضمن این که از این اصل مستثنی نبوده، از لحاظ زمینه فکری متأثر از آرا و اندیشه‌های ناهمگون بود؛ چون از جنبه داخلی نهضت مشروطیت، مبتنی بر فلسفه سیاسی اسلام بود که محور عمده آن عبارت بود از خدا محوری، ارتباط دین با سیاست، اصل کرامت ذاتی انسان، اصل آزادی در چارچوب وحی و عقل بشر، نه هوای نفسانی، نفی ظلم و ستم، طرد فحشا و بی بند و باری و مانند آن. علاوه بر این که ویژگی‌های تشیع از قبیل: اصل امامت، اصل انتظار، اصل مرجعیت و انفتاح باب اجتهاد نیز، سهم بسزایی در این مقوله داشتند.<sup>۲۰</sup>

پرچمداران این اندیشه، علما و مجتهدانی همچون: میرزای شیرازی، سید جمال‌الدین اسدآبادی، علمای طراز اول تهران و شهرهای بزرگ ایران و نجف اشرف، به ویژه آخوند خراسانی و شاگردش آیت‌الله نائینی بودند که با آشنایی با مقتضیات زمان و کشور در صدد تطبیق موازین اسلام با آن برآمده بودند.<sup>۲۱</sup>

و در ضمن با وقوع رنسانس و انقلاب فرهنگی در غرب، کشورهای مشرق زمین نیز از تأثیر آن مصون نماندند. به ویژه آن که در پی وقوع انقلاب صنعتی در غرب و نیاز مبرم به نیروی کار ارزان، منابع اولیه و بازار مصرف، سرمایه‌داران غربی با تهاجم همه جانبه فرهنگی به سوی شرق شتافتند. در همین راستا، دهها سال پیش از وقوع نهضت مشروطیت، فلسفه سیاسی غرب، با مبانی خاص خود از قبیل: انسان مداری، اصالت خرد (نه وحی) اصالت فرد، اصل جدایی دین از سیاست



(سکولاریسم) لیبرالیسم اقتصادی، سیاسی، اخلاقی و اعتقادی که اساسا مخالف فرهنگ اسلام است؛ از محورهای گوناگون و توسط عوامل مختلف، ایران را مورد هدف قرار داد.<sup>۲۲</sup> مروجان فرهنگ غرب در ایران روشنفکرانی نظیر: آخوندزاده، ملکم خان، میرزا آقاخان کرمانی، سید حسن نقی‌زاده و دیگران بودند. این افراد با تشکیل فراموشخانه در زمان ناصرالدین شاه و انجمن سِری، نشر روزنامه و درج مقاله‌ها در آن، به ترویج فلسفه سیاسی غرب می‌پرداختند که اوج تأثیر آن را در واپسین روزهای نهضت مشروطیت و پس از پیروزی خواهیم دید که خانم کدی از آن به عنوان جریان روشنفکری ضد شیعی نام می‌برد.<sup>۲۳</sup>

#### د) عوامل شتاب‌زا یا جرقه‌های نهضت:

سالها بود که زمینه‌های نهضت مشروطیت مهیا شده بود. مردم ایران که از ظلم و استبداد و فقر بیچارگی خود از یک سو، نفوذ و تسلط همه جانبه بیگانگان در امور داخلی ایران و زیانهای ناشی از آن از سوی دیگر، آگاه شده بودند، منتظر فرصت بودند تا قیام و شورش علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی را آغاز کنند.

زمینه حرکت و تحول همه جانبه در ساختار سیاسی و اجتماعی ایران که از قبل آماده شده بود. نیاز به نقطه شروع و جرقه‌ای داشت تا خشم و نفرت مردم را آشکار کند، هر حادثه و واقعه‌ای که در هر گوشه‌ای از کشور رخ می‌داد، مردم آن را از چشم دولت و کارگزاران آن می‌دیدند و فریاد خود را علیه آن بلند می‌کردند. گروه‌ها، انجمن‌ها، مجامع، علما و روشنفکران همه حکومت قانون را تبلیغ می‌کردند و نفرت و انزجار خود را بر ضد رژیم حاکم در روزنامه‌ها و شب‌نامه‌ها به صورت آشکار و پنهان می‌نوشتند و خواستار آزادی و مشروطه‌خواهی بودند. سرانجام، روز موعود فرا رسید و حوادثی چند، باعث شروع نهضت مشروطیت شد.

از جمله حوادث و عوامل شتاب‌زای نهضت مشروطیت عبارت‌اند از: اعتراض علما و مردم کرمان علیه حاکم این منطقه، مبنی بر حمایت از فرقه شیخیه و صوفیه کرمان و اقدام به زندانی، تبعید و کتک زدن روحانی بزرگ حاج محمدرضا مجتهد کرمانی و عده‌ای از مردم این شهر، که سبب واقعه کرمان گردید.<sup>۲۴</sup> این واقعه سبب اعتراض مردم تهران و به تبع آن مردم سراسر کشور علیه عین‌الدوله صدراعظم و حکومت شد و زمینه نهضت را فراهم کرد.<sup>۲۵</sup>

مسئله دیگر، عمل مسیو نوز بلژیکی رئیس گمرک ایران که با پوشیدن لباس روحانیون همراه با توهین و استهزا، در یکی از مجالس تهران و چاپ و پخش این عکس در میان مردم، اهانت بزرگی به روحانیون تلقی شد. این عمل سبب اعتراض شدید علما و مردم علیه او و حکومت شد و از حکومت مجازات وی را خواستار شدند. این حادثه به عنوان عامل شتاب‌زا در روند نهضت مؤثر بوده است.<sup>۲۶</sup>

یکی دیگر از حوادث مهمی که در این زمان در تحریک احساسات مردم مؤثر واقع شد، احداث بانک استقراضی روس در یک زمین وقفی و در قبرستان مسلمانان بود<sup>۲۷</sup> که در روند شتاب‌زای نهضت تأثیر گذاشته است.

در پی حوادث گذشته، مسئله گرانی قند - به سبب جنگ روسیه و ژاپن در سال ۱۹۰۴ - ۱۹۰۵ م - و قطع واردات آن از روسیه، علاءالدوله حاکم مستبد تهران به جهت شورش تجار تهران در حادثه مسیو نوز بلژیکی، عده‌ای از تجار قند را به بهانه جویا شدن علت گرانی آن به دارالحکومه فرا خواند. وی با بی‌احترامی و کتک زدن به تجار خوشنام و اهل دیانت بازار، باعث اعتراض شدید مردم و تعطیلی بازار و تجمع مردم در مسجد شاه شد.<sup>۲۸</sup> این اقدام نیز در سرعت نهضت تأثیرگذار بود.

#### ه) تحولات و حوادث بعد از عوامل شتاب‌زا:

به دنبال کتک خوردن تاجران و تعطیلی بازار، علما و مردم تهران به عنوان اعتراض در مسجد شاه گرد آمدند و خواستار تشکیل عدالت‌خانه از سوی دولت شدند. اما مردم در این تجمع با هجوم عده‌ای از چماقداران دولتی مورد ضرب و شتم قرار گرفته و پراکنده شدند.<sup>۲۹</sup> بعد از این حادثه مردم و علما تهران در تاریخ ۱۶ شوال ۱۳۲۳ ق، هجرت خود را به سوی حضرت عبدالعظیم شروع کردند و در آنجا متحصن شدند و خواسته‌هایی نظیر: تأسیس عدالت‌خانه، اجرای قانون اسلام درباره آحاد مردم، عزل مسیو نوز بلژیکی از ریاست گمرک، عزل علاءالدوله از حکومت تهران، لغو مالیات بر مواجب و بازگرداندن حاج محمدرضا مجتهد به کرمان، از طریق سفیر عثمانی به شاه منعکس کردند.<sup>۳۰</sup>

سرانجام پس از قبول درخواست‌های متحصنین، آنها به اتفاق دو رهبر روحانی با استقبال بی‌نظیر مردم به تهران بازگشتند. بدین ترتیب، تحصن یک ماهه با پیروزی و موفقیت همراه با پذیرش تمام خواسته‌های آنان از سوی مظفرالدین شاه به پایان

رسید و مردم به مناسبت این پیروزی تهران را چراغانی کردند.<sup>۳۱</sup> این واقعه با نام مهاجرت صغری پایان یافت.

بعد از پذیرش خواسته‌های مهاجرین صغری از سوی شاه و اجرای برخی از آنها توسط عین‌الدوله و فراموشی برخی دیگر توسط وی، ایشان همچنان به اعمال خشونت‌آمیز خود ادامه داده و اقدام به تبعید روحانی مبارز سید جمال واعظ تهرانی و سرکوب اعتراض طلبه‌های جوان و کشته شدن طلبه جوان بنام سید عبدالحمید، سبب ترس و وحشت مردم گردید. این اقدام در تشویق مردم به ادامه نهضت مؤثر بود.<sup>۳۲</sup> قتل این طلبه جوان بر احساسات مردم افزود و آنها به اتفاق علمای تهران در مسجد شاه اجتماع کردند. سربازان حکومتی به دستور عین‌الدوله مسجد را محاصره نمودند و درگیری شدیدی آغاز شد، که حدود صد نفر از مردم در این درگیری کشته شدند، اما با شجاعت و رشادت مردم و رهبری آیت‌الله بهبهانی مقاومت در مسجد ادامه پیدا کرد. عقیم ماندن تلاش شاه و عین‌الدوله مبنی بر خروج مردم از مسجد، علما برای رهایی از فشار رژیم، سه راه را پیشنهاد کردند،... که پیشنهاد خروج از شهر توسط حکومت پذیرفته شد.<sup>۳۳</sup> بعد از این قضیه، مردم به سبب عدم امنیت در خانه خدا، در تاریخ بیستم تیرماه ۱۲۸۵ ش با حضور سه هزار نفر و علمای بزرگ، از تهران به قم مهاجرت نمودند، که این حرکت به مهاجرت کبری مشهور گشت. همراهی روحانیون با مهاجرین، با توجه به این که بسیاری از کارهای روزمره مردم آن زمان به دست روحانیون انجام می‌شد که با هجرت آنها بیشتر امور مردم مختل شده و مشکلات زیادی به وجود آمد.<sup>۳۴</sup>

یکی دیگر از حوادث مهم در این زمان، تحصن برخی از مردم در سفارت انگلیس به جهت در امان ماندن از فشار عین‌الدوله بود، انگلستان به سبب رقابت با روس بر سر نفوذ بیشتر در ایران، کمک‌های زیادی به مشروطه خواهان متحصن در سفارت نمود و از خواسته‌های آنها حمایت کرده و به دولت جهت برآوردن خواسته‌های آنها فشار آورد.<sup>۳۵ ۳۶</sup>

به هر تقدیر، در هجرت به قم که رهبری آن را سید محمد بهبهانی و سید عبدالله طباطبایی و شیخ فضل‌الله نوری بر عهده داشتند، ابتدا متحصنین طی ارسال نامه‌ای خواسته‌های خود را در شش بند، از جمله تشکیل مجلس، برکناری عین‌الدوله و اجرای احکام جزایی اسلام، بیان داشتند.<sup>۳۷</sup>

**ز) صدور فرمان مشروطیت و پیروزی نهضت:**

همزمان با خواسته‌های متحصنین، تلگراف‌هایی از علمای شهرهای مختلف در حمایت از متحصنین قم به شاه مخابره شد. شاه در پاسخ آنان ابتدا طی ارسال نامه‌ای خطاب به مشیرالدوله - که پس از عزل عین الدوله نخست وزیر شد - دستور اجرای درخواستهای یاد شده را اعلام و تذکر داد که نظر مساعد شاه به اطلاع عموم نیز برسد. متحصنین که از وعده‌های شاه در جریان حضرت عبدالعظیم خاطره خوشی نداشتند، دو نفر (پسر آقای طباطبایی و داماد آقای بهبهانی) را برای حصول اطمینان و گرفتن تضمین به تهران فرستادند. در پی این سفر و دیدار نمایندگان متحصنین با شاه، نامه تکمیلی و فرمان مشروطیت در تاریخ ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ به شرح زیر صادر شد: «... مجدداً برای این که عموم اهالی و افراد ملت از توجهات کامله همایونی ما واقف باشند، امر و مقرر می‌داریم که مجلس مزبور را به شرح دستخط سابق صحیحاً دایر نموده و بعد از انتخاب اعضای مجلس، فصول و شرایط نظامنامه مجلس شورای اسلامی را موافق تصویب و امضای منتخبین به طوری که موجب اصلاح عموم مملکت و اجرای قوانین شرع مقدس مرتب نمایند.»<sup>۳۸</sup>

در نامه دوم شاه به تشکیل مجلس شورای اسلامی تصریح شد. به همین منظور متحصنین قم با شادمانی به تهران بازگشتند و تعدادی از بست نشینان در سفارت انگلیس نیز آنجا را ترک کردند؛ اما گروهی با این ادعا که اولاً، سفارت باید تشکیل مجلس را تضمین کند و ثانیاً مجلس شورای اسلامی به مجلس شورای ملی تغییر نام یابد، در سفارت ماندند. در نتیجه با گفتگوهای که میان برخی از آنان و کاردار سفارت انگلیس و دو تن از درباریان که در میان بست نشینان بودند، با صدر اعظم صورت گرفت، قرار بر این شد که مجلس شورای اسلامی به شورای ملی تغییر نام یابد و این اولین شکاف در میان مشروطه خواهان، و در عین حال اولین اقدام برای حذف علما و اسلام از صحنه سیاست بود و در ضمن دست‌های پنهان نیز در این‌گونه قضایا، کاملاً فعال بودند. به هر تقدیر، علما یا برای نشان دادن حسن نیت و یا به خاطر مصلحتی نرمش نشان دادند، که به دنبال آن جشن مشروطیت برگزار شد. در نتیجه، پس از تدوین نظامنامه همه‌پرسی انتخابات مجلس، اولین انتخابات در شعبان ۱۳۲۴ انجام گرفت. طبق دستور شاه، قرار شد مراسم افتتاح مجلس در نیمه

شعبان برگزار شود؛ اما عده‌ای با این استدلال که اهمیت مجلس کمتر از میلاد نیست، لذا افتتاح آن باید در تاریخ دیگری صورت گیرد تا تحت الشعاع عید مولودی قرار نگیرد، شاه را وادار کردند، هیجدهم شعبان را برای این منظور تعیین کند.<sup>۳۹</sup>

### ح) نیروهای درگیر و حوادث بعد از مشروطیت

#### ۱. نیروهای درگیر:

اگر نهضت مشروطیت به سه مرحله تقسیم شود، نیروهای درگیر و موضع‌گیری آنها کاملاً جابه‌جا می‌شود. این مراحل عبارت‌اند از: مرحله تخریب، مرحله تثبیت و مرحله تفسیر یا تحریف (مرحله سازندگی)؛ در آغاز نهضت یعنی مرحله تخریب، در یک طرف توده مردم (غیر از روستائیان) به رهبری علمای طراز اول تهران و سایر شهرهای بزرگ و نجف اشرف قرار داشتند و طرف دیگر، عوامل دربار به ویژه عین الدوله و امیر بهادر بودند. از اواخر مرحله اول؛ یعنی از زمان هجرت به قم و بست نشستن در سفارت، روشنفکران و تعدادی از درباریان و عوامل انگلیس وارد عرصه شدند تا از قافله عقب‌نمانند و در این مرحله شاه و صدراعظم نیز حامی مشروطیت شدند.

در مرحله تثبیت انقلاب و نظام جدید، همه نیروهای درگیر علی‌رغم اختلاف دیدگاه‌ها و جدل‌های لفظی در کنار هم بودند و کارهای مهمی، نظیر قانون اساسی را تصویب کردند، اما به دلیل برداشت‌های مختلف از مشروطیت میان صفوف مبارزان، اختلاف ایجاد شد.<sup>۴۰</sup> شیخ فضل‌الله نوری که از رهبران نهضت بود بیان داشت منظور همه ما از همان اول مشروطه مشروعه بود، وگرنه اجرای قوانین غربی و تبعیت از آن قطعاً حرام است. اما دیگران بیان داشتند منظور از مشروطه این است که هرچه را نمایندگان ملت تصویب کردند به اجرا درآید. روحانیون دیگر هم به دلایلی با دیدگاه اخیر هماهنگ شدند.

#### ۲. حوادث بعد از مشروطیت:

محمدعلی میرزا که قبلاً مخالف مشروطه بود، پس از مرگ مظفرالدین شاه که به فاصله چند روز پس از امضای قانون اساسی اتفاق افتاد، تاج سلطنت را بر سر گذاشت. وی در مراسم تاجگذاری با بی‌اعتنایی به نمایندگان از آنان دعوت به عمل

نیارود، او همواره مترصد فرصت بود تا بار دیگر استبداد را حاکم گرداند. به همین منظور به بهانه مخالفت شیخ فضل الله و تعدادی از روحانیون نجف از جمله سید کاظم یزدی با مشروطه، حملات تند روزنامه‌ها و برخی نمایندگان به شاه، سوء قصد ناموفق به وی، ترور اتابک صدر اعظم مخالف مشروطیت، جلوگیری از وام درخواستی شاه از روس و انگلیس و در نهایت با دخالت روس و حمایت انگلیس موجب شدند تا شاه به وسیله لیاخوف روسی مجلس را به توپ ببندد.<sup>۴۱</sup> بدین سبب تعدادی از نمایندگان در این حمله به قتل رسیدند و برخی به خارج گریختند و به دنبال آن زنجیر به گردن طباطبایی افکندند و او را به مشهد تبعید کردند، سید جمال اصفهانی را نیز در بروجرد حبس کرده و سپس او را به قتل رساندند. به هر حال، بار دیگر سایه شوم استبداد سراسر کشور را فراگرفت؛ اما پس از چندی مردم تبریز، رشت، اصفهان و سایر نقاط دیگر ایران مبارزه را علیه محمدعلی شاه آغاز کردند. سرانجام در تاریخ ۲۳ تیرماه ۱۲۸۸ ه. ش نیروهای مبارز مشروطه، تهران را تصرف کرده، و به دنبال آن محمدعلی شاه به سفارت روس پناهنده شد. بدین سبب سران مشروطیت نیز او را از پادشاهی عزل و پسر دوازده ساله‌اش، احمد میرزا را با نام «احمدشاه» به سلطنت برگزیدند.<sup>۴۲</sup>

بعد از تصرف تهران به وسیله نیروهای مبارز مشروطه و عزل محمدعلی شاه، زمامداری مشروطه به دست عده‌ای از روشنفکران و عمال انگلیس افتاد؛ لذا در همین ایام، روحانی برجسته‌ای به نام شیخ فضل الله نوری (که در مهاجرت کبری در کنار مردم و سایر علما حضور داشت و نیز در تنظیم و تدوین متمم قانون اساسی مشروطه مبنی بر نظارت پنج نفر از مجتهدین بر قوانین مجلس سهم بسزایی داشت.<sup>۴۳</sup>) وی پس از این که دید مشروطه از اهداف خود منحرف شده و خلاف اسلام عمل می‌کند، راه تبلیغ علیه آن را در پیش گرفت و در حضرت عبدالعظیم تحصن اختیار کرد و خواهان مشروطه مشروع شد؛ اما روشنفکران غربی که میراث خوار نهضت شده بودند، نمی‌توانستند تحمل چنین اندیشه اسلامی را داشته باشند. بدین سبب افکار او را خلاف اهداف خود دیدند و پس از سقوط استبداد صغیر، وی را به محاکمه کشیده و به اعدام محکوم کردند و حکم صادره را به اجرا گذاشتند. بدین ترتیب آنان صاحب تفکر مشروطه مشروع را، در کشور اسلامی و به بهانه ضد مشروطیت از سر راه افکار لیبرالیستی و غربی خود برداشتند.<sup>۴۴</sup>

## ارزیابی:

### الف) ضعفها و تبعات آن:

گرچه در مجلس اول بر اثر مقاومت علما به ویژه با اصرار شیخ فضل الله نوری برخی از اصول قانون اساسی بر اساس موازین اسلامی به تصویب رسید، اما جهت گیری کلی آن به سمت فرهنگ غرب بود. گرچه همان تعداد اصولی که صبغه اسلامی داشت، به ویژه نظارت بر مصوبات مجلس توسط پنج تن از فقها، اغلب مورد اجرا قرار نگرفتند. برعکس، برخی از علما با توجیه قانونی و به اتهام هایی مختلف، اعدام شدند و یا مخفیانه به قتل رسیدند و یا حبس و تبعید گشتند. دین و علما را به طور رسمی از صحنه سیاست بیرون کردند و به نام آزادی، از ایراد هرگونه تهمت و توهین به اسلام و علما دریغ نکردند.<sup>۴۵</sup>

به هر تقدیر روشنفکران فاتح، به گونه ای عمل کردند که رهبران راستین مشروطیت و ملت ستمدیده را از عملکرد خویش پشیمان ساختند و آنهایی هم که مماشات کرده و به مشروطه مورد نظر آنها تن داده بودند، به تدریج در مقابل آن به مخالفت برخاستند و در نهایت خود روشنفکران نیز تسلیم استبداد رضاخانی شده و مشروطه مورد نظر آنها بر باد رفت. چنانکه جلال آل احمد می نویسد: «در کتاب غرب زدگی به صراحت اشاره کرده ام که اعدام شیخ فضل الله نوری، علامت استیلای غرب زدگی بود برای این مملکت و این جا می خواهم بیفزایم که گرچه ظاهراً اعدام آن بزرگوار علامت پیروزی مشروطیت بود، اما به علت قضایای بعد و کودتای ۱۲۹۹ و دیگر اتفاقات چهل سال اخیر، آن واقعه بزرگ ترین نشانه شکست مشروطیت بود و در عین حال واضح ترین علامت شکست روشنفکران.»<sup>۴۶</sup>

نهایت آن که نهضت مشروطیت با وفاق ملی و پشتوانه مذهب پیروز شد؛ اما پس از آن، روحانیت که دارای پایگاه اجتماعی و مورد اعتماد توده مردم بود کنار زده شد و یا به عللی کنار رفتند و روشنفکران نیز با کودتا کنار زده شدند و جای هر دو را، نظامیان پر کردند.<sup>۴۷</sup>

**ب) علت‌های شکست و انحراف مشروطیت****۱. بقای رژیم سلطنتی (سلسله قاجار):**

حکومت سلطنتی اساساً بر پایه استبداد بنا نهاده می‌شود و پیکره سلسله قاجار نیز با استبداد و خودکامگی عجین شده بود. بر این اساس، وقتی انقلابیون ریشه فساد را ابقا کردند باید منتظر چنان تبعاتی نیز بوده باشند؛ لذا موثق‌الملك با گستاخی دستور می‌دهد نباید اسم مشروطه را بر زبان آورید و یا محمد علی شاه آن گونه عمل می‌کند که بیان شد؛ اما پس از سقوط وی، هنوز آقایان ریشه دردها را نشناختند و یا نخواستند بشناسند؛ زیرا ضمن آن که برای محمد علی شاه مقررې مادام‌العمری تعیین می‌کنند، عین‌الدوله مستبد را نیز دعوت به کار می‌کنند و این در حالی است که شیخ فضل‌الله نوری را به دلیل طرفداری از استبداد اعدام می‌کنند، مجرم اصلی تشویق می‌شود اما معاون مجرم با فرض ثبوت، اعدام می‌گردد.<sup>۴۸</sup>

**۲. خیانت و رودست زدن روشنفکران غرب‌گرا**

علاوه بر آن که خاستگاه و زادگاه روشنفکران در آن دوران و پیش از آن طبقات اشراف و دربار بودند،<sup>۴۹</sup> محل رشد و پرورش آنان نیز در آن عصر اصولاً ممالک مغرب زمین بود؛ بنابراین، از یک سو آنها مروجان فرهنگ غرب بودند، از سویی دیگر، زبان توده مردم را نمی‌فهمیدند؛ لذا پس از پیروزی در صدد برآمدن لائیسم و مشروطه به سبک غربی را پیاده‌کنند. از این رو اینها ضمن آن که به همان نظام غربی هم آشنایی کامل نداشتند، موجب شد اسلام و روحانیت را با دسائس مختلف از صحنه بدرکنند و پس از آن نیز به خاطر نداشتن پایگاه اجتماعی تنها ماندند و در نهایت با کودتای نظامیان طرفدار انگلیس هم از میان رفتند و مشروطیت را نیز، به کام مرگ فرستادند.

نجف دریابندری در مصاحبه با رادیو بی بی سی در این زمینه چنین می‌گوید:  
 «به نظر من آن مقدار مفاهیمی که روشنفکران مطرح می‌کردند نمی‌شود گفت که از جامعه خودمان برخاسته بود. به همین دلیل هم وقتی که به اصطلاح کار از خرک در رفت روشنفکران، که خود بنده هم یکی از آنان باشم، ناگهان متوجه شدند که تماسشان را با واقعیت جامعه از دست داده‌اند.»



احمد نراقی هم در این مورد می‌گوید: «من به عنوان یک جامعه‌شناس می‌دیدم که معتقدات جامعه، پندارها و اعتقادات جامعه یک اهمیت اساسی دارد که رژیم و از رژیم بالاتر، روشنفکران ما از آن غافل‌اند. من می‌گفتم که این راه ما را به بن‌بست می‌کشاند.»<sup>۵۰</sup>

### ۳. خدعه‌های استعمارگر پیر انگلیس:

بریتانیا از آغاز ورود به ایران دو سیاست آشکار و یک سیاست پنهان داشت؛ در شرایط گوناگون به تجزیه ایران پرداخت و با بهانه‌های مختلف از ایران امتیاز گرفت؛ لذا این کشور استعمارگر با سیاست‌های یاد شده موجب نفرت بیش از پیش مردم ایران نسبت به خودش شد. از این رو این کشور در شرایط حساس مانند نهضت مشروطیت، سیاست صبر و انتظار را در پیش گرفت. بدین سبب انگلیس استعمارگر از یک سو، با مشاهده علمای طراز اول در پیشاپیش نهضت - با توجه به این که قبلاً نیز در جریان تنباکو قدرتش را تجربه کرده بود - و از جانب دیگر، رقیب قدیمی اش (روسیه) دارای شرایط بهتری نزد قاجار بود؛ لذا پس از اوج گرفتن نهضت، لباس بشر دوستی به تن کرده و وارد میدان شد و با سیاست‌های متفاوت در مقاطع مختلف به انحراف نهضت به سمت هدف مورد نظر خود پرداخت؛ بدین وسیله و هر جا که موفق نمی‌شد، در صدد خلع نیروهای مؤثر و یا اساس حرکت مردم برمی‌آمد. در همین راستا افرادی به تحریک بریتانیا، انواع تهمتها را به روحانیت و علمای مؤثر در نهضت وارد می‌کردند و در صفوف مشروطه خواهان اختلاف ایجاد می‌کردند و در نهایت برخی از آنان را به اتهام ضدیت با مشروطه به پای دار فرستاده و بعضی دیگر را ترور شخصیت نموده و سپس سر به نیست کردند. مستر اسمارت از جانب دولت انگلیس در جلسه محاکمه شیخ فضل‌الله نوری حاضر شد و پس از کشته شدن او به دست پیرم خان ارمنی هوادار انگلیس، به سفیر این کشور گزارش داد: «شیخ فضل‌الله نوری برای مملکت خود خطری بزرگ بود، خوب شد که دولت ایران او را از میان برداشت» این است که جلال آل احمد می‌نویسد: «در قضیه تنباکو، هم کمپانی انگلیس و هم حکومت‌های دست‌نشانده و هم روشنفکران خدمتکار حکومت، دریافتند که حریف اصلی کیست؟ تا به آن طریق، در مشروطه و پس از آن دستش را کوتاه کنند.»<sup>۵۱</sup>

#### ۴. بحران رهبری

شکی نیست یکی از مهم‌ترین عوامل برای انسجام مردم و هدایت آنان برای نیل به هدف، داشتن رهبری مقتدر و آگاه است که در جریان مشروطیت محوریت در رهبری وجود نداشت. روشنفکران چیزی می‌گفتند و روحانیون چیز دیگر، حتی در میان روحانیون نیز در رهبری مشخص وحدت نظر وجود نداشت.<sup>۵۲</sup>

#### ۵. نداشتن استراتژی مشخص

رهبران مشروطه برای مبارزه با استبداد دارای برنامه مشترک بودند؛ اما برای اداره کشور و مرحله سازندگی برنامه از پیش تعیین شده و مسلمی نداشتند، نه روشنفکران می‌دانستند می‌خواهند چه کار کنند و نه روحانیون برنامه مشخصی برای اداره حکومت بر اساس موازن اسلامی داشتند؛ لذا هر کس مشروطه را به گونه‌ای تفسیر می‌کرد که طرف دیگر قبول نداشت. بر همین اساس آیت‌الله نائینی پس از سه سال از پیروزی وقتی وجود چنان کمبودی را احساس کرد کتاب، تنبیه الامه و تنزیه المله را به دفاع از مشروطیت و تفسیر آن و انطباق آن بر موازین اسلام به رشته تحریر درآورده و این گرچه لازم بود، اما دیر شده بود.<sup>۵۳</sup>

#### ۶. سوء استفاده از آزادی

با آن که آزادی یکی از نعمت‌های خداوند است و انسان فطرتاً خواستار آن است، اما در جریان مشروطیت پس از رها شده از استبداد دیرینه، به جای آن که ملت از آن برای رشد و تعالی خود و زندگی مناسب استفاده کند، برعکس، عده‌ای قلم به دست، اهانت به اسلام و علما و تهمت زدن به آنها و ترویج فرهنگ غرب و اشاعه فحشا و بی‌بند و باری پرداختند. بر این اساس، عده‌ای فرصت طلب با تشکیل انجمن‌های سِری به غارت اموال و ایجاد هرج و مرج پرداختند و کمیته ترور را تأسیس نموده و بسیاری از شخصیت‌های برجسته روحانی یا دولتی و یا مردم عامی و عادی را (نظیر ترور بهبهانی، اتابک، ترور ناموفق شاه، ترور ناموفق شیخ فضل‌الله نوری و قتل دو نفر از همراهان او) به قتل رسانیدند. به هر حال، ملت از استبداد رهید اما دچار وحشت و ناامنی شد؛ البته دست دشمن مکار هم در کار بود و همین امر توجیهی برای سرکار آوردن رضاخان قلدر گشت.<sup>۵۴</sup>

علاوه بر موارد یاد شده، عدم آگاهی مردم به کید دشمن و نشناختن دوستان

واقعی انقلاب و آنهایی که از گرد راه رسیده بودند، ایجاد تفرقه و تشتت میان صفوف مبارزان، خودخواهی برخی از دست‌اندرکاران، پایین بودن میزان آگاهی اکثریت نمایندگان از مسائل مملکتی و امور مجلس و دوری مرکز جمعیت از عرصه مبارزات و درگیری‌های و نظایر آن از دیگر عوامل مؤثر در ضعف و انحطاط مشروطیت می‌باشند.<sup>۵۵</sup>

عبرتهایی از تاریخ مشروطیت در کلام امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری به شرح ذیل می‌باشد:

امام خمینی (ره): «تاریخ یک درس عبرتی است برای ما... در مشروطه بعد از این که ابتدا پیش رفت دست‌هایی آمد و تمام مردم ایران را به دو طبقه تقسیم بندی کرد، یک عده طرفدار مشروطه و یک عده مخالف مشروطه... علما را به دو گروه تقسیم بندی کرد، به آنجا رساندند که آنهایی که مشروطه خواه بودند به دست یک عده کوبیده شدند.»<sup>۵۶</sup>

امام خمینی در جای دیگر می‌فرماید: «مرحوم شیخ فضل‌الله نوری ایستاد که مشروطه باید مشروعه باشد، باید قوانین، قوانین اسلام باشد... متمم قانون اساسی از کوشش ایشان بود. مخالفین، خارجی‌ها که یک همچو قدرتی را در روحانیت می‌دیدند، کاری کردند که در ایران شیخ فضل‌الله مجاهد مجتهد، دارای مقامات عالیه را، در یک دادگاه... یک منحرف روحانی نما، او را محاکمه کرد و در میدان توپخانه شیخ فضل‌الله را در حضور جمعیت به دار کشیدند.»<sup>۵۷</sup>

مقام معظم رهبری گفته است: «در تاریخ خودمان، در نهضت مشروطیت، دیدیم که روحانیون آمدند یک حادثه‌ای بزرگ را در کشور ایجاد کردند و پایان دوره استبداد را تدارک دیدند، بعد همین مشروطیت پایگاهی برای ضدیت با دین و روحانیت شد و هنوز ابتدای کار بود که روزنامه‌های صدر مشروطیت به نام آزادی شروع به کوبیدن دین کردند، تا جایی که یکی از شخصیت‌های روحانی آن زمان، مرحوم آقا شیخ فضل‌الله نوری که جزو پیشروان مشروطیت بود، در مقابل آن مجلس و مشروطیت ایستاد و سرانجام به شهادت رسید.»<sup>۵۸</sup>

## پی‌نوشت‌ها

۱. تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، جلال‌الدین مدنی، ج ۲، انتشارات جامعه مدرسین قم، ۱۳۶۹، ص ۲۵.
۲. همان ماخذ، ص ۲۹.
۳. همان ماخذ، ص ۳۰ و تشیع و مشروطیت در ایران، عبدالهادی حائری، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۴، صص ۱۴-۱۳.
۴. همان ماخذ، مدنی، ج ۲، ص ۲۸.
۵. تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، مهدی ملک زاده، ج ۱، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۵۸، ص ۱۳۴.
۶. جنبش مشروطیت در ایران، رسول جعفریان، توس، قم، ۱۳۶۹.
۷. تشیع و مشروطیت در ایران، عبدالهادی حائری، صص ۱۳۶-۹۶ و تنبیه الامه و تنزیه المله، محمد حسین نائینی، ترجمه سید محمود طالقانی.
۸. تشیع و مشروطیت در ایران، عبدالهادی حائری، صص ۱۳۶-۹۶.
۹. تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، مدنی، ج ۲، صص ۱۹-۹.
۱۰. تشیع و مشروطیت در ایران، عبدالهادی حائری، صص ۶۰-۲۶.
۱۱. قیام تنباکو، یعقوب آژند، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۷، صص ۴۶-۴۱.
۱۲. تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارج ایران، مدنی، ج ۲، ص ۲۷.
۱۳. تشیع و مشروطیت در ایران، عبدالهادی حائری، صص ۲۵-۱۱.
۱۴. رهبران مشروطه، ابراهیم صفائی، صص ۱۴۴ و ۱۸۲ و ۲۱۱ و ریشه‌های انقلاب ایران، کدی، ترجمه گواهی، صص ۳۸۸-۱۳۱.
۱۵. صحیفه نور، امام خمینی، ج ۹، ص ۲۷.
۱۶. مجله حوزه، دفتر تبلیغات اسلامی شماره ۷۶-۷۷، صص ۱۳۶-۱۳۵.
۱۷. صحیفه نور، امام خمینی، ج ۱۸، صص ۱۳۶-۱۳۵.

۱۸. جنبش مشروطیت در ایران، رسول جعفریان، توس، صص ۷۷-۷۵.
۱۹. همان ماخذ، صص ۷۷-۶۴.
۲۰. ریشه‌های انقلاب ایران، نیکی کدی، صص ۵۱-۱۹.
۲۱. مجله حوزه، دفتر تبلیغات اسلامی شماره ۷۶-۷۷، صص ۳۰۹-۲۷۳.
۲۲. انقلاب و ریشه‌ها، حبیب الله طاهری، صص ۱۳۵-۹۸.
۲۳. ریشه‌های انقلاب ایران، نیکی کدی، صص ۱۲۰ و ۱۴۹ و ۳۱۷ و ۳۴۲.
۲۴. تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، جلال‌الدین مدنی، ج ۲، ص ۹۳.
۲۵. همان ماخذ، ص ۹۵.
۲۶. همان ماخذ، ص ۹۷.
۲۷. تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، مهدی ملک زاده، ج ۱، ص ۲۲۳.
۲۸. تاریخ بیداری ایرانیان، ناظم‌الاسلام کرمانی، ج ۱، صص ۳۳۱-۳۳۲.
۲۹. تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، جلال‌الدین مدنی، ج ۲، ص ۱۰۰.
۳۰. همان ماخذ، صص ۱۰۷-۱۰۲.
۳۱. تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، مهدی ملک زاده، ج ۲، ص ۳۰۹.
۳۲. تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارج ایران، جلال‌الدین مدنی، ج ۲، صص ۱۱۲-۱۰۸.
۳۳. انقلاب مشروطیت، عبدالله جاسبی، حزب جمهوری اسلامی، تهران، بی تا، صص ۳۶-۳۵.
۳۴. تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، مهدی ملک زاده، ج ۲، ص ۲۶۴.
۳۵. تاریخ مشروطه ایران، احمد کسروی، ص ۱۰۹.
۳۶. تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلال‌الدین مدنی، ج ۱، ص ۵۷ و تاریخ بیداری ایرانیان، ناظم‌الاسلام کرمانی، ج ۳، صص ۴۷۰-۴۶۹ و ۴۷۶.
۳۷. همان ماخذ و تاریخ تحولات سیاسی، جلال‌الدین مدنی، ج ۲، صص ۱۲۰-۱۱۹.
۳۸. تاریخ بیداری ایرانیان، ناظم‌الاسلام کرمانی، ج ۳، صص ۵۵۷-۴۷۹.
۳۹. واقعیات اتفاقیه در روزگار تاریخ مشروطه، محمد مهدی شریف کاشانی، ج ۱، نشر تاریخ ایران، تهران، صص ۱۹-۱۷.
۴۰. رهبران مشروطه، ابراهیم صفائی، ص ۶۸۲.
۴۱. همان.

۴۲. تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، جلال‌الدین مدنی، ج ۲، صص ۱۴۵-۱۲۹.
۴۳. همان مأخذ، صص ۱۹۹.
۴۴. ریشه‌های انقلاب ایران، نیکی کدی، صص ۳۳۴ و واقعیات اتفاقیه، شریف کاشانی، ج ۱، ص ۱۸.
۴۵. در خدمت و خیانت روشنفکران، جلال آل احمد، ج ۲، صص ۲۳۲.
۴۶. همان مأخذ.
۴۷. واقعیات اتفاقیه، محمد مهدی شریف کاشانی، ج ۱، ص ۲۱.
۴۸. در خدمت و خیانت روشنفکران، جلال آل احمد، ج ۱، صص ۱۷۱.
۴۹. تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی، مصاحبه ناطق‌نوری با رادیو بی‌بی‌سی، صص ۲۳۳-۵۳.
۵۰. مجله حوزه، دفتر تبلیغات اسلامی، شماره ۷۶-۷۷، صص ۲۹۲-۲۹۳.
۵۱. در خدمت و خیانت روشنفکران، جلال آل احمد، ج ۲، صص ۲۹۸-۲۹۹.
۵۲. مجله حوزه، دفتر تبلیغات اسلامی، شماره ۷۶-۷۷، صص ۲۹۸-۲۹۹.
۵۳. در خدمت و خیانت روشنفکران، جلال آل احمد، ج ۲، صص ۴۷.
۵۴. واقعیات اتفاقیه در روزگار تاریخ مشروطه، محمد مهدی شریف کاشانی، ج ۱، صص ۲۳-۱۷.
۵۵. رهبران مشروطه، ابراهیم صفائی، صص ۱۸۸ و واقعیات اتفاقیه، ج ۱، صص ۱۷-۲۳.
۵۶. صحیفه نور، امام خمینی، ج ۱۳، ص ۱۷۶.
۵۷. همان.
۵۸. حدیث ولایت، سازمان مدارک انقلاب اسلامی، ج ۳، صص ۲۶۰.

## فصل پنجم

### ماهیت سلسله پهلوی

با آغاز دوره دوّم مشروطیت، یعنی پس از سقوط استبداد محمد علی شاه با دخالت‌های آشکار و پنهان روس و انگلیس و سوء استفاده فرصت طلبان در شرایط انقلابی، کشور به سرعت به سمت هرج و مرج، ناامنی، رعب و وحشت، ترور و آدم‌کشی پیش می‌رفت. این امر از یک سو، ملت را خسته و مستأصل می‌کرد و از جانب دیگر، قدرت‌های استعماری نیز ایرانی را می‌خواستند که در آن از امنیت برخوردار باشند و این جز با وجود حکومت مرکزی مقتدر و در عین حال حافظ منافع آنان امکان نداشت؛ لذا در صدد آمدند تا در ارکان سیاسی کشور تغییراتی ایجاد کنند.

بر همین اساس، ابتدا ایران را به دو منطقه تحت نفوذ و یک منطقه آزاد تقسیم کردند، برای بار دوم منطقه آزاد را نیز فقط به پایتخت و اطراف آن محدود کرده و بقیه را بر قلمرو تحت نفوذ افزودند. اقدامات مذکور خشم ملت و علمای ایران و مراجع نجف را برافروخت، در گوشه و کنار درگیری‌هایی با بیگانگان انجام می‌گرفت.<sup>۱</sup>

### حکومت رضاخان

پس از پیروزی انقلاب مشروطیت و استقرار حکومت‌های به ظاهر مشروطه و ملی، مردم ایران انتظار استقلال، آزادی و رفاه بیشتر مادی و تأمین حداقل زندگی را داشتند، اما پس از مدتی که از عمر مشروطه گذشت نه تنها چنین وضعی حاصل

نشد؛ بلکه روز به روز بر مشکلات، گرفتاری‌ها و تنگناهای آن افزوده شد. با ظهور قدرت تجاری و اقتصادی آلمان در ایران، کشور ما درگیر مناقشات فزاینده منافع متضاد دولت‌های روس، انگلیس و آلمان شد. قبل از شروع جنگ جهانی اول، اختلاف میان آلمان و روسیه از یک سو و انگلیس و آلمان از سوی دیگر، ایران را به صحنه رقابت اقتصادی این کشورها تبدیل کرد که مشکلات و گرفتاری‌های مردم را افزایش داد.<sup>۲</sup> بدین سبب، دولت بریتانیا به منظور در دست گرفتن کنترل کشور، رضاخان را برای این کار برگزید.

رضاخان ابتدا به بهانه حفظ امنیت پایتخت، با کمک انگلیس و وساطت سفیر آن کشور در ایران به همراه نیروی عظیم وارد تهران شد، پس از آن، شهر حالت حکومت نظامی به خود گرفته و احمد شاه را وادار کردند در برابر دستورات رضاخان مقاومت نکند. بالاخره در سال ۱۲۹۹ این سرباز بی سواد، ریاست دولت را با حفظ سمت وزارت جنگ بر عهده گرفت.

رضاخان میرپنج با کنترل اوضاع کشور و تحت فشار قرار دادن نمایندگان مجلس، برنامه‌های آینده را طبق دستور سفارت انگلیس به اجرا درمی‌آورد. تا آن که در جریان انتخابات مجلس پنجم با اعمال نفوذ مستقیم و در مواردی با تهدید؛ کاندیداهای طرفدار او به مجلس راه یافتند و جناح مخالف به رهبری سید حسن مدرس در اقلیت قرار گرفتند. از دوره هفتم به بعد نمایندگان به طور درست نماینده دولت محسوب می‌شدند و قوانین اسارت‌باری - از جمله تمدید قرارداد نفت - را تصویب کردند.

بعد از کودتای ۱۲۹۹، هدف رضاخان این بود که قدرت را قبضه کند، خانواده قاجار را براندازد و تغییر قانون اساسی به مقام سلطنت برسد؛ لذا ابتدا سید ضیاءالدین طباطبایی - همکار سیاسی کودتا - را تبعید کرد، در مدت سه سال چندین کابینه تشکیل داد که وزارت جنگ را همواره خود بر عهده داشت و بالاخره با تمهید مقدماتی وطنی ماده واحده‌ای فرماندهی کل قوا را گرفت و با ماده واحده دیگری انقراض دولت قاجار اعلام شد. بدین ترتیب رضاخان سردار سپه رئیس مملکت شد و در سال ۱۳۰۴ با تشکیل مجلس مؤسسان و تغییر چند اصل از قانون اساسی به مقام سلطنت نائل شد و استبداد رضا شاه نیز تا سال ۱۳۲۰ - که ایران از سوی متفقین اشغال شد - ادامه یافت.



در دوره رضاخان تنها کسی که می توانست مقتدرانه گروه اقلیت را پوشش داده و مانع یکه تازی های او گردد، شهید سید حسن مدرس بود. وی یک بار در دوره، ششم مجلس - سال ۱۳۰۵ - به دستور رضاخان و توسط سه نفر مورد سوء قصد قرار گرفت که موفقیت آمیز نبود و سرانجام وی به دستور رضاخان به کاشمر تبعید و به شهادت رسید؛ البته در زمان رضاخان قیام های دیگری هم کم و بیش صورت گرفته بود، مانند قیام علمای اصفهان و خراسان از جمله حاج آقا حسینی قمی علیه رضاخان و قیام و تحصن آیت الله بروجردی در حضرت عبدالعظیم علیه رضاشاه.<sup>۳</sup> گرچه رضاخان در آغاز برای فریب افکار عمومی اقدامات مثبتی انجام داد، امنیت نسبی را به کشور برگرداند، کاپیتولاسیون ایران و روس در زمان او ملغی شد. اما در کنار آن، قرارداد اسارت بار نفت ایران و انگلیس به مدت چهل سال تمدید شد. انگلیس کارگردان اصلی برنامه های او برای مبارزه با اسلام شد. ملت مسلمان ایران در میان اشک و خون روزگار گذراند. مقدسات همواره هتک شدند، حرمت اسلام پیوسته فراموش گشت، اسلام به طور کلی از صحنه سیاست کنار گذاشته شد، علمای اسلامی زندانی، تبعید یا شهید شدند. وعاظ و طلاب روانه زندان ها شدند مجالس امام حسین (ع) ممنوع گشت و پوشیدن لباس روحانیت ممنوع اعلام شد. مدارس اسلامی بسته گردید، چادر از سر زنان مسلمان برداشته شد. به پاسبانان عوام و برخی افسران رذل پلیس اجازه داده شد تا با وحشیانه ترین رفتار چادر از سر ناموس مسلمان بردارند و در این راه خون ها ریخته شد و پیکرها بر خاک افتاد.<sup>۴</sup>

در این جا بدون پرداختن به جزئیات عملکرد رضاخان، تنها به نقل گزارش ارپک بتمان یکی از مبلغان مسیحی که مدت ۲۰ سال در خاورمیانه مأموریت تبلیغی داشت، می پردازیم او می نویسد:

«با به قدرت رسیدن رضاخان، در اوضاع ایران تحولی بنیادی پدید آمد و رضاخان که بعداً به رضاشاه پهلوی موسوم شد، افسری از فوج قزاق بود که در سال ۱۹۲۱ م به قدرت رسید. او با دلاوری به وطن سامان بخشید و نه تنها در راه رهایی کشور از نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه؛ بلکه از نفوذ ارتجاعی روحانیت پر قدرت و خرافاتی و کهنه پرست از هیچ اقدامی فروگذار نکرد. وی به تدریج قانون شرع را منسوخ کرد و به این ترتیب قدرت روحانیون را از آنان سلب نمود، حجاب را مردود

اعلام داشت و زنان تا اندازه‌ای آزاد شدند. تعطیلات مذهبی به نحو چشمگیری کاهش پیدا کرد و دسته‌های عزاداری محرم که با شور و غوغای مذهبی همراه بود ممنوع اعلام گردید.

هیأت‌های تبلیغی مسیحی در ایران در زمینه آموزش و پرورش، کاری بس سنگین و طاقت فرسا انجام داده‌اند، امروزه ایران بیش از هر زمین دیگر به روی ما در گشوده است. در ایران امروز تعصب در امر دین از هر کشور دیگر کمتر است. اینک در ایران دری گشوده فراروی ماست و تساهلی برقرار است که در طول تاریخ این کشور هرگز سابقه نداشته است. مردم بیدار شده‌اند و در آرزوی چیزی بهتر از آنچه تاکنون داشته‌اند به سر می‌برند. بیائید از کنار این دری گشوده بی‌اعتنا نگذریم.»<sup>۵</sup>

#### حکومت محمدرضا شاه:

حکومت محمدرضا شاه از لحاظ سیاست خارجی و داخلی به دو دوره اصلی تقسیم می‌شود:

#### الف) دوره اول (۱۳۳۲ - ۱۳۲۰).

دوره اول که با اشغال کشور توسط متفقین و عزل رضاشاه توسط آنان آغاز شد، آمریکایی‌ها فاتح جنگ جهانی دوم، برای اولین بار و در کنار انگلیس در خط مقدم عرصه سیاسی ایران قرار گرفتند، سناریوی دو قدرت استعمارگر که به دست محمدرضا شاه اعلام می‌شد این بود که برخلاف رضاخان باید با انعطاف بیشتری در مسائل سیاسی به حکومت پردازد؛ البته تازه کار بودن شاه، رقابت دو ابرقدرت و شرایط بین‌المللی پس از جنگ نیز در این زمینه تأثیر داشته‌اند در این ایام قیام‌هایی با ماهیت اسلامی و ملی شکل گرفت، از جمله قیام فدائیان اسلام به رهبری شهید نواب صفوی، قیام ملی شدن نفت به رهبری آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق که در ۳۰ تیرماه ۱۳۲۹ به پیروزی قاطع نائل آمد و دولت ملی به نخست وزیری دکتر مصدق تشکیل شد که قدرت قانونی شاه نسبت به سابق محدودتر شد.

این پیروزی که می‌توانست سرآغاز درخشانی برای آینده ملت باشد، با دخالت‌های مستقیم آمریکا و انگلیس و فرار تاکتیکی شاه به خارج از کشور و پشت کردن دکتر مصدق به آیت‌الله کاشانی - که مصدق در این زمینه گفت: «من مستظهر به پشتیبانی ملت هستم» یعنی، نیاز به حمایت‌های تو ندارم - و با کودتای ننگین

۲۸ مرداد ۱۳۳۲ توسط اردشیر زاهدی درهم شکست و بی آن که قطره خونی از بینی کسی ریخته شود و کمترین مقاومتی صورت پذیرد دولت مصدق سرنگون شده و شاه مراجعت کرد.<sup>۶</sup>

### (ب) دوره دوم، (۱۳۵۷-۱۳۳۲).

در دوره دوم که با مراجعت شاه به کشور - مانند افعی زخم خورده - آغاز شد و تا سال ۱۳۵۷ ادامه یافت دوره جدیدی از فلاکت و بدبختی ملت نیز شروع شد، در این دوره، آمریکا و صهیونیست‌ها یک‌ه‌تاز میدان سیاست ایران شدند. بدین ترتیب حکومت پلیسی، کشتار جمعی، شکار مخالفین، زندانی و تبعید، تشکیل سازمان امنیت و اطلاعات کشور (ساواک)، سلب آزادی در تمام زمینه‌ها، ترویج فساد و فحشاء، مبارزه با اسلام و مظاهر آن، مبارزه همه‌جانبه با روحانیت و دهها مورد دیگر از تبعات این دوره بودند. دردآور این است که همه این امور با ماسک ترقی، تمدن، مدرنیزه کردن کشور و دفاع از حقوق کارگران و کشاورزان صورت می‌گرفت.<sup>۷</sup> در این جا برای رعایت اختصار به چند مورد از عملکرد حکومت محمدرضا شاه که جز فلاکت و بدبختی برای ملت ایران به ارمغان نیاورد، اشاره می‌شود:

#### ۱. مبارزه همه‌جانبه با اسلام

همان‌گونه که قبلاً بیان شد برنامه اصلی سلسله پهلوی تثبیت موقعیت غرب در ایران از طریق مبارزه با فرهنگ اسلام، در تمام ابعاد بود. پهلوی دوم به سیاست اسلام زدایی، آن چنان دامن زد که حتی برخی از تحلیل‌گران غربی تغییر تاریخ اسلام توسط شاه را نوعی حماقت او محسوب کرده‌اند. به هر تقدیر، موارد زیر را می‌توان نمونه‌ای از این اقدامات به حساب آورد:

دورنگه داشتن دین از سیاست، عدم اجازه کنترل قوانین توسط فقهای طراز اول کشور، عدم اجرای قوانین جزایی اسلام، ممنوعیت استفاده از چادر و روسری در مدارس و محافل علمی و اداری دولتی، ترویج فساد و بی‌بند و باری، به ابتذال کشاندن نسل جوان و به انحراف کشاندن زنان و دختران با ماسک آزادی زنان، اختلاط زن و مرد در مراکز تفریحی و ورزشی، کاباره‌ها، سینماها کناردریا و..... ترویج بی‌بند و باری به نام فرهنگ و هنر که نمونه‌ای از آن در تخت جمشید

شیراز صورت گرفت که زبان از بیان و قلم از انعکاس آن شرمگین است.<sup>۸</sup> ترویج مذاهب انحرافی بهائی‌گری، نیهلیسم (پوچ‌گرایی) در میان نسل جوان، بازگرداندن ایران به دوران جاهلیت و احیای شعارهای مجوسی به بهانه احیای فرهنگ اصیل ایرانی و ترویج روحیه شاه پرستی در ایران باستان و به دنبال آن در مراسم جشن ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی در شیراز که موجب تغییر تاریخ پرافتخار هجری اسلام به تاریخ ننگین شاهنشاهی گردید، شاه بر سر قبر کورش گفت: تو بخواب ما بیداریم. امام خمینی (ره) به خاطر اقدام اخیر شاه فرمود: «...در عین حال که وطن در دست آمریکایی‌ها بود به کورش خاطر جمعی می‌دادند که تو بخواب که ما بیداریم، مسخره را بنگرید! بیدار برای چه؟ وطنی که یک گروه‌بان آمریکایی باید به ارتشبد تو دستور دهد، چه وطنی، چه محافظتی از وطن؟».

جلال آل احمد در این خصوص می‌نویسد: «آخر اسلام را باید کوبید و چه جور؟ این جور که از نو مرده‌های پوسیده و رسیده‌ای را که سنت زردشتی باشد و کورش و داریوش، از نو زنده کنی و خدای فروهر را بر تاق ایوان‌ها بکوبی و سر ستون تخت جمشید را احمقانه بر سردر شهربانی تقلید کنی...»<sup>۹</sup>

شاه در مبارزه علیه اسلام آن چنان بی پروا عمل می‌کرد، که در یک نطق رسمی در آغاز بیست و چهارمین و آخرین دوره مجلس در سال ۱۳۵۴، شدیداً فرهنگ اسلام را تحت عنوان فرهنگ اجانب مورد حمله قرارداد و یکی از رسالت‌های خویش را زدودن آن عنوان کرد: «ملت ما مصمم است در این دوران تازه از زندگی خویش، تمام آثار انحطاط را به دست فراموشی سپرده و فرهنگ ایرانی را از همه آلودگی‌هایی که ممکن است به دست عوامل بیگانه در این فرهنگ راه یافته باشد دور سازد و هرآنچه که نشان سازندگی و پاکی و نیرومندی ندارد و شایسته فرهنگ ایرانی نیست، از آن کنار گذارد!»<sup>۱۰</sup>

پیداست منظور شاه از فرهنگ بیگانه فرهنگ منحط غربی که نبود؛ چرا که او و اربابانش مصمم به ترویج فرهنگ غرب و هر فرهنگ دیگری که مانع نفوذ فرهنگ غرب بنا شده، بودند؛ بلکه منظور او فرهنگ اسلام بود؛ زیرا در پی آن و در همان سال اقدام به تغییر تاریخ اسلام به تاریخ شاهنشاهی و موارد دیگر که در ادامه بحث به آن اشاره می‌شود، مؤید این امر است.

## ۲. فساد اقتصادی

شاه از اموال این ملت بیچاره آن قدر به حساب‌های شخصی خود در بانک‌های خارج واریز کرده که طبق آمار منتشره در سالهای پس از پیروزی انقلاب، سود خالص سرمایه‌گذاری‌های شاه در دنیا در هر دقیقه بیش از شش هزار دلار و سود سالانه او بالغ بر سه میلیارد دلار بوده است، شمس پهلوی به تنهایی در آمریکا شش میلیارد دلار ذخیره بانکی داشت که بخشی از آن را چندی پیش صرف دکوراسیون ویلای خود در لوس آنجلس کرده است. به عنوان مثال، فقط در ماههای شهریور و مهر ۱۳۵۷ هفده میلیارد تومان از ثروتهای ملی ایران - با ارزش آن زمان - توسط هیأت حاکمه از ایران خارج شد.<sup>۱۱</sup>

یکی از خیانت‌های بزرگ شاه به ملت و اموال آن، مربوط به جشن تاجگذاری رسوای شاه و همسرش بود که بیستم مهر تا بیستم آبان ۱۳۴۶ ادامه یافت، بخشی از هزینه‌های این جشن به شرح زیر است: تاج شاه با ۳۳۸۰ قطعه الماس و ۵۰ قطعه زمرد ۳۶۸ جبه مروارید و با وزن دو کیلو و هشتاد گرم و از نظر قیمت غیر قابل تخمین. تاج همسر شاه با ۱۶۴۶ قطعه الماس و تعداد مشابهی از جواهرات دیگر و طلا به تخمینی چهارده میلیون دلار و هزینه درشکه مخصوص ۱۵۰ هزار دلار.<sup>۱۲</sup>

امام خمینی (ره) با اشاره به غارت بیت‌المال توسط رژیم و به فلاکت کشاندن ملت می‌فرماید: «بخش زیادی از پول این ملت را صرف خرید اسلحه از آمریکا می‌کنند تا برای او در برابر شوروی پایگاه بسازند و بخش دیگری هم به حلقوم محمدرضاخان و عائله و کسان او ریخته می‌شود. و می‌افزایند: می‌گویند شصت هزار نفر عائله سلطنتی هستند؛ یعنی آنهایی که باید از این سفره بخورند و کار نکنند، بخورند و بیعاری بکنند. پس عایدات کم نیست، خورنده زیاد است».<sup>۱۳</sup>

از سویی دیگر، به قول خانم کدی، شاه به بهانه نوسازی، وابستگی به غرب را به شدت افزایش داد و این وابستگی شدید، بعضاً بدین خاطر بود که تاکید حکومت به انجام پروژه‌های نمایشی و بزرگ بیشتر بود، امری که در کشورهای جهان سوم بیشتر به چشم می‌خورد، اما در ایران به افراط کشانده شده بود، خرید تسلیحات فوق مدرن و بسیار پیچیده و کالاهای مصرفی تفننی، که همه آنها ایران را در موقعیتی قرار می‌داد که در بلند مدت متکی به کشورهای غربی و به خصوص ایالات متحده آمریکا باشد. و منافع آنها را نیز به جیب شرکت‌های آمریکایی سرازیر می‌کرد، رواج کامل داشت.<sup>۱۴</sup>

بنابر ارزیابی‌های به عمل آمده، در سال ۱۳۳۱ صادرات ایران ۱۱ درصد بیش از واردات بود، میزان تورم و فاصله طبقاتی به طرز بی سابقه‌ای افزایش یافته بود.<sup>۱۵</sup>

### ۳. فساد سیاسی

شاه در کنار حیف و میلها و بی‌کفایتی‌ها از یکسو، سعی در جلب حمایت‌های بیشتر از آمریکا داشت؛ چراکه بدون کمک او با فرض این که پایگاه مردمی نداشت، نمی‌توانست به حیات سیاسی‌اش ادامه دهد. از جانب دیگر، با تشکیل سازمان مخوف ساواک و حکومت پلیسی، در سرکوبی مبارزین و معترضین و شکار آنان از هیچ کوششی دریغ نمی‌کرد.

قساوت و بی‌رحمی ساواک در شکار متهمان و شکنجه دادن و زندانی کردن در سیاهچال‌ها تا به آن جا رسید که دبیر کل سازمان بین‌المللی عفو در سال ۱۹۷۵ اعلام کرد: کارنامه هیچ کشوری در جهان سیاه‌تر از کارنامه ایران در زمینه حقوق بشر نیست، کارشناسان این سازمان در گزارشهای خود نوشتند: «جلادان ساواک علاوه بر استفاده از شوک الکتریکی و ضرب و شتم، از انواع وحشی‌گری‌ها از آن جمله از فرو بردن بطری‌های شکسته به نشیمن‌گاه زندانیان و... استفاده می‌کنند و از انعکاس فریادهای دلخراش قربانیان به خارج جلوگیری می‌کنند».<sup>۱۶</sup>

فریدون هویدا برادر امیرعباس هویدا می‌نویسد: «با آن که ساواک اسماً وابسته به نخست‌وزیری بود. اما مستقلاً کار می‌کرد و دستورات خود را مستقیماً از شاه می‌گرفت. ساواک که کلیه فعالیت‌هایش کاملاً جنبه محرمانه و پنهانی داشت، تمام سعی خود را به کار می‌گرفت تا محیطی آکنده از ترس به وجود آورد و با این کار چنان جوّ مسمومی بر تمام جامعه حکم فرما کرده بود که هیچ کس جرئت نداشت در حضور دیگران سخنی به زبان آورد تا جایی که دوستانم هم می‌خواستند مطلبی را با من در میان گذارند، مرا به گوشه خلوتی در باغچه منزل می‌بردند و در آنجا با صدای آهسته حرف خود را می‌زدند».<sup>۱۷</sup>

خانم کدی می‌نویسد: «ساواک که توسط سازمان سیا و موساد آموزش می‌دید، چهار شاخه داشت، بخشی از ساواک در زندان به کتک زدن و شکنجه‌هایی که قبل از انقلاب شهره عام و خاص بود مشارکت داشت. بخشی دیگر از مأموران را افراد تحصیل کرده و خوش لباسی تشکیل می‌دادند که سعی می‌کردند مردم را از

مخاطرات بیراهه حرف زدن حرف زدن و یا بیراهه عمل کردن آگاه کنند، علاوه بر این شاه نیروهای امنیتی و اطلاعات دیگری را هم در کنار ساواک حفظ می‌کرد تا بعضاً به کنترل و مراقبت از یکدیگر پردازند. تعداد زیادی از افراد اطلاعاتی در بین گروه‌های مخالف نفوذ کرده بودند، وقتی زندان و شکنجه و حتی مرگ در پیش روی افراد قرار داشت، دیگر تعجبی ندارد که حتی اعضای گروه‌های مخالف نیز به دیگر اعضای گروه مشکوک شده و تقلیل یابند. حاصل چنین شیوه مملکت‌داری چنین شد که ملتزمین شاه پیش از پیش در رساندن اخبار و مطالب ناخوشایند به او تردید به خرج می‌دادند، وقتی هیچ کس اجازه نداشت تا در مقابل او عرض اندام و یا با نظرات او مخالفت کند، طبیعی است که شاه احتمالاً کم‌کم تصویری را که از خودش در کتابها و یا در سخنانش ترسیم می‌کرد باور می‌داشت و مخالفین خود را تحت عنوان مرتجعین سرکوب می‌کرد.

از طرفی، شاه برای نهادینه کردن قدرتش پس از روی کار آمدن دوباره، در سال ۱۳۳۲ مصمم شد تا هرگز نگذارد وضعیتی شبیه به زمان مصدق تکرار گردد. و بخش اصلی قانون اساسی مشروطیت را که مقرر می‌داشت: حکومت از هیأت دولتی تشکیل می‌گردد که در مقابل مجلس و با رأی آزاد ملت انتخاب شده، مسئول می‌باشد. قدرت شاه به چند مورد محدود محدود می‌باشد، به دست فراموشی بسپارد. برای این منظور انتخاب مجلس هیجدهم در اواخر ۱۳۳۲ زیر نظر مستقیم رژیم برگزار شد. رژیم نیز کاندیداهایی را انتخاب می‌کرد که مانند مجلس‌های پس از آن مطیع اوامر شاه باشند.

یک بار دیگر در سال ۱۳۴۶ متمم قانون اساسی تغییر داده شد و به موجب آن فرج به عنوان نائب السلطنه انتخاب شد تا ولیعهد به سن قانونی برسد.<sup>۱۸</sup> شاه در راستای نهادینه کردن اقتدار خود ضمن دست‌کاری کردن در قانون اساسی و دخالت‌های مستقیم در سیستم قانون‌گذاری و تشکیل ساواک، سرانجام به سیستم تک‌حزبی در سال ۱۳۵۲ تحت نام حزب رستاخیز مبادرت کرد. با تأسیس حزب رستاخیز توسط شاه و موضع‌گیری‌های بعدی او در مورد لزوم حمایت و عضویت در حزب مذکور توسط همه شهروندان، بسیاری از تحلیل‌گران به این نتیجه رسیدند که شاه به حکومت مشروطه پشت کرده است، اما حقیقت این است که او با این کار هویت ملی و شخصیت همه ملت ایران را لگدمال کرده بود. شاه در قسمتی از

موضع‌گیری‌هایش در این زمینه اظهار داشت: «کسی که در این حزب سیاسی جدید وارد نشود... یا فردی است که به یک سازمان غیرقانونی تعلق دارد یا به حزب غیرقانونی توده وابسته است و یا به عبارت دیگر یک خائن است، چنین فردی جایش یا در زندانهای ایران است و یا اگر مایل باشد همین فردا می‌تواند کشور را ترک کند؛ زیرا او ایرانی نیست، وطن ندارد و فعالیت‌هایش غیرقانونی است و بر اساس قانون می‌توان او را مجازات کرد.»<sup>۱۹</sup>



## پی‌نوشت‌ها

۱. تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلال‌الدین مدنی، ج ۱، ص ۸۲.
۲. همان مأخذ، صص ۸۲-۹۰.
۳. تفسیر آفتاب، محمدرضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران بی‌تا، صص ۹۸-۹۹.
۴. همان مأخذ، ص ۱۰۸ و کشف‌الاسرار، امام خمینی (ره)، بی‌جا، بی‌تا، ص ۲۳۹.
۵. پلی به سوی اسلام نوین، آموزش و پرورش، سال چهارم، صص ۱۷۲-۱۷۴.
۶. ریشه‌های انقلاب ایران، نیکی کدی، صص ۲۰۱-۲۰۲.
۷. تفسیر آفتاب، محمدرضا حکیمی، صص ۹۹-۱۰۰.
۸. آئین انقلاب اسلامی، برگزیده‌ای از اندیشه و آراء امام (ره)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران، ۱۳۷۳، صص ۱۵۵-۱۶۶.
۹. تفسیر آفتاب، محمدرضا حکیمی، صص ۱۱۴-۱۱۵.
۱۰. ریشه‌های انقلاب اسلامی، عباسعلی عمید زنجانی، صص ۴۹۹-۵۰۰.
۱۱. تا زمانی که شاهان وجود دارند، علی اصغر حاج سیدجوادی، ص ۵۷.
۱۲. آئین انقلاب اسلامی، همان، صص ۲۶۲-۱۶۱.
۱۳. ریشه‌های انقلاب اسلامی، عباسعلی عمید زنجانی، ص ۴۵۷.
۱۴. ریشه‌های انقلاب ایران، نیکی کدی، صص ۲۵۳-۲۵۴.
۱۵. تا زمانی که شاهان وجود دارند، علی اصغر سیدجوادی، ص ۵۷.
۱۶. روزنامه آیندگان، ۱۳۵۸/۱/۱۸.
۱۷. مجموعه مقالات، همان، ج ۲، ص ۲۲۰.
۱۸. همان مأخذ، صص ۲۵۶-۲۵۷.
۱۹. همان مأخذ، ص ۲۲۱.
۲۰. در تنظیم و دسته‌بندی مطالب این فصل، از نکته‌ها و روش کتاب پژوهشی نو پیرامون انقلاب اسلامی اثر جناب آقای حمید دهقان، استفاده گردید.



# بخش سوم

مباحث اصلی



## فصل اول

### روند پیدایش انقلاب اسلامی

در باره پیدایش انقلاب اسلامی دو دیدگاه دور و نزدیک وجود دارد: صاحبان دیدگاه اول اظهار می‌دارند که باید زمینه‌های پیدایش انقلاب را در طول تاریخ شیعه جستجو کرد؛ اما دارندگان دیدگاه دوم زمینه‌های پیدایش انقلاب اسلامی را حوادث بعد از سال‌های ۱۳۴۰ هـ ش می‌دانند. برطبق نظریه نخست، مکتب انسان ساز اسلام، با نهضت، حرکت و انقلاب پیوند ناگسستنی دارند؛ چرا که اسلام دین همیشگی و جهانی بوده و با قوانین و احکام و دستورات انقلابی که دارد از ابتدا با طاغوتیان و زورمندان مبارزه کرده است. این راه و روش در زندگی سیاسی و مبارزاتی امامان بزرگوار شیعه هم تداوم پیدا کرده است؛ تا اینکه با آغاز غیبت کبری امام دوازدهم، این رسالت تاریخی برعهده جانشینان آن بزرگوار گذاشته شده است. از این رو می‌توان گفت که: انقلاب اسلامی ایران ادامه مبارزات پیامبران و امامان معصوم (ع) علیه طاغوتیان می‌باشد. بر اساس این دیدگاه، برای پیدایش انقلاب اسلامی باید به بررسی زمینه‌های نهضت‌های اسلامی در طول تاریخ شیعه پرداخت.

دیدگاه دوم هرچند که علل دور را نادیده نمی‌گیرد ولی روند پیدایش انقلاب اسلامی را مرهون یک سری علل نزدیک که بیشتر در اواخر دهه ۱۳۳۰ هـ ش و اوایل دهه ۱۳۴۰ هـ ش. اتفاق افتاده می‌داند. این حوادث شامل درگذشت حضرت آیت‌الله بروجردی، تصویب انجمن‌های ایالتی و ولایتی، انقلاب سفید، کاپیتولاسیون و غیره است. لازم به ذکر است که این دیدگاه مورد تأیید امام خمینی (ره) نیز هست؛ چرا که ایشان نیز شروع انقلاب اسلامی را سال ۱۳۴۱ هـ ش.

می دانستند.<sup>۱</sup> از این رو نگارنده این پژوهش نیز، روند پیدایش انقلاب اسلامی ایران را از سال ۱۳۴۱ ه. ش. به بعد مورد بررسی قرار می دهد.

### ۱. درگذشت آیت الله بروجردی و کاشانی و اقدامات شاه

سال ۱۳۴۱ ه. ش. را می توان سرفصل تازه ای در تاریخ سیاسی معاصر و مبارزات مذهبی ملت ایران دانست. در این سال پس از یک دوره اعتراض ها و انتقادهای شدیدی که از سوی روحانیت به ویژه امام خمینی (ره) به شیوه های حکومتی نظام شاهنشاهی پهلوی وارد شد، حوادثی پیش آمد که منجر به رویایی مستقیم روحانیون و مردم با رژیم شاه شد.

رحلت آیت الله بروجردی در فروردین سال ۱۳۴۰ ه. ش به زعم دولت مردان موجبی برای تضعیف روحانیت و از مرکزیت افتادن شهر قم که به عنوان یکی از کانون های مبارزه علیه شاه بود؛ زیرا با وجود ایشان رژیم شاه در کارهای خود جانب احتیاط را رعایت می کرد و جرئت دست زدن به کارهای خلاف شرع را نداشت. آیت الله بروجردی به برنامه های رژیم شاه خوش بین نبود. ایشان حاضر به قبول اصلاحات آمریکایی رژیم شاه نشدند و معتقد بودند که کارهای واجب تری در مملکت وجود دارد که باید انجام شود. از اظهارات ایشان است که می گوید: «من هرگز در قبال خلاف کاری ها و قانون شکنی های دستگاه حاکم ساکت نمی نشینم».<sup>۲</sup>

رحلت آیت الله کاشانی در اسفند همان سال نیز مزید بر علت بود و رژیم شاه از درگذشت ایشان بسیار خوشحال شد، چرا که آیت الله کاشانی روحانی فعال و خستگی ناپذیری بود که از زمان ورود به عرصه فعالیت های سیاسی ایران، همواره به عنوان یکی از موانع عمده برای دولت های وابسته به بیگانه محسوب می شد. از این رو رژیم شاه فکر می کرد که با درگذشت او این موانع از سر راهش برداشته شده است.<sup>۳</sup> امام خمینی (ره) پس از درگذشت آیت الله بروجردی سخت نگران شدند؛ زیرا می دانستند رژیم، توطئه ها و نقشه های فراوانی علیه اسلام و ملت در دست دارد و می خواهد در این فرصت به دست آمده آن طرح ها را، به اجرا درآورد. ایشان به حق دریافته بودند که راه رهایی مردم مسلمان ایران قیام و نهضتی است که به رهبری مرجع تقلید وقت به وقوع بپیوندد و بهترین را این است که خودشان پرچم مبارزه را به منظور شعله ور ساختن آتش انقلاب و به خروش درآوردن مردم به دوش

گیرند و به همین جهت به دنبال فرصت مناسبی بودند. شاه زمزمه‌های ایجاد مراکز خلاف شئون اسلامی نظیر سینما، مراکز فساد و فحشا و مشروب فروشی در قم را آغاز کرد. تا به خیال واهی خود از یک سو، قم را از صورت پایگاه روحانی و دینی خارج سازد و از سوی دیگر، با تدوین قوانین جدیدی، برای همیشه خود را از گرفتاری‌هایی که مذهب و مجامع مذهبی، به ویژه علما و مراجع قم برایش فراهم کردند، خلاص کند؛ اما برعکس، اقدام‌های ضد مذهبی شاه باعث قیام و شروع نهضت به رهبری امام خمینی (ره) شد.<sup>۴</sup>

## ۲. تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و واکنش امام خمینی

انجمن‌های ایالتی و ولایتی در اصل‌های ۹۱ و ۹۲ متمم قانون اساسی مشروطه، پیش بینی شده و نظامنامه مصوب مجلس اول، شرایط انتخاب شوندگان و انتخاب کنندگان را مسلمان بودن، سوگند به قرآن و عدم حق رای به زنان اعلام کرده بود؛ ولی از آن زمان تا سال ۱۳۴۰ مسکوت مانده بود. در این سال شاه روی اغراض سوئی که علیه اسلام پیش گرفته بود، این موضوع را با توجه به دوران فترت مجلس با عنوان تصویب نامه، ابتدا در دولت اقبال مطرح و سپس در دولت علم به تصویب رساند.<sup>۵</sup>

موضوع انجمن‌های ایالتی و ولایتی نخستین برخورد امام خمینی با دولت علم بود که در ادامه آن، حوادث و درگیری‌های بزرگی پدید آمد که به مقابله امام خمینی با شاه انجامید. مطبوعات روز ۱۶ مهر ۱۳۴۱ ه. ش، اعلام داشتند که دولت لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی جدید را تصویب کرد. در متن این تصویب‌نامه قید اسلام از شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان حذف شده بود و در مراسم سوگند، به جای قرآن، کتاب آسمانی آورده شده بود و با توجه به سیاست‌های ضد اسلامی شاه، به زنان نیز حق رای داده شده بود. هدف از این تصویب‌نامه در هیأت دولت که در تعطیلی طولانی مجلس، آن هم خلاف قانون اساسی صورت می‌گرفت این بود که گناه تیره بختی زنان را برگردن اسلام و قانون اساسی انداخته و زمینه را جهت اسلام‌زدایی از کشور، اصلاح قانون اساسی و سپردن پستهای حساس به دست عوامل بیگانه که تحت عنوان اقلیت‌های مذهبی به خیانت، جاسوسی و بیگانه پرستی مشغول بودند هموار ساخت.<sup>۶</sup>

امام خمینی (ره) که توطئه دشمن را دریافته بودند و آن را مقدمه‌ای برای اجرای برنامه‌های ضد اسلامی دیگر شاه می‌دانست، بلافاصله علمای طراز اول قم را به مشورت دعوت نمودند و در پایان جلسه، این تصمیمات گرفته شد: طی تلگرافی به شاه، مخالفت مراجع و علما با لایحه، اعلام و لغو فوری آن درخواست شد؛ علمای تهران و شهرستان‌ها از طریق نامه و... در جریان امور قرار داده شوند و هفته‌ای یک بار یا بیشتر جلسه مشورت بین علما برقرار شود تا تصمیمات با وحدت نظر و عمل توأم گردد.

شاه شش روز بعد در تلگرافی به امام و سه تن از مراجع قم این تغییرات را غیر مهم و نتیجه وضعیت زمانه دانست و آن را به دولت محول کرد، پس از ارجاع تلگراف علما به علم، مراجع قم تلگرافی به علم مخابره کردند؛ ولی علم به جای عذرخواهی، در یکی از سخنرانی‌های خود هرگونه اخلال‌گری را محکوم و اقدامات مراجع و علما را حرکتی ارتجاعی دانست. سرانجام پس از یک ماه و نیم، دولت در برابر اعتراض روحانیون و خشم عصیان مردم تسلیم شد و طی تلگرافی به سه تن از مراجع قم (به جز امام) موافقت خود را با خواسته‌های آنان اعلام داشت. هرچند برخی علما پاسخ علم را نشانه عذرخواهی وی دانستند؛ اما امام خمینی با هوشیاری خود متوجه حيله شاه شد و پاسخ علم را کافی ندانستند و خواستار درج آن در روزنامه‌های کشور شدند. سرانجام در ده آذر ۱۳۴۱ هـ ش روزنامه‌ها نوشتند که هیأت دولت تصویب کرد که تصویب‌نامه مورخه ۱۳۴۱/۷/۱۴ قابل اجرا نخواهد بود.

امام خمینی طی اعلامیه‌ای ضمن تشکر از مردم چنین آوردند: «قیام عمومی دینی شما موجب عبرت برای اجانب گردید، لیکن لازم است متذکر شوم که مسلمین باید بیش از پیش بیدار و هوشیار بوده مراقب اوضاع خود و مصالح اسلام باشند و صفوف خود را فشرده‌تر سازند که اگر خدای نخواسته دست‌های ناپاکی به سوی مقدسات آنها دراز شود قطع کنند.»<sup>۷</sup>

از دستاوردهای قیام مردم علیه تصویب‌نامه را می‌توان آگاه شدن توده‌ها، نمایان ساختن ماهیت ضد اسلامی شاه، دمیدن روح امید و اتحاد و هماهنگی دینی علمای روحانی و مردم... نام برد.

اندکی بعد، رژیم شاه سعی کرد با دستاویز قرار دادن نقش زن و حقوق او در



انجمن‌های ایالتی و ولایتی و با استفاده از ۱۷ دی (روز کشف حجاب) اعتبار از دست رفته خود را جبران کند و با به خیابان کشاندن اجباری زنان کارمند و دختران دانش‌آموز و... قدرت خود را به رخ روحانیت و مردم بکشد، ولی با تصمیم امام خمینی مبنی بر این که اگر این روز جشن گرفته شود، به مناسبت فاجعه مسجد گوهرشاد که در چنین روزی رخ داده بود، عزای ملی اعلام می‌کند، رژیم را از گفته خود منصرف کرد و این هم پیروزی دیگری برای امام خمینی و مردم بود.<sup>۸</sup>

### ۳. اصلاحات آمریکایی شاه و فراندوم شش بهمن ۱۳۴۱

پس از آن که لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی بر اثر مبارزات پیگیر و قاطعانه امام (ره) به مرحله عمل درنیامد، رژیم شاه برای جامه عمل پوشاندن به نیت خودش از جمله، از بین بردن نیروهای مذهبی و خواسته‌های معنوی مردم، در صدد برآمد که سیاست‌های دیکته شده آمریکا مبنی بر انجام یک سری اصلاحات اجتماعی و سیاسی در ایران به اجرا درآورد. به همین جهت در ۱۹ دی ۱۳۴۱ هـ ش اصلاحات مورد نظر خود را تحت عنوان انقلاب سفید اعلام کرد و طی آن، اصول ششگانه، القای ارباب و رعیتی، اصلاحات ارضی، ملی کردن جنگلها، فروش سهام کارخانه‌های دولتی، سهام کردن کارگران در منافع کارگاه‌های تولیدی، اصلاح قانون انتخابات و ایجاد سپاه دانش را به فراندوم گذاشت.

هدف رژیم از اعلام این اصلاحات، تظاهر به پیشرفت و ترقی، اغفال مردم و جلوگیری از انقلاب توده محروم و همچنین تأمین منافع استعمارگران و تثبیت حضور آنان در این کشور بود. امام خمینی (ره) که مسئولیت رهبری امت اسلامی را بر عهده گرفته بودند، نمی‌توانستند در برابر این توطئه ساکت باشند؛ لذا پس از مشورت با روحانیون برجسته قم قرار شد که مرحوم آیت الله کمالوند برای مذاکره به دربار رفته و نظرهای خیراندیشانه علما و موضع منفی و مخالفت شدید آنها را با انقلاب سفید، به شاه گوشزد نمایند.<sup>۹</sup>

شاه به جای پاسخ‌گویی به ابهامات و...، ضمن انتقاد شدید از روحانیون چنین اعلام کرد: «اگر آسمان زمین بیاید و زمین به آسمان برود من باید این برنامه را اجرا کنم؛ زیرا اگر نکنم من از بین می‌روم...» به دنبال این توجیه شاهانه، امام خمینی (ره) طی بیانیه‌هایی اعلام داشتند: «...این فراندوم اجباری مقدمه‌ای برای از بین

بردن مواد مربوط به مذهب است... علمای اسلام وظیفه دارند هر وقت برای اسلام و قرآن احساس خطر کردند به مردم گوشزد کنند تا در پیشگاه خداوند مسئول نباشند.<sup>۱۰</sup> به دنبال این بیانیه موج تظاهرات و اعتصابات علیه فراندوم قلابی شاه تهران را فراگرفت.

شخص شاه نیز برای عوام فریبی در چهارم بهمن ماه به قم رفت. در این روز مردم به دستور امام در خانه‌ها ماندند و به استقبال شاه نرفتند. شاه که از این بی‌مهری به خشم آمده بود سخنانی علیه روحانیت و بازاریون ایراد کرد و حرکت علمای اسلام را ارتجاع سیاه نامید. به رغم تمام مخالفت‌ها و اعتصابات‌ها و تظاهراتی که علیه فراندوم شاه در شهرهای مختلف صورت گرفت؛ پس از انجام فراندوم، آمریکا و انگلیس و شوروی برنامه‌های اصلاحی شاه را ستودند و به وی تبریک گفتند. رژیم شاه نیز با تبلیغات گسترده‌ای از پیروزی همه‌جانبه خود حرکت میلیونی مردم را به رخ روحانیت و مخالفین می‌کشید. در چنین شرایطی امام خمینی (ره) با بیان محکم و قاطع و رسا موضع تزلزل‌ناپذیر خود را مشخص ساخت و برای اولین بار پس از شروع نهضت مخالفت خود را متوجه شاه و دربار کرد. و زمینه مبارزه را علیه دربار و شاه آماده ساخت. ایشان طی سخنانی در این باره فرمودند: «از این سرنیزه‌های زنگ زده و پوسیده نترسید، این سرنیزه‌ها به زودی خواهد شکست!... چرا شاه باید اینقدر از ملت جدا باشد که وقتی پیشنهاد می‌دهد با بی‌اعتنایی و عکس‌العمل منفی مردم مواجه گردد؟»<sup>۱۱</sup>

امام خمینی (ره) برای برپا نگاه داشتن شعله‌های انقلاب، مقامات روحانی قم را به نشست منظم هفتگی و تصمیم‌گیری لازم جهت رویارویی با برنامه‌های ضد اسلامی شاه تشویق می‌کردند. در یکی از این نشست‌ها امام توانستند موافقت مقامات روحانی را برای صدور اعلامیه‌ای برای پاسخ‌گویی به ادعاهای رژیم و افشای انگیزه‌های دولت جلب کنند. در این اعلامیه که به اعلامیه نه امضایی معروف شد، به ادعاهای رژیم از جنبه‌های گوناگون حقوقی و شرعی جواب داده شده است. واکنش رژیم در قبال صدور این اعلامیه به دو شکل بود: رژیم سعی کرد از یک طرف با چاپ مقالات در روزنامه‌ها و تبلیغات فراوان اثرات این اعلامیه را خنثی کند و از طرف دیگر شخص شاه نیز تهدید می‌نماید.

امام خمینی (ره) با پیش‌بینی حوادث تلخ آینده، سعی داشتند از هر فرصتی

برای این منظور استفاده کنند؛ لذا در ایام نوروز که مردم از سراسر کشور برای زیارت حضرت معصومه (س) به قم آمده بودند با صدور دو اعلامیه به عنوان اعتراض به دستگاه حاکمه که «قصد براندازی احکام اسلام را داشت» فرمودند: «این جانب عید نوروز را به عنوان عزا و تسلیت به امام عصر (عج) جلوس می‌کنم و به مردم اعلام خطر می‌نمایم... دستگاه حاکمه به احکام مقدسه اسلام تجاوز کرد و به احکام مسلمه قرآن قصد تجاوز دارد... من این عید را به جامعه مسلمین اعلام عزا می‌کنم... من چاره در این می‌بینم که این دولت مستبد به جرم تخلف از احکام اسلام و تجاوز به قانون اساسی کنار برود...»<sup>۱۲</sup>

#### ۴. فاجعه مدرسه فیضیه و واکنش امام خمینی

شاه که از مخالفت‌های امام خمینی به شدت به خشم آمده بود، در صدد رویارویی مستقیم با روحانیت برآمد تا با نشان دادن قساوت و خشونت خود آنها را مرعوب سازد و بتواند با خیال راحت و به اتکای رفراندوم غیرقانونی تحت شرایط جدید ملت را به بازی بگیرد؛ لذا تهاجم به مدرسه فیضیه بر اساس همین محاسبه انجام شد. او قصد داشت این سرکوبی را به نام ملت و آن هم کارگر و دهقان تمام نماید و با تبلیغات گسترده خود وانمود نماید که مخالفین انقلاب سفید و معترضین به رفراندوم در هیچ لباسی از خطر مصون نیستند.

در روز دوم فروردین ۱۳۴۲ هـ ش مصادف با شهادت امام صادق (ع)، مجلس عزاداری در مدرسه فیضیه برگزار بود. گوینده پس از اشاره به زندگی و مبارزات امام صادق (ع)، به حوزه علمیه قم به عنوان دانشگاه امام صادق (ع) اشاره کرد. در این هنگام صلوات نابجای جمعی از حاضرین آغاز شد، به گونه‌ای که گوینده نتوانست سخن خود را ادامه دهد. در همین حال یکی از مأموران رژیم میکروفون را گرفته و تقاضای فاتحه برای رضاخان کرد، که بلندگو قطع شد و زد و خورد مأمورینی که برای برهم زدن مجلس آمده بودند با مردم آغاز شد، در این هنگام نیروهای کمکی از شهربانی به یاری مأمورین شتافتند و جنایات کم سابقه‌ای را، آن هم در روز شهادت امام جعفر صادق (ع) و در پیش چشم هزاران نفر که از سراسر ایران برای تحویل سال نو به قم آمده بودند، انجام دادند. نیروهای رژیم پس از انجام وحشی‌گریهای بسیار و با به جا گذاشتن تعدادی کشته و مجروح، لباس و کتاب

طلاب را به آتش کشیده، محل را ترک کردند.

در این فاجعه خونین، اگر امام خمینی (ره) توطئه شاه را خنثی نمی‌کرد شاید تا دهها سال دیگر اثری از انقلاب در مردم پیدا نمی‌شد.<sup>۱۳</sup> امام خمینی (ره) در پی این فاجعه، اعلامیه‌ای مبنی بر «شاه دوستی یعنی غارتگری» انتشار داد و فتوای تاریخی خود را صادر کرد: «...شاه دوستی یعنی غارتگری، هتک اسلام و تجاوز به حق مسلمین، تجاوز به مراکز علم و دانش... و اصول اسلام در خطر است. قرآن و مذهب در مخاطره است با این احتمال تقیه حرام است و اظهار حقایق واجب... من اکنون قلب خود را برای سرنیزه‌های مأمورین شما حاضر کرده‌ام ولی برای قبول زورگویی‌ها و خضوع در برابر جباری‌های شما حاضر نخواهم بود.»<sup>۱۴</sup>

شعله‌ای که از فیضیه برخاسته نمی‌بایست خاموش شود. به همین خاطر در آستانه چهلم شهدای فیضیه، امام اعلامیه دیگری صادر نمودند. در این اعلامیه پس از نفرت و انزجار از مسببین این فاجعه به نقش شاه به عنوان عامل اصلی جنایات و قانون شکنی‌ها اشاره شد. در هر حال امام از این فاجعه برای درهم کوبیدن رژیم بسیار بهره برد و هیچ موقعیتی را از دست نداد و همین دقت نظر و توجه به مسائل روز بود که رهبری امام را در بین توده‌های مردم مستحکم ساخت.

##### ۵. محرم ۱۳۴۲ و سخنرانی مهم امام خمینی در روز عاشورا

با نزدیک شدن ماه محرم، رویارویی بین شاه و امام حتمی می‌شد؛ چراکه پس از فاجعه فیضیه به دلیل محدودیت‌های رژیم برای امام، معظم‌له امکان نیافته بود سخنرانی نماید. از طرف دیگر، ایام محرم بهترین موقعیت برای افشای جنایات شاه و برنامه‌های ضد اسلامی او بود. به همین جهت دستگاه امنیتی شاه پیش از ماه محرم وعاظ را احضار نمود و آنان را ملزم کرد که در سخنرانی‌های خود، علیه شاه و اسرائیل سخنی ابراز نکنند و نگویند که اسلام در خطر است.

امام خمینی پس از اطلاع از این جریان اعلامیه‌هایی صادر کرد و محدودیت‌های ساواک را غیرقانونی و التزام‌گیرندگان را مجرم دانستند. خود ایشان نیز با همه توصیه‌ها و تهدیدهایی که می‌شد از تصمیم خود مبنی بر سخنرانی در روز عاشورا منصرف نشدند. با این سخنرانی آتشین و حماسه آفرین، امام به طور رسمی در مقابل شاه قرار گرفت و به بت شکنی پرداخت و به مبارزه در جهت

واژگون کردن رژیم سلطنتی و تاج و تخت شاهنشاهی، تحرکی نو داد. امام با بهره‌گیری از ایام عاشورای حسینی، در نطق آتشین خود حکومت پهلوی را با دودمان بنی امیه و بنی عباس مقایسه نمود. و نسبت به همسویی شاه با اسرائیل هشدار داد و تهدید نمود که در صورت ادامه مخالفت‌های شاه با اسلام و ملت، او را از مملکت بیرون خواهند کرد: «ای جناب شاه، من به تو نصیحت می‌کنم... این قدر با ملت بازی نکن... این قدر با روحانیت مخالفت نکن... یک قدری عبرت ببر. عبرت از پدرت ببر!... آقای شاه نفهمیده می‌رود بالای آنجا می‌گوید تساوی حقوق زن و مرد. آقا این را به تو تزریق کردند که بگویند بهائی هستی که من بگویم کافر است. بیرونت کنند نکن این طور. بدبخت نکن این طور!»<sup>۱۵</sup>

این سخنرانی ساده که کلمات آن برای همه قابل فهم بود با خطابی مستقیم به شاه، او را شکست و خوار کرد و ترس و وحشتی را که در بین توده مردم از شاه و دستگاه امنیتی وی وجود داشت تا حد بسیاری از بین برد و به ملت شهامت داد که قهرمانانه بپاخیزند و به وظایف خود عمل کنند. شاه نیز که دریافته بود این شخصیت تزلزل‌ناپذیر است و اساس سلطنت را مورد تهدید قرار داده و از راه تهدید و تطمیع نمی‌توان او را از راهی که پیش گرفته بازداشت، راه خشونت را انتخاب کرد. به همین جهت ابتدا تعدادی از روحانیون مبارز و پیروان ایشان را بازداشت کردند و در نهایت در نیمه شب ۱۵ خرداد پس از یورش به منزل امام، ایشان را دستگیر و شبانه به تهران بردند.

## ۶. قیام پانزده خرداد و پیامدهای آن

خبر دستگیری امام خمینی به سرعت در سراسر ایران منتشر شد. در روز ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ه. ش. مردم قم قبل از دیگر شهرها و پیش از طلوع آفتاب به حال اعتراض به صورت دسته جمعی به طرف صحن حضرت معصومه (س) حرکت کردند و خواستار آزادی امام شدند، که با رگبار مسلسل مواجه و تعداد زیادی از آنها شهید و مجروح شدند.

انعکاس خبر دستگیری امام در تهران باعث تعطیل شدن بازار و دانشگاه‌ها و تظاهرات آنها علیه رژیم پهلوی شد. به رغم تبلیغات دامنه‌دار رژیم جهت فریب دهقانان با اجرای برنامه اصلاحات ارضی، امام خمینی (ره) توانسته بودند در مدت

کوتاهی این تبلیغات را خنثی کنند. به همین جهت در روز ۱۵ خرداد به محض شنیدن خبر دستگیری امام یکباره سیل خروشان زارعین از پیشوای ورامین و جماران و کن و دیگر روستاهای اطراف به سوی تهران سرازیر گردید، تا اعتراض خود را به گوش سردمداران رژیم برسانند. اوج این حرکت و خروش مردمی، یورش به کاخ سلطنتی و حمله به مراکز حساس دولتی بود که تاج و تخت شاه را در معرض خطر قرار می داد. شاه برای درهم کوبیدن قیام عمومی مردم دستور سرکوبی را صادر کرد. رگبار مسلسل به طرف تظاهرکنندگان آغاز شد و تعداد زیادی از مردم تهران در خاک و خون غلتیدند، فجع ترین این کشتارها در سرپل «باقرآباد» بود که صدها دهقان پیشوایی و ورامینی به خاک و خون غلتیدند. همزمان با قم و تهران در شهرهای دیگر نیز مردم بپا خاستند، که شیراز از جمله شهرهای پرتحرک در قیام ۱۵ خرداد بود.

آمار دقیق کشته شدگان ۱۵ خرداد هرگز مشخص نشد. به طوری که از چهار هزار تا پانزده هزار نفر ذکر شده است. شدت تظاهرات و شعارهای مطرح شده که به طور مستقیم متوجه شاه بود، رژیم را سخت به وحشت انداخت. به طوری که هیأت حاکمه به فرمان آتش به قصد نابودی مردم، تصمیم گرفت به هر طریق ممکن و با هر تعداد کشته و مجروح اوضاع را به حالت عادی برگرداند.<sup>۱۶</sup>

از خصوصیات بارز قیام ۱۵ خرداد اسلامی بودن، مردمی بودن و داشتن رهبری واحد بود، به گونه ای که در هیچ یک از قیام های قبلی این سه خصوصیت با هم جمع نشده بود؛ لذا خشونت بی اندازه رژیم نسبت به این قیام را نیز، به همین دلیل دانسته اند. رژیم شاه پس از سرکوبی قیام ۱۵ خرداد از طریق دستگاه های تبلیغاتی خود شروع به تحریف واقعیت ها کرد، تا به نوعی جنبه اسلامی و مردمی قیام را خدشه دار کند، از این رو با منتسب دانستن قیام به بیگانه گان در صدد برآمد با صرف میلیونها تومان و با خرید صفحات جراید بیگانه، اراده مردم را درهم بشکند. ولی با پایداری مردم و هوشیاری امام خمینی (ره) این ترندها نقش بر آب شدند.

سرانجام بر اثر فشار مردم و اعلامیه های مختلف مراجع و علما و...، رژیم شاه پس از ده ماه در فروردین ۱۳۴۳ ه. ش امام را از زندان آزاد نمود.

کشتار بی رحمانه مردم توسط مزدوران شاه در ۱۵ خرداد، روح نیرومند و دلیرانه امام را متأثر ساخت، به طوری که در مقاطع مختلف و در طول سالیان دراز امام از

این حادثه با نگرانی و تأثر زیاد یاد می‌کردند: «خدا می‌داند که حوادث ۱۵ خرداد مرا کوبید... تا ملت عمر دارد غمگین در مصیبت ۱۵ خرداد است... ملت اسلام این مصیبت بزرگ را فراموش نمی‌کنند...»<sup>۱۷</sup> قیام ۱۵ خرداد که با رهبری امام خمینی (ره) و روحانیت شیعه و به حمایت از اسلام برپا شده بود، وابسته به هیچ گروه و دسته غیر مذهبی نبود. از این روی می‌توان گفت: که این قیام اگر چه نتیجه فوری نداشت ولی از عوامل مهم پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ بود.

#### ۷. کاپیتولاسیون و آغاز مرحله جدید مبارزه و نقش امام خمینی در این مرحله

پس از غائله، لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی و انقلاب سفید، طرحی از طرف شاه مبنی بر احیای کاپیتولاسیون یا قضاوت کنسولی مطرح شد. که شاه برای تثبیت حاکمیت آمریکا بر ایران و به منظور جلب حمایت هرچه بیشتر آنها، تن به ذلت آن داد. این توطئه جدید لایحه‌ای بود که به موجب آن آمریکائیان مقیم ایران از مصونیت سیاسی همانند دیپلمات‌ها برخوردار می‌شدند.

کاپیتولاسیون عبارت است از: نظام قضاوت کنسولی و برخی تضمین‌ها، امتیازات و مصونیت‌های قضائی که به موجب تصمیمات یک جانبه به اتباع و دولت‌های بیگانه داده می‌شود. در نظام کاپیتولاسیون، رسیدگی به جرایم اتباع بیگانه از حدود صلاحیت مقامات قضایی محل خارج بود، آنها تابع صلاحیت مقامات و به ویژه مأمورین کنسولی و سیاسی دولت متبوعه خود محسوب می‌شوند. تا جنگ جهانی اول، کاپیتولاسیون در بسیاری از کشورها برقرار بود؛ اما بعد از جنگ و با بیداری و اعتراض ملت‌ها، لغو گردید به طوری که پس از جنگ جهانی دوم فقط تعدادی از کشورهای ضعیف این امتیاز را به کشورهای بیگانه واگذار کرده بودند.

مصونیت سیاسی بیگانگان یا کاپیتولاسیون که پس از شکست ایران در جنگ با روس در معاهده ترکمن‌چای از سوی آن کشور بر ایران تحمیل شده بود، پی از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ میلادی روسیه از سوی رهبران کمونیست لغو گردید. بعد از آن هیچ کشوری در ایران از آن امتیاز برخوردار نشده بود، ولی در سال ۱۳۴۳ هـ ش کاپیتولاسیون توسط آمریکایی‌ها به کشورمان تحمیل شد. هرچند که طرح مذکور پیش از انقلاب سفید، از طرف مقامات آمریکا به شاه پیشنهاد شده و مقامات

آمریکایی فکر می‌کردند با عملی شدن مواد انقلاب فرمایشی، منافع آمریکا تضمین شده و نیازی به اجرای کاپیتولاسیون ندارند؛ ولی حوادث بعد از انقلاب سفید از جمله افشاگری‌های امام خمینی (ره) علیه رفراندوم، اعلام عزای نوروز ۱۳۴۲ هـ. ش. حوادث مدرسه فیضیه، بازداشت امام و بالاخره قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ همراه با اعتراضات و اعتصابات و نارضایتی مردم، موقعیت رژیم پهلوی را به شدت تضعیف نمود. به همین جهت که آمریکا در نقشه‌های خود ناکام مانده بود، در صدد برآمد مستشاران خود را برای در اختیار گرفتن پستهای حساس نظامی، اقتصادی و سیاسی روانه ایران نماید. آمریکایی‌ها که خود را برتر از ایرانی‌ها می‌دانستند حاضر به پیروی از نظم اجتماعی کشور و رعایت شئون مذهبی و... نبودند و حساب پس دادن در برابر دستگاه قضائی ایران را در شأن خود نمی‌دانستند. به همین جهت طی یادداشتی آن‌هم به صورت رسمی از دولت ایران تقاضای مصونیت برای اتباع خود نمودند، که بر طبق این یادداشت اتباع آمریکایی شامل کارمندان نظامی مستخدمین غیرنظامی و خانواده‌های آنان می‌شد که در آن زمان بالغ بر چهل هزار نفر تخمین زده می‌شدند؛ این درخواست که به واقع سند فروش مملکت بود، در نهایت ضعف و انفعال و با کمال خضوع و خشوع از طرف کلیه سردمداران رژیم اعم از شاه، دولت، مجلسین، احزاب سیاسی و... پذیرفته شد بدون آن‌که کسی مخالفت جدی بکند.

در چنین شرایطی که امام خمینی (ره) در دو فراز حساس تاریخی قبل، به دفاع از حیثیت اسلام و ایرانیان بپاخاسته و پرچم مبارزه را برافراشته بود، مجدداً به همه ایرانیان اعلام خطر نمودند.

با فراهم شدن زمینه‌های مناسب، روز چهارم آبان، میلاد حضرت فاطمه (س) برای ایراد سخنرانی تعیین گردید. جمعیت زیادی برای استماع سخنرانی از اطراف و اکناف وارد قم شدند. رژیم شاه که می‌دانست از راه ارباب و تهدید نمی‌تواند مانع از سخنرانی امام شود در صدد برآمد که ایشان را غیر مستقیم از حمله به آمریکا بازدارد؛ ولی امام با آگاهی از این نقطه ضعف، آمریکا را مستقیماً مورد حمله شدید قرار داد و نقشه‌های آنان را نقش بر آب کرد. این سخنرانی که تا آن روز بی سابقه بود مواضع قاطع و سازش ناپذیر امام را در برابر شرق و غرب روشن کرد. ایشان در این سخنرانی، با چهره‌ای برافروخته و چشمانی از شدت خشم سرخ شده، خیانت



آمریکا و رژیم را این گونه بیان کرد:

«ایران دیگر عید ندارد، عید ایران را عزا کردند!... ملت ایران را از سگهای آمریکا پست تر کردند... روحانیون با این مصائب چه کار کنند؟... اگر نفوذ روحانیون باشد، نمی‌گذارد یک دست نشانده آمریکایی این غلطها را بکند. از ایران بیرونش می‌کنند... رئیس جمهور آمریکا بداند... که امروز پیش ملت ما از منفورترین افراد بشر است که چنین ظلمی به ملت اسلامی کرده است.»<sup>۱۸</sup>

بعد از این سخنرانی، امام اعلامیه تاریخی خود را در تحریم کاپیتولاسیون صادر نمود، در قسمت‌هایی از اعلامیه آمده است: «آیا ملت ایران می‌داند در این روزها در مجلس چه گذشت. مجلس به پیشنهاد دولت سند بردگی ملت ایران را امضا کرد. اقرار به مستعمره بودن ایران نمود، سند وحشی بودن ملت مسلمان را به آمریکا داد... اکنون مستشاران نظامی و غیرنظامی با جمیع خانواده و مستخدمان آنها آزادند هر جنایتی بکنند و پلیس ایران حق بازداشت آنها را ندارد... ملل اسلام از اجانب خصوصاً آمریکا متنفر است.»<sup>۱۹</sup>

نطق تاریخی و اعلامیه شدیدالحن امام خمینی (ره) که خیلی ساده و قاطع، از همه سران هیأت حاکمه به عنوان خائن به کشور نام برده بود، دلیلی بر ادامه حیات شاه و مجلس و دولت باقی نمی‌گذاشت؛ البته آنها نیز ثابت کرده بودند که یارای شنیدن حقیقت را ندارند، چون از یک طرف علاقمند به تاج و تخت بودند و به همین جهت نمی‌توانستند از نوکری آمریکا دست بردارند، از طرف دیگر با حضور امام در ایران نه تنها پیاده کردن اصلاحات شاهانه در ایران ممکن نبود؛ بلکه اساس رژیم نیز در زوال قرار داشت؛ لذا مصمم شدند با دستگیری و تبعید امام خمینی (ره) به خارج از کشور خود را از مهلکه نجات دهند. به همین جهت طبق برنامه حساب شده و آن هم با زیر پا گذاشتن قانون اساسی، موازین بین‌المللی و بدون محاکمه، آن حضرت را در ۱۳ آبان ۱۳۴۳ به ترکیه تبعید نمودند.

#### ۸. مبارزه در تبعید

همزمان با تبعید امام خمینی (ره) به نیروهای امنیتی رژیم فرمان آماده باش داده شد، تا هرگونه حرکت و اعتراض را علیه دستگیری و تبعید امام را به خاک و خون بکشند. این بار نیروهای امنیتی برخلاف ۱۵ خرداد که غافلگیر شده بودند با توپ و

تانک به میدان آمده بودند. رژیم درصدد بود با خشونت هرچه تمام همه اعتراض‌هایی را که علیه برنامه و اقدامات او ظرف سه سال گذشته به رهبری امام صورت گرفته بود درهم بشکند، بدین سبب امام را به کشوری که با حکومت لائیک اداره می‌شد تبعید و ممنوع ملاقات می‌نماید؛ حتی نام شهری را که امام را به آن فرستاده‌اند مخفی نگه می‌دارند. در ادامه این روند، رژیم با دستگیری وسیع روحانیون و یاران امام، درصدد ایجاد روحیه ترس و تزلزل در میان آنها بود. با همه خشونت‌هایی که دستگاه رژیم انجام داد، کوچک‌ترین خللی، در راهی که امام در پیش گرفته بودند وارد نشد و امام با همان صلابت و قاطعیت رهبری نهضت را ادامه دادند. تبعید امام خمینی (ره) در داخل و خارج، واکنش‌های تندی را در برداشت، که از جمله این واکنش‌ها می‌توان به اعتراض شدید مراجع و علمای قم و نجف، تعطیلی بازارها و تظاهرات مردمی و... اشاره نمود.

امام خمینی (ره) از همان ابتدای ورود به ترکیه مبارزه خود را در شکلی دیگر شروع کردند، ابتدا با نامه‌هایی خطاب به فرزندش، خطوط کلی نهضت را مشخص می‌کند؛ سپس با نگارش تحریرالوسیله و طرح مسایل سیاسی و اجتماعی اسلام در آن، باعث تحمیلی عظیم در حوزه‌های علمیه می‌گردد.

پس از یازده ماه تبعید در ترکیه، رژیم شاه روی مسائلی امام را به نجف منتقل کرد. هدف شاه از این عمل این بود که به مردم و علمای ایران تفهیم نماید که ایشان تبعیدی نیستند، ضمن این که با توجه به جو نجف ایشان نمی‌توانستند مسائل سیاسی را مطرح کنند؛ ولی ژرف نگری و روشن بینی امام بیش از آن بود که در چنین محیط‌هایی حل شوند. به همین جهت نیز مشاهده می‌گردد که امام در عراق نیز این نهضت را به خوبی هدایت نموده و در مقابل برنامه‌های ضد دینی رژیم پهلوی به شدت مقاومت کردند، در مواقع مقتضی رهنمودهای لازم را ارائه می‌نمودند. اولین اقدام امام در نجف شروع درس و تربیت شاگرد بود. از جمله این درسها، درس حکومت اسلامی یا ولایت فقیه بود که چهار چوبه تئوری انقلاب اسلامی، وظایف ولی فقیه و مسئولین نظام اسلامی را بیان می‌کرد که این امر تا آن زمان بی سابقه بود. تبعید طولانی امام، سرکوبی، زجر و شکنجه و اعدام یاران امام اختناق شدید، سانسور و... از ویژگیهای بارز این دوره (۱۳۵۶-۱۳۴۳) است.

رژیم شاه که خود را پیروز می‌دید با کمک آمریکا و دیگر قدرت‌های بزرگ، اسلام

زدایی را از مملکت آغاز کرد و با این فکر که قادر است همه مخالفت‌ها را از بین ببرد، تمام سعی خود را به کارگرفت تا اسلام و روحانیت را از بین ببرد. اهانت به مراجع تقلید، حملات پی در پی به حوزه‌ها به ویژه حوزه علمیه قم دستگیری، تبعید و اعدام... برای روحانیون، فرستادن روحانیون به سربازی، تغییر آیین سوگند برای ارتشیان، ارتباط با اسرائیل، رواج فرهنگ استعماری بیگانه با نام تمدن، اجرای سیاست‌های آمریکا، اجرای تفکر جدایی دین از سیاست، برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، تبدیل تاریخ اسلام به تاریخ شاهنشاهی و... از جمله اقداماتی بود که رژیم شاه در این دوره برای برانداختن دین در ایران انجام داد.<sup>۲۰</sup>

امام خمینی (ره) نیز در مقابل هریک از این ترفندها مقابله می‌کرد، همواره لبه تیز مبارزه را علیه شخص شاه (که سرمنشأ تمامی فسادها بود) نگه داشته و سرانجام توانست با رهبری پیامبرگونه خود رژیم ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را به سقوط بکشانند.

### ویژگی‌های مبارزه امام خمینی علیه شاه

مبارزات امام خمینی دارای ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی بود که توانست تمامی توطئه‌های آشکار و پنهان رژیم پهلوی را درهم شکسته و یک انقلاب عظیم اسلامی را بنیان‌گذاری کند. تعدادی از این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

الف) مبارزه امام، مبارزه‌ای مبتنی بر مکتب اسلام بود، به همین جهت هیچ‌گونه شباهتی به انگیزه‌های سیاستمداران حرفه‌ای نداشت. مبارزه امام جنگ قدرت نبود که در آن پیروزی یا شکست، غرور و یاس به وجود آورد؛ بلکه وظیفه شرعی بود و همین احساس وظیفه شرعی است که قاطعیت بی‌مانندی را در رهبری ایشان پدید آورده بود.

ب) قبل از امام، مبارزان سیاسی جرئت مخالفت با شاه را نداشتند و با طرح شعارهایی مثل؛ شاه باید سلطنت کند یا وفاداری به قانون اساسی و... به وجود شاه مشروعیت می‌دادند. حال آن‌که امام، شخص شاه و دربار را عامل همه فسادها و خیانت‌ها و کشتارها می‌دانست.

ج) ویژگی دیگر مبارزه امام، پیوند دین با سیاست بود، چیزی که دهها سال تبلیغ

می شد که از همدیگر جدا هستند. مبارزه امام با مبارزات علمای قبل نیز تفاوت داشت؛ چرا که همزمان استکبار و استبداد را هدف قرار می داد؛ یعنی در یک برهه از زمان هم به شاه و هم به عمال داخلی او و هم به آمریکا و اذتاب او هجوم می برد. (د) امام، آمریکا را عامل همه بدبختی ها و گرفتاری های مردم ایران دانسته و با این جمله که: «آمریکا از انگلیس بدتر و انگلیس از آمریکا بدتر و شوروی از هر دو بدتر است»؛ وابسته نبودن مبارزات اسلامی را به هیچ یک از قدرت های جهانی اعلام نمودند. ضمن این که دوستی و ارتباط شاه با اسرائیل را ننگ دانسته، با آن به مبارزه برخاستند.

ه) مخاطبین امام، مردم و حامل پیام او روحانیون بودند. اعتماد مردم به روحانیون و روحیه شهادت طلبی مردم، دو عنصر مهمی بودند که در پایه ریزی انقلاب نقش به سزایی داشتند.

و) مبارزه مقدس امام از موضع فقاقت و مرجعیت، تحولی بس عمیق در حوزه ها به وجود آورد، به گونه ای که اجتهاد سیاسی در حوزه ها امری متعارف شد و تفکر چپ گرایی ضد دینی در دانشگاه نیز جای خود را به اسلام داد. به طوری که در سالهای پایانی عمر رژیم شاه اکثریت دانشجویان را مذهبی ها تشکیل می دادند.<sup>۲۱</sup>

## پی‌نوشت‌ها

۱. صحیفه نور، امام خمینی، جلد ۲۱، ص ۷۴.
۲. تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلال‌الدین مدنی، جلد ۱، ص ۳۶۶.
۳. تحلیلی بر نهضت امام خمینی (ره)، سید حمید روحانی، ج ۱، صص ۱۰۱-۱۰۰.
۴. همان مأخذ، صص ۱۱۵-۱۰۰.
۵. تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلال‌الدین مدنی، ج ۱، ص ۲۲۴.
۶. همان.
۷. تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلال‌الدین مدنی، ج ۱، ص ۳۸۷.
۸. کوثر، همان، ج ۱، ص ۴۷.
۹. تحلیلی بر نهضت امام خمینی (ره)، سید حمید روحانی، ج ۱، ص ۲۲۴.
۱۰. مجله پیام انقلاب، ش ۳۲، صص ۴۶-۴۴.
۱۱. کوثر، همان، ج ۱، ص ۴۷.
۱۲. تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلال‌الدین مدنی، ج ۲، ص ۲۵.
۱۳. همان مأخذ، صص ۳۰-۲۹.
۱۴. زندگی‌نامه سیاسی امام خمینی (ره)، محمد حسن رجیبی، ص ۲۰۷.
۱۵. کوثر، همان، ج ۱، صص ۹۵-۹۳.
۱۶. تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلال‌الدین مدنی، ج ۲، صص ۷۰-۵۴.
۱۷. تحلیلی بر نهضت امام خمینی (ره)، سید حمید روحانی، ج ۱، صص ۵۸۲-۵۸۱.
۱۸. تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلال‌الدین مدنی، ج ۲، صص ۱۱۴-۱۰۹.
۱۹. تحلیلی بر نهضت امام خمینی (ره)، سید حمید روحانی، ج ۱، صص ۷۳۱-۷۲۹.
۲۰. همان مأخذ، صص ۷۰۰-۶۷۰.
۲۱. زندگی‌نامه سیاسی امام خمینی (ره)، محمد حسن رجیبی، همان، صص ۲۶۴-۲۶۱.



## فصل دوم

### عوامل شتابزای انقلاب اسلامی

هر انقلابی برای رسیدن به پیروزی مراحل را سپری می‌کند. از جمله این مراحل، مرحله ویرانگری یا شتاب زایی است که نقطه نهایی برانداختن نظام موجود و سرنگونی حکومت است. در مورد عوامل شتاب زایی انقلاب اسلامی، نظرات و دیدگاه‌های مختلف ارائه شده است: برخی نقش شعار حقوق بشرکارتر، عده‌ای بروز مرض سرطان در شاه و بعضی هم اقدامات سریع شاه در مدرنیزاسیون ایران را مطرح کرده‌اند. که با مدارک و دلایل قوی<sup>۱</sup> می‌توان به ضعف استدلال و کم‌رنگ بودن آنها پی برد.

در نهایت عامل یا عوامل تأثیرگذار مانند: شهادت حاج آقا مصطفی خمینی و مقاله توهین‌آمیز در روزنامه اطلاعات مورخ (۵۶/۱۰/۱۷) نسبت به امام خمینی (ره)، به عنوان عوامل شتاب‌زای انقلاب محسوب می‌شوند. از این رو اولین جرقه‌های انقلاب، به مناسبت شهادت حاج آقا مصطفی خمینی و مقاله توهین‌آمیز روزنامه اطلاعات، در قم (قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶) زده شد؛ لذا به واسطه آن حوادث احساسات مردم سخت جریحه‌دار گردید و مردم با توسل به مراسم مذهبی و سنتی، در یک حرکت پیوسته و زنجیروار، قیام‌های دیگری در تبریز، یزد و سایر شهرستان‌ها به وجود آمد. در نهایت به دنبال آن، حادثه ۱۷ شهریور، هجرت امام به فرانسه، راهپیمایی عظیم مردم در روزهای عید فطر و تاسوعا و عاشورای ۵۷، و در نهایت ورود پیروزمندانه امام خمینی (ره) به کشور و... از جمله حوادث مهمی هستند که پایه‌های رژیم شاهنشاهی را به شدت لرزاند و در نتیجه انقلاب اسلامی را به پیروزی رسانید. که در این قسمت از بحث، خلاصه آنها را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

### ۱. شهادت حاج آقا مصطفی خمینی، آغاز مرحله جدید انقلاب اسلامی

رژیم شاه با همدستی رژیم عراق در اول آبان ۱۳۵۶ هـ ش حاج سید مصطفی خمینی، فرزند بزرگ حضرت امام را که به گفته ایشان: امید آینده اسلام بود، به شهادت رساند. انگیزه آنها از دست زدن به این جنایت وارد کردن ضربه روحی به امام و تنها گذاشتن ایشان و از بین بردن یکی از مخالفین جدی نظام و ایجاد رعب و وحشت در بین سایر مخالفین بود.

اما جنایت رژیم پهلوی نتیجه عکس داد: امام این شهادت را از الطاف خفیه الهی برشمردند و شهادت ایشان زمینه مناسبی برای گسترش و تبیین اندیشه‌های امام شد، به طوری که گویندگان و سخنرانان در مراسم بزرگداشت شهادت او بی پروا نام امام را برده و از مقام علمی، سیاسی، اهداف و انگیزه‌های ایشان از مبارزه تجلیل کرده و به تبعیت از امام شاه را عامل همه فسادها و بدبختی‌های کشور معرفی کردند.

شهادت حاج آقا مصطفی، آتش انقلاب را فروزان کرد. تظاهرات، راهپیمای‌ها و افشاگری‌هایی که در پی شهادت ایشان آغاز گردید باعث آگاهی و از خودگذشتگی مردم شد، به طوری که به فاصله کوتاهی سراسر ایران یکپارچه به صحنه مبارزه و خروش مبدل گردید.<sup>۲</sup>

### ۲. قیام ۱۹ دی قم

در تاریخ ۱۷ دی ماه ۱۳۵۶ هـ ش مقاله‌ای تحت عنوان: ایران و استعمار سرخ و سیاه با نام مستعار احمد رشیدی مطلق در روزنامه اطلاعات به چاپ رسید، که در آن به بهانه سالروز کشف حجاب جملات جسارت آمیزی نسبت به روحانیون، به ویژه به شخص امام به عنوان مخالفان ترقی و پیشرفت و مرتجعینی که نباید مجال ابراز وجود و عقیده پیدا کنند، نوشته شد. انتشار این مقاله که به دستور مستقیم دربار تهیه شده بود، موجب اعتراض شدید و گسترده در سراسر کشور و به ویژه در حوزه علمیه قم شد، به طوری که هزاران نفر از طلاب و مردم با حرکت دسته جمعی به طرف منازل مراجع، اعتراض شدید خود را نسبت به اهانت روزنامه اطلاعات به امام خمینی (ره) بیان کردند. از این رو، در ۱۹ دی ماه تظاهراتی به همین مناسبت در قم برپا شده بود، عده‌ای از تظاهرکنندگان توسط رژیم شهید و مجروح شدند. به



دنبال این کشتار وحشیانه تا چندین روز حوزه‌ها و بازار قم تعطیل و تظاهرات پراکنده ادامه یافت.<sup>۳</sup>

قیام قم، مثل: نوری در تاریکی درخشید، فریاد رسایش سکوت مرگ‌آور آن زمان را شکست و تکبیرهای به خون نشسته فرزندان حوزه، فراگیر شد و اربعین‌هایی را به وجود آورد که سرانجام به پیروزی انقلاب انجامید. امام خمینی (ره) در طی پیامی به مناسبت ۱۹ دی ماه فرمودند: «من به ملت ایران با این بیداری و هوشیاری و این روحیه قوی و شجاعت بی‌مانند، نوید پیروزی می‌دهم، پیروزی توام با سربلندی و افتخار، پیروزی توام با استقلال و آزادی... و انقراض دودمان سیاه روی پهلوی».<sup>۴</sup>

### ۳. قیام ۲۹ بهمن تبریز

در ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ حرکتی که از قم شروع شده بود در تبریز تبدیل به موجی خروشان شد. در چنین روزی که هزاران نفر از مردم تبریز قصد داشتند در مجلس ختم شهدای قم شرکت کنند با درهای بسته مسجد مواجه شدند. از این رو بین مردم و نیروهای رژیم زد و خورد صورت گرفت که عده‌ای از تظاهرکنندگان شهید و مجروح شدند. به دنبال کشته و مجروح شدن تظاهرات‌کنندگان، مردم عصبانی سینماها، مشروب‌فروشی‌ها و بانک‌ها و... را به آتش کشیدند و تبریز را به صورت شهری جنگ زده درآوردند. از این تاریخ جنبش وارد مرحله جدیدی گردید. قیام تبریز زنگ خطر مجددی برای رژیم و اربابانش بود. به دنبال این قیام، رژیم شاه با تمام قوا سعی کرد از هر راهی قیام مردم را خدشه‌دار کند و نهضت را از مسیرش منحرف کند. به همین جهت دستگاه تبلیغاتی رژیم قیام مردم تبریز را به مارکسیست‌های اسلامی، کمونیست‌ها و بیگانگانی که از خارج وارد ایران شده بودند نسبت داد. گروهی دیگر نیز سعی می‌کردند درخواست‌های مردم را که در رأس آنها سقوط پهلوی بود، به رعایت عمل به قانون اساسی تبدیل نمایند. امام خمینی (ره) در پیامی ضمن تجلیل از مردم غیور آذربایجان فرمودند: «درود بر مردانی که در مقابل دودمان بسیار خطرناک پهلوی قیام، کردند و با فریاد مرگ بر شاه خط بطلان بر خرافه‌گویی او کشیدند... امروز شعارها در هر کوچه و بازار و هر شهر و ده مرگ بر شاه است و هر چه عمل کثیف کوشش می‌کنند که جنایات را که از مرکز

اصلی که شاه است منحرف و به دولت یا مأموران متوجه کنند کسی نیست که باور کند.»<sup>۵</sup>

#### ۴. اربعین‌ها و تداوم نهضت

در تاریخ ایران، سال ۱۳۵۷ ه. ش. با هیچ یک از سالهای گذشته قابل مقایسه نیست. وحدت مردم ایران در این سال، تحت نام اسلام و رهبری امام مسئله‌ای است که در تاریخ ایران بی سابقه است. در چهل‌م شهدای تبریز شهرهای یزد، شیراز، اصفهان، کرمان، جهرم و اهواز نیز به قیام پیوستند و با راهپیمایی‌ها و اجتماع در مساجد، رژیم شاه را به باد انتقاد گرفتند؛ ولی در یزد این تظاهرات با کشتار وحشیانه مردم توسط رژیم شاه رنگ دیگری به خود گرفت. مردم در مسیر راهپیمایی خود شیشه‌های چند بانک و سینما و... را شکستند و خواستار بازگشت امام از تبعید، آزادی زندانیان و... شدند. ابعاد نهضت اسلامی در طول چند ماه که با اربعین‌ها گسترش می‌یافت، به صورت یکی از مسائل و رویدادهای مهم جهانی درآمده بود. امام خمینی (ره) که دامنه نهضت را روز به روز در حال گسترش می‌دید؛ بر سازماندهی آن اصرار کرد تا آن را از حالت پراکندگی خارج و یکپارچه و متمرکز کند؛ لذا در پیام‌ها و در سخنرانی‌های خود، به طور مکرر از شاه به عنوان مجرم اصلی و عامل بدبختی ایران یاد می‌کردند و به کسی اجازه ندادند که با طرح شعارهای منحرف کننده مردم را از مسیر نهضت منحرف کند. در این رابطه امام خمینی (ره) فرمودند: «ملت اسلام و ایران با این آدم آشتی نخواهد کرد. اگر یک کسی بگوید: آشتی، این جنایت است اگر شما در نوشته یک حزب دیدید... که قانون اساسی می‌خواهیم... این جنایت است.»<sup>۶</sup>

امام خمینی (ره) سعی داشتند علاوه بر اربعین‌ها از مناسبت‌های دیگر، مانند: اعلام عزای عمومی نوروز ۵۷، قیام ۱۵ خرداد، جشن نیمه شعبان و... نیز استفاده کرده و مردم را علیه رژیم بشورانند.

#### ۵. عید فطر ۵۷ و شتاب انقلاب

با آغاز ماه رمضان و برگزاری مجالس و محافل متعدد در شهرهای کشور نهضت اسلامی شتاب بیشتری به خود گرفت. بر اثر روشنگری که توسط سخنرانان و گویندگان مذهبی در این ماه در مساجد صورت می‌گرفت، تظاهرات و

راهپیمایی‌های سراسری در ایران شکل گرفت، رژیم شاه برای مقابله با تظاهرکنندگان سعی می‌کرد از هر طریق اعم از کشتار، اعلام حکومت نظامی و هرج و مرج و... تظاهرات مردم را سرکوب کند، ولی این اعمال وحشیانه نتیجه عکس داد به طوری که در عید فطر ۵۷ دریایی از انسان بعد از انجام نماز عید به خیابان‌ها ریختند و خواستار برپایی حکومت اسلامی در ایران شدند.

در تهران نیز بعد از برگزاری نماز عید فطر، جمعیتی در حدود یک میلیون نفر دست به راهپیمایی زدند و از چند سو مانند دریایی متلاطم به حرکت درآمدند. صف‌های چند کیلومتری از جمعیت زن و مرد، پیر و جوان، طول و عرض خیابان‌ها را پوشاندند. مردم با شعارهای «نهضت ما حسینی است رهبر ما خمینی است» و «مرگ بر شاه» و گلباران ارتشی‌ها و... ثابت کردند که می‌خواهند که خواسته‌های خود را به کرسی بنشانند.<sup>۷</sup>

نماز عید فطر سال ۵۷ روزه امید و نقطه عطفی جدید در تاریخ مبارزات مردم و نهضت اسلامی بود، که باید آن را طلعه رهایی ملت ستمدیده ایران از قید و بند قدرت‌های استعماری و حکومت دست‌نشانده پهلوی دانست.

## ۶. هفده شهریور ۱۳۵۷ ه. ش

در پی تظاهرات میلیونی عید فطر، نهضت فراگیر شد، به طوری که در فاصله عید فطر و ۱۷ شهریور، مردم هر روزه به خیابان‌ها ریخته و خواستار الغای رژیم شاهنشاهی و ایجاد حکومت اسلامی شدند. روز ۱۷ شهریور نیز مانند روزهای قبل قرار بر راهپیمایی و تظاهرات بود.

شاه که از تظاهرات مردم در روزهای قبل به شدت ناراحت بود به فکر چاره افتاد، به همین دلیل ضمن اعلام حکومت نظامی در تهران و چند شهر دیگر در روز ۱۷ شهریور تصمیم گرفت با یک کشتار وسیع مردم را مرعوب کرده و به خیال خام خود تا سالها شعله‌های نهضت را خاموش کند.

صبح روز ۱۷ شهریور که اکثر مردم از اعلام حکومت نظامی بی‌خبر بودند، همانند روزهای قبل در میدان شهدا تجمع کردند تا راهپیمایی دیگری ترتیب دهند، که ناگهان با مشاهده تانک‌ها و توپ‌ها و مأمورین مسلسل به دست حکومت نظامی، غافلگیر شدند. مأمورین پس از چند بار اخطار از زمین و هوا مردم بی‌پناه را به رگبار

مسلسل بسته و انبوه جمعیت را مانند برگ درختان به روی زمین ریختند. سایرونس پرام، خبرنگار خارجی که ترجمه کتاب او تحت عنوان؛ انقلاب ایران و مبانی رهبری امام خمینی (ره) به چاپ رسیده، در مورد حادثه ۱۷ شهریور می‌نویسد: «ابتدا خاک اره‌های آغشته به بنزین را آتش زدند... آنگاه آتش مسلسل را گشودند. بی‌خبر، بی‌امان و از همه سو، از زمین و از هوا، همه راههای گریز و همه کوچه‌های فرعی را با تانک و زره‌پوش مسدود کردند تا کسی را توان گریختن نباشد. هدف نه پراکنده کردن مردم بود و نه مرعوب ساختن، همه گلوله‌ها به قصد کشتن شلیک می‌شد. هنوز روز به نیمه نرسیده بود که هزاران تن در خون پاک خود غلتیدند»<sup>۸</sup> کشتار بیرحمانه و وحشیانه ۱۷ شهریور جهان را تکان داد. نمایش ۵۰ دقیقه‌ای فیلم این حادثه آنقدر وحشتناک بود که بسیاری از مردم اروپا و آمریکا و سایر نقاط دنیا را در بهت و حیرت فرو برد؛ اما در ایران هرگز نشان داده نشد. امام خمینی (ره) پس از شنیدن این خبر وحشتناک در سه اعلامیه پیاپی به تجلیل از مردم شهیدپرور پرداخت و فرمود: «ای کاش خمینی در میان شما بود و در کنار شما در جبهه دفاع برای خدای تعالی کشته می‌شد، من به نیابت از حضرت ولی عصر امام زمان (عج) به همه مسلمانان جهان مصیبت چهارم شوال ۱۳۹۸ قمری (۱۷ شهریور) را به خاصه خانواده‌های داغدار تسلیت می‌گویم و در عین حال تبریک... ما به دنبال فداکاری‌ها و عزای سراسری، منتظر شادی هستیم.»

رژیم شاه با کشتار ۱۷ شهریور قصد داشت واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ه. ش را تجدید کند و انتظار داشت که با این کشتار شعله‌های انقلاب را به خاموشی بکشاند و دیکتاتوری خود را ادامه دهد. اما این آرزو هرگز تحقق نیافت و به جای این که مردم بترسند و به خانه‌های خود بروند به خونخواهی و انتقام برخاستند، به طوری که نه تنها دستگاه رژیم؛ بلکه شخص شاه را درهم شکستند. سفیر انگلیس در گزارشی که یک هفته بعد از واقعه ۱۷ شهریور، راجع به وضع روحی و جسمی شاه، آورده است: «... از تغییری که در وضع ظاهری و رفتار او به وجود آمده متوحش شدم گویی آب رفته بود... چنین به نظر می‌رسید که به کلی خود را باخته و تحت فشار روحی از پا درآمده است.»<sup>۹</sup>

## ۷. هجرت امام به فرانسه

با اوج‌گیری انقلاب اسلامی ایران و شرکت میلیون‌ها ایرانی در راهپیمایی‌ها و تظاهرات، رژیم شاه درصدد برآمد که از تمامی امکانات برای خاموش کردن شعله‌های انقلاب استفاده کند.

به همین جهت با کمک آمریکا عراق را متقاعد کرد که در این باره همکاری تنگاتنگی با ایران داشته باشد. در این راستا رژیم بعث عراق کوشید سکوت را به امام تحمیل کند. به همین دلیل منزل ایشان را به محاصره درآورد و از ایشان خواستند که از مصاحبه، ایراد سخنرانی و صدور اعلامیه خودداری کنند که امام این قیدها را نپذیرفتند. پس از آن که این اقدام بعثی‌ها مؤثر واقع نشد به آزار و اذیت یاران امام دست زدند. امام خمینی (ره) که می‌دیدند رژیم عراق آزادی عمل را از ایشان گرفته است تصمیم تاریخی خود را که همان، هجرت بود گرفتند و به صورت یک اقدام قاطع و غیر قابل پیش‌بینی تمام توطئه‌های دشمن را نقش بر آب کردند.<sup>۱۰</sup>

هجرت امام خمینی (ره)، از عراق به سوی کویت و ممانعت آن دولت از ورود ایشان و حرکت امام به سوی فرانسه، نقطه عطفی در تاریخ معاصر است. امام (ره) پیش از سفر به فرانسه در فرودگاه بغداد اعلامیه تاریخی خود را صادر کردند. در قسمتی از این اعلامیه آمده است: «پیش من مکان معینی مطرح نیست عمل به تکلیف الهی مطرح است... سربلند باد مکتبی که با فداکاری خود قدم در راه پیروزی حق برداشت و سدهای مانع از آن را یکی پس از دیگری شکست و... عظمت پایمال شده به دست سلاطین ستمگر را باز یافت.»<sup>۱۱</sup>

در پی این هجرت تعیین‌کننده، دنیا متوجه ایران شد و امام توانستند با استفاده از وسایل ارتباط جمعی دنیا از طریق ایراد سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها صدای مردم ایران را به گوش جهانیان برسانند و درنهایت، موفق شدند با رهبری خردمندانه خود تمامی توطئه‌های داخلی و خارجی را خنثی نمایند.

## ۸. محرم ماه پیروزی خون بر شمشیر

پس از هجرت تاریخ ساز امام خمینی (ره) به فرانسه چند حادثه مهم از جمله آتش کشیدن مسجد کرمان، حادثه ۱۳ آبان و صحن امام رضا (ع) رخ داد، که هرکدام نقطه عطفی در تاریخ انقلاب اسلامی بودند؛ ولی آنچه کاخ شاهنشاهی را به لرزه

درآورد و شکست ابرقدرت‌ها را در مقابل کلمه حق به ثبت رساند مبارزه ماه محرم بود. محرم در تاریخ شیعه خشم و خروش علیه ظلم و بیداد و قیام علیه ستمگران است.

امام خمینی (ره) با توجه به خصوصیات ماه محرم، در پیامی تاریخی محرم را ماه پیروزی خون بر شمشیر دانستند و به مردم ایران فرمودند: «با حلول ماه محرم، ماه حماسه و شجاعت و فداکاری آغاز شد. ماهی که به نسلها در طول تاریخ راه پیروزی بر سرنیزه را آموخت... بر عموم ملت بپا خاسته است که با قدرت مخالفت خود را با شاه گسترش و ادامه دهند و او را از سلطه خطرناکش به پایین کشند.»<sup>۱۲</sup>

مردم مسلمان ایران به پیروی از رهبری انقلاب از شب اول محرم به پشت بامها رفته و با ندای الله اکبر مبارزه را به شکل جدیدی شروع کردند. این تظاهرات به همراه راهپیمایی‌ها هر روز و هر شب ادامه داشت، ضمن این که حکومت نظامی رژیم نیز هر روز تعدادی از تظاهرکنندگان را به خاک و خون می‌کشید. شورانگیزترین مراسم و تظاهرات علیه رژیم در روزهای تاسوعا و عاشورا به وقوع پیوست. در این دو روز به طور همزمان سراسر ایران به خروش علیه شاه تبدیل شد. در تهران نیز سیل جمعیت در کمال نظم و انضباط بی سابقه به طرف میدان آزادی به راه افتاد. فریادهای کوبنده میلیون‌ها تظاهرکننده که خواستار برچیده شدن رژیم سلطنتی و برقراری حکومت اسلامی بودند، پایه‌های رژیم را به لرزه درآورد و دنیا را به حیرت واداشت.

امام خمینی (ره) در اعلامیه‌ای ضمن تجلیل از حرکت میلیونی مردم در روزهای تاسوعا و عاشورا فرمودند: «من همزمان با راهپیمایی بزرگ شما در پیامی به سران دولت‌ها اعلام نمودم که رفراندوم این دو روز برای هیچ کس ابهامی نگذاشت که ملت شاه را نمی‌خواهد و عدم رسمیت او را با اکثریت قاطع قریب به اتفاق اعلام کرد»<sup>۱۳</sup> به دنبال تظاهرات میلیونی مردم ایران در این دو روز، روحیه شاه و طرفداران او به شدت تضعیف شد و قدرت تصمیم‌گیری از او سلب شد. تظاهرات مکرر روزانه مردم ایران، اعتصابات پی در پی وزارتخانه‌ها، مطبوعات، فرهنگیان، کارخانجات و به ویژه اعتصابات شرکت نفت که در موقعیت حساس، رژیم را از لحاظ مالی در تنگنا قرار داده بود و تعطیلی طولانی بازارها و به ویژه بازار تهران و... امید خاندان پهلوی را به یأس تبدیل کرد. به طوری که شاه با تشکیل شورای

سلطنت و معرفی دولت بختیار در ۲۶ دی ماه ۱۳۵۷ به خارج از کشور گریخت. فرار شاه که با شادمانی بی‌اندازه مردم همراه بود یادآور سخنان تاریخی امام در سال ۱۳۴۲ بود که فرمودند: «آقای شاه، کاری نکن که وقتی از این مملکت رفتی مردم شادی کنند»

امام خمینی (ره) در پیام‌هایی ضمن تبریک به مردم، فرار شاه را طلوع فجر دانستند و از مردم ایران خواستند به تظاهرات پرشور خود تا محو کامل رژیم ستم شاهی ادامه دهند و ضمن بی‌اعتبار خواندن شورای سلطنت به نمایندگان مجلسین اخطار نمودند که خانه ملت را ترک کنند و از نیروهای نظامی و انتظامی هم خواستند که به ملت بپیوندند و به مردم وعده دادند که در اولین فرصت به ایران باز می‌گردند. دولت بختیار که حضور امام خمینی (ره) را در ایران مانع از انجام توطئه‌هایش می‌دید، فرودگاه‌ها را بست تا حداقل سفر امام به تعویق افتد.<sup>۱۴</sup> در فاصله فرار شاه و ورود امام خمینی (ره) دو راهپیمایی بزرگ و میلیونی اربعین و ۲۸ صفر و تحصن علما و روحانیون در مسجد دانشگاه تهران نیز صورت گرفت، که هر کدام پایه‌های رژیم را متزلزل‌تر کرد.

#### ۹. ورود امام خمینی به ایران و پیروزی انقلاب اسلامی

امام خمینی (ره) سرانجام به رغم همه ممانعت‌ها در تاریخ دوازده بهمن ۱۳۵۷ قدم در فرودگاه مهرآباد نهاد و در میان استقبال بی‌سابقه ۳۳ کیلومتری مردم، وارد بهشت زهرا شد و با قاطعیت و صلابت و بیان مواضع خود امکان برنامه‌ریزی و عکس‌العمل را از وابستگان رژیم که در فکر توطئه بودند گرفت. ایشان در سخنرانی معروف خود در بهشت زهرا فرمودند: «ما می‌گوییم که خود آن آدم (شاه) دولت آن آدم، مجلس آن آدم تمام اینها غیرقانونی است و اگر ادامه به این بدهند اینها مجرم‌اند و باید محاکمه بشوند و ما آنها را محاکمه می‌کنیم! من دولت تعیین می‌کنم، من تو دهن این دولت می‌زنم، من به پشتیبانی این ملت دولت تعیین می‌کنم.»<sup>۱۵</sup> در فاصله کوتاه ورود امام خمینی (ره) تا پیروزی انقلاب اسلامی تحولات عظیمی در کشور رخ داد که به پیروزی انقلاب اسلامی انجامید و بعدها دهه فجر نام گرفت، در این فاصله کوتاه دولت موقت از سوی ایشان به مردم معرفی گردید، ضمن این که تعداد زیادی از پرسنل ارتش به انقلاب پیوستند، که نمود عینی آن رژه گروهی از

پرسنل نیروی هوایی در ۱۹ بهمن و ملاقات با امام بود. آخرین توطئه رژیم برای سرکوبی قیام ملت ایران کودتا بود. حکومت نظامی با صدور اعلامیه‌ای در ۲۱ بهمن اعلام کرد که ساعت منع عبور و مرور شبانه از ساعت ۴/۵ بعد از ظهر الی ۵ صبح می‌باشد. قرار بر این بود که در این فاصله ارتش در نقاط حساس شهر مستقر گشته، سران انقلاب دستگیر و اعدام گردند و انقلاب سرکوب گردد. اما فرمان تاریخی امام مبنی بر بی‌اعتنایی به حکومت نظامی این توطئه شوم را خنثی کرد. در قسمت‌هایی از این اعلامیه تاریخی آمده است:

«من با این که هنوز دستور جهاد مقدس نداده؛ لکن نمی‌توانم تحمل این وحشیگری‌ها را بکنم و اخطار می‌کنم که اگر دست از این برادرکشی برندارند و لش گرگارد به محل خودش برنگردد... تصمیم آخر خود را به امید خدا می‌گیریم... اعلامیه امروز حکومت نظامی خدعه و خلاف شرع است و مردم به هیچ وجه به این اعتنا نکنند.»<sup>۱۶</sup> به دنبال این اعلامیه حکومت نظامی توسط مردم شکسته شد و مردم یکباره به خیابانها ریختند و با سنگر بندی خیابانها عبور ستون‌های اعزامی ارتش را سد کرده و در برابر بازمانده‌های رژیم به دفاع مسلحانه پرداختند، به فاصله کوتاهی مقر فرماندهان ارتش، نخست‌وزیری و... به محاصره نیروهای انقلاب درآمد و نظامیان گروه گروه به مردم پیوستند.

سرانجام روز سرنوشت فرارسید و در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ نظام پوسیده ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی فرو ریخت و مبارزه ۱۵ ساله مردم به رهبری امام خمینی (ره) به ثمر نشست و انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران پیروز گردید.



### پی‌نوشت‌ها

۱. تحلیلی بر انقلاب اسلامی، منوچهر محمدی، صص ۱۳۰-۱۱۹.
۲. همان مأخذ، صص ۱۳۱-۱۳۰ و مجله ۱۵ خرداد، شماره ۴، ۱۳۷، صص ۲۵-۲۹.
۳. همان مأخذ، صص ۲۹-۲۵.
۴. ایران و تاریخ، بهرام افراسیابی، زرین، تهران، ۱۳۶۴، ص ۵۱۹.
۵. زندگینامه سیاسی امام خمینی (ره)، محمد حسن رجبی، ص ۴۱۱.
۶. همان مأخذ، صص ۴۳۲-۴۳۱.
۷. نهضت روحانیون ایران، علی دوانی، ج ۸، بنیاد فرهنگی امام رضا (ع)، بی‌تا، صص ۴۸-۴۷.
۸. همان مأخذ، صص ۴۸-۴۷.
۹. تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلال‌الدین مدنی، ج ۲، ص ۳۵۴.
۱۰. همان مأخذ، ص ۲۵۴.
۱۱. گام به گام با انقلاب، اکبر خلیلی، سروش، تهران، ۱۳۴۷، ص ۳۲.
۱۲. صحیفه نور، امام خمینی، ج ۲، ص ۴۳۲.
۱۳. نهضت روحانیون ایران، علی دوانی، همان، ج ۹، ص ۹۰.
۱۴. همان مأخذ.
۱۵. کوثر، ج ۳، همان، ص ۴۱.
۱۶. نهضت روحانیون ایران، علی دوانی، همان، ج ۱۰، ص ۵۹.



## فصل سوم

### بررسی تطبیقی نظریه‌های انقلاب اسلامی با پدیده انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی در شرایطی به پیروزی رسید که شاه<sup>۱</sup> و حامیان<sup>۲</sup> او و حتی بسیاری از انقلابیون و بزرگان نهضت، نیز پیش بینی چنین انقلابی را نداشتند. از این رو پیروزی انقلاب اسلامی آنان را غافلگیر و متحیر ساخت و دست به یک سری اقدامات انفعالی زدند. به همین منظور، دیدگاه‌های مختلفی در مورد این که چرا انقلاب به پیروزی رسید و رژیم شاه با آن همه اقتدار داخلی و حمایت‌های خارجی سقوط کرد، مطرح شده است. غالب آنها به منظور انحراف انقلاب، تشویش اذهان و اغراض سیاسی انجام گرفته است؛ لذا در این جا به منظور جلوگیری از طولانی شدن کلام، به توضیح و ارزیابی چند نظریه پرداخته می‌شود:

#### الف) نظریه توطئه<sup>۳</sup>

این نظریه از سوی افراد و گروه‌های مختلف، از زوایای متفاوت بیان شده است. مائوئیست‌ها آن را نوعی توطئه میان شوروی و آمریکا دانسته‌اند و برخی آن را توطئه انگلیسی‌ها و روسها برای بیرون راندن آمریکا به شمار آورده‌اند. در نهایت بعضی هم توطئه آمریکا را در این امر مؤثر دانسته‌اند.

#### ۱. توطئه انگلیسی‌ها:

اشرف پهلوی می‌گوید: «ناآرامی انقلاب، در خلال یک هجوم خبری مستمر بی.بی.سی، بر ضد شاه صورت گرفت، که تقریباً وجه دیگری بود از حملاتی که چند دهه قبل بر ضد پدرم انجام شد؛ لذا نخست‌وزیری شریف امامی استاد اعظم فراماسونری ایران، در خلال ناآرامی انقلابی موبد این نظریه است.»

گروهی از سیاستمداران هم به این سوءظن که علما به کمک پول هند و با سیاست انگلیس فعالیت می‌کنند، دامن زدند و حتی حرکات غرب ستیزی روحانیون مبارز را ساخته و پرداخته انگلیس پنداشتند؛ و برخی از این گروه در توجیه سوءظن خود گفتند: شاه با اجرای اصلاحات ارضی، فئودال‌های عامل انگلیس را از میان برده و به منافع آن کشور در ایران لطمه وارد کرده است؛ لذا انگلستان به دست روحانیت با آمریکایی‌ها - چون آمریکا را عامل اصلاحات ارضی می‌داند - تصفیه حساب کرده است.<sup>۴</sup>

## ۲. توطئه آمریکایی‌ها:

گروه‌های چپ ایران، معتقد بودند که غرب به سرکردگی آمریکا به نیروهای اسلامی کمک کرده تا انقلاب را قبضه و نیروهای چپ را سرکوب کنند و ایران را در دایره نفوذ غرب نگاه دارند.

اینها از زاویه‌ای دیگر به توضیح این نظریه پرداخته و بیان داشتند، که گویا انقلاب ایران را دولت کارتر طراحی و اجرا کرده، تا کمربند سبز امنیتی در برابر نفوذ شوروی در سرزمین‌های جنوبی‌اش ایجاد کند. برخی حتی واقعه گروگان‌گیری و اشغال سفارت آمریکا را در سال ۱۳۵۸، توطئه آمریکا برای توقیف ۱۴ میلیارد دلاری دارایی ایران دانسته‌اند. عده‌ای نیز سیاست طرفداری از حقوق بشر توسط کارتر را مؤثر در سقوط شاه ذکر کرده‌اند. نکته‌ای که قابل اهمیت بوده و خود شاه نیز بر آن تاکید داشت، این است که شاه و عده‌ای دیگر ضمن پرداختن به نظریه توطئه، در مورد انگیزه آن بیان داشتند، چون ایران موفق شده بود به پای ۵ کشور بزرگ جهان برسد و به رتبه‌ای فراتر از شأن خود دست یافته بود؛ لذا باید تنبیه می‌شد. بنابراین، به وسیله انقلاب به مقام و موقعیت نازلی که ابرقدرت‌ها برای او تعیین کرده بودند رانده شد.<sup>۵</sup>

شاه در یکی از سخنانش چنین گفت: غربی‌ها نمی‌توانند قبول کنند که چطور ممکن است ایران قادر باشد در مدت ۱۵ سال بیش از هر کشور دیگری در تاریخ جهان پیشرفت کند. وی همچنین در دیدار با سفیر آمریکا با عصبانیت اظهار داشت: «مگر با آمریکایی‌ها چه کرده است که سازمان سیا این چنین بر ضد او دست به کار شده است؟» شاه پس از سقوط نیز در ضمن مصاحبه‌ای با یکی از مجله‌های

خارجی ناو (NOW) تاکید کرد که آمریکایی‌ها او را سرنگون کرده‌اند.<sup>۶</sup>

### ارزیابی

با توجه به اختلاف دیدگاه، نظریه پردازان توطئه در مورد منشأ و انگیزه توطئه و همچنین تناقض گویی‌های شاه در مورد منشأ انقلاب که گاهی عوامل مدرنیزاسیون را مطرح کرده و زمانی توطئه آمریکایی‌ها را و زمانی دیگر نقش ارتجاع سیاه و تحریک خوانین را منشأ قیام ۱۵ خرداد و در نهایت انقلاب ذکر کرده، (صرف نظر از بطلان ادعای اقتدار ایران که حضور بیش از هشتاد هزار مستشار نظامی آمریکایی مؤید آن است) رژیم با این ادعا می‌خواست بگوید در کشور هیچ مشکل نگران کننده‌ای وجود ندارد مردم همه راضی‌اند و تنها عوامل خارجی به اغتشاش دست می‌زنند. از طرفی نظریه توطئه از سوی سازمان سیا نیز دامن زده می‌شد تا به اقمار خود در منطقه هشدار بدهد که مواظب باشند و دست از پا خطا نکنند، وگرنه سرنوشت محمدرضا در انتظار آنان خواهد بود. از طرفی برخی از ایرانی‌ها هم به آن دامن زده‌اند، گویا این ناشی از روحیه خود کم‌بینی آنان و این که قدرتی مافوق قدرت آمریکا و به تبع آن رژیم پهلوی وجود ندارد، به همین منظور به خود اجازه ندادند تا ریشه انقلاب را در خیانت‌های رژیم و واکنش مردم بجویند.<sup>۷</sup>

### ب) فرضیه مدرنیزاسیون

به موجب این نظریه که بیشترین طرفدار را در میان صاحب نظران غربی و غرب‌گرا داشته و شخص شاه نیز به شدت از آن دفاع می‌کرد؛ گفته‌اند که رشد سریع ایران به سمت مدرنیزه شدن و عدم تحمل آن از سوی جامعه مذهبی ایران، اساس مخالفت‌ها علیه رژیم است.

فرد هالیدی می‌گوید: «اولین جنبه انقلاب اسلامی، پس از خصیصه مذهبی بودن آن، این است که: انقلاب ایران فکر پیشرفت را مردود می‌شمارد و درصدد بازگشت به الگوهای مذهبی قرن هفتم میلادی است.» یکی دیگر از نظریه پردازان غربی در این زمینه می‌نویسد: «ریشه‌های طغیان جاری ایران در هجوم این کشور به قرن ۲۰ می‌باشد که شاه در سال ۱۳۴۲... شروع به اصلاحاتی کرد تا جامعه فئودالیت ایران را به عصر جدید سوق دهد، اما مدرنیزه کردن با نهادهای کهنه اجتماعی، سنتی و مذهبی در تضاد قرار گرفته و سنت‌گرایان شدیداً با روند مدرنیزه شدن مخالفت می‌کنند»<sup>۸</sup>

برژینسکی مشاور امنیتی کاخ سفید در زمان کارتر در مورد علل سقوط شاه می‌نویسد: «مدرنیزه کردن جامعه محتاج به یک سیستم سیاسی است که بتواند شرکت عموم را در امور سیاسی وسعت داده و در عین حال دریچه‌های امنی نیز برای نارضایتی اجتماعی باز کند.

بعلاوه عقاید کهن مذهبی را نباید بدون پذیرش تدریجی ارزش‌های جدید از سوی عموم مردم، از قبیل ارزش‌هایی که با گذشته ملی ارتباط دارد ریشه کن کرد؛<sup>۹</sup> لذا رژیم شاه این قوانین را زیر پا گذاشت و منجر به سقوط وی گردید.<sup>۹</sup> شاه در کتاب پاسخ به تاریخ نوشته است: «باید بگویم که بی‌تردید بزرگ‌ترین اشتباه من آن بود که سعی کردم ملتی باستانی را به زور به سوی استقلال، فرهنگ، سلامت، سطح زندگی خوب و آسایش پیش ببرم»<sup>۱۰</sup>

### ارزیابی

در ابتدا باید گفت که: تناقض میان این نظریه و نظریه توطئه که هر دو از سوی شاه نیز حمایت شده‌اند وجود دارد، در این نظریه به عامل سیاسی، اقتصادی پرداخته، گویا ماهیت سیاسی و اقتصادی رژیم کاملاً مطلوب بوده و اگر دست به مدرنیزه کردن نمی‌زد هیچ مسئله‌ای ایجاد نمی‌شد، بعلاوه اگر این نظریه درست باشد باید ریشه انقلاب را از زمان اقدام شاه به مدرنیزه کردن جستجو کرد. در حالی که حقیقت خلاف این را ثابت می‌کند؛ علاوه بر آن واقعیت این است که طرفداران این نظریه از یک سو می‌کوشند رژیم شاه را خیرخواه و خدمتگزار ملت جلوه دهند، و این که در حکومت او هیچ مسئله نگران‌کننده‌ای وجود نداشته است. از سوی دیگر، مردم ایران و رهبران انقلاب را کهنه‌گرا و مخالف تمدن معرفی کنند.<sup>۱۱</sup>

### ج) فرضیه اقتصاد، عامل انقلاب

کسانی که پیوسته ریشه همه تحولات را در عامل اقتصادی جستجو می‌کنند، در این زمینه نیز اقتصاد را عامل پیدایش شرایط انقلاب و سقوط شاه دانسته‌اند؛ البته در تبیین این نظریه وحدت نظر وجود ندارد: برخی وابستگی بیش از پیش اقتصاد ایران به خارج، نابودی کشاورزی، سیل مهاجرت روستائیان به شهرها به منظور کاریبایی، تک محصولی شدن ایران و اتکای آن به نفت و مواردی از این قبیل را موجب سقوط شاه می‌دانند. در مقابل عده‌ای هم می‌گویند که با افزایش غیرمنتظره

قیمت نفت در سال ۱۳۵۰ تا چهار برابر (۳۶ دلار در هر بشکه) و افزایش درآمد ارزی ایران و در پی آن افزایش حقوق و دستمزدها، سبب بالا رفتن انتظارات مردمی گردید و از جانب دیگر فاصله طبقاتی چندین برابر شد، اما پس از تنزل مجدد قیمت نفت طرحها نیمه کاره رها شد، کارگران هم بیکار شده‌اند و در کنار سرمایه‌داران و آپارتمانها، حلبی آبادها تشکیل شد. در نهایت همین عوامل موجب سقوط رژیم شاه گردید.<sup>۱۲</sup>

### ارزیابی

گرچه تأثیر عامل اقتصادی در بروز نارضایتی و گسترش نهضت قابل انکار نیست؛ اما نه به عنوان تنها عامل و یا عامل عمده. وگرنه، اگر این نظریه در کلیت خود مورد قبول باشد، نتیجه آن خواهد بود که اولاً: ریشه اعتراضات به دهه ۵۰ و یا حداکثر به دهه ۴۰ به بعد مربوط بشود؛ ثانیاً اگر مشکل اقتصادی به گونه‌ای که بیان شد وجود نمی‌داشت هیچ مشکل سیاسی از قبیل اختناق، کشتار و شکنجه و یا مبارزه همه جانبه با اسلام مطرح نبود! علاوه بر این، لازمه این نظریه این خواهد بود که تنها اقشار محروم بوده‌اند که در نهضت شرکت داشته‌اند، در حالی که خاستگاه این نهضت همه اقشار ملت بوده‌اند، اگر چه، جهت‌گیری آن بیشتر به نفع مستضعفان است. از همه اینها گذشته بر اساس این نظریه، انقلاب اسلامی ایران با توجه به دلیل مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ، محاصره اقتصادی، سوء استفاده عده‌ای و بی‌تجربگی عده‌ای دیگر، به سرعت و به طور مکرر از هم فرو می‌پاشید.<sup>۱۳</sup>

### (د) فرضیه مذهبی عامل انقلاب

عده‌ای عقیده دارند ریشه اصلی انقلاب اسلامی و سقوط شاه را باید در مذهب و دین اسلام جستجو کرد. عامل مذهب به دو صورت تبیین شده است. عده‌ای می‌گویند: سیاستهای اسلام‌زدایی شاه در مقاطع گوناگون و ترویج مکاتب انحرافی و حمایت از عوامل صهیونیسم، بهایی‌گری و مانند آن به سقوط شاه منتهی شد. عده‌ای هم می‌گویند: که عوامل دیگر از قبیل مسائل و مشکلات اقتصادی و ماهیت سیاسی رژیم، به عنوان عوامل شتاب‌زا است. بنابراین سیاست اسلام‌زدایی شاه به عنوان عامل تعیین‌کننده و اصلی انقلاب می‌باشد.<sup>۱۴</sup>

### ارزیابی

گرچه سیاست اسلام زدایی شاه و پدرش تأثیر عمیق و غیرقابل انکاری در قیام مردم و سقوط رژیم پهلوی داشته است و این سیاست نیز از همان آغاز تأسیس حکومت پهلوی اول به صورت برنامه‌ریزی شده اعمال می‌شد؛ لکن طرح این موضوع به تنهایی و بدون انضمام عامل اقتصادی و سیاسی شاید نزدیک به واقع نباشد. علاوه بر این که نتیجه قطعی این تفسیر این خواهد بود، که حکومتها اگر کاری به اسلام نداشته باشند اسلام نیز کاری به آنها نخواهد داشت؛ این همان امضای لائیک و سکولاریسم (جدایی دین از سیاست) خواهد بود که قطعاً نه نظریه دهنده به آن ملتزم بوده و نه با روح اسلام سازگاری دارد؛ چرا که اسلام به منظور اقامه قسط و عدل و اصلاح امور مردم و حمایت از محرومان برنامه عملی دارد و مدعی حکومت است.

تفسیر دیگر از عامل مذهب این که، اساساً اسلام به عنوان دین جامع و کامل، با هر گونه انحراف و ابتدال، ظلم و اختناق، وابستگی و استعمار و سلطه بیگانگان بر مسلمانان، تبعیض، استکبار، فاصله طبقاتی و مانند آن مخالف است و با آن می‌ستیزد؛ همچنین مبارزه با اسلام و سیاست اسلام زدایی را از هر قدرتی که باشد تحمل نمی‌کند.<sup>۱۵</sup> بنابراین گزینش عامل مذهب با تفسیر اخیر، بازگوکننده عامل سیاسی و اقتصادی نیز خواهد بود.

### ه) فرضیه سیاسی عامل انقلاب

برخی از اهل نظر با تکیه بر عامل سیاسی بیان داشتند، که: بیشترین و عمده‌ترین خواست‌های مردم از رژیم، خواسته‌های سیاسی می‌باشد. دکتر زیبا کلام از نظریه پردازان این تفکر با تکیه بر این عامل می‌گوید: با نگاهی گذرا به تاریخ سلطنت محمدرضا پهلوی بالاخص از دهه ۱۳۳۰، مبین این حقیقت است، که نارضایتی و مخالفت نسبت به رژیم شاه به نحو جدی و عمیق در میان مردم ایران وجود داشته است. همچنین در تیرماه ۱۳۳۱ مردم مخالفت قاطع خود را با شاه در جریان قیام ۳۰ تیر نشان دادند و در سال ۱۳۳۹ که مختصر فضای باز سیاسی به وجود آمد مردم در صدد مبارزه با رژیم شاه برآمدند.

این نظریه پرداز تا آنجا، روی موضع خود اصرار دارد که، قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ را



متأثر از عامل سیاسی دانسته و می‌افزاید: این تحولات (قیام ۱۵ خرداد) در برهه‌ای اتفاق افتاد که نه اثری از مدرنیزاسیون و نه پشت کردن به اسلام یا ظهور بحران اقتصادی بود؛ بلکه این ناشی از این است که هرگاه فرصتی پیش می‌آمده و مردم می‌توانسته‌اند نارضایتی خود را از رژیم شاه نشان دهند، تردیدی در ابراز مخالفت، نمی‌کردند.

وی همچنین معتقد است مخالفتی که طی سالهای ۵۷-۱۳۵۶ شاهدش بودیم حلقه‌ای از زنجیره مخالفت‌های قبلی بود و آنچه که از سال ۱۳۵۶ پیش آمد آن بود که یکبار دیگر با وجود فضای باز سیاسی، ایرانیان این فرصت را یافتند تا نارضایتی خود را از رژیم، نشان دهند و ریشه این نارضایتی را باید در سرنوشت سیاسی آن رژیم جستجو کرد. علاوه بر این، ایشان تاکید دارد که بافت اصلی نظام سیاسی ایران در عصر محمدرضا شاه تفاوت چندانی با عصر قاجار نداشت و طی یکصد سال گذشته قدمی در راه اصلاح و رفرم ساختار سیاسی برداشته نشده بود.<sup>۱۶</sup>

### ارزیابی

گرچه نقش عامل سیاسی را در پیدایش نارضایتی و سقوط رژیم شاه نمی‌توان انکار کرد و شاید در مقایسه با عامل اقتصادی از اهمیت ویژه‌ای هم برخوردار باشد؛ اما نادیده گرفتن عوامل دیگر، از جمله عامل اقتصادی و سیاست اسلام‌زدایی شاه و استناد همه چیز به عامل سیاسی نیز درست نیست؛ زیرا سیاست اسلام‌زدایی شاه از همان آغاز تأسیس حکومت سلسله پهلوی پی‌ریزی شده بود؛ لذا قیام ۱۵ خرداد ادامه نهضتی بود که در جریان تصویب لایحه انجمن‌های ولایتی شروع شد و در سالروز شهادت امام جعفر صادق (ع) (دوم فروردین ۱۳۴۲) با حمله به مدرسه فیضیه و کشتار طلاب ادامه یافت و در نهایت منجر به سخنرانی امام خمینی (ره) در عصر عاشورای همان سال و بازداشت امام و اعتراض مردم و فاجعه خونین ۱۵ خرداد به وجود آمد. آیا در این حوادث ردپای مذهب دیده نمی‌شود؟ آیا قیام فدائیان اسلام که در دهه ۱۳۲۰ اوج گرفت به عامل سیاسی تنها محدود بود؟

آقای زیبا کلام به خاطر یک جنبه نگری حتی حاضر نشد تغییر و تحولات به وجود آمده در سال ۱۳۵۶ را که موجب فضای باز سیاسی شده بود به مذهب و از

جمله به شهادت آقا مصطفی خمینی و اهانت به امام خمینی (ره) در روزنامه اطلاعات که منجر به شهادت طلاب و مردم قم در ۱۹ دی ۱۳۵۶ شده بود، مستند کند. این در حالی است که حتی بسیاری از نظریه پردازان غربی نیز در این حوادث بر نقش مذهب تاکید داشته و تلویحاً آن را با مارک ارتجاعی رد کرده‌اند. رابرت گراهام، پس از بیان این مطلب که تغییرات انقلابی در ایران تحقق پیدا نمی‌کند؛ مگر آن که جامعه مذهبی از آن پشتیبانی کند، می‌نویسد: «مقابله با روحانیون در گذشته، موجب بروز قیام‌های بسیار شدید و خشن شده است. قیام‌هایی که از اردیبهشت ۱۳۵۷ علیه شاه در سراسر مملکت به وقوع پیوست انگیزه مذهبی داشت، این نکته شایان توجه است که بازداشت آیت‌الله خمینی موجب بروز قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ شد و حمله‌ای که به دست مقامات رسمی و نیز مقاله‌ای که در ظاهر با امضای مستعار علیه آیت‌الله خمینی صورت گرفت موجب بروز قیام سال ۱۳۵۷ گردید.»<sup>۱۷</sup>

### ز) نتیجه‌گیری

قبل از بیان نتیجه‌گیری یادآوری این نکته ضروری به نظر می‌رسد: در ایام نه چندان دور، هر حرکتی که به نام سنت‌گریزی و نوگرایی بروز می‌کرد، در یک تحلیل کلاسیک کلی و دیکنه شده جهان معاصر به اصطلاح دموکراسی یا دموکراتیک قرار می‌گرفت. و یا اگر حرکتی تند، تنش‌زا و بحران‌خیز به عنوان یک حرکت انقلابی در جهت استبداد ستیزی و ضد استعماری انجام می‌گرفت، به صورت کلیشه‌ای آن را وابسته به نظام سوسیالیسم و کمونیسم می‌دانستند.

اما انقلاب اسلامی با توجه به نظم جهانی و فضای حاکم بر آن، به لطف خداوند و رهبری امام خمینی (ره)، مجاهدت و حمایت همه جانبه مردم ایران از آن، نظام سیاسی مبتنی بر شریعت را در این کشور ایجاد نمود؛ پس حرکت انقلاب اسلامی یک تجربه عمیق و نوین با ابعاد مختلف و فراگیر - که متأثر از شریعت اسلام می‌باشد - در بسیاری از جهات و سطوح، در ایجاد انقلاب و تحول موفق و مؤثر بوده است. بنابراین، انقلاب اسلامی را می‌توان در یک تئوری و مدل سهل الوصول عرضه نمود که قابلیت تکرار داشته باشد. که این مدل عبارت‌اند از: شریعت (اسلام)، رهبری (ولایت فقیه) و مردم و در زمینه نظام سیاسی نیز ترکیبی از مفهوم

جمهوری با اسلام ارائه شد، که بین حقیقت اسلامی با واقعیات و شرایط زمانی تلفیق ایجاد شده است.

با توجه به مطالبی که قبلاً از نظرثان گذشت، می‌توان گفت: که نظرات سه‌گانه (اقتصادی، سیاسی، مذهبی یا اعتقادی) و صاحبان آن نظرات، هرکدام کوشش کرده‌اند که انقلاب ملت ایران را با نظریه خود تطبیق دهند و هرکدام نیز برای اثبات مدعای خود شواهدی از انقلاب آورده و مدعی‌اند که این انقلاب با نظریه آنان قابل تطبیق است. از این رو، یکی مدعی اقتصادی و مادی انقلاب است و دیگری سیاسی و سوّمی مدعی اعتقادی آن می‌باشد. در مقابل این سه گروه؛ گروهی هم مدعی‌اند که انقلاب اسلامی ایران برخلاف همه انقلاب‌ها تک بعدی نبوده؛ بلکه هر سه جهت را داراست؛ لذا این انقلاب با تلفیق و همکاری این سه عامل تحقق پیدا کرده است. اما به نظر نگارنده، هیچ یک از این نظرات چهارگانه برای عامل اصلی پیروزی انقلاب اسلامی کامل و گویا نیست؛ زیرا انقلاب مردم ایران با ماهیت اسلامی و نقش رهبری و مردم در تحقق آن کارساز بوده است و تأمین‌کننده همه این جهات همان شریعت اسلام به عنوان دین کامل و جامع - با ابعاد سیاسی، اقتصادی و اعتقادی که برای تأمین سعادت بشر آمده است - به عنوان عامل اصلی سقوط رژیم پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی می‌باشد.

بنابراین؛ آنهایی که انقلاب اسلامی را منحصر در بعد اقتصادی، سیاسی یا عقیدتی داشته‌اند، به یک بخش از بُعد آن نگریسته‌اند و از بقیه ابعاد این انقلاب غافل مانده‌اند و یا تغافل به این امر نموده‌اند و یا حتی گروهی که انقلاب اسلامی را با تلفیق این سه بُعد تحقق یافته می‌پندارند، ناشی از عدم شناخت و درک کافی از شریعت اسلام بوده و یا تجاهل به این امر می‌نمایند؛ زیرا شریعت اسلام با جامعیت و کامل بودنش، که ابعاد اقتصادی، سیاسی و اعتقادی جزء متن آن بوده و از دستورات اصلی آن محسوب می‌شود و برای تأمین سعادت بشر آمده است، همه آن موارد را در ذات خود دارد. برای وضوح بیشتر این بحث اشاره‌ای به بیانات امام خمینی (ره) در مورد نامگذاری انقلاب اسلامی داشته‌اند، می‌نماییم: «جمهوری اسلامی، نه یک کلمه زیاده‌تر و نه یک کلمه کمتر؛ زیرا قرار دادن لفظ دموکراتیک در کنار اسلامی اهانت به اسلام است، چون نشانه آن این است که اسلام مردمی نبوده و در اعطای آزادی ناقص است، که باید با لفظ دموکراتیک آن را جبران کرد.»<sup>۱۸</sup>

در نتیجه، عوامل اصلی سقوط رژیم پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی ایران، همان شریعت اسلام با جامعیت و کامل بودنش - با ابعاد و جنبه‌های سیاسی، و اقتصادی و اعتقادی که جزء متن اسلام بوده و از دستورات اصلی آن محسوب می‌شود - با لحاظ نمودن نقش مهم رهبری و مردم در چهارچوب آیین و مقررات این شریعت می‌باشد. همچنین عوامل دیگری، از جمله حوادث تاریخی یک صد سال اخیر در ایران نیز به عنوان زمینه‌ساز و فرعی این انقلاب تأثیر داشته‌اند. لازم به توضیح است، که نگارنده جهت استناد به نتیجه‌گیری خود، اشاره‌ای به نظرات امام خمینی (ره)، آیت‌الله خامنه‌ای و استاد شهید مرتضی مطهری پیرامون چرایی وقوع انقلاب اسلامی می‌نماید، که عبارت‌اند از:

الف) امام خمینی (ره) رهبر کبیر انقلاب اسلامی در مورد عوامل پیدایش و چرایی انقلاب اسلامی می‌فرماید:

«آنچه به طور مختصر می‌توان گفت: این است که فشار بیش از حد شاه، مردم را چنان در تنگنا قرار داد که آنان دست به یک قیام همگانی زدند. شاه استقلال سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی ما را از بین برده است و مردم ایران را زیر شکنجه و در سیاهچال‌های زندان کشته است، از تمام علما و خطبا برای گفتن حقایق جلوگیری کرده است. تمام اینها موجب شده است که مردم مسلمان ایران خواستار یک حکومت اسلامی باشند»<sup>۱۹</sup> امام خمینی (ره) همچنین در ضمن نامه‌ای خطاب به رئیس وقت دولت ترکیه بیان کرده است که: «اساس این نهضت از دو جا سرچشمه گرفت یکی از شدت فشار خارجی و داخلی... مردم را به جان آورد که این نهضت را همراهی کنند و دیگری آرزوی ما برای یک حکومت اسلامی که ما مسائل اسلامی را مثل صدر اسلام در ایران پیاده کنیم»<sup>۲۰</sup>

همچنین در قسمتی از بیانات ایشان به عوامل دیگری، همچون حمایت رژیم اسرائیل و تأمین نفت او، تخریب و نابودی اقتصاد به ویژه در بخش کشاورزی و دامداری،... ترویج فساد و بی‌بند و باری نسل جوان و تضعیف روحانیت... اشاره شده است.

ب) آیت‌الله خامنه‌ای عوامل ذیل را به عنوان پیدایش انقلاب برمی‌شمارند: عامل تاریخی یک صد سال اخیر؛ مسائل عینی جامعه، وجود رژیم سفاک از یک سو و بیداری مردم از طریق سخنگویان دین از جانب دیگر؛ عوامل انسانی، و

همه شخصیت‌های برجسته روحانی و دانشگاهی و در رأس آنها شخصیت استثنایی امام خمینی (ره) و در نهایت تفکر اسلامی و ایمان دینی در مردم تکیه کردند.<sup>۲۱</sup>

ج) استاد شهید مطهری در مورد ریشه نهضت اسلامی چند عامل را بیان کردند که عبارت‌اند از:

خیانت‌های شاه و پدرش در طول نیم قرن که وجدان مذهبی جامعه ما را جریحه‌دار کرده است؛ استبداد خشن و سلب هر نوع آزادی؛ نفوذ استعمار نو... استثمار چه از جنبه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی؛ افشای چهره دروغین تبلیغات سیاسی لیبرال غربی و دنیای سوسیالیست شرقی و مأیوس شدن طبقات روشنفکر که به این دو قطب دل بسته بودند؛ ارائه چهره زیبا و جذاب اسلام واقعی به نسل معاصر توسط محققین، گویندگان و نویسندگان اسلامی پس از شهریور ۱۳۲۰ به این طرف؛ دور نگهداشتن دین از سیاست؛ قلب و تحریف در میراث گرانقدر فرهنگ اسلامی؛ نقض آشکار قوانین و مقررات اسلامی؛ روحانیت آگاه و شجاع و مبارز ایران که از ناهنجاری‌های گذشته رنج می‌برد در پی فرصت مناسبی برای بپاخواستن بود، که در این شرایط نسل به ستوه آمده از ناهنجاری‌های ۵۰ ساله... ندای روحانیت را لبیک گفت و...<sup>۲۲</sup>



## پی نوشت‌ها

۱. شاه در آذر ۱۳۵۶ در جریان فارغ التحصیلی دانشگاه افسری اعلام نمود: «کسی نمی‌تواند مرا سرنگون کند. من از حمایت کارگران، کشاورزان و بخش وسیعی از مردم عادی و روشنفکران به علاوه از پشتیبانی بی‌چون و چرای نیروهای مسلح هفتصد هزار نفری ایران برخوردارم.» مجموعه مقالات - انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، ج ۱، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی، مقاله صادق زیباکلام، ص ۸۶.
۲. جیمی کارتر، رئیس جمهور آمریکا، در سفر آبان ۱۳۵۶ به ایران از این کشور به عنوان «جزیره با ثبات» یاد نمود و به شاه به واسطه زعامت چنین کشوری تبریک و تهنیت گفت. یا سازمان «سیا» در شهریور ۱۳۵۷، جمع‌بندی معروفی را از وضعیت ایران به عمل آورد و اظهار داشت: «ایران به تنها در یک موقعیت انقلاب قرار ندارد؛ بلکه حتی آثار و علایمی از نزدیک بودن شرایط انقلاب هم در آن به چشم نمی‌خورد.» همان مأخذ، ج ۱، صص ۸۷-۸۶.
۳. ریشه‌های جذابیت نظریه توطئه برای ایرانیان را باید در عوامل تاریخی و سیاسی جستجو کرد؛ زیرا: اولاً توطئه چینی قدرت‌های بزرگ در اوضاع و احوال، نیمه استعماری ایران، ثانیاً توطئه رقبای خارجی و دستگاه امنیتی کشور برای مقاصد سیاسی و کوشش مداوم برای خراب کردن رجال کشور. ثالثاً، فقدان آزادی بیان و برخورد سالم، آراء و عقاید گوناگون که موجب آسیب پذیری مردم در برابر شایعات گوناگون توطئه‌پردازان می‌شود، «رجوع شود به کتاب مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی، صادق زیباکلام،...، ص ۹۴».
۴. همان مأخذ، ج ۱، صص ۹۳-۹۱ و مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی، صادق زیباکلام، روزنه، تهران، ۱۳۵۷، صص ۳۱-۳۴ و انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، عمید زنجانی، صص ۵۳۹-۵۶۰.
۵. مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی، صادق زیباکلام،... صص ۹۳-۹۱ و انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، عمید زنجانی صص ۵۵۳-۵۵۰.

۶. مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی، صادق زیباکلام، ص ۳۳ و مجموعه مقالات، ج ۱، صص ۹۳-۹۱.
۷. همان مأخذ، صص ۳۳-۳۱، همان مأخذ، صص ۹۴-۹۲.
۸. همان مأخذ، صص ۳۵، همان مأخذ، ص ۹۴.
۹. مأخذ شناسی توصیفی، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی، ج ۱، ص ۳۱، نقل از کتاب اسرار سقوط شاه و گروگان‌گیری، زیگینو برژینسکی، ترجمه حمید احمدی.
۱۰. همان مأخذ، ص ۱۰۹، نقل از کتاب پاسخ به تاریخ، محمدرضا پهلوی، مترجم حسین ابوترابیان.
۱۱. مجموعه مقالات، ج ۱، صادق زیباکلام، صص ۹۵-۹۴ و پژوهشی نو پیرامون انقلاب اسلامی، حمید دهقان، مدین، قم، ۱۳۷۶، صص ۳۸-۳۹.
۱۲. مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی، زیباکلام، ...، صص ۶۱-۳۷ و مجموعه مقالات، ج ۱، زیباکلام، صص ۱۰۰-۹۶.
۱۳. مجموعه مقالات، زیباکلام، ج ۱، صص ۱۰۴-۱۰۰ و پژوهشی نو پیرامون انقلاب اسلامی، حمید دهقان، ص ۴۰.
۱۴. انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، عمید زنجانی، ص ۳۳۹ و مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی، زیباکلام، صص ۶۰-۳۹ و مجموعه مقالات، زیباکلام، ج ۱ صص ۱۰۸-۱۰۵.
۱۵. مجموعه مقالات، زیباکلام، صص ۱۱۲-۱۰۸.
۱۶. مجموعه مقالات، زیباکلام، ج ۱، صص ۱۰۴-۹۹ و ۱۰۶-۱۱۱ و مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی، زیباکلام،
۱۷. مأخذ شناسی توصیفی، ج ۱، صص ۷۸-۷۷، نقل از کتاب: ایران سراب قدرت، رابرت گراهام، ترجمه فیروز فیروزنیا.
۱۸. صحیفه نور، امام خمینی (ره)، ج ۳، صص ۸۰-۷۹ و ۹۵ و ۲۷۰-۲۶۹.
۱۹. صحیفه نور، امام خمینی، ج ۳، ص ۱۶۴.
۲۰. صحیفه نور، امام خمینی، ج ۷، ص ۷۲.
۲۱. مجله پیام انقلاب، بهمن ۱۳۶۱.
۲۲. نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، مرتضی مطهری، صدرا، قم، بی تا، صص ۶۷-۶۵ و ۶۸.



## فصل چهارم

### مقایسه انقلاب اسلامی ایران با انقلاب‌های بزرگ دنیا

مقایسه بین پدیده‌های گوناگون اجتماعی بسیار مشکل و پیچیده است و انقلاب‌های بزرگ دنیا نیز از این گونه پدیده‌هاست. علت مشکل بودن مقایسه این پدیده‌ها بدین جهت است که: از یک طرف در شرایط زمانی و مکانی یکسانی رخ نمی‌دهند؛ بلکه هرکدام به تناسب زمان و مکان مخصوص به خود اتفاق می‌افتند و از طرف دیگر انسان‌هایی که در هر کدام از انقلاب‌های بزرگ دنیا شرکت کرده و باعث پیروزی و غلبه بر رژیم‌های سیاسی شده‌اند دارای هدف‌ها، ارزش‌ها، افکار و عقاید و فرهنگ‌های متفاوتی بوده‌اند.

با این حال، یکی از راه‌های شناخت اهمیت و ماهیت یک انقلاب بزرگ همانند انقلاب اسلامی ایران، مقایسه آن با سایر انقلاب‌های بزرگ دنیاست. برای این منظور، انقلاب‌های بزرگی، همچون انقلاب کبیر ۱۷۸۹ فرانسه و انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه انتخاب شده‌اند، که هر کدام از اینها با توجه به شرایط قبل از انقلاب در زوایای مختلف بررسی می‌شوند، تا امکان مقایسه فراهم آید.

### شرایط اقتصادی

#### الف) فرانسه

از اوایل قرن هجدهم و قبل از انقلاب کبیر فرانسه، نشانه‌های زیادی مبنی بر

وخامت اوضاع اقتصادی در فرانسه به چشم می خورد. این کشور از ۵۰ سال قبل از انقلاب دچار مشکلات و بحران‌های مالی و اقتصادی فراوانی بود که روز به روز بر دامنه آن افزوده می شد. کسر بودجه دولت هر سال نسبت به سال پیش افزایش را نشان می داد، قرض‌های داخلی و خارجی آن، هر سال سیر صعودی داشت. افزایش مالیات‌ها، استبداد و خودکامگی پادشاه، ولخرجی‌ها، عیاشی‌ها و جنگ‌های پی در پی با کشورهای دیگر، همه دست به دست هم داده بودند تا کشور فرانسه دچار یک رکود اقتصادی شدید شود.

جامعه فرانسه در طول قرن ۱۸ و همزمان با انقلاب به طور کلی از سه طبقه روحانیون، نجبا و طبقه سوم، تشکیل شده بود. دو گروه روحانیون و نجبا طبقات ممتاز جامعه را تشکیل می دادند و دارای امتیازات فراوانی بودند. از جمله قدرت سیاسی، قضایی، قانون‌گذاری و تأمین امنیت اجتماعی در دست آنها بود. از پرداخت هرگونه عوارض دولتی و مالیات معاف بودند و در اجرای قوانین به طبقه سوم ظلم و ستم می کردند.<sup>۱</sup> طبقه سوم خود از چند گروه و صنف تشکیل می شدند و عده‌ای از آنها با تولیدات صنعتی و خدمات اداری در دستگاه دولتی از نظر پولی و مالی رشد کرده بودند؛ ولی به رغم رشد اقتصادی، از قدرت سیاسی محروم بودند. گروه دیگر؛ یعنی کارمندان، کارگران و کشاورزان و فروشندگان جزء و... که اکثریت طبقه سوم را تشکیل می دادند در محرومیت مطلق به سر می بردند. علاوه بر این، تمام فشارها و هزینه‌های کلان مالیاتی که دولت مردان فرانسه برای بهبود اقتصادی پیشنهاد می کردند بر دوش همین طبقه، از جمله کشاورزان بود. چنین شرایط وخیم اقتصادی و طبقاتی از یک سو و زمستان سخت سال ۱۷۸۹ میلادی به همراه عبور از مرحله فئودالیت به سرمایه‌داری از سوی دیگر، باعث شده بودند که زمینه‌های لازم برای یک انقلاب مردمی در فرانسه آماده شود.<sup>۲</sup>

### (ب) روسیه

از آغاز قرن بیستم، روسیه در وضعیت نامطلوبی از نظر اقتصادی به سر می برد. جنگ ۱۹۰۵ میلادی با ژاپن، رکود اقتصادی، بیکاری کارگران، گرسنگی و نداشتن زمین کشاورزی و نیز درآمد پایین، قحطی و خشکسالی باعث شده بود که عده زیادی از دهقانان کار خود را ترک کرده، رهسپار شهرهای روسیه و دیگر کشورها

شوند. همچنین رشد صنعتی روسیه که در این زمان آغاز شده بود موجب تسریع در روند مهاجرت روستاییان به شهرها شد. اما به علت وابستگی سرمایه‌گذاری‌ها به منابع مالی بیگانه و استقراض خارجی، درآمد ملی پایین آمده و آن کشور به بحران اقتصادی سختی دچار شد.<sup>۳</sup> با آغاز جنگ جهانی اول، همه منابع کشور از جمله نیروی انسانی، تولیدات صنعتی، منابع مالی، سوخت و منابع غذایی در اختیار جنگ قرار گرفت و در نتیجه تولیدات کشاورزی و صنعتی به شدت کاهش یافت و مواد غذایی در شهرها جیره‌بندی شد. علاوه بر اینها، مشکلات حمل و نقل، سوء مدیریت سیاسی، نابسامانی در تهیه و توزیع کالاها، بحران نان و سوخت، افزایش شدید تورم، کاهش درآمدها، افزایش مالیات‌های جنگی، همه دست به دست هم داد و زمینه‌های لازم برای اعتصاب و شورش کارگران و دهقانان و حتی نظامیان و در نتیجه انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ میلادی و سقوط حکومت تزارها را فراهم کرد.<sup>۴</sup>

### ج) ایران

اما شرایط و اوضاع اقتصادی در ایران هنگام وقوع انقلاب اسلامی چنین وضعیتی نداشت، همان طوری که گذشت کشورهای فرانسه و روسیه هرکدام بنا به دلایل خارجی و داخلی در هنگام انقلاب از وضعیت مطلوبی برخوردار نبودند. بحران اقتصادی در هر دو کشور در سال‌های انقلاب و حتی، سال‌های قبل از آن به وجود آمده و زمینه تحولات سیاسی و اجتماعی فراهم شده بود و فقط نیاز به جرقه‌ای داشت.

در ایران قبل از انقلاب، برخلاف کشورهای مذکور نه تنها از نظر اقتصادی بحران و وخامت جدی اقتصادی که غیرقابل کنترل رژیم حاکم باشد وجود نداشت؛ بلکه در طول دوره چندساله قبل از انقلاب به علت افزایش سریع و ناگهانی قیمت نفت، توانایی‌ها و قدرت اقتصادی رژیم شاه به سرعت افزایش پیدا کرده بود. همه شاخص‌های اقتصادی در ایران هنگام وقوع انقلاب، مانند: درآمد سالانه دولت، رشد اقتصادی، تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه افزایش یافته و به چند برابر رسید. از این رو، خیال رژیم شاه از این جهت راحت بود و کارشناسان اقتصادی و سیاسی هیچ‌گونه حادثه غیرمترقبه‌ای را پیش‌بینی نمی‌کردند و حتی کارتر در سفر خود به ایران آن را جزیره ثبات منطقه خوانده بود.<sup>۵</sup>

محمد رضا پهلوی در طی این سالها با تکیه بر افزایش قیمت نفت و افزایش میزان تولید آن نه تنها مقدار مالیات‌ها را افزایش نداده بود؛ بلکه مقدار زیادی از مالیات‌های صنایع و حقوق کارمندان دولت را کاهش داده و بر حقوق کارگران و کارمندان افزوده بود. حتی مالیات‌های حقوق نظامیان به طور کلی بخشوده شده بود. در راستای این سیاست، رژیم وابسته پهلوی برای تداوم و بقای خود، کالاهای مصرفی و لوکس خارجی را با پرداخت یارانه فراوان در اختیار مردم قرار می‌داد. این سیاست‌ها هرچند در درازمدت آثار سوئی داشته و باعث ایجاد وابستگی به بیگانگان می‌شد؛ ولی در آن زمان مردم فکر می‌کردند که در رفاه به سر می‌برند. چنین وضعی می‌توانست مانع از تحولات اجتماعی و سیاسی شود. نتیجه این که رژیم پهلوی برخلاف رژیم کشورهای فرانسه و روسیه قبل از انقلاب، نه تنها در شرایط بحران اقتصادی به سر نمی‌برد؛ بلکه در مقایسه با آنها از شرایط اقتصادی مطلوبی برخوردار بود و حتی خود تبدیل به یک کشور وام‌دهنده به کشورهای غربی مانند فرانسه و انگلستان درآمد بود؛ بنابراین شرایط اقتصادی ایران قبل از انقلاب، زمینه ساز حرکت‌های انقلابی نبود.

### شرایط نظامی و حمایت بین‌المللی

#### الف) فرانسه

شرایط نظامی: قبل از انقلاب فرانسه در زمانی که لویی شانزدهم نیاز به سرکوبی مردم انقلابی داشت، نیروهای نظامی این کشور فاقد ابزارهای لازم برای اعمال فشار بر مردم و حمایت از شاه بودند. ارتش فرانسه در طول ۵۰ سال متوالی در چندین جنگ خارجی شرکت کرده و در اکثر آنها دچار شکست‌های سختی شده بود. این نیروها که در زمان صلح حدود ۱۸۰ هزار نفر بودند. پس از شکست‌های پی‌درپی، پراکنده و متلاشی شده بودند. علاوه بر شکست‌ها، فرماندهان نالایق و سرکش هم باعث شده بودند که ارتش فرانسه از پادشاه آن کشور حمایت نکند. در نتیجه لوئی شانزدهم نتوانست با اتکا به این نیروها، مردم انقلابی و ناراضی آن کشور را سرکوب کند.<sup>۷</sup>

حمایتهای بین‌المللی: در قرن هجدهم، فرانسه، انگلیس، اتریش، روسیه و پروس از قدرت‌های بزرگ اروپا بودند و از نظر نظامی با هم برابری می‌کردند. در واقع نوعی

موازنه قوا بر آن قاره حاکم بود. اما در عین حال، هریک از آن کشورها در داخل و خارج از اروپا به فکر پیشبرد هدفها و مقاصد خود بودند و سعی می‌کردند که دیگری را ضعیف کرده و از صحنه سیاسی اروپا و مستعمرات اروپایی حذف کنند. به همین دلیل کشورهای اروپایی نه تنها به فرانسه جهت سرکوب نیروهای انقلابی کمک نمی‌کردند؛ بلکه از درگیری‌های داخلی آن کشور و تضعیف قدرت سیاسی آن خوشحال بودند. حتی بعضی از کشورها، مثل انگلستان از انقلابیون فرانسه حمایت می‌کرد. همچنین کشورهای بزرگ اروپایی در این زمان به دلیل درگیری‌هایی که در داخل اروپا و خارج از آن قاره، بر سر مستعمرات با یکدیگر داشتند، آمادگی لازم را هم برای کمک به پادشاه فرانسه نداشتند. هنگامی که لویی شانزدهم از پادشاه اتریش (برادر ملکه فرانسه) تقاضای کمک کرد، از مساعدت و یاری وی برخوردار نشد. از این رو نظام سیاسی فرانسه در زمان وقوع انقلاب و در مصاف با بحران‌های انقلابی از نظر حمایت بین‌المللی در بدترین موقعیت قرار داشت. و هیچ اتحاد و پیمان نظامی با کشورهای دیگر نداشت تا در موقع بحران از آن کشور حمایت کنند.<sup>۸</sup>

### ب) روسیه

**شرایط نظامی:** نیروهای نظامی روسیه قبل از انقلاب، آن هم در زمانی که رژیم تزاری آن کشور نیاز به سرکوب کارگران و دهقانان شورشی داشت نه تنها فاقد روحیه و ابزارهای لازم برای سرکوب مردم بودند؛ بلکه خود باعث تسریع در روند انقلاب شدند. شکست در جنگ‌های ۱۹۰۴-۵ در جزیره کریمه و در مقابل نیروهای عثمانی، فرانسوی و انگلیسی، شکست در مقابل ژاپن در سال‌های ۱۹۰۴-۵ و واگذاری قسمت‌های جنوبی جزایر ساخارین به آن کشور و دست کشیدن از هرگونه ادعایی بر منچوری و شبه جزیره کره و مهم‌تر از همه، شکست در جنگ جهانی اول و عقب نشینی از لهستان از یک سو، افزایش نیروهای نظامی در جنگ اول و عدم تجهیز و پشتیبانی کافی از سوی دیگر، باعث شده بود که نیروهای نظامی از رژیم تزاری حمایت نکنند و در نتیجه تزار نتوانست به کمک آنها شورشها و تظاهرات انقلابی را سرکوب کند.<sup>۹</sup>

با این حال، ملاحظه می‌شود که: نظام سیاسی حاکم بر روسیه (قبل از انقلاب) نه تنها نیروی نظامی و قوای مسلح نیرومند و وفادار به قدرت سیاسی در اختیار

نداشت؛ بلکه ارتش شکست خورده در جنگ‌ها، روحیه خود را از دست داده و با نارضایتی از رژیم حاکم، به کارگران و مردم اعتصابی پیوست و در نتیجه این وضعیت نقش مهمی در سقوط رژیم تزاری و پیروزی انقلاب داشت. ارتش روسیه در سال ۱۹۱۷ میلادی به عنوان یک عامل شتاب‌زا، در انقلاب عمل کرد نه به عنوان یک عامل بازدارنده؛ لذا به عامل مهمی برای سقوط رژیم گذشته و استقرار نظام کمونیستی در آن کشور مبدل شد.

**حمایتهای بین‌المللی:** انقلاب اکتبر روسیه در زمانی که آتش جنگ بین‌الملل اول دنیا را در کام خود فرو برده بود، این جنگ که در سال ۱۹۱۴ میلادی، به بهانه کشته شدن ولیعهد اتریش و جاه‌طلبهای آلمان آغاز شد، در اروپا نسبت به بقیه جهان از شدت بیشتری برخوردار بود. کشورهای اروپایی در این جنگ در دو گروه به نام متحدین و متفقین در مقابل هم صف‌آرایی کردند و متفقین که شامل روسیه، فرانسه و انگلستان بودند، به وسیله پیمان‌ها و قراردادهای نظامی و سیاسی متعهد شده بودند که از یکدیگر پشتیبانی کنند؛ از این رو روسیه از حمایت بین‌المللی هم‌پیمانان خود برخوردار بود. از این جهت، روسیه در هنگام حوادث انقلاب اکتبر که جنگ جهانی به آن دامن زده و شتاب بیشتری به خود گرفته بود، به ظاهر در دایره‌ای از اتحادها و پیمان‌های سیاسی و نظامی بین‌المللی و منطقه‌ای قرار داشت و کشورهای بزرگی مانند انگلستان و فرانسه و بعدها آمریکا از آن در صحنه جهانی حمایت می‌کردند.<sup>۱۰</sup>

اما آغاز ناگهانی جنگ جهانی اول و پیروزی برق‌آسای نیروهای آلمانی بر روسیه و در نتیجه شکست و عقب‌نشینی آن کشور از لهستان از یک سو و مسافت زیاد بین روسیه و هم‌پیمانان او از سوی دیگر، باعث شد که آنها نتوانند در سرکوبی نیروهای انقلابی به آن کشور کمک کنند. از این رو، هنگامی که بحران داخلی آن کشور را فرا گرفته بود، روسیه تنها و بی‌حامي مانده بود. به این ترتیب، مشاهده می‌شود که دولت روسیه به رغم این که در یک اتحاد نظامی جهانی قرار گرفته بود، در زمان انقلاب نتوانست از پشتیبانی دوستان و متحدان خود دست کم برخوردار شود. این در حالی بود که نیروهای انقلابی و رهبران مارکسیست آنها مورد حمایت متحدین، به ویژه آلمان قرار داشتند و این حمایت در پیروزی آنها نقش بسیار مؤثری داشت.<sup>۱۱</sup>

## ج) ایران

شرایط نظامی: ارتش ایران برخلاف دو کشور مزبور، مدت‌ها بود که در هیچ جنگی شرکت نکرده بود. همچنین نه تنها هیچ عامل روحی و فیزیکی داخلی هم، باعث تضعیف و تزلزل روحیه آن نشده بود؛ بلکه نیروهای نظامی ایران در زمان پهلوی‌ها به ویژه محمدرضا پهلوی از هر جهت تقویت شده بودند. شاه ایران بیش از هر نظامی به ارتش توجه داشت. او به عنوان فرمانده کل نیروهای مسلح، بودجه‌های زیادی برای خرید تجهیزات نظامی و بهتر شدن وضع زندگی روزمره نظامیان اختصاص داده بود. تا از این طریق بتواند بر میزان کارایی آنها افزوده، اعتماد آنها را جلب کند. شاه سعی می‌کرد یک ارتش قوی، نیرومند و آموزش دیده و وفادار به خود داشته باشد تا هرچه بیشتر از طریق آنها حاکمیت مستبدانه خود را بر مردم ایران تحمیل کند. چنین نیروی منظم و مطیع و دارای سلسله مراتب فرماندهی که به خود شاه ختم می‌شد، می‌توانست به راحتی استمرار حکومت شاه و خانواده او را در دراز مدت تأمین کرده و هرگونه بحران سیاسی و تظاهرات مردمی را که پایه‌های اقتدار او را به مخاطره می‌انداخت، سرکوب کند.<sup>۱۲</sup>

علاوه بر ارتش و نیروهای انتظامی، رژیم شاه از حمایت یک سازمان مخفی پلیسی به نام سازمان امنیت و اطلاعات کشور (ساواک) نیز برخوردار بود. این سازمان با توصیه آمریکا و با همکاری سازمان اطلاعاتی آن کشور، انگلیس و اسرائیل تشکیل شده و به صورت یک شبکه گسترده مخوف، تمام گروه‌های مخالف نظام شاهنشاهی را زیر نظر داشت و با اعمال بی‌رحمانه‌ترین شکنجه‌های روحی و جسمی، ضامن تداوم سیاسی رژیم محمدرضا پهلوی بود.

پس قدرت نظامی، انتظامی و پلیسی نظام حاکم قبل از انقلاب در ایران برخلاف کشورهای مزبور در بهترین موقعیت از نظر روحی و روانی، تجهیزاتی، سازماندهی و وفاداری به شاه قرار داشت و بدون چون و چرا، از او حمایت می‌کرد و هرگونه تحرک و جنبش را به راحتی می‌توانست سرکوب کند.<sup>۱۳</sup>

حمایت‌های بین‌المللی: از نظر حمایت بین‌المللی هم، حکومت مطلقه محمدرضا پهلوی، در زمان وقوع انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۳۵۷ ه. ش.

نسبت به کشورهای فرانسه و روسیه در زمان بحران در موقعیت بهتری قرار داشت.

پس از جنگ جهانی دوم و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ه. ش. آمریکا به طور کامل

بر صحنه سیاسی ایران حاکم شد. همچنین، پایان جنگ دوم که دنیا را به دو بلوک شرق و غرب به رهبری آمریکا و شوروی تقسیم کرده بود، بر اهمیت استراتژیکی ایران افزود؛ زیرا ایران به تنهایی در شمال خلیج فارس و تنگه هرمز قرار داشت که مقدار زیادی از نفت کشورهای غربی را تأمین می‌کرد. به این جهت، آمریکا برای حفظ منافع خود و هم‌پیمانان غربی‌اش و برای جلوگیری از نفوذ کمونیسم در سال ۱۳۳۸ ه. ش. با ایران یک پیمان دفاعی امضا کرد و رژیم شاه را تحت حمایت خود قرار داد.<sup>۱۴</sup>

ایران، با خروج انگلستان از شرق کانال سوئز، در سیاست دو ستونی آمریکا هم به عنوان ستون اصلی و امنیتی در منطقه، شناخته شد و به همین علت، حمایت آمریکا و کشورهای غربی از ایران بیشتر شد و روند فروش تجهیزات نظامی و صنعتی به ایران روز به روز گسترش یافت.

همچنین، ایران، در پیمان‌های نظامی و غیرنظامی منطقه‌ای و جهانی آمریکا از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود. به ویژه با عضویت در سنتو، زنجیره ناتو را به سنتو وصل کرده بود. از این رو، نه تنها از سوی آمریکا حمایت می‌شد؛ بلکه از سوی کشورهای متحد آمریکا مانند انگلستان، فرانسه، آلمان، ژاپن و ایتالیا چه از لحاظ نظامی و چه از لحاظ سیاسی و اقتصادی به شدت در منطقه و جهان مورد پشتیبانی قرار می‌گرفت.<sup>۱۵</sup> حمایت بین‌المللی و منطقه‌ای از شاه منحصر به کشورهای بلوک غرب در آغاز بحران نبود؛ بلکه کشورهای بلوک شرق به ویژه اتحاد جماهیر شوروی سابق هم با انعقاد قراردادهای تجاری، اقتصادی و صنعتی به طور غیرمستقیم از نظام سیاسی حاکم در ایران حمایت می‌کرد. از این رو، در زمان بحران دچار هیچ‌گونه مشکل سیاسی از نظر منطقه‌ای و بین‌المللی نبود و تمام کشورهای دنیا چه از نوع سرمایه‌داری و سوسیالیستی تا پیروزی انقلاب اسلامی به طور کامل و با تمام قوت از رژیم شاه و جنایاتش در مقابل مردم حمایت می‌کردند. با این حال، انقلاب شکوهمند اسلامی امت مسلمان ایران به رهبری خردمندان پیشوای بزرگ خود، نه تنها نظام فاسد و پوسیده پهلوی را سرنگون کرد؛ بلکه پوزه حامیان قدرتمند منطقه‌ای و بین‌المللی آن را نیز، به خاک مالید و دست همه آنها را از خاک کشور اسلامی ایران کوتاه و ثابت کرد که هرگونه قدرتی اعم از داخلی و خارجی در مقابل اراده مصمم مردم یک کشور، تاب و توان مقابله را نخواهد داشت.



## شرایط سیاسی:

## الف) فرانسه:

نوع حکومت سیاسی فرانسه در قرن ۱۸ و در آغاز بحران‌های سیاسی و حرکت‌های مردمی، پادشاهی مطلقه بود. در این نوع حکومت شاه صاحب تخت و تاج بود و به مردم چنین القا شده بود که سلطنت موهبتی الهی در دست شاه است؛ بنابراین هیچ مخلوق زمینی حق مقاومت و اعتراض در برابر او را ندارد. در حکومت آن کشور هیچ گونه مرجع قانون‌گذاری و نظارت بر اجرای قانون وجود نداشت. اراده شاه حکم قانون را داشت و همانند قانون زنده محسوب می‌شد. حتی سلاطین فرانسه به این هم اکتفا نکرده و مدعی بودند که بر عقاید مردم نیز حاکمیت دارند.<sup>۱۶</sup>

بعد از شاه بیشترین قدرت سیاسی، برنامه‌های مالی، اداری و سیاسی در دست عده‌ای از درباریان اشراف‌زاده و مرفه بود. این اشراف‌زادگان که از نظر تعداد، درصد کمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دادند به تشکیل یک نوع دیوان سالاری موروثی، تمام مقام‌ها و مسئولیت‌های مهم و حساس کشور را در دست داشتند. این مقام‌ها بعد از مرگ آنها به طور موروثی به فرزندان آنها تعلق می‌گرفت و افراد دیگر حق اشغال چنین پست‌هایی را نداشتند. نتیجه چنین سیستمی این بود که افراد طبقه سوم که اکثریت قریب به اتفاق کشور را تشکیل می‌دادند، هیچ گونه جایگاهی در نظام مدیریتی اداری - مالی و سیاسی نداشتند. همچنین در تصاحب پست‌ها در چنین نظامی، به طور مسلم دیگر شایستگی، لیاقت و صلاحیت مطرح نبود و مقام و جایگاه شغلی هرکس از قبل و به طور موروثی مشخص و معین می‌گردید.<sup>۱۷</sup>

از نظر فساد و سوء مدیریت، نظام سیاسی فرانسه در این دوره به ویژه در زمان قبل از انقلاب در بدترین وضعیت قرار داشت. لویی پانزدهم و شانزدهم از فاسدترین و نالایق‌ترین پادشاهان آن کشور در طول تاریخ بودند. فساد مالی، فساد اخلاقی، اختلاس، دزدی و عیش و عشرت در زمان آنها به اوج خود رسید. درباریان و اشراف‌زادگان هم که بعد از شاه، مقام‌های کشور را در بین خود تقسیم کرده بودند، وضعیتی بهتر از پادشاه نداشتند. اگر شخصی هم به طور غیرمنتظره از میان آنان درصدد سروسامان دادن به چنین اوضاع نابسامان اقتصادی و مالی برمی‌آمد با

مخالفت درباریان و اشراف زادگان روبرو می شد.

مأموران مالیاتی که از طرف دربار وظیفه جمع آوری مالیات ها را به عهده داشتند، با غارت و چپاول اموال مردم آنها را تحت فشار شدید اقتصادی قرار می دادند.<sup>۱۸</sup> نتیجه طبیعی چنین سوء مدیریت سیاسی، نارضایتی، شورش، اعتراض و سرانجام انقلاب خواهد بود که در فرانسه چنین شد.

#### (ب) روسیه:

با بررسی نظام سیاسی و اجتماعی روسیه در اوایل قرن بیستم و در هنگام انقلاب ۱۹۱۷ میلادی این نتیجه بدست می آید که: مدیریت سیاسی در آن کشور هم فاقد صلاحیت لازم بود و در بحران مشروعیت به سر می برد. مردم روسیه به دلیل سوء مدیریت و عدم دخالت خود در ساختار سیاسی و تصمیم گیری آن کشور با شورش هایی که در سال ۱۹۰۵ میلادی برپا کردند، موفق به کسب پاره ای از آزادی های اجتماعی، از جمله تشکیل مجلس (دوما)، آزادی اجتماعات، مطبوعات و اعتصاب شدند و در ظاهر حکومت مطلقه تزاری را تبدیل به مشروطه کرده بودند. اما تزار (نیکلای دوم) در طی سال های ۱۵-۱۹۰۵ میلادی دوبار با از بین بردن این دست آوردهای جزئی مردم، تبدیل به حاکم مستبد و مطلق شد و با هرگونه تقسیم قدرت و مشارکت مردم در سرنوشت خود مخالفت کرد.<sup>۱۹</sup>

بعد از تزار و دربار او، یک دسته از اشراف ممتاز بر مقام های حساس و مهم نظام اجتماعی آن کشور تکیه زده بودند و از به قدرت رسیدن افراد طبقه پایین هرچند با استعداد و بالیافت جلوگیری می کردند. بسیاری از این اشراف زادگان، افرادی خودبین، راحت طلب و تهی مغز بودند، که مردم طبقات پایین با بدبینی به آنها نگاه می کردند. همچنین در کنار تزار و همسرش (تزارینا) درباریان و اشراف زادگان فاسد، شخص حيله گر دیگری با کسوت روحانی به نام، گریگوری راسپوتین قرار گرفته بود که نفوذ و تأثیر فوق العاده ای در تزار و همسرش و دربار و اداره سیاسی کشور داشت. وی شخص فاسد و رشوه خوار و عیاش بود و از دربار تزار هم حقوق فراوانی دریافت می کرد.<sup>۲۰</sup> پس، حاکمیت مستبدانه و خودکامه تزار، بی کفایتی و ضعف مدیریتی او، تسلط عده ای از اشراف زادگان و درباریان فاسد و راحت طلب بر مصدر قدرت سیاسی حاکم و جلوگیری از ورود افراد طبقه پایین به مقام های بالا، نفوذ

زیاد همسر تزار و راپسوتین در دربار و اداره امور سیاسی کشور، عدم شرکت مردم در سرنوشت سیاسی خود و... همه دست به دست هم داده بودند تا مدیریت سیاسی آن کشور فاقد صلاحیت و مشروعیت لازم باشد.<sup>۲۱</sup> واضح است که در چنین موقعیتی حداقل گروهی از مردم ساکت نمی‌نشینند و بیامی خیزند تا نظام موجود و نامناسب را سرنگون کرده و نظام سیاسی مطلوب و مورد نظر خود را روی کار آورند. از این رو، کمونیست‌های روسیه با استفاده از موقعیت جنگ جهانی اول و ضعف‌های دیگری که قبلاً بدان اشاره شد، قیام خود را آغاز کرده و سرانجام نظام تزاری را سرنگون و حکومتی جدید با مرام و ایدئولوژی مارکسیستی در کشور خود حاکم کردند.

### ج) ایران:

مدیریت سیاسی ایران نیز، قبل از انقلاب چه از نظر مشارکت مردمی و چه از نظر فساد مالی، اقتصادی و اداری همانند کشورهای فوق بود. نوع حکومت ایران از زمان‌های گذشته به ویژه در دوران قاجاریه پادشاهی مطلقه بود و مردم هیچ‌گونه مشارکتی در امور سیاسی و اجتماعی کشور نداشتند. هرچند نظام سیاسی ایران با نهضت مشروطیت در سال ۱۲۸۵ ه. ش. تبدیل به حکومت مشروطه شد؛ اما با به قدرت رسیدن رضاخان در ایران که با تغییر قانون اساسی مشروطه، پادشاه دوباره صاحب قدرت مطلقه گردید. پس از رضاخان، پسرش محمدرضا به پادشاهی رسید. وی در نخستین دهه حکومت خود دچار مشکلاتی بود؛ ولی کم‌کم با کمک کشورهای بیگانه به ویژه آمریکا و انگلیس و با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ه. ش. بیگانه قدرت و تصمیم‌گیرنده کشور گردید. وی نیز با تغییراتی در قانون اساسی حکومت را تبدیل به پادشاهی مطلقه کرد و با حمایت دو کشور مذکور تمام اهرم‌های قدرت سیاسی و نظامی کشور را در دست گرفته، روز به روز پایه‌های اقتدارش را مستحکم‌تر کرد. در زمان او تمام مراکز قدرت سیاسی و نظامی کشور یا به طور مستقیم در دست خودش و یا عده معدودی از خانواده پهلوی، فراماسون‌ها و بهاییان قرار داشت.<sup>۲۲</sup>

از نظر فساد مالی، اقتصادی و اداری در حالی که اکثریت مردم ایران در فقر و فلاکت بسر می‌بردند، شاه و درباریان و خانواده هزار فامیل او با حیف و میل و

چپاول بیت‌المال مشغول فساد، دزدی، رشوه‌خواری، اختلاس و خوش‌گذرانی در نقاط خوش‌آب و هوای ایران و کشورهای دیگر بودند. این گروه اندک پول‌های کلان نفت را که با چند برابر شدن قیمت آن به دست آمده بود و متعلق به آحاد ملت مسلمان ایران بود، همانند مال شخصی خود در اختیار گرفته، خرج عیاشی‌ها و خوش‌گذرانی‌های خود می‌کردند.<sup>۲۳</sup>

در مجموع مدیریت سیاسی ایران قبل از انقلاب همانند دو کشور مذکور چه از نظر عدم مشارکت مردمی، تمرکز قدرت سیاسی در دست شاه و درباریان و گروه اندک اطرافیان او و چه از نظر فساد مالی و اداری و چه از نظر مشروعیت و مقبولیت، در شرایط خوب مردمی قرار نداشت. به همین دلیل قدرت سیاسی در ایران فاقد لیاقت، شایستگی و صلاحیت لازم برای اداره کشور بود. از این رو، از نظر مردم لازم بود که برای اداره صحیح جامعه و برقراری عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه درآمدها، برقراری آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، قدرت حاکم سرنگون گردد. و نظام دیگری که دارای صلاحیت باشد به قدرت برسد. به همین دلیل انقلاب اسلامی ایران با پشتیبانی قاطع مردم ایران به پیروزی رسید.

## مشارکت مردمی

### الف) فرانسه:

کشور فرانسه در دوران انقلاب در حدود ۲۵ میلیون نفر جمعیت داشت که اکثریت قریب به اتفاق آنها در روستا زندگی می‌کردند. از نظر جامعه شناختی، مردم فرانسه به طور کلی به سه طبقه روحانیون، نجبا و طبقه سوم تقسیم شده بودند. تعداد افراد طبقه ممتاز جامعه (روحانیون و نجبا) که صاحبان اصلی قدرت سیاسی جامعه بودند، رقم بسیار ناچیزی در حدود ۲ درصد بود. در حالی که طبقه سوم که ۹۸ درصد جمعیت آن کشور را تشکیل می‌دادند، فاقد هرگونه امتیاز سیاسی بودند؛ این طبقه خود شامل: بورژواها، توانگران، صنعتگران، کارگران و کشاورزان بود. صنف بورژوا شامل معلمان، پزشکان، وکلای دادگستری، تجار بزرگ، بازرگانان، صاحبان صنایع کوچک و کارگاهها و عمال دولتی بودند. این صنف که در حدود سیصد هزار نفر بودند در طول قرن ۱۸ به ثروت زیادی دست پیدا کرده بودند. بورژواها به دلیل دارا بودن سواد و معلومات کافی، کتابهای سیاسی و اقتصادی

زمان خود را که توسط افرادی چون ولتر، مونتسکیو و روسو، نوشته شده بود، مطالعه کرده و خواستار انقلاب سیاسی و اجتماعی در آن کشور بودند. بورژوا تلاش می‌کردند که با دگرگونی در آن کشور، همانند دو طبقه دیگر، در مدیریت سیاسی و مشارکت جامعه سهمی داشته باشند.<sup>۲۴</sup>

بدین ترتیب صنف بورژوا که شامل تعداد معدودی از طبقه سوم جامعه آن زمان فرانسه بود، هسته اصلی و اولیه انقلاب کبیر فرانسه را تشکیل داده و مبارزه علیه رژیم حاکم که در دست دو طبقه دیگر بود را آغاز کرد؛ البته در این راه عده‌ای از طبقات ممتاز نیز با آنها همراه شدند. با توجه به این توضیح مشخص می‌شود که اکثریت مردم آن کشور که همان طبقه سوم منهای بورژوا بودند، نقش قابل توجهی در حرکت ۱۷۸۹ میلادی؛ یعنی تصرف پاریس و سقوط زندان باستیل و تشکیل حکومت مشروطه نداشتند. در واقع، فساد مالی و اقتصادی و درماندگی نظام حاکم در اداره امور کشور باعث شد که رژیم متوسل به دو طبقه ممتاز شود؛ چون آنها به درخواست نظام جواب منفی دادند به ناچار لویی شانزدهم دستور تشکیل مجلس طبقات را صادر کرد.

نکته دیگری که در طول انقلاب فرانسه قابل تأمل است، این است که انقلاب بیشتر در شهر پاریس (پایتخت) تجلی یافت و مردم سایر نقاط کشور چندان مشارکتی در حرکت‌های اولیه انقلاب نداشتند؛ به عبارت دیگر، خاستگاه انقلاب شهر پاریس بود و مردم سایر شهرهای آن کشور و روستاها بعد از پیروزی انقلاب به صحنه آمده، تحولات مهم بعد از آن را شکل دادند.<sup>۲۵</sup>

بدین لحاظ ادعای غربی‌ها مبنی بر این که، انقلاب فرانسه را به عنوان یک انقلاب مردمی و سراسری و با شرکت اقشار مردم آن کشور قلمداد می‌کنند، نمی‌توان قبول کرد. هرچند به لحاظ این که اولین نوع انقلاب اجتماعی بود و در نوع خودش قابل تأمل و توجه است.

#### ب) روسیه:

جامعه روسیه در طول دوران تزار به عنوان یک کشور کشاورزی و فئودالی شناخته شده بود، که اکثریت مردم آن در روستاهای دور تحت سلطه فئودال‌ها مشغول کشاورزی بودند و تنها عده معدودی در شهرها زندگی می‌کردند؛ اما از

اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰، این کشور تحت تأثیر پیشرفت‌های صنعتی سریع اروپا قرار گرفت. کم‌کم با استفاده از سرمایه‌های خارجی رشد صنعتی آن آغاز شد. با آغاز به کار صنایع مختلف در شهرهای روسیه، عده‌ای از دهقانان، روستاها را ترک کردند و در کارخانه‌جات صنعتی مشغول کار شدند. تجمع کشاورزان ناراضی از سیستم فئودالی کشور، به تشکیل یک طبقه جدید به نام کارگران صنعتی (پرولتر) را در کارخانه‌ها داد و زمینه لازم را برای مبارزه علیه رژیم تزاریسم در آن کشور فراهم کرد، که از جمله آنها، شورش کارگران در سال ۱۹۰۵ میلادی بود که منجر به تسلیم رژیم تزار در مقابل بعضی از خواسته‌های آنها شد.<sup>۲۶</sup>

در سال‌های قبل از انقلاب بر تعداد کارگران روسیه افزوده شد و جمعیتی بالغ بر ۳ میلیون نفر را شامل شد؛ اما این تعداد نسبت به جمعیت ۱۲۲ میلیون نفری آن روز روسیه، هنوز ناچیز بود. شروع انقلاب در سال ۱۹۱۷ میلادی با اعتصاب‌ها و راهپیمایی‌های کارگران شهر (سن پترزبورگ) آغاز شد و با پیوستن عده کمی از گروه‌های دیگر به پیروزی رسید؛ در واقع درصد کمی از کارگران در انقلاب شرکت داشتند. سایر شهرها و گروه‌های دیگر نقش چندانی در آن نداشتند؛ پس با توجه به چگونگی شکل‌گیری و پیروزی، انقلاب روسیه را هم نمی‌توان به عنوان یک انقلاب سراسری مردمی و همگانی محسوب کرد؛ چرا که فقط با شرکت تعداد معینی از کارگران پایتخت که حدود ۲ درصد از جمعیت آن کشور را تشکیل می‌دادند، شکل گرفته و به ثمر رسید. علاوه بر این، در این کشور وسیع و پرجمعیت، گروه‌های و اقلیت‌های مذهبی زیادی نیز ساکن بودند که نقشی در انقلاب نداشتند و بعدها بدان پیوستند.<sup>۲۷</sup> نتیجه این که، مشارکت مردمی در انقلاب روسیه بسیار ضعیف و قابل توجه نبود که بتوان آن را به عنوان یک انقلاب مردمی و سراسری قلمداد کرد.

### ج) ایران:

وضعیت مشارکت مردمی در انقلاب ایران با انقلاب‌های فرانسه و روسیه به طور کلی فرق داشت. یکی از ویژگی‌ها و وجه تمایز انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلاب‌های دنیا، حضور گسترده و یکپارچه مردم بود. برخلاف کشورهای فرانسه و روسیه، انقلاب اسلامی ایران به یک شهر و یا یک طبقه وابسته نبود؛ بلکه همه

اقشار مردم اعم از شهری، روستایی، کشاورزان، کارگران، کارمندان، بازاریان، روشنفکران، دانشگاهیان، روحانیون، مردان و زنان، به طور گسترده و یکپارچه از همه شهرها و روستاها همگام و همزمان علیه رژیم پهلوی دست به قیام زدند و با دادن هزاران شهید و جانباز به پیروزی رسیدند.<sup>۲۸</sup> عاملی که باعث چنین حضور گسترده مردم ایران در صحنه مبارزه شد، دین اسلام بود، دینی که از همان آغاز گسترش وقتی به مردم ایران معرفی شد، با جان و دل و با آغوش باز آن را پذیرفتند و وارد زندگی فردی و اجتماعی خود کردند. در طول ۱۴۰۰ سال، تاریخ، فرهنگ، ادبیات، هنر و تمدن مردم ایران با اسلام عجین شد و ارزش‌ها و ایده‌آل‌های آنها را تشکیل داد و عامل مهم وحدت اقشار مردم ایران گردید. زمانی که مردم مسلمان ایران ارزش‌ها و اعتقادات حاکم بر حکومت محمدرضا پهلوی را برخلاف ارزش‌ها و اصول اعتقادی خود احساس کردند، به صورت گسترده و با رهبری امام خمینی (ره) از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ه. ش. دست به قیام و انقلاب زدند. انقلاب اسلامی مردم ایران که غالب افراد کشور در آن شرکت داشتند و دین اسلام به ویژه مذهب شیعه عامل حرکت آنان بود، سرانجام پس از سال‌ها مبارزه در بهمن ۱۳۵۷ ه. ش. به پیروزی رسید و حکومت پهلوی را به همراه نظام ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی سرنگون کرد.<sup>۲۹</sup>

## رهبری و ایدئولوژی

### الف) انقلاب فرانسه:

رهبری: با مطالعه انقلاب فرانسه به راحتی می‌توان به این نتیجه رسید که در آن انقلاب، چهره شاخصی که بتواند دارای همه ویژگی‌های مربوط به رهبر باشد، و در تمام مراحل، انقلاب را رهبری کند و مورد قبول همه و دارای مشروعیت لازم باشد، وجود ندارد. افرادی مثل: روبسپیر، دانتون؛ لافایت؛ مارا؛ سن ژوست، بابوف و... هرکدام به علت روحیات و توانایی خود در زمان معین و محدودی رهبری مردم را پس از پیروزی به دست داشتند و قبل از پیروزی و حتی در زمان درگیری، مردم انقلابی فاقد یک رهبری واحد و یا حتی جمعی بوده‌اند. رهبران انقلاب فرانسه بیشتر، از یک طبقه (طبقه بورژوا) بودند. آنها بیشتر از آن که مردم را به حرکت درآورند، خود سوار بر موج انقلاب می‌شدند، به همین علت فاقد پایگاه مردمی

بودند. این یکی از دلایلی بود که آنها نمی‌توانستند مدت زیادی بر مسند قدرت قرار بگیرند. علاوه بر این، آنها پس از پیروزی انقلاب و در زمانی که رهبری مردم را به عهده داشتند با یکدیگر بر سر قدرت به مبارزه برخاستند و همدیگر را به قتل می‌رساندند و این خود عاملی مهم در سرخوردگی مردم از آنها می‌شد.<sup>۳۰</sup>

ایدئولوژی: حاکمیت مطلق در ایدئولوژی سیاسی قبل از انقلاب فرانسه، از آن خدا بود که به وسیله پاپ‌ها به پادشاهان واگذار می‌شد. در واقع پادشاهان مشروعیت سلطنت خود را از کلیسا دریافت می‌کردند و به همین دلیل حکومت خود را ودیعه‌ای الهی دانسته تا کسی نتواند به مقابله با قدرت آنها برخیزد. بدین ترتیب، حکومت استبدادی با مشروعیت دینی بر مردم سلطه داشت.<sup>۳۱</sup>

عده‌ای از نویسندگان و روشنفکران فرانسه از سال‌ها قبل از انقلاب، با این نوع حکومت به مقابله پرداختند و انتقادهای زیادی از اوضاع سیاسی و اجتماعی آن کشور کردند که از جمله آنها، مونتسکیو، ولتر، ژان ژاک روسو بودند. به ویژه روسو را بنیانگذار فکری انقلاب فرانسه می‌دانند. این متفکران و سایر روشنفکران قرن ۱۸ فرانسه، از حکومت مشروطه انگلستان تمجید کرده و افکار آزادیخواهی و لیبرالیستی خود را تبلیغ می‌کردند. انقلابیون فرانسه به ویژه نمایندگان اولین مجلس آن کشور، بعد از انقلاب از افکار و عقاید این متفکران استفاده کرده و ایدئولوژی لیبرالیسم و حکومت دموکراسی را بنا نهادند. از ویژگی‌های این ایدئولوژی، انتقال حاکمیت از خدا به مردم، اصالت فرد و فردگرایی، آزادی‌های فردی، حمایت از بخش خصوصی و جدایی دین از سیاست است...<sup>۳۲</sup>

### ب) انقلاب روسیه:

رهبری: تاریخ انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ میلادی روسیه، نشان دهنده این است که فاقد یک رهبری واحد بوده است. حرکت‌های انقلابی که ماه فوریه سال ۱۹۱۷ میلادی در روز بین‌المللی زنان و با شرکت کارگران آغاز شد، بدون رهبری و دخالت هیچ یک از رهبران مارکسیستی و غیر مارکسیستی بود. در این روزگروه‌های مختلف کارگران به صورت خود جوش به خیابان‌ها ریخته و نارضایتی خود را از اوضاع وخیم اقتصادی اعلام کردند. این تظاهرات چند روز به صورت خود جوش و بدون برنامه‌ریزی و سازماندهی هیچ گروهی در شهر سن پترزبورگ ادامه داشت که



سرانجام منجر به درگیری و دخالت مأموران پلیس و کشته شدن عده‌ای و در نتیجه سرنگونی رژیم تزاری در روسیه شد.<sup>۳۳</sup>

در این مرحله از انقلاب، یعنی سقوط رومانف‌ها هیچ یک از رهبران بعدی، نقشی نداشتند و همه از شهر سن پترزبورگ دور بودند. افرادی مانند لنین و تروتسکی در خارج از کشور، استالین کامنف و... در تبعید یا زندان به سر می‌بردند. که پس از سقوط رومانوف‌ها و تشکیل دولت موقت کم‌کم از تبعید و زندان رها شده و رهبری حرکت‌های انقلابی کارگران و دهقانان را به عهده گرفتند. در نتیجه پس از عدم موفقیت‌های دولت‌های جدید، سرانجام در اکتبر ۱۹۱۷ میلادی، بلشویک‌ها به رهبری لنین که شامل گروه اکثریت حزب سوسیال دمکرات بودند، قدرت را در کشور روسیه در دست گرفتند.<sup>۳۴</sup> هیچ یک از رهبران انقلاب روسیه که مرحله دوم انقلاب (ماه‌های سپتامبر و اکتبر) را رهبری کردند. مقبولیت و مشروعیت یک رهبر کامل و جامع را دارا نبودند.

ایدئولوژی: از اواسط قرن نوزدهم گروه‌ها و سازمان‌های زیادی در روسیه فعالیت می‌کردند که از جمله آنها پوپولیست‌ها، سوسیالیست‌ها، لیبرالیست‌ها، مارکسیست‌ها و سوسیال دموکرات‌ها بودند. هرکدام از این گروه‌ها دارای ایدئولوژی خاص خود بودند. از میان همه این گروه‌ها، سازمان مارکسیستی که به وسیله پلخانف (پدر مارکسیسم روسیه) بنیانگذاری شده بود، مشهورتر بود. این گروه بعدها با نام سوسیال دموکرات شناخته شد، در اثر انشعابی که در آن رخ داد این گروه به دو گروه بلشویک (اکثریت) به رهبری لنین و منشویک (اقلیت) به رهبری پلخانف تقسیم شد. این دو گروه از قبل در روسیه فعالیت می‌کردند و در انقلاب به ویژه از مرحله دوم نقش مؤثری داشتند، ولی سرانجام بلشویک‌ها قدرت را بعد از پیروزی به دست گرفتند.

ایدئولوژی هر دو گروه مارکسیسم بود، از ویژگی‌های این ایدئولوژی اعتقاد به اصالت ماده و اصالت جمع، دیکتاتوری طبقه کارگر، تمرکز انحصارات و ابزار تولید در دست دولت و ضدیت با دین بود؛ البته مارکسیسم یک ایدئولوژی وارداتی برای کشور روسیه محسوب می‌شد و پدران فکری آن مانند مارکس و انگلس افراد غیر روسی بودند. به همین دلیل این ایدئولوژی در آن کشور دارای سابقه طولانی با نفوذ عمیق و ریشه‌ای نبود.<sup>۳۵</sup>

### ج) انقلاب اسلامی ایران

رهبری: رهبری در انقلاب اسلامی ایران برخلاف روسیه و فرانسه واحد و منحصر به فرد بود و هر سه نقش: - ایدئولوگ یا بنیان‌گذار فکری انقلاب، فرمانده کل عملیات انقلاب و به عنوان معمار و سازنده جامعه بعد از انقلاب - را در انقلاب به عهده داشت. امام خمینی (ره) از سال ۱۳۴۲ ه. ش. و حتی قبل از آن به عنوان ایدئولوگ و بنیان‌گذار فکری انقلاب، قیام خود را علیه رژیم پهلوی آغاز کرد. ایشان قبل از این که انقلاب را آغاز کند، به عنوان مرجع تقلید، رابطه معنوی خوبی را با مردم برقرار کرده و در بین اقشار مختلف مردم دارای محبوبیت ویژه بود. به واسطه همین نفوذ معنوی، مدتی را که در عراق به حال تبعید به سر می‌بردند، ارتباط او با پیروانش قطع نگردید.

مشروعیت شرعی و مقبولیت عامه امام خمینی (ره) باعث شد که او کشتی انقلاب را به خوبی هدایت و به پیروزی برساند. بدین سبب جاذبه‌ها، مقبولیت‌ها، درایت و آینده‌نگری، مرجعیت و سایر ویژگی‌های او سبب شد که ایشان همواره در قلوب میلیون‌ها مسلمان ایران و جهان جا داشته باشد و همه بدون چون و چرا از او اطاعت نموده و انقلاب اسلامی را حمایت و پشتیبانی کنند؛ پس از پیروزی نیز با توجه به پشتیبانی قاطع و همه جانبه مسلمانان از آن پیر فرزانه، انقلاب اسلامی به رغم حوادث و دشواری‌های داخلی و خارجی در جهت اهداف و اصول اولیه خود، که همان برپایی حکومت اسلامی بر اساس اسلام ناب محمدی بود به پیش رود. امام خمینی (ره) برخلاف رهبران انقلاب‌های روسیه و فرانسه، هر سه مرحله از انقلاب را هدایت کرد و تا هنگام وفاتش رهبری بی‌چون و چرا و منحصر به فرد بود.<sup>۳۶</sup> از این رو، انقلاب اسلامی ایران از نظر رهبری چه قبل از پیروزی و چه بعد از پیروزی، منحصر به فرد و یگانه است و قابل مقایسه با هیچ یک از انقلاب‌های بزرگ دنیا نیست.

ایدئولوژی: بعد از پیروزی نهضت مشروطیت، پادشاهان ایران به ویژه رضاخان و محمدرضا پهلوی سعی کرده بودند با الهام از لیبرالیسم غرب، جدایی دین از سیاست را در ایران تبلیغ کنند. آنها همچنین با توجه به تاریخ قبل از اسلام، افکار ناسیونالیستی و ملی‌گرایی ایران را جهت توجیه سلطنت خود ترویج می‌کردند. اما با توجه به اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران حدود ۱۴۰۰ سال دین اسلام را قبول

کرده و اصول و ارزش‌های دینی در همه ابعاد زندگی آنها گسترش پیدا کرده بود، به همین منظور این خاندان چندان در کار خود موفق نبودند. رهبر کبیر انقلاب اسلامی با توجه و آگاهی به نفوذ عمیق اسلام و فقه شیعه در میان مسلمانان ایران، تز جدایی دین از سیاست را مورد حمله قرار داد و اسلام را به عنوان بهترین ایدئولوژی انقلابی و ظلم‌ستیز مطرح کردند. امام خمینی (ره) با ارائه اصل (ولایت فقیه) با استناد به آیات قرآن کریم و احادیث منقول از ائمه معصومین (ع)، ثابت کردند که احکام خدا هیچ‌گاه تعطیل بردار نیست و در زمان غیبت اما زمان (ع) حکومت متعلق به فقهاست، به همین دلیل حکومت اسلامی را در ایران ایجاد کرد.<sup>۳۷</sup> ویژگی حکومت اسلامی بر اساس مکتب تشیع در زمان غیبت امام معصوم (ع) بر اصل ولایت فقیه و حاکمیت مطلق الهی بر همه شئون زندگی بشر استوار است. همچنین معتقد است که حکومت بر انسان‌ها به پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد (ص) و پس از او به ائمه معصومین (ع) واگذار شده است و در زمان غیبت نیز متعلق به فقیه عادل و جامع شرایط است که قدرت او از طریق آرای مردم به عینیت می‌رسد و مشروعیت پیدا می‌کند؛ برخلاف انقلاب‌های فرانسه و روسیه که ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های حاکم بر آنها مادی و دنیایی بود، ارزش‌ها و ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران، الهی و معنوی و از تقدیس ویژه‌ای در نزد مسلمانان برخوردار است که توانست نقش اساسی و مهمی در حرکت مردم ایفا کند.

## پی‌نوشت‌ها

۱. تاریخ قرن هیجدهم، انقلاب کبیر فرانسه و امپراطوری ناپلئون، آلبرماله، همان، ۱۳۵۲، صص ۳۶۸-۳۲۰.
۲. همان مأخذ.
۳. انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های فرانسه و روسیه، منوچهر محمدی، انتشارات سعید، تهران، صص ۵۷-۵۵.
۴. همان مأخذ، صص ۶۱-۵۸ و تاریخ انقلاب روسیه، لئون تروتسکی، ترجمه سعید باستانی، ج ۱، نشر فانوسا، تهران، ۱۳۶۰، صص ۴۲-۲۷.
۵. انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های فرانسه و روسیه، منوچهر محمدی، صص ۶۱-۶۳.
۶. همان مأخذ، صص ۶۶-۶۴.
۷. همان مأخذ، صص ۱۹۵-۱۷۷.
۸. تاریخ قرن هجدهم، انقلاب کبیر فرانسه و امپراطوری ناپلئون، آلبرمه، همان، صص ۴۷۳-۴۷۶.
۹. تاریخ روسیه، پیر پاسکال، ترجمه گودرزی، مؤسسه عطائی، تهران، بی‌تا، صص ۱۰۲ و ۱۲۴ و ۱۲۷.
۱۰. تحولات روابط بین‌الملل از کنگره وین تا امروز، احمد نقیب‌زاده، قوس، تهران، ۱۳۶۹، صص ۱۴۰-۱۲۵.
۱۱. انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های فرانسه و روسیه، منوچهر محمدی، صص ۸۴-۸۵.
۱۲. رویارویی انقلاب اسلامی ایران را آمریکا، جمیله کدیور، مؤسسه اطلاعات، تهران، ۱۳۷۲، صص ۵۲-۴۵.
۱۳. انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های فرانسه و روسیه، منوچهر محمدی، صص ۷۶-۸۰.

۱۴. جنگ قدرت‌ها در ایران، باری روبین، ترجمه محمود مشرفی، چاپ آشتیان، تهران، ۱۳۶۳، ص ۹۱.
۱۵. همان مأخذ، ص ۱۰۳.
۱۶. تاریخ قرن هیجدهم، انقلاب کبیر فرانسه و امپراطوری ناپلئون، آلبرمه، صص ۲۴۲-۳۴۳.
۱۷. کالبد شکافی چهار انقلاب، کرین برنتون، ترجمه محسن ثلاثی، نشر نو، تهران ۱۳۶۳، ص ۷۴.
۱۸. انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های فرانسه و روسیه، منوچهر محمدی، صص ۹۵-۹۶.
۱۹. انقلاب روسیه، فرانسوا گزاویه کوکن، ترجمه عباس آگاهی، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۹، صص ۲۱-۲۰.
۲۰. کالبد شکافی چهار انقلاب، کرین برنتون، همان، ص ۷۵.
۲۱. انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های فرانسه و روسیه، منوچهر محمدی، صص ۱۱۱-۱۱۴.
۲۲. تحلیلی بر انقلاب اسلامی، منوچهر محمدی، همان، صص ۷۱-۵۹.
۲۴. انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های فرانسه و روسیه، منوچهر محمدی، صص ۱۱۱-۱۱۴.
۲۵. همان مأخذ، صص ۱۱۷-۱۱۵.
۲۶. انقلاب روسیه، فرانسوا گزاویه کوکن، همان، صص ۱۷-۱۱.
۲۷. انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های فرانسه و روسیه، منوچهر محمدی، صص ۱۲۷-۱۲۸.
۲۸. رویارویی انقلاب اسلامی ایران با آمریکا، جمیله کدیور، مؤسسه اطلاعات، تهران، ۱۳۷۲، صص ۶۳-۶۷.
۲۹. مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی، صادق زیباکلام، همان، صص ۷۲-۶۱ و اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی، محمدی، همان، ص ۲۰.
۳۰. انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های فرانسه و روسیه، منوچهر محمدی، صص ۱۵۳-۱۵۵.
۳۱. همان مأخذ، صص ۱۷۰-۱۷۶.

۳۲. تحلیلی بر انقلاب اسلامی، منوچهر محمدی، همان، صص ۱۱۷-۱۰۸.
۳۳. تاریخ انقلاب روسیه، لئون تروتسکی، ج ۱، همان، ص ۱۴۱.
۳۴. همان مأخذ.
۳۵. انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های فرانسه و روسیه، منوچهر محمدی، همان، صص ۱۸۴-۱۷۸.
۳۶. رویارویی انقلاب اسلامی ایران با آمریکا، جمیله کندیور، همان، صص ۶۳-۵۷ و تحلیلی بر انقلاب اسلامی، منوچهر محمدی، همان، صص ۱۰۷-۹۵.
۳۷. تحلیلی بر انقلاب اسلامی، منوچهر محمدی، همان، ص ۱۹۹.

## فصل پنجم

### آفات انقلاب اسلامی

انقلاب‌ها و نهضت‌ها نیز مانند همه پدیده‌های عالم در معرض آفات هستند، آفاتی که چهره‌های گوناگون و متفاوتی دارند؛ چنانچه این آفات به موقع شناسایی و دفع نشوند ممکن است انقلاب را از بین ببرند و یا حداقل انقلاب را از رسیدن به اهداف و آرمانهایش باز دارند؛ لذا این وظیفه رهبران و مردم انقلابی است که ضمن تلاش در شناسایی خطرات مربوط و با هوشیاری کامل راهکارهای مبارزه و دفع آن را جستجو و به کار بندند. در نتیجه انقلاب اسلامی ایران نیز، از این اصل کلی مستثنی نیست؛ بنابراین نگارنده در نظر دارد که با توجه به عبرت‌آموزی از حوادث و تحولات گذشته و نگاهی عمیقانه به حوادث بعد از انقلاب اسلامی ایران، نکاتی را در جهت حفظ و حراست از این پدیده شگفت‌انگیز قرن ارائه دهد، که در ادامه بحث به برخی موارد مهم آن اشاره می‌شود.

#### ۱. نفوذ فرصت طلب‌ها

هر نهضتی، هنگامی که مراحل دشوار اولیه را طی می‌کند سنگینی و سختی روی دوش افراد فداکار است؛ اما همین که نشانه‌های پیروزی آشکار گشت و از دشواری‌های آن کاسته شد سروکله افراد فرصت طلب پیدا می‌شود. اینان با توجه به مشکلات فراوان و توقعات زیاد مردم از انقلابیون، سعی می‌کنند حداکثر استفاده را از وضع موجود ببرند. به گونه‌ای که اگر رهبری در این برهه به داد انقلاب نرسد موجب انحراف انقلاب می‌شوند و در بسیاری از موارد ممکن است حتی در

دستگاه رهبری رخنه کنند و رهبری انقلاب را بر عهده بگیرند. فرصت طلب‌ها بر دو نوع هستند: گروهی که فقط به دنبال جاه‌طلبی و کسب موقعیت هستند و گروهی که عقیده‌ای متفاوت با انقلابیون دارند. و چون از مواجهه با انقلابیون مأیوس هستند، با تغییر ظاهر خود و نفوذ در سیستم سیاسی در صدد وارد کردن ضربه از درون آن هم در موقعیت مناسب هستند.<sup>۱</sup>

فرصت طلبها با نفوذ خود در درون انقلاب‌ها و نهضت‌ها، اثرات شومی را از خود به جای گذاشته‌اند که به تعدادی از آنها اشاره می‌گردد. پس از رحلت پیامبر (ص) کم‌کم پای فرصت طلب‌ها به درون نهضت باز شد. طولی نکشید که این گونه افراد جای شخصیت‌های مؤمن به اسلام و اهداف اسلامی را گرفتند، به طوری که ابوذرها و عمارها به تبعیدگاه‌ها فرستاده شدند یا زیر لگدهای آنان پایکوب شدند در عوض کعب‌الاحبارها به مقام مشاورت رسیدند.

در نهضت مشروطه سید عبدالله طباطبایی، سید محمد بهبهانی، شیخ فضل‌الله نوری، سردار ملی و سالار ملی و سایر قهرمانان، نهضت را به پیروزی رساندند؛ ولی پس از پیروزی، فلان الدوله‌ها که تا دیروز زیر پرچم استبداد با انقلابیون می‌جنگیدند و طناب به گردن مشروطه خواهان می‌انداختند به مقام صدارت عظمی رسیدند و نهضت را به صورت استبداد درآوردند. همچنین نفوذ فرصت طلب‌ها به درون نهضت ملی شدن نفت باعث شد که خون شهدای ۳۰ تیر و زحمات طاقت فرسای آیت‌الله کاشانی، دکتر محمد مصدق و مردم ایران با یک کودتای ساده از بین برود. دلیل این شکست‌ها این بود که اختیار نهضت‌ها در دست کسانی بود که نقشی در نهضت نداشتند.<sup>۲</sup>

هرچند امام خمینی (ره) از ابتدا از رخنه و نفوذ فرصت طلبان به داخل نهضت جلوگیری کردند و در نهایت نیز نگذاشتند آنها اختیار نهضت را در دست بگیرند، ولی با این حال توانستند ضربات زیادی را به انقلاب وارد سازند. و از طرفی با لطایف‌الحیل توانستند بعضی از پستهای کلیدی از جمله ریاست جمهوری را اشغال کنند و از طرف دیگر با رخنه در دستگاه‌های دولتی فاجعه هفتم تیر و هشتم شهریور ۱۳۶۰ و... را به وجود آورند.



## ۲. کم رنگ شدن ارزش‌ها و رو آوردن به ضد ارزش‌ها

با سقوط یک رژیم سیاسی، ارزشهای مسلط آن از بین نمی‌رود. هرچقدر زمان مبارزه برای پیروزی انقلاب کمتر باشد، حضور ارزش‌های قبلی، در جامعه بیشتر نمودار است. از جمله آنها می‌توان به راحت‌طلبی، فساد اخلاق، رشوه‌خواری و... اشاره کرد که اگر مبارزه مستمری با آنها صورت نگیرد ارزش‌های قبل از انقلاب، دوباره بر مملکت مسلط شده و انقلاب را به نابودی می‌کشاند. همچنین مسئله خودباختگی نیز از مواردی است که انقلاب را از درون تهدید می‌کند؛ لذا با توجه به دشمنی دیرینه بعضی از یهودیان و مسیحیان افراطی با اسلام باید مواظب بود که جوانان و تحصیل‌کردگان، در مقابل ظواهر آنان خود را نبازند، چرا که اینان از هر طریق ممکن اعم از اخلاق، ادبیات، سیاست و... آداب و رسوم و ارزش‌های اسلامی و ملی را به باد تمسخر گرفته و در عوض آداب و افکار پوچ و ویرانگری خود را در قالب تمدن و تجدد به خورد جوانان ما می‌دهند و آنان را از آشنایی با اسلام که مخالف هرگونه فساد و بی‌بند و باری است باز می‌دارند؛ آنگاه با شیخون فرهنگی، آنها را از درون مورد تهاجم قرار داده و به نابودی می‌کشاند. نمونه این خودباختگی فرهنگی در نهضت مشروطیت مشاهده می‌شود، نهضت مشروطیت با حضور فعال روحانیت و بر اساس ارتباط دین و سیاست به پیروزی رسید، پس از پیروزی، روشنفکران غربزده با حملات تند به اسلام و با طرح شعار جدایی دین از سیاست دست روحانیت را از دخالت در سیاست و نظارت بر انقلاب کوتاه کردند؛ هنوز چند سالی از نهضت مشروطیت نگذشته بود که از درون آن، استبداد صغیر و سپس استبداد رضاخانی ظهور کردند و وضع به مراتب بدتر از قبل از نهضت مشروطیت گردید.<sup>۳</sup> یکی از دلایل شکست نهضت ملی شدن نفت نیز همین خودباختگی فرهنگی بود.

زیرا این نهضت به پشتوانه اسلام و با رهبری روحانیت به پیروزی رسیده بود. دشمن نیز به خوبی می‌دانست که تا مادامی که مردم با نام اسلام در صحنه هستند نهضت را حفظ خواهند کرد؛ لذا با نفوذ مزدوران خود به داخل نهضت، اختلاف بین رهبران نهضت را باعث شد. در حالی که آیت‌الله کاشانی معتقد به نقش دین اسلام و حضور مردم در صحنه و اداره کشور براساس نفی استعمار بود. اما مصدق به خاطر طرز تفکر غرب‌گرایانه خود معتقد به جدایی دین از سیاست و حضور

مردم در اداره کشور بود؛ اما افرادی را به کار گرفت که مورد اعتماد مردم نبودند. در نهایت همین خود باختگی و اعتماد به افراد خائن، سبب شد تا مردم مسلمان ایران طی ۲۵ سال تاوان سنگین آن را پردازند.<sup>۴</sup>

### ۳. تاجر و مقدس‌نمایی

تاجر به مفهوم جمود و انعطاف ناپذیری است، حالتی که شخص در مقابل هر پدیده جدید به دلیل تازه بودن واکنش منفی از خود نشان می‌دهد. تاجر عوامل متعددی دارد که عمده‌ترین آنها جهل، غرور و تکبر است؛ بنابراین متاجر آنچه را درست می‌پندارد علم تلقی می‌کند و در نتیجه حاضر نیست ذره‌ای از پندار خود عدول کند. این غرور باعث خودبزرگ بینی متاجر شده و اجازه اعتراف به اشتباه را نمی‌دهد.

متحجرین و مقدس‌نماها همیشه آلت دست استعمارگران قرار گرفته و مانع ترقی امت اسلامی شده‌اند. در صدر اسلام متحجرین به طور متشکل به مبارزه با قرآن ناطق و حجت حق برخاستند و میدان را برای فرصت طلبان گشودند. نتیجه آن شکاف و اختلاف در صفوف مسلمین و عقب ماندگی آنها در درازمدت شد. نمونه بارز این طرز تفکر در زمان حضرت علی (ع) در جنگ صفین بود. سپاه معاویه به هنگام شکست، قرآن‌ها را بر سر نیزه کرده و بحث حکمیت را مطرح کردند. این حيله دشمن کارگر شد. و به رغم اصرار امام علی (ع) مبنی بر ادامه مبارزه، سپاه آن حضرت دست از مبارزه کشید. پس از این که حکمیت نتیجه مطلوب نداد، همین مقدس‌نماها روبروی امام ایستادند و جنگ نهروان را برپا کردند. سرانجام هم امام علی (ع) به دست یکی از این خوارج (مقدس‌نماها) به شهادت رسید.

همزمان با شروع نهضت امام خمینی (ره) در سال ۱۳۴۱ و مبارزه ایشان علیه رژیم ستم شاهی، متحجرین و مقدس‌نماها سد راه مبارزه شده، به طوری که امام خمینی (ره) مبارزه با اینها را هزاربار سخت‌تر از مبارزه با رژیم می‌دانستند. در خرداد ۱۳۴۲ مقابله با گلوله تفنگ و مسلسل شاه نبود که اگر تنها این بود مقابله را آسان می‌نمود؛ بلکه علاوه بر آن از داخل جبهه خودی، گلوله حيله و مقدس‌مآبی و تاجر بود، گلوله زخم زبان و نفاق و دورویی بود که هزاران بار بیشتر از باروت و سرب جگر و جان را می‌سوزاند و می‌درید.<sup>۵</sup>

پس از پیروزی انقلاب و استقرار نظام مقدس اسلامی نیز، این نوع افراد به مبارزه با نظام اسلامی برخاستند. برخی به ملحدین و ضد انقلاب پیوستند، برخی در کشور ماندند و سعی کردند به هر وسیله مشروعیت نظام را زیر سؤال برده و خوراک تبلیغاتی برای رسانه‌های گروهی بیگانگان تهیه کنند. امام خمینی (ره) در پایان عمر مبارکشان گوشه‌ای از خیانت‌های آنها نسبت به اسلام را بازگو کرد و فرمودند: «خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است هرگز از فشارها و سختی‌های دیگران نخورده است و آن قدر که اسلام از این مقدسین روحانی نما ضربه خورده است از هیچ قشر دیگری نخورده است.»<sup>۶</sup>

در نهایت مقام معظم رهبری خطر تحجر را این گونه بیان فرموده‌اند: «... تحجر آنست که کسی که می‌خواهد از مبانی اسلام و فقه اسلام، برای بنای جامعه استفاده کند، به ظواهر اکتفا کند. و نتواند کشش طبیعی احکام و معارف اسلامی را، در آن جایی که قابل کشش است درک کند و برای نیاز یک ملت و یک نظام و یک کشور، که نیاز لحظه به لحظه است، نتواند علاج و دستور روز را نسخه کند و ارائه بدهد. این بلای، بزرگ است. اگر در راس نظام‌های سیاسی که براساس اسلام تشکیل شده است یا در آینده تشکیل خواهد شد؛ چنین روحیه‌ای وجود داشته باشد، یقیناً اسلام بدنام خواهد شد و نخواهد توانست از منبع لایزال و احکام اسلامی، جامعه را به پیش ببرند و امام خمینی (ره) خود را از این آفت مبرا کرد و...»<sup>۷</sup>

#### ۴. انفعال پذیری، خودباختگی و تجددگرایی افراطی

داشتن روحیه انفعال پذیری و تجددگرایی افراطی و یا این که هر کاری را با ارزش‌های غربی محک زدن و نیز خودباختگی در برابر غرب خطر بزرگی است که انقلاب‌ها و اصالت ملت‌ها را تهدید می‌کند. مقام معظم رهبری این مورد را یکی از آفت‌های انقلاب اسلامی برمی‌شمرد و می‌گوید: «... آن چیزی که باید مورد توجه قرار بگیرد و من اصرار دارم که مردم عزیز ما به خصوص جوانان و همچنین مسئولان بخش‌های مختلف نظام جمهوری اسلامی بدان توجه کنند، این است که دشمنان نظام جمهوری اسلامی، وقتی نمی‌توانند در میدان مبارزه رویارویی، کار مؤثری با این نظام انجام بدهند،... وقتی از همه اینها یعنی اقتصادی، نظامی، امنیتی و انفجار داخلی مأیوس می‌شوند، یک راه برای آنها باقی می‌ماند و آن، این است که نظام

اسلامی و انقلابی را، به مواضعی برخلاف اصول خود سوق دهند. یا به عبارت ساده‌تر و روشن‌تر او را وادار کنند که از گفته‌های خود در زمینه مسایل انقلاب برگردد، حرف و مواضع خود را تخطئه بکند و خودش را دچار تناقض نماید. این را از چه راهی انجام می‌دهند؟

از راه فشارهای تبلیغاتی، سیاسی و فرهنگی جو را آن چنان از فشار انباشته می‌کنند، که انسان‌های ضعیف‌النفس، در مقابل این فشار نمی‌توانند مقاومت بکنند... این خطر بزرگی است که صاحبان فکر و اندیشه را در کشورها تهدید می‌کند، در مقابل این خطر باید مثل کوه استوار ایستاد.<sup>۸</sup> لذا برای دفع خطر از تحجر و خودباختگی باید جانب اعتدال را رعایت کرد، تا از افراط و تفریط پرهیز نمود. و این راهی بود که امام انتخاب کرد و رستاخیز قرن را به وجود آورد و نهایتاً نوید احیای تمدن اسلامی را به ما ارزانی داشت.

### ۵. تجمل‌گرایی

زراندوزی و داشتن روحیه کاخ نشینی و ساز و کار با کاخ نشینان، بی‌توجهی به وضع معیشتی کوچ نشینان و فقرا و در فشار روحی قرار دادن آنان، از جمله ویژگی‌های این نوع‌گرایی است.

کلام گوهر بار امام علی (ع) به رهبران جامعه اسلامی، و سفارش به زندگی عاری از هر نوع تجمل‌گرایی، در جهت ایجاد جامعه سالم و بدون آفت‌زدگی، گویای چنین امری است؛ ایشان در این زمینه می‌فرماید: «رهبران باید به گونه‌ای زندگی‌شان را سامان دهند تا فشار اقتصادی، بر طبقات ضعیف قابل تحمل باشد.»<sup>۹</sup> بنابراین، تجمل‌گرایی یکی از آفات مهم انقلاب اسلامی است که منتهی به رفاه‌طلبی، فاصله طبقاتی و عدم توجه به آرمان‌های انقلاب اسلامی می‌شود؛ و ادامه این روند سبب خروج از اهداف اصلی انقلاب و از دست دادن پشتوانه مردمی این نظام و... می‌انجامد.

### ۶. عدم مواجهه با آزادی و سوء استفاده از آن

آزادی یکی از نعمت‌های خداوند است و انسان فطرتاً خواستار آن است؛ که با بهره‌مندی و استفاده درست از آن، می‌توان به فعالیت‌های اساسی و اجتماعی و زیربنایی پرداخت و نیز مشکلات مادی و معنوی جامعه را برطرف نمود؛ اما ملتی

که سالیان متمادی در چنگال دیو استبداد قدرت نفس کشیدن نداشتند، همین که یکباره و بدون آمادگی قبلی نعمت آزادی را در آغوش بگیرند به جای آن که در موقعیت جدید به فعالیت اساسی و زیربنایی پردازند و مشکلات مادی و معنوی جامعه را برطرف نمایند، برعکس، با اقدامات و عملکرد نامناسب خود، به عنوان طعمه‌ای سعی در نابودی آن می‌کنند؛ و به نام آزادی آن چنان سوء استفاده می‌شود که از کار اصیل و انقلابی خویش پشیمان می‌شوند - نظیر آنچه که در جریان مشروطیت گذشت - . بنابراین، چنین سوء استفاده از آزادی مانند شمشیر دودم اساس انقلاب را تهدید می‌کند؛ زیرا مسئولین یا وضعیت موجود را تحمل می‌کنند که خود به هرج و مرج و خستگی مردم می‌انجامد، یا به محدود کردن آزادی و یا سلب آن از مردم می‌پردازند؛ که خود آغازی است که بر پایان دادن به انقلاب و حاکمیت استبداد. در نتیجه ضمن بهره‌گیری از آزادی و رعایت حقوق دیگران و حفظ آن، لازم است که آموزش لازم برای استفاده صحیح از آن به مردم داده شود.

#### ۷. عدم تحمل سیاسی و نداشتن روحیه انتقاد پذیری

اگر روحیه انتقاد پذیری و تحمل سیاسی در جامعه انقلابی ضعیف باشد و یا نادیده گرفته شود، قهراً صاحبان قدرت با هرکس که از لحاظ سلیقه با آنها هماهنگ نباشند مخالف خواهند بود. و اولین اقدامشان در جهت بیرون راندن و حذف حریف مقابل، تهمت و انگ زدن می‌باشد. در صورتی که در جامعه انقلابی، طرح افکار و نقد آن، در حدود قانون یک امر منطقی و عقلانی خواهد بود. و عمل تهمت و انگ زدن نشانه عدم بلوغ سیاسی است. از طرفی، اصلاح افراد با خراب کردن دیگران مثمر نخواهد بود؛ بلکه ما باید خودمان را معرفی نموده و افکار آنها را نقد کنیم، پس اولین کاری که باید در جامعه انقلابی صورت بگیرد، این است که همدیگر را بدنام و متهم نکنیم؛ زیرا این اقدامات پاسخ‌های متقابلی را به همراه خواهد داشت، که پیامد آن فضای منطقی جامعه را تبدیل به جامعه عصبی می‌نماید و در نتیجه، با عمل اتهام و بدنامی دلسوزان انقلاب به تدریج کنار گذاشته شده و افراد چاپلوس و... قدرت را در دست خواهند گرفت. این مهم‌ترین خطری است که همواره وجود داشته و آثار تخریبی چند جانبه دارد. در نهایت، امید است که با توجه به اخلاق اسلامی، اتخاذ محور مشترک و با تمرین و تحمل، بتوانیم این

راه دشوار را که دیگران با خون طی کرده‌اند (جنگ ۳۰ ساله مذهبی در اروپا)، ما با آرامش طی کنیم.

#### ۸. عدم رعایت قوانین و حاکمیت روابط به جای ضوابط

آثار عدم رعایت قانون و حاکمیت روابط به جای ضوابط، سبب بی انضباطی اجتماعی و اقتصادی، سرمایه‌های بادآورده، عدم وجدان کاری و مانند آنها خواهد بود. عدم رعایت قانون اگرچه، حتی با حسن نیت همراه باشد نباید این عمل را انجام داد؛ زیرا زمینه‌ای برای نقض قانون همراه با سوءنیت خواهد شد. علاوه بر این اگر قانونی بد بود باید آن را اصلاح کرد نه زیر پا گذاشت. علاوه بر این، همه باید در برابر قانون از حقوق مساوی برخوردار باشند و تبعیض در اجرای قانون نباشد. از طرفی، اگرچه قانون به هر میزان مترقی و کامل باشد، به تنهایی برای تأمین هدف و رفع مشکل کارساز نخواهد بود؛ بنابراین اجرای قانون بر اساس ضوابط و اقدام علی‌السویه برای همه اقشار مختلف - حکومت عدل و قسط بر اساس نوید همه انبیاء و اولیای الهی - عدالت اجتماعی را در پی خواهد داشت؛ لذا هر انقلابی بعد از دوران اقدامات انقلابی، در جهت حاکمیت قوانین و نهادینه کردن آن، ممکن است خطر حاکمیت روابط به جای ضوابط به طور جدی وجود داشته باشد. که همواره آثار تخریبی آن چندین برابر خواهد بود.

#### ۹. سرپیچی از فرامین رهبری و تضعیف آن

هیچ رهبری بدون برخورداری از پشتیبانی و حمایت‌های مردمی قادر به ادامه وظایف خود نخواهد بود - حتی اگر پیامبر (ص) یا امام معصوم (ع) باشد؛ بنابراین اطاعت از رهبری که مجتهد آگاه به زمان عادل و با تقوا و مجاهدی نستوه (در شرایطی که استکبار جهانی کمر به نابودی ملت ایران بسته است و انقلاب نیز اهداف کلان و بلندمدت دارد) از لحاظ شرعی، اخلاقی واجب اکید می‌باشد. اثر مستقیم آن نیز احساس دلگرمی مسئولین نظام و مقاومت آنان در برابر افزون خواهی‌های دشمنان خواهد بود. برعکس عدم پیروی از رهبر و تنها گذاشتن رهبری قطعاً موجب گستاخی دشمنان و نابودی نظام و مردم انقلابی خواهد شد. امام علی (ع) درباره نقش زمامدار و امور رهبری در جامعه می‌فرماید: «... جایگاه زمامدار امور همانند بند تسبیح نسبت به دانه‌هاست که آنها را گرد آورده و به هم

پیوند می دهد، پس هنگامی که بند تسبیح بگسلد دانه ها از هم جدا شده و هریک به سویی پراکنده می شوند و دیگر هرگز نمی توان آنها را جمع آوری نمود.»<sup>۱۰</sup>

### ۱۰. خستگی نیروهای انقلابی

ادامه انقلاب اسلامی تا رسیدن به کلیه اهدافش، یک اصل است که هیچ گاه نباید از ذهن و فکر انقلابیون دور شود و افراد انقلابی باید بدون خستگی و با نشاط کامل، برای رسیدن به اهداف اصلی انقلاب تلاش نمایند و رسیدن به بعضی از اهداف اولیه مانند حکومت، آنان را از اهداف اصلی، باز ندارد. در هر حال سست شدن مردم از ادامه راه انقلاب، یکی از آفات مهم انقلاب است که ممکن است به دلایل متعددی از جمله، رفاه طلبی و یا برخورد با مشکلات در ادامه راه حاصل شود.

امام خمینی (ره) درباره نقش مردم در انقلاب می فرماید: «تا وقتی حکومت ما بتواند این حالت مردمی خودش را حفظ کند و مسئولین همان طور که در حال حاضر در اغلب موارد مشاهده می شود مردمی باشند، از حمایت مردم برخوردارند و با پشتیبانی مردم هیچ آسیبی به انقلاب نمی رسد.»<sup>۱۱</sup>

بیشتر نهضت های صد ساله اخیر به خاطر همین نقیصه ها به ثمر نرسیدند. برای مثال پس از پیروزی نهضت مشروطیت و کنار رفتن رهبران نهضت و به تبعیت از آنها مردم، نهضت به شکست انجامید. در انقلاب عراق نیز همین ماجرا تکرار شد، در نهضت ملی شدن صنعت نفت نیز پس از کنار رفتن رهبران مذهبی، نهضت از درون متلاشی شد؛ چراکه مردم در عمل حاضر نبودند جانشان را فدا کنند در حالی که به خواسته هایشان نرسیده بودند؛ بنابراین، نهضت قبل از شکست ظاهری از درون متلاشی شده بود و پشتیبانی مردمی خود را از دست داده بود و به همین جهت با اندک پول و تهاجمی به شکست انجامید. و استبداد ۲۵ ساله بر ایران حاکم شد... و.<sup>۱۲</sup>

آفات انقلاب به همین چند مورد ختم نمی شود؛ بلکه موارد دیگری مثل اختلاف، ابهام در طرح های آینده، بازگشت از معنویت و... نیز وجود دارد که هر کدام از آنها به تنهایی یا با همدیگر قادرند انقلابی را از درون بیوسانند.

## پی‌نوشت‌ها

۱. نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، مرتضی مطهری، صدرا، تهران، بی‌تا، صص ۹۳-۸۹.
۲. تاریخ معاصر ایران، وزارت آموزش و پرورش، تهران، بی‌تا، صص ۹۳-۹۲.
۳. تاریخ معاصر ایران، جلال‌الدین مدنی، ج ۱، صص ۹۳-۹۲.
۴. همان مأخذ، صص ۹۳-۹۲.
۵. صحیفه نور، امام خمینی، ج ۲۱، ص ۹۲.
۶. صحیفه نور، امام خمینی، ج ۲۱، ص ۹۱.
۷. متن سخنرانی آیت‌الله سید علی خامنه‌ای در حرم امام خمینی (ره)، تهران، ۷۶/۳/۱۴.
۸. همان مأخذ،
۹. نهج‌البلاغه، فیض الاسلام، کلمات قصار، ۱۶۳، ص ۳۱۹.
۱۰. نهج‌البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۱۴۶، ص ۴۴۲.
۱۱. رویداد و تحلیل، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، شماره ۴۵، همان، ص ۱۰.
۱۲. انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، عباسعلی عمید زنجانی، ص ۴۱۷.



## کتابنامه

۱. آرکدی - نیکی، ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۵۷.
۲. آرنٹ - هانا، انقلاب، ترجمه عزت‌الله فولادوند، خوارزمی، تهران، ۱۳۶۱.
۳. آژند - یعقوب، قیام تنباکو، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۷.
۴. آل احمد - جلال، در خدمت و خیانت روشنفکران، ج ۱ و ۲، خوارزمی، تهران، ۱۳۵۷.
۵. آل اسحاق خوئی - علی، اسلام از دیدگاه دانشمندان جهان، ج ۱، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۰.
۶. آلبرمه، تاریخ قرن هیجدهم (انقلاب کبیر فرانسه و امپراطوری ناپلئون)، ترجمه رشید یاسمی، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۶۲.
۷. آموزش و پرورش، پلی به سوی اسلام نوین، وزارت آموزش و پرورش، تهران، بی تا.
۸. آموزش و پرورش، تاریخ معاصر ایران، وزارت آموزش و پرورش، تهران، بی تا.
۹. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۳.
۱۰. استانفورد کوهن - آلوین، تئوری‌های انقلاب، ترجمه علیرضا طیب، قومس، تهران، بی تا.
۱۱. افراسیابی - بهرام، ایران و تاریخ، انتشارات زرین، تهران، ۱۳۶۴.
۱۲. امام خمینی - روح الله، آئین انقلاب اسلامی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۳.
۱۳. امام خمینی - روح الله، البیع، مهر، قم، بی تا.

۱۴. امام خمینی - روح الله، صحیفه نور، ج ۲ و ۳ و ۴ و ۷ و ۹ و ۱۳ و ۱۸ و ۲۱، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۶۹.
۱۵. امام خمینی - روح الله، کشف الاسرار، انتشارات مصطفی، قم، بی تا.
۱۶. امام خمینی - روح الله، کوثر، ج ۱، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۳.
۱۷. باقی - ع، تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی به روایت بی.بی.سی (مصاحبه ناطق با رادیوی بی.بی.سی)، نشر تفکر، قم ۱۳۷۳.
۱۸. برینتون - کرین، کالبد شکافی چهار انقلاب، ترجمه محسن ثلاثی، نشر نو، تهران، ۱۳۶۳.
۱۹. بشیریه - حسین، انقلاب و بسیج سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۴.
۲۰. پارسانیا - حمید، حدیث پیمان، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی، قم، ۱۳۷۶.
۲۱. پاسکال - پیر، تاریخ روسیه از مبادی تا ۱۹۱۷ میلادی، ترجمه گودرزی، مؤسسه عطایی، تهران، بی تا.
۲۲. پیشوائی - مهدی، شخصیت‌های اسلامی شیعه، بی تا، بی جا، بی تا.
۲۳. تروتسکی - لئون، تاریخ انقلاب روسیه، ترجمه سعید باستانی، ج ۱، نشر فانوس، تهران، ۱۳۶۰.
۲۴. تیموری - ابراهیم، تحریم تنباکو اولین مقاومت منفی در ایران، کتاب‌های جیبی، تهران، ۱۳۶۱.
۲۵. جاسبی - عبدالله، انقلاب مشروطیت، حزب جمهوری اسلامی، تهران، بی تا.
۲۶. جعفریان - رسول، جنبش مشروطیت ایران، توس، قم، ۱۳۶۹.
۲۷. جمعی از نویسندگان، امروز و فردای انقلاب اسلامی ایران، نشر نوید اسلام، تهران، ۱۳۵۹.
۲۸. حائری - عبدالهادی، تشیع و مشروطیت در ایران، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴.
۲۹. حکیمی - محمدرضا، تفسیر آفتاب، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، بی تا.
۳۰. خامنه‌ای - سید علی، متن سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای در حرم امام

- خمینی، تهران، ۷۶/۳/۱۴.
۳۱. خلیلی - اکبر، گام به گام، سروش، تهران، ۱۳۷۴.
۳۲. خلیلیان - خلیل، حقوق بین الملل اسلامی، ج ۱، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۴.
۳۳. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مجله حوزه، شماره ۷۶ و ۷۷، قم، ۱۳۵۷.
۳۴. دوانی - علی، نهضت روحانیون ایران، ج ۸ و ۹ و ۱۰، بنیاد فرهنگی امام رضا (ع)، مشهد، بی تا.
۳۵. دهقان - حمید، پژوهشی نو پیرامون انقلاب اسلامی، مدین، قم، ۱۳۷۶.
۳۶. رجبی - محمد حسین، زندگینامه سیاسی امام خمینی، وزارت ارشاد، تهران، ۱۳۶۹.
۳۷. روبین - باری، جنگ قدرت‌ها در ایران، ترجمه محمود مشرق، چاپ آشتیان، تهران، ۱۳۶۳.
۳۸. روحانی - سید حمید، تحلیلی بر نهضت امام خمینی، ج ۱ و ۲، بی تا، بی جا، ۱۳۶۱.
۳۹. روزنامه آیندگان، تهران، ۱۳۵۸/۱۱/۸.
۴۰. زنجانی - محمدرضا، تحریم تنباکو، بی تا، بی جا، بی تا.
۴۱. زیباکلام - صادق، مقدمه بر انقلاب اسلامی، روزنه، تهران، ۱۳۵۷.
۴۲. سازمان مدارک انقلاب اسلامی، حدیث ولایت، ج ۳، سازمان مدارک انقلاب اسلامی، تهران، بی تا.
۴۳. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مجله پیام انقلاب، شماره ۳۲، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۱.
۴۴. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مجله رویداد و تحلیل، شماره ۴۵، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تهران، بی تا.
۴۵. سید جوادی - علی اصغر، تا زمانی که شاهان وجود دارند، بی تا، تهران، بی تا.
۴۶. سیوطی - جلال الدین، درالمنثور، ج ۶، چاپ بیروت.
۴۷. شریف کاشانی - محمد مهدی، واقعیات اتفاقیه در روزگار مشروطه، ج ۱،

- نشر تاریخ ایران، تهران، بی تا.
۴۸. شیخ صدوق - ، علل الشرایع، ج ۱، .
۴۹. صافی گلپایگانی - لطف الله، پرتویی از عظمت حسین، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۶۹.
۵۰. صدر - سید محمدباقر، انسان مسئول و تاریخ ساز از دیدگاه قرآن، ترجمه محمد مهدی فولادوند، بنیاد قرآن، بی جا، ۱۳۵۹.
۵۱. صدر - سید محمدباقر، تشیع مولود طبیعی اسلام، ترجمه علی حجتی کرمانی، پژوهش های اسلامی، بی جا، بی تا،
۵۲. صفایی - ابراهیم، رهبران مشروطه، جاویدان، تهران، ۱۳۶۲.
۵۳. طاهری - حبیب الله، انقلاب و ریشه ها، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۶۹.
۵۴. طباطبائی - سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱ و ۲، اسماعیلیه، قم، ۱۳۶۶.
۵۵. طباطبائی - سید محمد حسین، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.
۵۶. طباطبائی - محمد محیط، نقش سید جمال الدین در بیداری مشرق زمین، مقدمه ای از سید هادی خسروشاهی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، بی تا.
۵۷. عمید زنجانی - عباسعلی، انقلاب اسلامی و ریشه های آن، نشر کتاب سیاسی، تهران، ۱۳۶۹.
۵۸. فیض الاسلام، نهج البلاغه.
۵۹. قرآن کریم.
۶۰. کدیور - جمیله، رویارویی انقلاب اسلامی ایران با آمریکا، وزارت ارشاد، تهران، ۱۳۶۹.
۶۱. کرمانی، ناظم الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱ و ۲، بی نا، بی جا، بی تا.
۶۲. کسروی - احمد، تاریخ مشروطه در ایران، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۹.
۶۳. کولن - فرانسوا گزارد، انقلاب روسیه، ترجمه عباس آگاهی، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۹.

۶۴. گروه تحقیقات علمی، مبانی فراماسونری، ترجمه جعفر سعیدی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۶.
۶۵. محمدی - منوچهر، انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های فرانسه و روسیه، سعید، تهران، بی تا.
۶۶. محمدی - منوچهر، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۰.
۶۷. محمدی ری شهری - محمدمهدی، رمز تداوم انقلاب در نهج البلاغه، انتشارات یاسر، تهران، بی تا.
۶۸. مدنی - جلال‌الدین، تاریخ تحولات سیاسی در روابط خارجی ایران، ج ۱ و ۲، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۶۹.
۶۹. مدنی - جلال‌الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱ و ۲، دفتر انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۶۱.
۷۰. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مجله ۱۵ خرداد، شماره ۴، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۰.
۷۱. مطهری - مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی، صدرا، تهران، بی تا.
۷۲. مطهری - مرتضی، پیرامون جمهوری اسلامی، صدرا، تهران، ۱۳۷۰.
۷۳. مطهری - مرتضی، جامعه و تاریخ، صدرا، تهران، بی تا.
۷۴. مطهری - مرتضی، قیام و انقلاب مهدی، صدرا، تهران، ۱۳۷۵.
۷۵. مطهری - مرتضی، نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، صدرا، تهران، بی تا.
۷۶. معاونت امور اساتید دروس معارف اسلامی، مأخذشناسی توصیفی، ج ۱، معاونت امور اساتید دروس معارف اسلامی، قم، ۱۳۷۶.
۷۷. معاونت امور اساتید دروس معارف اسلامی، مجموعه مقالات انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، ج ۱، معاونت امور اساتید دروس معارف اسلامی، قم، ۱۳۷۶.
۷۸. معرفت - محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، ج ۳، بی تا، بی جا، بی تا.
۷۹. ملک‌زاده - مهدی، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۱، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۵۸.
۸۰. ملکوتیان - مصطفی، جزوه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، تهران،

۱۳۷۶.

۸۱. ملکوتیان - مصطفی، سیری در نظریه‌های انقلاب، قومس، تهران، ۱۳۷۲
۸۲. موثقی - احمد، استراتژی وحدت، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۰.
۸۳. موثقی - احمد، جزوه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ۱۳۷۶.
۸۴. موثقی - احمد، جنبش‌های اسلامی معاصر، سمت، تهران، ۱۳۷۴.
۸۵. نائینی - محمدحسین، تنبیه‌الامة و تنزیه‌الملة، ترجمه و تشریح سید محمود طالقانی، شرکت سهامی انتشارات، تهران، ۱۳۶۱.
۸۶. نجفی - موسی، اندیشه تحریم در تاریخ سیاسی ایران، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۱.
۸۷. نقیب‌زاده - احمد، تحولات روابط بین‌الملل از کنگره وین تا امروز، قومس، تهران، ۱۳۶۹.
۸۸. ولایتی - علی‌اکبر، مقدمه، فکری نهضت مشروطیت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۸.
۸۹. هاشمی رفسنجانی - اکبر، انقلاب یا بعثت جدید، یاسر، قم، بی‌تا.





مؤسسه انتشارات

پرسیزگار

قم - خیابان صفائییه - کوچه ۲۲ انتهای الخم - پلاک ۱۵۶  
تلفن: ۷۷۳۶۱۸۲ ص پ / ۱۱۱۹-۳۷۱۳۵

شابک ۹۶۴-۹۲۸۱۶-۱-۴

ISBN 964-92816-1-4

